



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

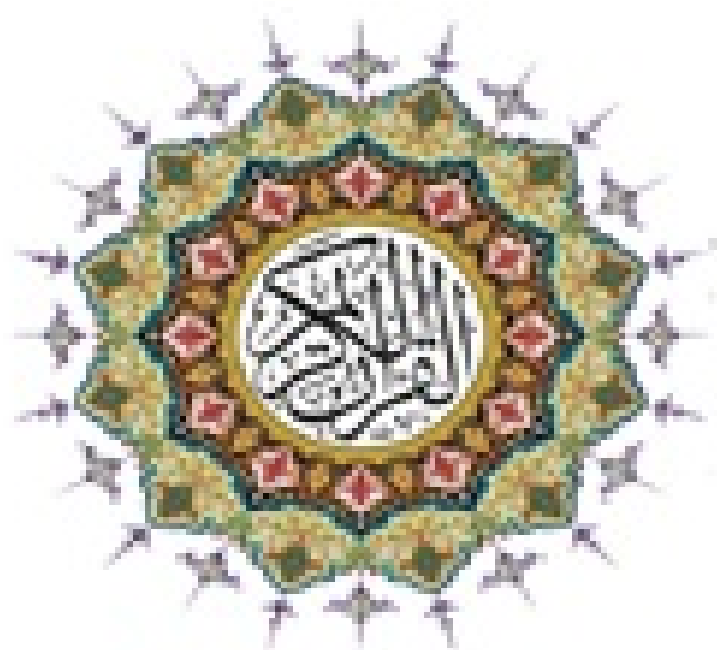
.com

.org

.net

.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۹۷

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 97

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۵۲	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۹۷
۵۲	مشخصات کتاب
۵۲	۱- مشعر الحرام
۵۲	۱- استغفار در مشعر الحرام
۵۲	۲- ذکر در مشعر الحرام
۵۴	۳- قداست مشعر الحرام
۵۴	۴- وقوف در مشعر الحرام
۵۷	۲- مشکلات
۵۷	۱- آثار تحمل مشکلات دین
۵۷	۲- آثار رفع مشکلات ایوب(ع)
۵۷	۳- آثار مشکلات
۵۸	۴- آثار مشکلات اجتماعی
۵۸	۵- آثار مشکلات اقتصادی
۵۸	۶- آثار مشکلات زندگی
۶۰	۷- آثار مشکلات مشرکان
۶۰	۸- آثار مشکلات موسی(ع)
۶۰	۹- اخلاص و نجات از مشکلات اجتماعی
۶۰	۱۰- امیدواری به حل مشکلات
۶۲	۱۱- انبیا و بررسی مشکلات تبلیغ
۶۲	۱۲- انبیا و بررسی مشکلات نبوت
۶۲	۱۳- اندوه بر مشکلات مردم
۶۴	۱۴- اهمیت بیان مشکلات
۶۴	۱۵- اهمیت تبیین مشکلات

- ۱۶- اهمیت حلّ مشکلات اجتماعی ۶۴
- ۱۷- اهمیت ذکر مشکلات اقتصادی ۶۶
- ۱۸- اهمیت رفع مشکلات اجتماعی ۶۶
- ۱۹- اهمیت رفع مشکلات اقتصادی جامعه ۶۶
- ۲۰- اهمیت رفع مشکلات اقتصادی فقرا ۶۸
- ۲۱- اهمیت رفع مشکلات اقتصادی متکدیان ۶۸
- ۲۲- اهمیت رفع مشکلات خانوادگی ۶۸
- ۲۳- اهمیت مشکلات اخروی ۶۸
- ۲۴- اهمیت مشکلات گرسنگی ۷۰
- ۲۵- بی اعتنایی به مشکلات اجتماعی ۷۰
- ۲۶- بی تفاوتی در حل مشکلات مؤمنان ۷۰
- ۲۷- بی تفاوتی در مشکلات جامعه ۷۱
- ۲۸- پاداش تحمل مشکلات دینداری ۷۲
- ۲۹- تبیین مشکلات ۷۲
- ۳۰- تبیین مشکلات راه هدایت ۷۲
- ۳۱- تحمل مشکلات ایمان ۷۴
- ۳۲- تحمل ناپذیری مشکلات ایمان ۷۴
- ۳۳- تسهیل مشکلات تبلیغ ۷۴
- ۳۴- حلّ مشکلات اجتماعی ۷۴
- ۳۵- حل مشکلات مشرکان ۷۶
- ۳۶- درخواست حل مشکلات ۷۶
- ۳۷- دعا برای حل مشکلات ۷۶
- ۳۸- رفع مشکلات ابراهیم(ع) ۷۸
- ۳۹- رفع مشکلات اقتصادی صحابه ۷۸
- ۴۰- رفع مشکلات ایوب(ع) ۷۸
- ۴۱- رفع مشکلات خویشاوندان ۷۸

- ۴۲- رفع مشکلات زکریا(ع) ۸۰
- ۴۳- رفع مشکلات کافران ۸۰
- ۴۴- رفع مشکلات مؤمنان ۸۰
- ۴۵- رفع مشکلات نوح(ع) ۸۱
- ۴۶- روش حل مشکلات ۸۲
- ۴۷- زمینه تحمل مشکلات تبلیغ ۸۲
- ۴۸- زمینه رفع مشکلات ۸۲
- ۴۹- زمینه رفع مشکلات تبلیغ دین ۸۵
- ۵۰- زمینه رفع مشکلات رسالت ۸۶
- ۵۱- زمینه مشکلات ۸۶
- ۵۲- زمینه مشکلات اجتماعی ۸۶
- ۵۳- زمینه مشکلات اجتماعی زنان ۸۸
- ۵۴- زمینه مشکلات روحی ۸۸
- ۵۵- زمینه مشکلات فرزند ۸۸
- ۵۶- زمینه مشکلات محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۸
- ۵۷- صبر بر مشکلات حق ۹۰
- ۵۸- صبر بر مشکلات وحی ۹۰
- ۵۹- صبر در مشکلات ۹۰
- ۶۰- عوامل تسهیل مشکلات محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۰
- ۶۱- عوامل رفع مشکلات ۹۲
- ۶۲- عوامل مشکلات قوم ثمود ۹۲
- ۶۳- عوامل نجات از مشکلات ۹۴
- ۶۴- فرار منافقان از مشکلات ۹۴
- ۶۵- فلسفه مشکلات قوم ثمود ۹۴
- ۶۶- فلسفه مشکلات موسی(ع) ۹۴
- ۶۷- فلسفه مشکلات یهود ۹۶

- ۶۸- قیاس مشکلات با نعمتها ۹۶
- ۶۹- کمی مشکلات ۹۶
- ۷۰- محمد(صلی الله علیه و آله) و مشکلات ۹۸
- ۷۱- محمد(صلی الله علیه و آله) و مشکلات مسلمانان ۹۸
- ۷۲- مسوول رفع مشکلات خانواده ۹۸
- ۷۳- مشکلات مسلمانان مدینه ۱۰۰
- ۷۴- مشکلات آدم(ع) ۱۰۰
- ۷۵- مشکلات آیندگان ۱۰۰
- ۷۶- مشکلات اجتماعی بنی اسرائیل ۱۰۰
- ۷۷- مشکلات اجتماعی مسلمانان صدراسلام ۱۰۲
- ۷۸- مشکلات اخروی جهنمیان ۱۰۲
- ۷۹- مشکلات اخروی رهبران مستکبر ۱۰۲
- ۸۰- مشکلات اخروی کافران ۱۰۴
- ۸۱- مشکلات اخروی گناهکاران ۱۰۴
- ۸۲- مشکلات اخروی مکذبان دین ۱۰۵
- ۸۳- مشکلات اخروی مکذبان معاد ۱۰۶
- ۸۴- مشکلات اصحاب کهف ۱۰۶
- ۸۵- مشکلات اطاعت از محمد (صلی الله علیه و آله) ۱۰۸
- ۸۶- مشکلات اقتصادی صحابه ۱۰۸
- ۸۷- مشکلات اقتصادی مسلمانان صدر اسلام ۱۰۸
- ۸۸- مشکلات انبیا ۱۱۰
- ۸۹- مشکلات انبیای پیشین ۱۱۰
- ۹۰- مشکلات ایمان ۱۱۰
- ۹۱- مشکلات ایوب(ع) ۱۱۲
- ۹۲- مشکلات بنی اسرائیل ۱۱۲
- ۹۳- مشکلات بنی اسرائیل در مصر ۱۱۴

- ۹۴- مشکلات تبعیت از حق ۱۱۵
- ۹۵- مشکلات تبعیت از وحی ۱۱۶
- ۹۶- مشکلات تبلیغ دین ۱۱۶
- ۹۷- مشکلات تبلیغ قرآن ۱۱۸
- ۹۸- مشکلات جامعه ۱۱۸
- ۹۹- مشکلات جامعه دوران اصحاب کهف ۱۱۸
- ۱۰۰- مشکلات جهنمیان ۱۱۸
- ۱۰۱- مشکلات حوا ۱۲۰
- ۱۰۲- مشکلات دعوت به توحید ۱۲۰
- ۱۰۳- مشکلات دنیوی ۱۲۰
- ۱۰۴- مشکلات دنیوی انبیا ۱۲۲
- ۱۰۵- مشکلات دنیوی انسان ها ۱۲۲
- ۱۰۶- مشکلات دنیوی متقین ۱۲۲
- ۱۰۷- مشکلات دنیوی مؤمنان ۱۲۲
- ۱۰۸- مشکلات رسالت محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۲۴
- ۱۰۹- مشکلات رسالت موسی(ع) ۱۲۴
- ۱۱۰- مشکلات رهبران دینی ۱۲۵
- ۱۱۱- مشکلات زندگی ۱۲۶
- ۱۱۲- مشکلات زندگی سست ایمانان ۱۲۶
- ۱۱۳- مشکلات زندگی منافقان ۱۲۶
- ۱۱۴- مشکلات سلوک راه خدا ۱۲۸
- ۱۱۵- مشکلات سیاسی مسلمانان صدراسلام ۱۲۸
- ۱۱۶- مشکلات عبودیت ۱۲۸
- ۱۱۷- مشکلات فرعونیان ۱۲۸
- ۱۱۸- مشکلات قوم ثمود ۱۳۰
- ۱۱۹- مشکلات کافران ۱۳۰

- ۱۲۰- مشکلات کافران مکه ۱۳۰
- ۱۲۱- مشکلات کفران کنندگان ۱۳۲
- ۱۲۲- مشکلات مأیوسان ۱۳۲
- ۱۲۳- مشکلات مجاهدان ۱۳۲
- ۱۲۴- مشکلات محافظت از موسی(ع) ۱۳۲
- ۱۲۵- مشکلات محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۳۴
- ۱۲۶- مشکلات محمد(صلی الله علیه و آله) در مکه ۱۴۰
- ۱۲۷- مشکلات مردم شمال سرزمین ذوالقرنین ۱۴۰
- ۱۲۸- مشکلات مسافرت موسی(ع) ۱۴۰
- ۱۲۹- مشکلات مسلمانان صدر اسلام ۱۴۲
- ۱۳۰- مشکلات مسلمانان مدینه ۱۴۲
- ۱۳۱- مشکلات مسلمانان مکه ۱۴۳
- ۱۳۲- مشکلات مشرکان ۱۴۴
- ۱۳۳- مشکلات معاشرت با فقرا ۱۴۴
- ۱۳۴- مشکلات موسی(ع) ۱۴۶
- ۱۳۵- مشکلات مؤمنان ۱۴۸
- ۱۳۶- مشکلات نوح(ع) ۱۵۰
- ۱۳۷- مشکلات هارون(ع) ۱۵۲
- ۱۳۸- مشکلات یهود مدینه ۱۵۲
- ۱۳۹- منافقان و مشکلات ۱۵۲
- ۱۴۰- منشأ تسهیل مشکلات انبیا ۱۵۲
- ۱۴۱- منشأ تسهیل مشکلات محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۵۴
- ۱۴۲- منشأ رفع مشکلات ۱۵۴
- ۱۴۳- منشأ رفع مشکلات محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۵۶
- ۱۴۴- منشأ مشکلات ۱۵۶
- ۱۴۵- منشأ مشکلات اجتماعی ۱۵۸

- ۱۴۶- منشأ مشکلات فرعونیان ۱۵۸
- ۱۴۷- منشأ مشکلات قوم ثمود ۱۵۸
- ۱۴۸- منشأ مشکلات مؤمنان ۱۵۸
- ۱۴۹- موانع رفع مشکلات در قیامت ۱۶۰
- ۱۵۰- موانع مشکلات روانی ۱۶۰
- ۱۵۱- نجات از مشکلات ۱۶۰
- ۱۵۲- نذر برای نجات از مشکلات اجتماعی ۱۶۰
- ۱۵۳- نعمت مشکلات ۱۶۲
- ۱۵۴- نقش مشکلات ۱۶۲
- ۱۵۵- هماهنگی مشکلات انبیا ۱۶۲
- ۱۵۶- آثار مشکلات اجتماعی ۱۶۲
- ۱۵۷- اخلاص و نجات از مشکلات اجتماعی ۱۶۴
- ۱۵۸- اهمیت حل مشکلات اجتماعی ۱۶۴
- ۱۵۹- اهمیت رفع مشکلات اجتماعی ۱۶۵
- ۱۶۰- بی اعتنایی به مشکلات اجتماعی ۱۶۶
- ۱۶۱- حل مشکلات اجتماعی ۱۶۶
- ۱۶۲- زمینه مشکلات اجتماعی ۱۶۶
- ۱۶۳- زمینه مشکلات اجتماعی زنان ۱۶۸
- ۱۶۴- مشکلات اجتماعی بنی اسرائیل ۱۶۸
- ۱۶۵- مشکلات اجتماعی مسلمانان صدراسلام ۱۶۸
- ۱۶۶- منشأ مشکلات اجتماعی ۱۶۸
- ۱۶۷- نذر برای نجات از مشکلات اجتماعی ۱۷۰
- ۳- مشمولان آمرزش خدا ۱۷۱
- ۱- مشمولان آمرزش خدا ۱۷۱
- ۲- مشمولان آمرزش خدا ۱۷۱
- ۳- {مشمولان لعن} ۱۷۲

- ۴- اجابت دعای مضمولان لعن ۱۷۶
- ۵- ایمان مضمولان لعن ۱۷۶
- ۶- گمراهی مضمولان لعن ۱۷۶
- ۷- مضمولان لعن ۱۷۶
- ۸- مضمولان لعن اخروی ۱۸۶
- ۹- مضمولان لعن خدا ۱۸۸
- ۱۰- مضمولان لعن دنیوی ۱۹۳
- ۱۱- {مضمولان محبت} ۱۹۴
- ۴- مصالح ۱۹۵
- ۱- آفرینش و مصالح انسان ۱۹۵
- ۲- اهمیت رعایت مصالح ضعفا ۱۹۵
- ۳- اهمیت رعایت مصالح یتیم ۱۹۵
- ۴- اهمیت مراعات مصالح ۱۹۶
- ۵- اهمیت مصالح اجتماعی ۱۹۶
- ۶- اهمیت مصالح انسان ها ۱۹۶
- ۷- اهمیت مصالح جامعه ۱۹۸
- ۸- اهمیت مصالح عمومی ۱۹۸
- ۹- اهمیت مصالح نوزاد ۱۹۸
- ۱۰- تأمین مصالح انسان ۲۰۰
- ۱۱- تأمین مصالح جوامع ۲۰۰
- ۱۲- تقدم مصالح جامعه ۲۰۰
- ۱۳- جهل به مصالح ۲۰۲
- ۱۴- رعایت مصالح در جنگ ۲۰۲
- ۱۵- رعایت مصالح مردم ۲۰۴
- ۱۶- رعایت مصالح یتیم ۲۰۴
- ۱۷- زمینه حفظ مصالح جامعه ۲۰۶

- ۱۸- زمینه مصالح انسان ۲۰۶
- ۱۹- زمینه مصالح انسان ها ۲۰۶
- ۲۰- علم به مصالح ۲۰۶
- ۲۱- مراعات مصالح ۲۰۸
- ۲۲- مصالح آفرینش ۲۰۸
- ۲۳- مصالح اجتماعی ۲۰۸
- ۲۴- مصالح احکام ۲۰۹
- ۲۵- مصالح امور ناپسند ۲۱۲
- ۲۶- مصالح انسان ۲۱۲
- ۲۷- مصالح انسان ها ۲۱۹
- ۲۸- مصالح اوامر خدا ۲۲۲
- ۲۹- مصالح اولیای مقتول ۲۲۲
- ۳۰- مصالح برج هامان ۲۲۲
- ۳۱- مصالح بنی اسرائیل ۲۲۲
- ۳۲- مصالح ثروتمندان ۲۲۴
- ۳۳- مصالح جامعه ۲۲۴
- ۳۴- مصالح خوشاوندان ۲۲۶
- ۳۵- مصالح زکریا(ع) ۲۲۶
- ۳۶- مصالح سد ذوالقرنین ۲۲۶
- ۳۷- مصالح شخصی ۲۲۸
- ۳۸- مصالح عمومی ۲۲۸
- ۳۹- مصالح فرد ۲۲۸
- ۴۰- مصالح فقرا ۲۳۰
- ۴۱- مصالح گناهکاران ۲۳۰
- ۴۲- مصالح مجاهدان ۲۳۰
- ۴۳- مصالح محبوبان خدا ۲۳۰

- ۴۴- مصالح محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۳۲
- ۴۵- مصالح مسلمانان ۲۳۲
- ۴۶- مصالح ملی مسلمانان ۲۳۴
- ۴۷- مصالح مؤمنان ۲۳۴
- ۴۸- مصالح والدین ۲۳۶
- ۴۹- مصالح یتیم ۲۳۶
- ۵۰- اهمیت مصالح اجتماعی ۲۳۸
- ۵۱- مصالح اجتماعی ۲۳۸
- ۵۲- اهمیت مصالح عمومی ۲۳۸
- ۵۳- مصالح عمومی ۲۴۰
- ۵۴- {مصالح و مفساد} ۲۴۰
- ۵- مصایب ۲۴۳
- ۱- آثار مصایب ۲۴۳
- ۲- آداب برخورد با مصایب ۲۴۳
- ۳- استرجاع در مصایب ۲۴۳
- ۴- استقامت در مصایب ۲۴۴
- ۵- اندوه بر مصایب ۲۴۴
- ۶- روش تسهیل مصایب ۲۴۴
- ۷- زمینه مصایب اجتماعی ۲۴۶
- ۸- زمینه مصیبت ۲۴۶
- ۹- صبر بر مصایب ۲۴۶
- ۱۰- صبر در مصایب ۲۴۸
- ۱۱- عوامل مصایب ۲۴۸
- ۱۲- فلسفه مصایب امام علی(ع) ۲۴۸
- ۱۳- فلسفه مصایب اولیاء الله ۲۵۰
- ۱۴- فلسفه مصایب اهل بیت(ع) ۲۵۰

- ۱۵- فلسفه مصایب دنیوی ۲۵۰
- ۱۶- مراد از مصیبت ۲۵۰
- ۱۷- مصایب حق ستیزان ۲۵۲
- ۱۸- مصایب کافران ۲۵۲
- ۱۹- مصایب کافران اطراف مکه ۲۵۴
- ۲۰- مصایب کافران صدراسلام ۲۵۴
- ۲۱- مصایب کافران مکه ۲۵۴
- ۲۲- منشأ مصایب ۲۵۶
- ۲۳- منشأ مصایب کافران ۲۵۶
- ۲۴- موانع مصایب اجتماعی ۲۵۶
- ۲۵- نقش مصایب ۲۵۸
- ۲۶- امتحان با مصائب ۲۵۸
- ۲۷- مصائب انبیا ۲۵۸
- ۶- مصر ۲۵۹
- ۱- آبخوری پادشاه مصر ۲۵۹
- ۲- آثار مکر زنان اشراف مصر ۲۶۰
- ۳- آگاهی پادشاه مصر ۲۶۰
- ۴- آگاهی عزیز مصر ۲۶۰
- ۵- آل یعقوب در مصر ۲۶۲
- ۶- آواره گی مردم مصر ۲۶۲
- ۷- ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر ۲۶۲
- ۸- احترام یوسف(ع) در مصر ۲۶۲
- ۹- اخراج فرعون از مصر ۲۶۴
- ۱۰- اخراج فرعونیان از مصر ۲۶۴
- ۱۱- ادعای مالکیت سرزمین مصر ۲۶۴
- ۱۲- ارزش آبخوری پادشاه مصر ۲۶۶

- ۱۳- استیزان ساقی پادشاه مصر ۲۶۶
- ۱۴- اسکان آل یعقوب در مصر ۲۶۶
- ۱۵- اسکان یعقوب(ع) در مصر ۲۶۸
- ۱۶- اشراف فرعون و سرزمین مصر ۲۶۸
- ۱۷- اطمینان پادشاه مصر ۲۶۸
- ۱۸- اطمینان ساقی پادشاه مصر ۲۷۰
- ۱۹- اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع) ۲۷۰
- ۲۰- اقرار زنان اشراف مصر ۲۷۰
- ۲۱- اقرار معبران پادشاه مصر ۲۷۰
- ۲۲- انبیای مصر باستان ۲۷۲
- ۲۳- اوامر پادشاه مصر ۲۷۲
- ۲۴- اهداف ساقی پادشاه مصر ۲۷۲
- ۲۵- اهمیت باغداری در مصر باستان ۲۷۴
- ۲۶- اهمیت سکونت بنی اسرائیل در مصر ۲۷۴
- ۲۷- اهمیت کشاورزی در مصر باستان ۲۷۴
- ۲۸- ایجاد انگیزه مسافرت برادران یوسف به مصر ۲۷۴
- ۲۹- بازجویی از زنان اشراف مصر ۲۷۶
- ۳۰- بازجویی پادشاه مصر ۲۷۶
- ۳۱- بازگشت بنی اسرائیل به مصر ۲۷۸
- ۳۲- بازگشت موسی(ع) به مصر ۲۷۸
- ۳۳- باغهای سرزمین مصر ۲۷۸
- ۳۴- برادران یوسف و مسافرت به مصر ۲۷۸
- ۳۵- بشارت امنیت در مصر باستان ۲۸۰
- ۳۶- بنی اسرائیل در سرزمین مصر ۲۸۰
- ۳۷- بنی اسرائیل در مصر ۲۸۱
- ۳۸- بینش پادشاه مصر ۲۸۲

- ۳۹- بینش زنان اشراف مصر ----- ۲۸۲
- ۴۰- بینش ساقی پادشاه مصر ----- ۲۸۴
- ۴۱- پادشاه مصر و اشراف مصر ----- ۲۸۴
- ۴۲- پادشاه مصر و امینان ----- ۲۸۴
- ۴۳- پادشاه مصر و بردگی یوسف(ع) ----- ۲۸۶
- ۴۴- پادشاه مصر و بی گناهی یوسف(ع) ----- ۲۸۶
- ۴۵- پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع) ----- ۲۸۶
- ۴۶- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر ----- ۲۸۶
- ۴۷- پادشاه مصر و عقیقان ----- ۲۸۸
- ۴۸- پادشاه مصر و علما ----- ۲۸۸
- ۴۹- پادشاه مصر و قصه یوسف(ع) ----- ۲۸۸
- ۵۰- پادشاه مصر و معبران ----- ۲۹۰
- ۵۱- پادشاه مصر و یوسف(ع) ----- ۲۹۰
- ۵۲- پذیرایی از زنان اشراف مصر ----- ۲۹۲
- ۵۳- تاریخ اهرام مصر ----- ۲۹۲
- ۵۴- تاریخ سرزمین مصر ----- ۲۹۲
- ۵۵- تاریخ مصر ----- ۲۹۴
- ۵۶- تحریک عزیز مصر ----- ۲۹۴
- ۵۷- تصمیم کارگزاران عزیز مصر ----- ۲۹۶
- ۵۸- تعبیر رؤیای پادشاه مصر ----- ۲۹۶
- ۵۹- تعجب زنان اشراف مصر ----- ۲۹۸
- ۶۰- تفحص عزیز مصر ----- ۳۰۰
- ۶۱- جادوگران در سرزمین مصر ----- ۳۰۰
- ۶۲- جادوگری در سرزمین مصر ----- ۳۰۰
- ۶۳- جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر ----- ۳۰۰
- ۶۴- جنس آبخوری پادشاه مصر ----- ۳۰۲

- ۶۵- چشمه های سرزمین مصر ----- ۳۰۲
- ۶۶- حاکمان سرزمین مصر ----- ۳۰۲
- ۶۷- حاکمیت بنی اسرائیل بر مصر ----- ۳۰۴
- ۶۸- حکمت پادشاه مصر ----- ۳۰۴
- ۶۹- حکومت سرزمین مصر ----- ۳۰۴
- ۷۰- خروج موسی(ع) از مصر ----- ۳۰۶
- ۷۱- خواسته های پادشاه مصر ----- ۳۰۶
- ۷۲- خواسته های ساقی پادشاه مصر ----- ۳۰۸
- ۷۳- خواسته های عزیز مصر ----- ۳۰۸
- ۷۴- خیانت زنان اشراف مصر ----- ۳۱۰
- ۷۵- درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر ----- ۳۱۰
- ۷۶- دست بردن زنان اشراف مصر ----- ۳۱۲
- ۷۷- دعوت از زنان اشراف مصر ----- ۳۱۲
- ۷۸- دعوت زلیخا از زنان مصر ----- ۳۱۲
- ۷۹- دعوتهای زنان اشراف مصر ----- ۳۱۴
- ۸۰- دفع مکر زنان اشراف مصر ----- ۳۱۴
- ۸۱- دومین مسافرت برادران یوسف به مصر ----- ۳۱۴
- ۸۲- ذلت بنی اسرائیل در مصر ----- ۳۱۴
- ۸۳- رؤیای پادشاه مصر ----- ۳۱۶
- ۸۴- زلیخا در دربار مصر ----- ۳۲۰
- ۸۵- زلیخا و پادشاه مصر ----- ۳۲۲
- ۸۶- زلیخا و زنان اشراف مصر ----- ۳۲۲
- ۸۷- زلیخا و سرزنشهای زنان مصر ----- ۳۲۲
- ۸۸- زلیخا و محاکمه زنان اشراف مصر ----- ۳۲۴
- ۸۹- زنان اشراف مصر در مجلس زلیخا ----- ۳۲۴
- ۹۰- زنان اشراف مصر و دعای یوسف(ع) ----- ۳۲۴

- ۹۱- زنان اشراف مصر و زلیخا ----- ۳۲۶
- ۹۲- زنان اشراف مصر و یوسف(ع) ----- ۳۲۶
- ۹۳- زنان اشراف مصر و کامجویی زلیخا ----- ۳۳۰
- ۹۴- ساقی پادشاه مصر و عجز معبران ----- ۳۳۰
- ۹۵- ساقی پادشاه مصر و یوسف(ع) ----- ۳۳۰
- ۹۶- سرزمین مصر در دوران یوسف(ع) ----- ۳۳۴
- ۹۷- سومین مسافرت برادران یوسف به مصر ----- ۳۳۴
- ۹۸- شخصیت یوسف(ع) در مصر ----- ۳۳۶
- ۹۹- شگفتی رؤیای پادشاه مصر ----- ۳۳۶
- ۱۰۰- شیطان و ساقی پادشاه مصر ----- ۳۳۶
- ۱۰۱- عجز زنان اشراف مصر ----- ۳۳۷
- ۱۰۲- عجز معبران پادشاه مصر ----- ۳۳۸
- ۱۰۳- عدالت پادشاه مصر ----- ۳۳۸
- ۱۰۴- عدالت عزیز مصر ----- ۳۳۸
- ۱۰۵- عزیز مصر در دوران قحطی ----- ۳۴۰
- ۱۰۶- عزیز مصر و زلیخا ----- ۳۴۰
- ۱۰۷- عزیز مصر و صداقت یوسف(ع) ----- ۳۴۰
- ۱۰۸- عزیز مصر و قصه یوسف(ع) ----- ۳۴۲
- ۱۰۹- عزیز مصر و مجازات یوسف(ع) ----- ۳۴۲
- ۱۱۰- عزیز مصر و مقامات یوسف(ع) ----- ۳۴۴
- ۱۱۱- عزیز مصر و مکر زنان ----- ۳۴۴
- ۱۱۲- عزیز مصر و یوسف(ع) ----- ۳۴۴
- ۱۱۳- عزیز مصر هنگام خرید یوسف(ع) ----- ۳۴۸
- ۱۱۴- عزیز مصر هنگام محاکمه زنان اشراف مصر ----- ۳۴۸
- ۱۱۵- عشق زنان اشراف مصر به یوسف(ع) ----- ۳۴۸
- ۱۱۶- عقیده اشراف مصر ----- ۳۴۸

- ۱۱۷- عقیده پادشاه مصر ۳۵۰
- ۱۱۸- عقیمی عزیز مصر ۳۵۰
- ۱۱۹- عوامل اختناق در سرزمین مصر ۳۵۰
- ۱۲۰- فراموشی ساقی پادشاه مصر ۳۵۰
- ۱۲۱- فرعون در سرزمین مصر ۳۵۲
- ۱۲۲- فرعون و سرزمین مصر ۳۵۲
- ۱۲۳- فضایل پادشاه مصر ۳۵۲
- ۱۲۴- فواید آبخوری پادشاه مصر ۳۵۴
- ۱۲۵- قارون در سرزمین مصر ۳۵۴
- ۱۲۶- قضاوت عزیز مصر ۳۵۴
- ۱۲۷- کاخهای سرزمین مصر ۳۵۴
- ۱۲۸- کامجویی زنان اشراف مصر ۳۵۶
- ۱۲۹- کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر ۳۵۶
- ۱۳۰- گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر ۳۵۸
- ۱۳۱- گم شدن آبخوری پادشاه مصر ۳۶۰
- ۱۳۲- گنج های سرزمین مصر ۳۶۰
- ۱۳۳- گواهی زنان اشراف مصر ۳۶۰
- ۱۳۴- لایوی در سرزمین مصر ۳۶۲
- ۱۳۵- مادر یوسف(ع) در مصر ۳۶۲
- ۱۳۶- مالکیت سرزمین مصر ۳۶۲
- ۱۳۷- محدوده اختیارات پادشاه مصر ۳۶۲
- ۱۳۸- محرومیت از نعمتهای سرزمین مصر ۳۶۴
- ۱۳۹- مدیریت پادشاه مصر ۳۶۴
- ۱۴۰- مسافرت بنیامین به مصر ۳۶۴
- ۱۴۱- مشاور مخصوص پادشاه مصر ۳۶۶
- ۱۴۲- مشرکان مصر ۳۶۶

- ۱۴۳- مشکلات بنی اسرائیل در مصر ۳۶۸
- ۱۴۴- مصر در دوران یوسف(ع) ۳۶۸
- ۱۴۵- معبران پادشاه مصر ۳۶۸
- ۱۴۶- مکان کشف آبخوری پادشاه مصر ۳۶۸
- ۱۴۷- مکر زنان اشراف مصر ۳۷۰
- ۱۴۸- ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع) ۳۷۰
- ۱۴۹- ملیت عزیز مصر ۳۷۲
- ۱۵۰- منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر ۳۷۲
- ۱۵۱- موسی(ع) در سرزمین مصر ۳۷۲
- ۱۵۲- موسی(ع) در مصر ۳۷۲
- ۱۵۳- موسی(ع) و سرزمین مصر ۳۷۴
- ۱۵۴- مهمانی از زنان اشراف مصر ۳۷۴
- ۱۵۵- نجات از مکر زنان اشراف مصر ۳۷۶
- ۱۵۶- نجات ساقی پادشاه مصر ۳۷۶
- ۱۵۷- نعمتهای سرزمین مصر ۳۷۶
- ۱۵۸- نقش بنی اسرائیل در مصر ۳۷۷
- ۱۵۹- نقش ساقی پادشاه مصر ۳۷۸
- ۱۶۰- نقش سکونت بنی اسرائیل در مصر ۳۷۸
- ۱۶۱- وارثان سرزمین مصر ۳۷۸
- ۱۶۲- ورود آل یعقوب به مصر باستان ۳۸۰
- ۱۶۳- ورود برادران یوسف به مصر ۳۸۰
- ۱۶۴- ورود موسی(ع) به مصر ۳۸۲
- ۱۶۵- ورود یعقوب(ع) به مصر باستان ۳۸۲
- ۱۶۶- ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر ۳۸۴
- ۱۶۷- هامان در سرزمین مصر ۳۸۴
- ۱۶۸- هجرت از سرزمین مصر ۳۸۴

- ۱۶۹- هجرت به مشرق سرزمین مصر ----- ۳۸۶
- ۱۷۰- هجرت موسی(ع) از مصر ----- ۳۸۷
- ۱۷۱- همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا ----- ۳۸۸
- ۱۷۲- همسر پادشاه مصر و یوسف(ع) ----- ۳۸۸
- ۱۷۳- همسر عزیز مصر ----- ۳۸۸
- ۱۷۴- یأس زنان اشراف مصر ----- ۳۸۹
- ۱۷۵- یوسف(ع) در خانه عزیز مصر ----- ۳۹۰
- ۱۷۶- یوسف(ع) در دربار مصر ----- ۳۹۱
- ۱۷۷- یوسف(ع) در مصر ----- ۳۹۲
- ۱۷۸- یوسف(ع) و پادشاه مصر ----- ۳۹۴
- ۱۷۹- یوسف(ع) و حکومت مصر باستان ----- ۳۹۷
- ۱۸۰- یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر ----- ۳۹۸
- ۱۸۱- یوسف(ع) و ساقی پادشاه مصر ----- ۳۹۸
- ۱۸۲- یوسف(ع) و عزیز مصر ----- ۳۹۹
- ۱۸۳- یوسف(ع) و قوانین مصر باستان ----- ۴۰۰
- ۱۸۴- یوسف(ع) و مکر زنان اشراف مصر ----- ۴۰۰
- ۱۸۵- یوسف(ع) و همسر پادشاه مصر ----- ۴۰۲
- ۱۸۶- یوسف(ع) هنگام قحطی مصر باستان ----- ۴۰۲
- ۱۸۷- آبادانی مصر باستان ----- ۴۰۲
- ۱۸۸- آبهای آشامیدنی مصر باستان ----- ۴۰۴
- ۱۸۹- آبهای زراعی مصر باستان ----- ۴۰۴
- ۱۹۰- آجرپزی در مصر باستان ----- ۴۰۴
- ۱۹۱- احترام همسران اشراف در مصر باستان ----- ۴۰۴
- ۱۹۲- ادیتهای حاکمان مصر باستان ----- ۴۰۶
- ۱۹۳- استعدادهای مصر باستان ----- ۴۰۶
- ۱۹۴- اقتدار حکومت مصر باستان ----- ۴۰۶

- ۱۹۵- امنیت اقتصادی در مصر باستان ۴۰۶
- ۱۹۶- امنیت در مصر باستان ۴۰۸
- ۱۹۷- باغهای مصر باستان ۴۰۸
- ۱۹۸- برج سازی در مصر باستان ۴۰۸
- ۱۹۹- بردگی دزد در مصر باستان ۴۰۸
- ۲۰۰- پیمانہ در مصر باستان ۴۱۰
- ۲۰۱- پیمانہ دوران قحطی مصر باستان ۴۱۰
- ۲۰۲- تاریخ مصر باستان ۴۱۰
- ۲۰۳- تصلیب در مصر باستان ۴۱۸
- ۲۰۴- تعدد دروازه های مصر باستان ۴۱۸
- ۲۰۵- تمدن مصر باستان ۴۱۸
- ۲۰۶- توزین در مصر باستان ۴۲۰
- ۲۰۷- تولید غلات در مصر باستان ۴۲۰
- ۲۰۸- جادو در مصر باستان ۴۲۰
- ۲۰۹- چشمه های مصر باستان ۴۲۰
- ۲۱۰- حاصلخیزی مصر باستان ۴۲۲
- ۲۱۱- حاکم مصر باستان ۴۲۲
- ۲۱۲- حاکمان مصر باستان و یوسف(ع) ۴۲۲
- ۲۱۳- حکومت استبدادی مصر باستان ۴۲۳
- ۲۱۴- حکومت پادشاهی مصر باستان ۴۲۴
- ۲۱۵- حکومت مصر باستان در دوران یوسف(ع) ۴۲۴
- ۲۱۶- خشکسالی در مصر باستان ۴۲۴
- ۲۱۷- دانش تعبیر رؤیا در مصر باستان ۴۲۶
- ۲۱۸- دروازه های مصر باستان ۴۲۶
- ۲۱۹- دین حاکمان مصر باستان ۴۲۷
- ۲۲۰- ذخیره سازی غلات در مصر باستان ۴۲۸

- ۴۲۸ ۲۲۱- زندان در مصرباستان
- ۴۲۸ ۲۲۲- زندانی در مصرباستان
- ۴۳۰ ۲۲۳- سرسبزی مصرباستان
- ۴۳۰ ۲۲۴- شتر در مصرباستان
- ۴۳۰ ۲۲۵- شرب خمر حاکمان مصرباستان
- ۴۳۰ ۲۲۶- شکنجه در مصرباستان
- ۴۳۰ ۲۲۷- شهرسازی در مصرباستان
- ۴۳۲ ۲۲۸- عزیزی در حکومت مصرباستان
- ۴۳۲ ۲۲۹- عقیده اشراف مصرباستان
- ۴۳۲ ۲۳۰- عوامل بحران در حکومت مصرباستان
- ۴۳۲ ۲۳۱- فرزندخواندگی در مصرباستان
- ۴۳۴ ۲۳۲- قانونگذاران مصرباستان
- ۴۳۴ ۲۳۳- قحطی در مصرباستان
- ۴۳۶ ۲۳۴- قوانین جزایی مصرباستان
- ۴۳۶ ۲۳۵- قوانین کیفری در مصرباستان
- ۴۳۸ ۲۳۶- کشاورزی در مصرباستان
- ۴۳۹ ۲۳۷- مجازات در مصرباستان
- ۴۴۰ ۲۳۸- محدوده حکومت مصرباستان
- ۴۴۰ ۲۳۹- مدت بحران اقتصادی در مصرباستان
- ۴۴۰ ۲۴۰- مرکزیت مصرباستان
- ۴۴۱ ۲۴۱- مصرباستان در دوران یوسف(ع)
- ۴۴۱ ۲۴۲- مفسدان مصرباستان
- ۴۴۱ ۲۴۳- مکر حاکمان مصرباستان
- ۴۴۱ ۲۴۴- مناصب حکومت مصرباستان
- ۴۴۲ ۲۴۵- منشأ قانونگذاری مصرباستان
- ۴۴۲ ۲۴۶- موقعیت جغرافیایی مصرباستان

- ۲۴۷- موقعیت جوتی مصرباستان ۴۴۳
- ۲۴۸- نجات مصرباستان از قحطی ۴۴۳
- ۲۴۹- نظام حکومتی مصرباستان ۴۴۳
- ۲۵۰- نظام سیاسی مصرباستان ۴۴۵
- ۲۵۱- نظام قضایی مصرباستان ۴۴۵
- ۲۵۲- وسایل حمل و نقل در مصرباستان ۴۴۷
- ۲۵۳- هجرت از مصرباستان ۴۴۷
- ۲۵۴- آثار عقیده مصریان باستان ۴۴۷
- ۲۵۵- اطاعت مصریان باستان ۴۴۹
- ۲۵۶- انذار مصریان باستان ۴۴۹
- ۲۵۷- بشارت به مصریان باستان ۴۴۹
- ۲۵۸- بینش مصریان باستان ۴۵۱
- ۲۵۹- پیشینه حق ناپذیری مصریان باستان ۴۵۱
- ۲۶۰- تبری از دین مصریان باستان ۴۵۱
- ۲۶۱- تشویق مصریان باستان ۴۵۱
- ۲۶۲- حق ناپذیری مصریان باستان ۴۵۳
- ۲۶۳- خدانشناسی مصریان باستان ۴۵۳
- ۲۶۴- دین ستیزی مصریان باستان ۴۵۳
- ۲۶۵- زینت مصریان باستان ۴۵۵
- ۲۶۶- سرزنش مصریان باستان ۴۵۵
- ۲۶۷- سنتهای مصریان باستان ۴۵۵
- ۲۶۸- شرک مصریان باستان ۴۵۷
- ۲۶۹- شک مصریان باستان ۴۵۷
- ۲۷۰- طبقات اجتماعی مصریان باستان ۴۵۷
- ۲۷۱- عقیده باطل مصریان باستان ۴۵۸
- ۲۷۲- عقیده مصریان باستان ۴۵۹

- ۲۷۳- علم مصریان باستان ۴۶۱
- ۲۷۴- عید مصریان باستان ۴۶۱
- ۲۷۵- کفر مصریان باستان ۴۶۲
- ۲۷۶- لجاجت مصریان باستان ۴۶۳
- ۲۷۷- مصریان باستان پس از قحطی ۴۶۳
- ۲۷۸- مصریان باستان و آخرت ۴۶۴
- ۲۷۹- مصریان باستان و ابراهیم(ع) ۴۶۵
- ۲۸۰- مصریان باستان و اسحاق(ع) ۴۶۵
- ۲۸۱- مصریان باستان و تعبیر رؤیا ۴۶۵
- ۲۸۲- مصریان باستان و ملانکه ۴۶۵
- ۲۸۳- مصریان باستان و نیاکان یوسف(ع) ۴۶۷
- ۲۸۴- مصریان باستان و یعقوب(ع) ۴۶۷
- ۲۸۵- مصریان و جسد فرعون ۴۶۷
- ۲۸۶- معبود مصریان باستان ۴۶۷
- ۲۸۷- مؤمن آل فرعون و مصریان باستان ۴۶۹
- ۲۸۸- وقت استراحت مصریان ۴۶۹
- ۲۸۹- ویژگیهای مصریان باستان ۴۶۹
- ۲۹۰- یوسف(ع) و دین مصریان باستان ۴۷۰
- ۲۹۱- یوسف(ع) و مصریان باستان ۴۷۱
- ۲۹۲- آثار عقیده مصریان باستان ۴۷۱
- ۲۹۳- اطاعت مصریان باستان ۴۷۱
- ۲۹۴- انذار مصریان باستان ۴۷۳
- ۲۹۵- بشارت به مصریان باستان ۴۷۳
- ۲۹۶- بینش مصریان باستان ۴۷۳
- ۲۹۷- پیشینه حق ناپذیری مصریان باستان ۴۷۵
- ۲۹۸- تبری از دین مصریان باستان ۴۷۵

- ۲۹۹- تشویق مصریان باستان ۴۷۵
- ۳۰۰- حق ناپذیری مصریان باستان ۴۷۷
- ۳۰۱- خدشناسی مصریان باستان ۴۷۷
- ۳۰۲- دین ستیزی مصریان باستان ۴۷۷
- ۳۰۳- زینت مصریان باستان ۴۷۸
- ۳۰۴- سرزنش مصریان باستان ۴۷۹
- ۳۰۵- سنتهای مصریان باستان ۴۷۹
- ۳۰۶- شرک مصریان باستان ۴۷۹
- ۳۰۷- شک مصریان باستان ۴۸۱
- ۳۰۸- طبقات اجتماعی مصریان باستان ۴۸۱
- ۳۰۹- عقیده باطل مصریان باستان ۴۸۱
- ۳۱۰- عقیده مصریان باستان ۴۸۳
- ۳۱۱- علم مصریان باستان ۴۸۴
- ۳۱۲- عید مصریان باستان ۴۸۵
- ۳۱۳- کفر مصریان باستان ۴۸۵
- ۳۱۴- لجاجت مصریان باستان ۴۸۷
- ۳۱۵- مصریان باستان پس از قحطی ۴۸۷
- ۳۱۶- مصریان باستان و آخرت ۴۸۷
- ۳۱۷- مصریان باستان و ابراهیم(ع) ۴۸۹
- ۳۱۸- مصریان باستان و اسحاق(ع) ۴۸۹
- ۳۱۹- مصریان باستان و تعبیر رؤیا ۴۸۹
- ۳۲۰- مصریان باستان و ملائکه ۴۸۹
- ۳۲۱- مصریان باستان و نیاکان یوسف(ع) ۴۹۰
- ۳۲۲- مصریان باستان و یعقوب(ع) ۴۹۰
- ۳۲۳- معبود مصریان باستان ۴۹۰
- ۳۲۴- مؤمن آل فرعون و مصریان باستان ۴۹۰

- ۳۲۵- ویژگیهای مصریان باستان ۴۹۲
- ۳۲۶- یوسف(ع) و دین مصریان باستان ۴۹۲
- ۳۲۷- یوسف(ع) و مصریان باستان ۴۹۲
- ۷- مصرف ۴۹۵
- ۱- آثار افراط در مصرف ۴۹۵
- ۲- آثار تفریط در مصرف ۴۹۵
- ۳- آداب مصرف ۴۹۵
- ۴- احکام مصرف ۴۹۷
- ۵- اسراف در مصرف ۴۹۸
- ۶- اعتدال در مصرف ۴۹۸
- ۷- افراط در مصرف ۵۰۰
- ۸- اهمیت صرفه جویی در مصرف ۵۰۰
- ۹- تعقل در مصرف مواد غذایی ۵۰۰
- ۱۰- تفریط در مصرف ۵۰۱
- ۱۱- تقوا در مصرف ۵۰۲
- ۱۲- صرفه جویی در مصرف ۵۰۲
- ۱۳- مصرف مال حرام ۵۰۲
- ۱۴- مصرف مال در گناه ۵۰۴
- ۱۵- مطالعه مصرف مواد غذایی ۵۰۴
- ۱۶- موارد مصرف مال ۵۰۴
- ۱۷- مصرف مال حرام ۵۰۶
- ۱۸- مصرف مال در گناه ۵۰۶
- ۱۹- موارد مصرف مال ۵۰۶
- ۸- مصلحان ۵۰۸
- ۱- مصلحان ۵۰۸
- ۲- آینده مصلحان ۵۰۸

- ۳- ایمان مصلحان ۵۰۹
- ۴- بشارت به مصلحان ۵۰۹
- ۵- بی اعتنائی به مصلحان ۵۰۹
- ۶- پاداش مصلحان ۵۰۹
- ۷- زهد مصلحان ۵۱۱
- ۸- عذاب مصلحان ۵۱۱
- ۹- عذر مصلحان ۵۱۱
- ۱۰- عوامل تقویت مصلحان ۵۱۲
- ۱۱- کمی مصلحان اقوام پیشین ۵۱۳
- ۱۲- مسؤولیت مصلحان ۵۱۳
- ۱۳- مصلحان ایله ۵۱۳
- ۱۴- مصلحان در اقوام پیشین ۵۱۵
- ۱۵- مصلحان و مزد تبلیغ ۵۱۷
- ۱۶- مقامات مصلحان ۵۱۷
- ۱۷- نجات مصلحان اقوام پیشین ۵۱۷
- ۱۸- نجات مصلحان ایله ۵۱۷
- ۱۹- نشانه های صداقت مصلحان ۵۱۹
- ۲۰- یهود و مصلحان ایله ۵۱۹
- ۹- مصلحت ۵۲۰
- ۱- اشراف قوم ثمود و مصلحت طلبی ۵۲۰
- ۲- اشراف قوم عاد و مصلحت طلبی ۵۲۰
- ۳- امور خلاف مصلحت ۵۲۰
- ۴- اهمیت مصلحت نوعی ۵۲۱
- ۵- مصلحت اندیشی برادران یوسف ۵۲۱
- ۶- مصلحت اندیشی در تبلیغ ۵۲۱
- ۷- مصلحت اندیشی رهبران دینی ۵۲۳

- ۸- مصلحت اندیشی محمد(صلی الله علیه و آله) ۵۲۳
- ۹- مصلحت اندیشی ناپسند ۵۲۳
- ۱۰- مصلحت در اجرای مجازات ۵۲۴
- ۱۱- مصلحت در ازدیاد روزی ۵۲۵
- ۱۲- مصلحت در اوامر خدا ۵۲۵
- ۱۳- مصلحت در سختی ۵۲۵
- ۱۴- مصلحت در شکست ۵۲۶
- ۱۵- مصلحت در کمبود روزی ۵۲۷
- ۱۶- مصلحت یتیم ۵۲۷
- ۱۷- مصلحت یهود ۵۲۷
- ۱۸- مصلحت اندیشی برادران یوسف ۵۲۹
- ۱۹- مصلحت اندیشی در تبلیغ ۵۲۹
- ۲۰- مصلحت اندیشی رهبران دینی ۵۲۹
- ۲۱- مصلحت اندیشی محمد(صلی الله علیه و آله) ۵۳۰
- ۲۲- مصلحت اندیشی ناپسند ۵۳۱
- ۱۰- مصنوعات ۵۳۲
- ۱- خالق مصنوعات انسان ۵۳۲
- ۲- محدوده استفاده از مصنوعات ۵۳۲
- ۳- مصنوعات انسان ۵۳۲
- ۴- منشأ مصنوعات انسان ۵۳۳
- ۵- ویژگیهای مصنوعات انسان ۵۳۳
- ۱۱- مصیبت ۵۳۴
- ۱- مصیبت ۵۳۴
- ۲- آثار امتحان با مصیبت ۵۳۵
- ۳- آثار مصیبت ۵۳۵
- ۴- امتحان با مصیبت ۵۳۷

۵۳۸	۵- خطر مصیبت
۵۳۹	۶- دعا در مصیبت
۵۳۹	۷- روش برخورد با مصیبت
۵۴۰	۸- زمینه تحمل مصیبت
۵۴۱	۹- زمینه رفع مصیبت
۵۴۱	۱۰- زمینه مصیبت
۵۴۱	۱۱- صبر بر مصیبت
۵۴۳	۱۲- صبر در مصیبت
۵۴۳	۱۳- عذاب با مصیبت
۵۴۳	۱۴- عوامل مصیبت
۵۴۵	۱۵- عوامل نجات از مصیبت
۵۴۵	۱۶- مراد از مصیبت
۵۴۵	۱۷- مشرکان هنگام مصیبت
۵۴۷	۱۸- مصیبت اخروی کافران
۵۴۷	۱۹- مصیبت مرگ
۵۴۷	۲۰- مصیبت مؤمنان
۵۴۷	۲۱- منشأ رفع مصیبت
۵۴۹	۲۲- منشأ مصیبت
۵۵۰	۱۲- مضطر
۵۵۰	۱- اجابت دعای مضطر
۵۵۰	۲- احکام مضطر
۵۵۱	۳- دعای مضطر
۵۵۲	۴- رفع تکلیف از مضطر
۵۵۲	۵- شرایط مضطر
۵۵۴	۱۳- مطالعه
۵۵۴	۱- آثار مطالعه آثار باستانی

- ۲- آثار مطالعه آسمان ۵۵۴
- ۳- آثار مطالعه آفرینش ۵۵۴
- ۴- آثار مطالعه آیات آفاقی ۵۵۹
- ۵- آثار مطالعه آیات انفسی ۵۶۰
- ۶- آثار مطالعه آیات خدا ۵۶۱
- ۷- آثار مطالعه اتقان آسمان ۵۶۱
- ۸- آثار مطالعه تاریخ ۵۶۱
- ۹- آثار مطالعه تاریخ انبیا ۵۶۵
- ۱۰- آثار مطالعه تورات ۵۶۵
- ۱۱- آثار مطالعه خلقت آسمان ۵۶۷
- ۱۲- آثار مطالعه در آفرینش ۵۶۷
- ۱۳- آثار مطالعه در خورشید ۵۶۸
- ۱۴- آثار مطالعه در موجودات مادی ۵۶۹
- ۱۵- آثار مطالعه رویش گیاهان ۵۶۹
- ۱۶- آثار مطالعه زمین ۵۶۹
- ۱۷- آثار مطالعه زندگی زنبور عسل ۵۶۹
- ۱۸- آثار مطالعه زیبایی آسمان ۵۷۱
- ۱۹- آثار مطالعه سرنوشت اقوام پیشین ۵۷۱
- ۲۰- آثار مطالعه طبیعت ۵۷۱
- ۲۱- آثار مطالعه قصه یوسف(ع) ۵۷۳
- ۲۲- آثار مطالعه مراحل خلقت زمین ۵۷۳
- ۲۳- آثار مطالعه موجودات ۵۷۵
- ۲۴- آثار مطالعه نعمت ها ۵۷۵
- ۲۵- اهمیت مطالعه آفرینش ۵۷۵
- ۲۶- اهمیت مطالعه آیات انفسی ۵۷۷
- ۲۷- اهمیت مطالعه تاریخ ۵۷۷

۵۸۰	۲۸- اهمیت مطالعه تاریخ انبیا
۵۸۱	۲۹- اهمیت مطالعه در آفرینش
۵۸۱	۳۰- اهمیت مطالعه طبیعت
۵۸۳	۳۱- اهمیت مطالعه عقیده اقوام پیشین
۵۸۳	۳۲- اهمیت مطالعه فرجام امت ها
۵۸۳	۳۳- تشویق به مطالعه آفرینش
۵۸۵	۳۴- تشویق به مطالعه تاریخ
۵۸۶	۳۵- تشویق به مطالعه خلقت انسان
۵۸۷	۳۶- تشویق به مطالعه زمین
۵۸۷	۳۷- تشویق به مطالعه قصه قوم ثمود
۵۸۷	۳۸- تشویق به مطالعه قصه قوم عاد
۵۸۹	۳۹- تشویق به مطالعه قضاوت داود(ع)
۵۸۹	۴۰- دعوت به مطالعه آفرینش
۵۹۱	۴۱- دعوت به مطالعه خلقت انسان
۵۹۱	۴۲- دعوت به مطالعه طبیعت
۵۹۱	۴۳- دعوت به مطالعه گردش سایه ها
۵۹۱	۴۴- سرزنش ترک مطالعه تاریخ
۵۹۳	۴۵- سرزنش عدم مطالعه تاریخ
۵۹۳	۴۶- مطالعه آثار باستانی
۵۹۳	۴۷- مطالعه آسمان
۵۹۵	۴۸- مطالعه آفرینش
۵۹۵	۴۹- مطالعه آیات آفاقی
۵۹۷	۵۰- مطالعه ابر های باران زا
۵۹۷	۵۱- مطالعه اتقان آسمان
۵۹۷	۵۲- مطالعه استقرار کوه ها
۵۹۹	۵۳- مطالعه باران

- ۵۴- مطالعه بارش باران ۵۹۹
- ۵۵- مطالعه پرواز پرندگان ۵۹۹
- ۵۶- مطالعه تاریخ ۶۰۱
- ۵۷- مطالعه تاریخ اقوام پیشین ۶۰۱
- ۵۸- مطالعه تاریخ فرعونیان ۶۰۱
- ۵۹- مطالعه تاریخ مشرکان ۶۰۲
- ۶۰- مطالعه تحولات طبیعت ۶۰۳
- ۶۱- مطالعه تقسیم باران ۶۰۳
- ۶۲- مطالعه تنوع گیاهان ۶۰۳
- ۶۳- مطالعه تنوع میوه ۶۰۵
- ۶۴- مطالعه تولید مواد غذایی ۶۰۵
- ۶۵- مطالعه حرکت ابر ها ۶۰۵
- ۶۶- مطالعه حرکت ابر های باردار ۶۰۷
- ۶۷- مطالعه حرکت اجرام آسمانی ۶۰۷
- ۶۸- مطالعه حرکت منظومه شمسی ۶۰۷
- ۶۹- مطالعه خشکیدن گیاهان ۶۰۷
- ۷۰- مطالعه خلقت انسان ۶۰۹
- ۷۱- مطالعه خلقت زمین ۶۰۹
- ۷۲- مطالعه در تفاوت انسان ها ۶۰۹
- ۷۳- مطالعه در خلقت آسمان ها ۶۱۰
- ۷۴- مطالعه در خلقت زمین ۶۱۱
- ۷۵- مطالعه در سرنوشت ظالمان ۶۱۱
- ۷۶- مطالعه در موجودات ۶۱۱
- ۷۷- مطالعه رویش گیاهان ۶۱۱
- ۷۸- مطالعه زیبایی آسمان ۶۱۳
- ۷۹- مطالعه سرنوشت اقوام پیشین ۶۱۳

- ۸۰- مطالعه سرنوشت ظالمان ۶۱۵
- ۸۱- مطالعه طبیعت ۶۱۵
- ۸۲- مطالعه عظمت آسمان ۶۱۵
- ۸۳- مطالعه فرجام اقوام پیشین ۶۱۶
- ۸۴- مطالعه فرجام تمدن ها ۶۱۷
- ۸۵- مطالعه فرجام ظالمان ۶۱۷
- ۸۶- مطالعه فرجام فرعونیان ۶۱۹
- ۸۷- مطالعه فرجام کافران ۶۱۹
- ۸۸- مطالعه فرجام مشرکان ۶۲۱
- ۸۹- مطالعه فرجام مکذبان انبیا ۶۲۱
- ۹۰- مطالعه فواید موجودات ۶۲۳
- ۹۱- مطالعه قرآن ۶۲۳
- ۹۲- مطالعه قصه ابراهیم(ع) ۶۲۳
- ۹۳- مطالعه قصه یوسف(ع) ۶۲۳
- ۹۴- مطالعه قوانین آسمان ها ۶۲۵
- ۹۵- مطالعه مبدأ خلقت انسان ۶۲۵
- ۹۶- مطالعه مراحل خلقت انسان ۶۲۶
- ۹۷- مطالعه مصرف موادغذایی ۶۲۷
- ۹۸- مطالعه منشأ خلقت انسان ۶۲۹
- ۹۹- مطالعه موجودات ۶۲۹
- ۱۰۰- مطالعه موجودات آسمان ها ۶۲۹
- ۱۰۱- مطالعه موجودات زمین ۶۳۰
- ۱۰۲- مطالعه نامه عمل ۶۳۱
- ۱۰۳- مطالعه نعمت ها ۶۳۱
- ۱۴- مطلقه ۶۳۲
- ۱- آثار بد اخلاقی مطلقه ۶۳۲

- ۲- آثار تقوای مطلقه ۶۳۲
- ۳- آثار زناى مطلقه ۶۳۳
- ۴- آثار عمل ناپسند مطلقه ۶۳۳
- ۵- اختيار مطلقه ۶۳۴
- ۶- اخراج مطلقه از خانه ۶۳۵
- ۷- اداى حقوق مطلقه ۶۳۷
- ۸- ازدواج با مطلقه ۶۳۷
- ۹- ازدواج با مطلقه فرزندخوانده ۶۳۷
- ۱۰- ازدواج محمد(صلى الله عليه و آله) با مطلقه فرزندخوانده ۶۳۷
- ۱۱- اهميت حقوق مطلقه ۶۳۹
- ۱۲- تجاوز به حقوق مطلقه ۶۳۹
- ۱۳- توصيه به مطلقه ۶۳۹
- ۱۴- جدایی از مطلقه ۶۳۹
- ۱۵- حد زناى مطلقه ۶۴۱
- ۱۶- حقوق مطلقه ۶۴۱
- ۱۷- حمايت از مطلقه ۶۴۵
- ۱۸- خروج مطلقه از خانه ۶۴۷
- ۱۹- خوشرفتارى با مطلقه ۶۴۷
- ۲۰- رجوع به مطلقه ۶۴۹
- ۲۱- زمينه رجوع به مطلقه ۶۵۰
- ۲۲- زمينه سلب حقوق مطلقه ۶۵۱
- ۲۳- زن مطلقه ۶۵۱
- ۲۴- زيان به مطلقه ۶۵۱
- ۲۵- زينت مطلقه ۶۵۳
- ۲۶- سختگیری بر مطلقه ۶۵۳
- ۲۷- شرايط ازدواج مطلقه ۶۵۳

۶۵۵	۲۸- متعه به مطلقه
۶۵۷	۲۹- مدت نفقه مطلقه
۶۵۷	۳۰- مسکن مطلقه
۶۵۹	۳۱- مسؤلیت شوهران مطلقه
۶۶۱	۳۲- مسؤلیت مطلقه
۶۶۱	۳۳- منشأ تکفیر گناه مطلقه
۶۶۱	۳۴- نفقه مطلقه
۶۶۳	۳۵- ازدواج مطلقه
۶۶۳	۳۶- حقوق مطلقه
۶۶۵	۳۷- خوش رفتاری با مطلقه
۶۶۶	۱۵- مطیعان
۶۶۶	۱- مطیعان
۶۶۶	۲- بشارت به مطیعان
۶۶۷	۳- پاداش اخروی مطیعان
۶۶۷	۴- پاداش مطیعان
۶۶۷	۵- فرجام مطیعان
۶۶۷	۶- نعمتهای اخروی مطیعان
۶۷۰	۱۶- مظلوم
۶۷۰	۱- ابزار حمایت از مظلوم
۶۷۰	۲- استمداد مظلوم
۶۷۰	۳- انتقام در حضور مظلوم
۶۷۱	۴- اهمیت حقوق مظلوم
۶۷۱	۵- اهمیت حمایت از مظلوم
۶۷۱	۶- اهمیت دفاع از مظلوم
۶۷۱	۷- پاداش مسلمانان مظلوم
۶۷۳	۸- تشویق مظلوم

- ۶۷۳ ----- ۹- توصیه به مسلمانان مظلوم
- ۶۷۳ ----- ۱۰- حامی مظلوم
- ۶۷۵ ----- ۱۱- حقوق مظلوم
- ۶۷۵ ----- ۱۲- حمایت از مظلوم
- ۶۷۵ ----- ۱۳- حمایت از مقتول مظلوم
- ۶۷۷ ----- ۱۴- دفاع از مظلوم در شعر
- ۶۷۷ ----- ۱۵- زن مظلوم
- ۶۷۷ ----- ۱۶- سنت امداد به مظلوم
- ۶۷۷ ----- ۱۷- ظلم به مظلوم
- ۶۷۹ ----- ۱۸- عفو مظلوم
- ۶۷۹ ----- ۱۹- عقلانیت حمایت از مظلوم
- ۶۷۹ ----- ۲۰- فضیلت نجات مظلوم
- ۶۸۰ ----- ۲۱- فطرت حمایت از مظلوم
- ۶۸۱ ----- ۲۲- کودک مظلوم
- ۶۸۱ ----- ۲۳- مرد مظلوم
- ۶۸۱ ----- ۲۴- مستضعفان مظلوم
- ۶۸۱ ----- ۲۵- استمداد مظلومان
- ۶۸۳ ----- ۲۶- امداد به مظلومان
- ۶۸۳ ----- ۲۷- انتقام مظلومان
- ۶۸۳ ----- ۲۸- اهمیت نجات مظلومان
- ۶۸۵ ----- ۲۹- توصیه به مظلومان
- ۶۸۵ ----- ۳۰- حامی مظلومان
- ۶۸۷ ----- ۳۱- حقوق مظلومان
- ۶۸۷ ----- ۳۲- مظلومان در قیامت
- ۶۸۸ ----- ۳۳- نصرت مظلومان
- ۶۹۰ ----- ۱۷- معابد

- ۱- اهمیت دفاع از معابد ۶۹۰
- ۲- تاریخ معابد ۶۹۰
- ۳- دشمنی با معابد ۶۹۰
- ۴- فلسفه قداست معابد ۶۹۱
- ۵- محافظت از معابد ۶۹۱
- ۶- موانع تخریب معابد ۶۹۱
- ۷- نقش معابد ۶۹۱
- ۱۸- معاد ۶۹۴
- ۱- معاد ۶۹۴
- ۲- آثار استبعاد معاد ۶۹۴
- ۳- آثار استکبار مکذبان معاد ۶۹۷
- ۴- آثار استهزای معاد ۶۹۷
- ۵- آثار امیدواری به معاد ۶۹۷
- ۶- آثار ایمان به معاد ۶۹۷
- ۷- آثار پندارهای مکذبان معاد ۷۰۱
- ۸- آثار تبلیغ معاد ۷۰۱
- ۹- آثار ترس اخروی مکذبان معاد ۷۰۱
- ۱۰- آثار تکذیب معاد ۷۰۱
- ۱۱- آثار توجه به معاد ۷۱۵
- ۱۲- آثار ذکر انحطاط مکذبان معاد ۷۱۵
- ۱۳- آثار ذکر معاد ۷۱۵
- ۱۴- آثار شک در معاد ۷۱۷
- ۱۵- آثار طغیانگری مکذبان معاد ۷۱۹
- ۱۶- آثار عدم درک معاد ۷۱۹
- ۱۷- آثار عقیده به معاد ۷۱۹
- ۱۸- آثار غفلت از معاد ۷۲۳

- ۱۹- آثار فهم معاد ----- ۷۲۳
- ۲۰- آثار کفر به معاد ----- ۷۲۳
- ۲۱- آثار معاد ----- ۷۲۴
- ۲۲- آغاز معاد ----- ۷۲۵
- ۲۳- اثبات معاد ----- ۷۲۵
- ۲۴- اجتناب از تکذیب معاد ----- ۷۲۶
- ۲۵- احتضار مکذبان معاد ----- ۷۲۷
- ۲۶- اختلاف در معاد ----- ۷۲۷
- ۲۷- اختلاف درباره معاد ----- ۷۲۷
- ۲۸- اختلاف مکذبان معاد ----- ۷۲۹
- ۲۹- ادعای روشنفکری مکذبان معاد ----- ۷۲۹
- ۳۰- استبعاد معاد ----- ۷۲۹
- ۳۱- استبعاد معاد جسمانی ----- ۷۴۰
- ۳۲- استکبار مکذبان معاد ----- ۷۴۱
- ۳۳- استمهال مکذبان معاد ----- ۷۴۲
- ۳۴- استهزاگران معاد ----- ۷۴۳
- ۳۵- استهزاهای مکذبان معاد ----- ۷۴۳
- ۳۶- استهزای اخروی مکذبان معاد ----- ۷۴۵
- ۳۷- استهزای معاد ----- ۷۴۵
- ۳۸- استهزای مکذبان معاد ----- ۷۴۹
- ۳۹- اضطراب اخروی مکذبان معاد ----- ۷۴۹
- ۴۰- افسانه بودن معاد ----- ۷۵۱
- ۴۱- اقرار به معاد ----- ۷۵۱
- ۴۲- اقرار مکذبان معاد ----- ۷۵۲
- ۴۳- اقسام معاد ----- ۷۵۲
- ۴۴- اقوام پیشین و معاد ----- ۷۵۲

- ۴۵- امکان معاد ۷۵۵
- ۴۶- انحطاط تدریجی مکذبان معاد ۷۵۵
- ۴۷- انذار از معاد ۷۵۵
- ۴۸- انذار از معاد جسمانی ۷۵۷
- ۴۹- انذار مکذبان معاد ۷۵۷
- ۵۰- اهداف معاد ۷۵۹
- ۵۱- اهمیت انذار از معاد ۷۵۹
- ۵۲- اهمیت ایمان به معاد ۷۵۹
- ۵۳- اهمیت پاسخ شبهات معاد ۷۶۱
- ۵۴- اهمیت ذکر معاد ۷۶۱
- ۵۵- اهمیت عقیده به معاد ۷۶۳
- ۵۶- اهمیت علم به معاد ۷۶۳
- ۵۷- اهمیت معاد ۷۶۳
- ۵۸- بهانه جویی مکذبان معاد ۷۷۹
- ۵۹- بی اعتنایی به معاد ۷۷۹
- ۶۰- بی ایمانی مکذبان معاد ۷۸۱
- ۶۱- بی منطقی استبعاد معاد ۷۸۱
- ۶۲- بی منطقی تکذیب معاد ۷۸۱
- ۶۳- بی منطقی رد معاد ۷۸۳
- ۶۴- بی منطقی مکذبان معاد ۷۸۵
- ۶۵- بی یآوری اخروی مکذبان معاد ۷۸۵
- ۶۶- بینش باطل مکذبان معاد ۷۸۷
- ۶۷- بینش مکذبان معاد ۷۸۷
- ۶۸- پاسخ به شبهات معاد ۷۹۱
- ۶۹- پاسخ به شبهات مکذبان معاد ۷۹۱
- ۷۰- پاسخ شبهات معاد ۷۹۱

- ۷۱- پاسخ شبهات مکذبان معاد ----- ۷۹۳
- ۷۲- پرسش از معاد ----- ۷۹۴
- ۷۳- پرسش مکذبان معاد ----- ۷۹۵
- ۷۴- پرسشهای مکذبان معاد ----- ۷۹۷
- ۷۵- پندار استبعاد معاد ----- ۷۹۷
- ۷۶- پندار مکذبان معاد ----- ۷۹۷
- ۷۷- پیروی از مکذبان معاد ----- ۷۹۷
- ۷۸- تاریخ تکذیب معاد ----- ۷۹۹
- ۷۹- تبلیغ معاد ----- ۷۹۹
- ۸۰- تحقیر اخروی مکذبان معاد ----- ۷۹۹
- ۸۱- تحیر مکذبان معاد ----- ۷۹۹
- ۸۲- تذکر به مکذبان معاد ----- ۸۰۱
- ۸۳- تذکر ذلت اخروی مکذبان معاد ----- ۸۰۱
- ۸۴- تذکر عجز اخروی مکذبان معاد ----- ۸۰۱
- ۸۵- تذکر معاد ----- ۸۰۲
- ۸۶- ترس اخروی مکذبان معاد ----- ۸۰۳
- ۸۷- ترک تکذیب معاد ----- ۸۰۳
- ۸۸- ترک شبهه افکنی در معاد ----- ۸۰۵
- ۸۹- تشبیه معاد ----- ۸۰۵
- ۹۰- تشویق مکذبان معاد ----- ۸۰۷
- ۹۱- تعجب اخروی مکذبان معاد ----- ۸۰۷
- ۹۲- تعجب از تکذیب معاد ----- ۸۰۹
- ۹۳- تعدد آیات معاد ----- ۸۰۹
- ۹۴- تعدد دلایل معاد ----- ۸۰۹
- ۹۵- تعقل در معاد ----- ۸۰۹
- ۹۶- تفریط مکذبان معاد ----- ۸۱۱

- ۸۱۱ ۹۷- تکبر مکذبان معاد
- ۸۱۱ ۹۸- تکذیب معاد
- ۸۱۵ ۹۹- تکذیب‌گری مکذبان معاد
- ۸۱۶ ۱۰۰- تناقض گویی مکذبان معاد
- ۸۱۷ ۱۰۱- توجیه گری مکذبان معاد
- ۸۱۷ ۱۰۲- توصیه به مکذبان معاد
- ۸۱۷ ۱۰۳- تهدید شبهه افکنان در معاد
- ۸۱۷ ۱۰۴- تهدید مکذبان معاد
- ۸۲۱ ۱۰۵- تهمت افسانه به معاد
- ۸۲۱ ۱۰۶- تهمت‌های مکذبان معاد
- ۸۲۱ ۱۰۷- جادوگران فرعون و معاد
- ۸۲۱ ۱۰۸- جاهلان به معاد
- ۸۲۳ ۱۰۹- چشم‌های مکذبان معاد
- ۸۲۳ ۱۱۰- حتمیت حشر مکذبان معاد
- ۸۲۳ ۱۱۱- حتمیت عذاب مکذبان معاد
- ۸۲۵ ۱۱۲- حتمیت معاد
- ۸۳۱ ۱۱۳- حسابرسی اخروی مکذبان معاد
- ۸۳۱ ۱۱۴- حسابرسی مکذبان معاد
- ۸۳۱ ۱۱۵- حسرت اخروی مکذبان معاد
- ۸۳۳ ۱۱۶- حسرت مکذبان معاد
- ۸۳۳ ۱۱۷- حشر اخروی مکذبان معاد
- ۸۳۳ ۱۱۸- حشر مکذبان معاد
- ۸۳۳ ۱۱۹- حق ناپذیری مکذبان معاد
- ۸۳۵ ۱۲۰- حقانیت معاد
- ۸۳۷ ۱۲۱- حقیقت معاد
- ۸۳۹ ۱۲۲- حیات مکذبان معاد

- ۱۲۳- خالقیت و معاد ۸۴۰
- ۱۲۴- ختم قلب جاهلان به معاد ۸۴۱
- ۱۲۵- خدا و مکذبان معاد ۸۴۱
- ۱۲۶- خواسته های اخروی مکذبان معاد ۸۴۱
- ۱۲۷- خواسته های مکذبان معاد ۸۴۳
- ۱۲۸- دروغگویی مکذبان معاد ۸۴۳
- ۱۲۹- دعوت از مکذبان معاد ۸۴۳
- ۱۳۰- دعوت به معاد ۸۴۵
- ۱۳۱- دلایل سهولت معاد ۸۴۵
- ۱۳۲- دلایل عقلی معاد ۸۴۷
- ۱۳۳- دلایل معاد ۸۴۷
- ۱۳۴- دلایل معاد جسمانی ۸۷۶
- ۱۳۵- دلایل مکذبان معاد ۸۷۸
- ۱۳۶- دنیاطلبان و معاد ۸۷۹
- ۱۳۷- ذکر معاد ۸۸۰
- ۱۳۸- ذلت اخروی مکذبان معاد ۸۸۱
- ۱۳۹- ذلت مکذبان معاد ۸۸۲
- ۱۴۰- رازهای مکذبان معاد ۸۸۳
- ۱۴۱- رد استبعاد معاد ۸۸۳
- ۱۴۲- رد عقیده مکذبان معاد ۸۸۳
- ۱۴۳- رضایت مکذبان معاد ۸۸۳
- ۱۴۴- رفع استبعاد معاد ۸۸۵
- ۱۴۵- رفع شبهات معاد ۸۸۵
- ۱۴۶- روش برخورد مکذبان معاد ۸۸۵
- ۱۴۷- روش پاسخ به مکذبان معاد ۸۸۷
- ۱۴۸- زشتی صورت مکذبان معاد ۸۸۷

- ۸۸۷ ----- ۱۴۹- زمینه استبعاد معاد
- ۸۸۹ ----- ۱۵۰- زمینه ایمان به معاد
- ۸۹۳ ----- ۱۵۱- زمینه پاسخ به شبهات معاد
- ۸۹۳ ----- ۱۵۲- زمینه تکذیب معاد
- ۸۹۵ ----- ۱۵۳- زمینه درک معاد
- ۸۹۵ ----- ۱۵۴- زمینه ذکر معاد
- ۸۹۵ ----- ۱۵۵- زمینه رفع شبهات معاد
- ۸۹۷ ----- ۱۵۶- زمینه غفلت از معاد
- ۸۹۷ ----- ۱۵۷- زمینه معاد
- ۸۹۹ ----- ۱۵۸- زمینه معاد شناسی
- ۹۰۰ ----- ۱۵۹- زندگی و معاد
- ۹۰۱ ----- ۱۶۰- زیان اخروی مکذبان معاد
- ۹۰۱ ----- ۱۶۱- زیان در بینش مکذبان معاد
- ۹۰۱ ----- ۱۶۲- زیانکاری اخروی مکذبان معاد
- ۹۰۳ ----- ۱۶۳- زیانکاری مکذبان معاد
- ۹۰۳ ----- ۱۶۴- سخت ترین روزگار مکذبان معاد
- ۹۰۴ ----- ۱۶۵- سرزنش اخروی مکذبان معاد
- ۹۰۵ ----- ۱۶۶- سرزنش تکذیب معاد
- ۹۰۷ ----- ۱۶۷- سرزنش شبهه افکنی معاد
- ۹۰۷ ----- ۱۶۸- سرزنش شک در معاد
- ۹۰۷ ----- ۱۶۹- سرزنش غفلت از معاد
- ۹۰۷ ----- ۱۷۰- سرزنش مکذبان معاد
- ۹۰۹ ----- ۱۷۱- سرعت معاد
- ۹۱۱ ----- ۱۷۲- سوگند مکذبان معاد
- ۹۱۱ ----- ۱۷۳- سهولت معاد
- ۹۱۵ ----- ۱۷۴- شبهات معاد

- ۹۱۵ ۱۷۵- شبهات معاد در دوران اصحاب کهف
- ۹۱۷ ۱۷۶- شبهه افکنان معاد در قیامت
- ۹۱۷ ۱۷۷- شبهه افکنی در معاد
- ۹۱۷ ۱۷۸- شرایط ایمان مکذبان معاد
- ۹۱۹ ۱۷۹- شک در معاد
- ۹۲۱ ۱۸۰- شک مشرکان به معاد
- ۹۲۱ ۱۸۱- شک مکذبان معاد
- ۹۲۳ ۱۸۲- شگفتی پرسش از معاد
- ۹۲۳ ۱۸۳- شگفتی تکذیب معاد
- ۹۲۵ ۱۸۴- شگفتی شک در معاد
- ۹۲۶ ۱۸۵- شگفتی کم فروشی مؤمنان به معاد
- ۹۲۷ ۱۸۶- شگفتی معاد
- ۹۲۷ ۱۸۷- شناخت ویژگیهای معاد
- ۹۲۷ ۱۸۸- صفات مکذبان معاد
- ۹۲۸ ۱۸۹- صورت اخروی مکذبان معاد
- ۹۲۹ ۱۹۰- ضرورت معاد
- ۹۲۹ ۱۹۱- ضعف علمی مکذبان معاد
- ۹۲۹ ۱۹۲- طغیانگری مکذبان معاد
- ۹۳۱ ۱۹۳- ظلم تکذیب معاد
- ۹۳۱ ۱۹۴- ظلم مکذبان معاد
- ۹۳۲ ۱۹۵- عبرت مکذبان معاد
- ۹۳۳ ۱۹۶- عبرت ناپذیری مکذبان معاد
- ۹۳۳ ۱۹۷- عجز از تکذیب معاد
- ۹۳۳ ۱۹۸- عجز مکذبان معاد
- ۹۳۵ ۱۹۹- عذاب اخروی مکذبان معاد
- ۹۳۷ ۲۰۰- عذاب جسمانی مکذبان معاد

- ۲۰۱- عذاب روحی مکذبان معاد ۹۳۷
- ۲۰۲- عذاب مکذبان معاد ۹۳۹
- ۲۰۳- عظمت معاد ۹۴۱
- ۲۰۴- عقلانیت معاد ۹۴۱
- ۲۰۵- عقیده باطل مکذبان معاد ۹۴۱
- ۲۰۶- عقیده به معاد ۹۴۱
- ۲۰۷- عقیده مکذبان معاد ۹۴۵
- ۲۰۸- علم به معاد ۹۴۵
- ۲۰۹- عمل مکذبان معاد ۹۴۷
- ۲۱۰- عوامل استبعاد معاد ۹۴۷
- ۲۱۱- عوامل اضطراب مکذبان معاد ۹۴۹
- ۲۱۲- عوامل ایمان به معاد ۹۴۹
- ۲۱۳- عوامل تقویت مؤمنان به معاد ۹۵۱
- ۲۱۴- عوامل تکذیب معاد ۹۵۱
- ۲۱۵- عوامل رد استبعاد معاد ۹۵۵
- ۲۱۶- عوامل رفع استبعاد معاد ۹۵۵
- ۲۱۷- عوامل رفع شبهات معاد ۹۵۷
- ۲۱۸- عوامل زوال شبهه در معاد ۹۵۷
- ۲۱۹- عوامل غفلت از معاد ۹۵۷
- ۲۲۰- عوامل مؤثر در تکذیب معاد ۹۵۷
- ۲۲۱- عوامل یقین به معاد ۹۵۹
- ۲۲۲- غافلگیری مکذبان معاد ۹۵۹
- ۲۲۳- فرجام شوم مکذبان معاد ۹۵۹
- ۲۲۴- فرجام مکذبان معاد ۹۵۹
- ۲۲۵- فلسفه تکذیب معاد ۹۶۱
- ۲۲۶- فلسفه معاد ۹۶۱

- ۲۲۷- فلسفه مهلت به مکذبان معاد ۹۶۵
- ۲۲۸- قانونمندی معاد ۹۶۵
- ۲۲۹- قدرت بر معاد ۹۶۵
- ۲۳۰- کافران و معاد ۹۶۷
- ۲۳۱- کفر به معاد ۹۷۰
- ۲۳۲- کفر تکذیب معاد ۹۷۱
- ۲۳۳- کفر مکذبان معاد ۹۷۱
- ۲۳۴- کم فروشی مکذبان معاد ۹۷۲
- ۲۳۵- کیفر تکذیب معاد ۹۷۳
- ۲۳۶- کیفر مکذبان معاد ۹۷۳
- ۲۳۷- کیفراخروی مکذبان معاد ۹۷۷
- ۲۳۸- کیفیت حشر مکذبان معاد ۹۷۷
- ۲۳۹- کیفیت معاد جسمانی ۹۷۷
- ۲۴۰- گفتگوی مکذبان معاد ۹۷۷
- ۲۴۱- گمراهی مکذبان معاد ۹۷۹
- ۲۴۲- گناه تکذیب معاد ۹۷۹
- ۲۴۳- گناه شک در معاد ۹۷۹
- ۲۴۴- گناه مکذبان معاد ۹۷۹
- ۲۴۵- گناهکاری مکذبان معاد ۹۸۱
- ۲۴۶- گواهان حقانیت معاد ۹۸۱
- ۲۴۷- لجاجت مکذبان معاد ۹۸۱
- ۲۴۸- مادیگرایی مکذبان معاد ۹۸۳
- ۲۴۹- مبلغان تکذیب معاد ۹۸۵
- ۲۵۰- مجادله در معاد ۹۸۵
- ۲۵۱- محاکمه مکذبان معاد ۹۸۵
- ۲۵۲- محرومیت اخروی مکذبان معاد ۹۸۵

- ۲۵۳- محرومیت مکذبان معاد ۹۸۷
- ۲۵۴- محمد(صلی الله علیه و آله) و مکذبان معاد ۹۸۷
- ۲۵۵- مشرکان صدر اسلام و معاد ۹۸۹
- ۲۵۶- مشرکان و معاد ۹۸۹
- ۲۵۷- مشکلات اخروی مکذبان معاد ۹۹۲
- ۲۵۸- معاد انسان ها ۹۹۳
- ۲۵۹- معاد جسمانی ۹۹۵
- ۲۶۰- معاد جسمانی جن ۱۰۲۳
- ۲۶۱- معاد جن ۱۰۲۳
- ۲۶۲- معاد در آخرت ۱۰۲۳
- ۲۶۳- معاد در ادیان آسمانی ۱۰۲۳
- ۲۶۴- معاد روحانی ۱۰۲۵
- ۲۶۵- معاد شناسی در آفرینش ۱۰۲۵
- ۲۶۶- معاد قبل از قیامت ۱۰۲۵
- ۲۶۷- معاد کافران ۱۰۲۷
- ۲۶۸- مکان معاد ۱۰۲۷
- ۲۶۹- مکذبان آیات معاد ۱۰۲۷
- ۲۷۰- مکذبان معاد ۱۰۲۷
- ۲۷۱- مکذبان معاد اطراف جهنم ۱۰۳۹
- ۲۷۲- مکذبان معاد جسمانی ۱۰۳۹
- ۲۷۳- مکذبان معاد در جهنم ۱۰۴۱
- ۲۷۴- مکذبان معاد در صدراسلام ۱۰۴۱
- ۲۷۵- مکذبان معاد در قیامت ۱۰۴۱
- ۲۷۶- مکذبان معاد و انفاق ۱۰۴۷
- ۲۷۷- مکذبان معاد و رویت ملائکه ۱۰۴۷
- ۲۷۸- مکذبان معاد و کیفر اخروی ۱۰۴۹

- ۲۷۹- مکذبان معاد و محمّد(صلی الله علیه و آله) ۱۰۴۹
- ۲۸۰- مکذبان معاد و نزول ملائکه ۱۰۴۹
- ۲۸۱- منشأ استهزای معاد ۱۰۴۹
- ۲۸۲- منشأ انحطاط مکذبان معاد ۱۰۵۱
- ۲۸۳- منشأ تکذیب معاد ۱۰۵۱
- ۲۸۴- منشأ شبهات معاد ۱۰۵۳
- ۲۸۵- منشأ شک در معاد ۱۰۵۳
- ۲۸۶- منشأ معاد ۱۰۵۵
- ۲۸۷- منشأ معاد انسان ها ۱۰۵۸
- ۲۸۸- موانع تکذیب معاد ۱۰۵۹
- ۲۸۹- موانع شک در معاد ۱۰۶۰
- ۲۹۰- مؤمنان به معاد در دوران اصحاب کهف ۱۰۶۱
- ۲۹۱- مهلت به مکذبان معاد ۱۰۶۱
- ۲۹۲- میعاد اخروی مکذبان معاد ۱۰۶۱
- ۲۹۳- نامه عمل مکذبان معاد ۱۰۶۲
- ۲۹۴- نزدیکی معاد ۱۰۶۳
- ۲۹۵- نشانه های معاد ۱۰۶۳
- ۲۹۶- نقش معاد ۱۰۶۵
- ۲۹۷- نقش مکذبان معاد ۱۰۶۵
- ۲۹۸- نگرانی مکذبان معاد ۱۰۶۷
- ۲۹۹- نهی از استهزای معاد ۱۰۶۷
- ۳۰۰- نهی از شبهه افکنی در معاد ۱۰۶۷
- ۳۰۱- نیات مکذبان معاد ۱۰۶۷
- ۳۰۲- وسعت قدرت معاد ۱۰۶۸
- ۳۰۳- وضوح حتمیت معاد ۱۰۶۹
- ۳۰۴- وضوح دلایل معاد ۱۰۶۹

- ۳۰۵- وعده معاد ۱۰۷۱
- ۳۰۶- ویژگیهای معاد ۱۰۷۱
- ۳۰۷- ویژگیهای مکذبان معاد ۱۰۷۲
- ۳۰۸- هشدار به معاد ۱۰۷۳
- ۳۰۹- هشدار به مکذبان معاد ۱۰۷۳
- ۳۱۰- هلاکت مکذبان معاد ۱۰۷۳
- ۳۱۱- زمینه معادشناسی ۱۰۷۳
- ۳۱۲- معادشناسی ابلیس ۱۰۷۵
- ۱۹- معادن ۱۰۷۶
- ۱- پیدایش معادن ۱۰۷۶
- ۲- تناسب مواد معدنی معادن ۱۰۷۶
- ۳- توزین مواد معدنی ۱۰۷۷
- ۴- مکان پیدایش معادن ۱۰۷۷
- درباره مرکز ۱۰۷۸

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 97

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- مشعر الحرام

1- استغفار در مشعر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 199 - 8،13

8 - لزوم استغفار، به هنگام کوچ کردن از عرفات و مشعرالحرام

ثم افيضوا... و استغفروا الله

در این برداشت، هر دو نظر درباره جمله «ثم افيضوا» (افاضه از مشعر و یا عرفات)، ملحوظ شده است.

13 - طالبان آمرزش الهی به هنگام کوچ از مشعر و عرفات، مشمول مغفرت و رحمت خداوند هستند.

ثم افيضوا... و استغفروا الله ان الله غفور رحيم

2- ذکر در مشعر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 198 - 8،10

8 - وجوب ذکر خداوند در مشعرالحرام

فاذكروا الله عند المشعرالحرام

10 - کیفیت ذکر خداوند در مشعرالحرام، باید طبق دستور وی باشد.

فاذکروا اللّٰه... واذکروه کما هدیکم

«کما هدیکم» ای کما علّمکم. (همان گونه که به شما آموخت.)

ص: 1

3- قداست مشعر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 198 - 9

9 - قداست سرزمین مشعرالحرام

فاذكروا الله عند المشعرالحرام

توصیف «مشعر» به «الحرام»، دلالت بر قداست و احترام خاص آن سرزمین می کند.

4- وقوف در مشعر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 198 - 7

7 - وجوب رفتن و وقوف به مشعرالحرام ، پس از وقوف در عرفات

فاذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند المشعرالحرام

لازمه وجوب ذکر خداوند در مشعرالحرام پس از وقوف به عرفات، وجوب رفتن و بودن (وقوف) در مشعرالحرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 199 - 1,3,5

1 - برای رفتن به مشعر ، باید همانند مردم از عرفات حرکت کرد .

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

برخی برآنند که جمله «ثم افيضوا»، تأکید همان افاضه از عرفات است؛ به قرینه «من حيث ...». چون قریش و هم پیمانان آنان بر خلاف مردم، افاضه ای از عرفات نداشتند.

3 - لزوم کوچ کردن از مشعرالحرام ، همراه با مردم

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

کلمه «ثم» دلالت می کند که مراد از افاضه، افاضه از مشعر است.

5- وقوف در مشعرالحرام ، از مناسک حج

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

بنابراینکه «ثم افيضوا»، مربوط به مشعرالحرام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 3 - 16

16 - از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: الحج الأكبر الوقوف بعرفه و بجمع و برمی الجمار بمنى و الحج الأصغر العمرة ؛

حج اکبر، وقوف به عرفه و وقوف به مشعر و رمی جمرات در منی است و حج اصغر، عمره است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 2

4- وقوف در عرفات و مشعر ، نخستین تکلیف حاجیان در مراسم حج (پس از احرام)

لیشهدوا منفع لهم

جمله «و یذکروا اسم الله ..» مربوط به مراسم قربانی است و آیه بعدی، در رابطه با مسأله حلق، تقصیر و طواف می باشد. پس با در نظر گرفتن این مطلب که مراسم حج - پس از پوشیدن احرام - به ترتیب عبارت است از: وقوف در عرفات و مشعر، قربانی کردن حلق و تقصیر و طواف، باید گفت که حج در شریعت حضرت ابراهیم(ع)، با مراسم قربانی شروع و با طواف ختم می شد و وقوفین جزو مراسم نبود و یا این که جمله «لیشهدوا منافع لهم» علاوه بر این که بیانگر فلسفه تشریح حج است، ناظر به مسأله حضور در عرفات و مشعر نیز می باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال دوم استوار است.

ص: 3

2- مشکلات

1- آثار تحمل مشکلات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 51 - 8

8 - تحمل دشواری ها در راه دین در نظر مؤمنان راستین ، تنها زمینه ساز برخورداری از مغفرت الهی است و نه تضمینی حتمی .

قالوا لاضیر . . . إنا نطمع أن یغفر لنا ربنا

ساحران مؤمن، در عین اظهار آمادگی برای پذیرش هر دشواری، خود را در آن مرتبه ندیدند که حتماً مورد غفران قرار می گیرند؛ بلکه فقط اظهار امیدواری کردند.

2- آثار رفع مشکلات ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 14

14- استجاب دعاى ایوب (ع) و برطرف نمودن رنج و گرفتاری از آن حضرت ، مایه تذکر و بیداری خداپرستان

فاستجبنا له . . . وءاتینه . . . رحمه من عندنا و ذکرى للعبدین

3- آثار مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 31 - 9،10

9- بلا ها و تنگنا های زندگی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی و یابوری خواستن از او

ص: 4

و ما أصبكم . . . و ما لكم من دون الله من وليّ و لا نصير

10 - مصیبت های بزرگ زندگی انسان ، میدان بروز ناتوانی عوامل مادی و زمینه ساز توجه انسان به مبدأ یگانه فیض و رحمت (خدا)

و ما أصبكم من مصیبه . . . و ما لكم من دون الله من وليّ و لا نصير

برداشت بالا بنابراین نکته است که نکره آمدن «مصیبه» اشاره به مشکلات خاص و بزرگ داشته باشد که رفع آنها از عوامل بشری و مادی میسر نیست.

4- آثار مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 118 - 11

11 - تنگنا های اجتماعی و روحی ، از زمینه های التجای انسان به درگاه الهی

ضائق علیهم الأرض . . . و ضائق علیهم أنفسهم و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إلیه

با توجه به شأن نزول که محاصره اجتماعی متخلفان را از سوی مسلمانان زمینه التجای آنان به خداوند شمرده است، این برداشت استفاده می شود.

5- آثار مشکلات اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 5

5 - نقش فشار های اقتصادی ، در پراکندن مردم از پیرامون رهبری

هم الذين يقولون لا تنفقوا علی من عند رسول الله حتی ینفضوا

6- آثار مشکلات زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 2

2- تنگنا های زندگی و لحظه های خطر آفرین که هیچ امیدی به رهایی از آنها نیست ، بیدارگر فطرت خداجویی در نهاد انسان

و إذا مسکم الضرّ . . . ضلّ من تدعون إلا إیّاه

ذکر گرفتاری در دریا در میان ابتلاهای فراوانی که ممکن است انسانها را گرفتار کند، به این جهت است که در تلاطم دریا امیدی برای نجات و رهایی نیست.

ص: 5

7- آثار مشکلات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 36 - 6

6 - مشرکان ، با برخورداری از امکانات اندک ، شادمان شده و با اندک گرفتاری ، ناامید می شوند .

و إذا أذقنا الناس رحمة فرحوا بها وإن تصبهم سيئة .. يقنطون

ممکن است به قرینه آیات پیش - که درباره مشرکان است - «ال» در «الناس» عهد و مراد از «الناس» مشرکان باشد. لازم به ذکر است که تنوین «سیئه» تکبیر و برای قَلت است.

8- آثار مشکلات موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 35

35 - موسی (ع) زمانی توفیق مناجات با خداوند در کوه طور و دریافت حکم رسالت را یافت که از مرحله آزمون الهی و چشیدن سختی ها ، عبور کرد و شایستگی لازم را به دست آورده بود .

و فتتك فتوناً .. ثم جئت على قدر يموسى

9- اخلاص و نجات از مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 25

25- قصد قربت با قصد رهایی از ناملايمات اجتماعى منافاتى ندارد .

إني نذرت للرحمن صوماً فلن أكلم اليوم إنسياً

مریم(س) به منظور عذر آوردن نزد مردم برای سکوت خویش، روزه را نذر کرد، ولی با جمله «إني نذرت للرحمان» نذر خود را وسیله تقرب به خدا قرار داد.

10- امیدواری به حل مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - امید بستن به حل مشکلات زندگی مشترک و تبدیل شدن سختی ها به آسانی ها - در پرتو لطف و عنایت خداوند - امیدی شایسته و
بجا برای مؤمنان

ص: 6

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

آیه شریفه، ضمن امید بخشیدن به مردان و زنان درگیر با مشکلات زندگی مشترک، آنان را به رفع شدن مشکلاتشان در پرتو عنایت و لطف خداوند، امیدوار ساخته و به این امیدواری تشویق و ترغیب کرده است.

11- انبیا و بررسی مشکلات تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 45 - 7

7- بررسی مشکلات و موانع احتمالی مسؤولیت ها و ترس از ناکامی در ابلاغ رسالت های الهی ، منافاتی با مقام نبوت و اخلاص در برابر خداوند ندارد .

واصطنعتک لنفسی . . . إنا نخاف أن يفرط علينا أو أن يطغى

12- انبیا و بررسی مشکلات نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 45 - 7

7- بررسی مشکلات و موانع احتمالی مسؤولیت ها و ترس از ناکامی در ابلاغ رسالت های الهی ، منافاتی با مقام نبوت و اخلاص در برابر خداوند ندارد .

واصطنعتک لنفسی . . . إنا نخاف أن يفرط علينا أو أن يطغى

13- اندوه بر مشکلات مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 75 - 5, 4, 2

2- ابراهیم (ع) ، از گرفتار شدن مردمان به مشکلات ، متأثر می شد و بر آنان دل می سوزاند .

إن إبراهيم . . . أوه

«أواه» به کسی گفته می شود که بسیار آه می کشد و متأسف می شود. توصیف ابراهیم(ع) به «أواه» پس از جمله «یجادلنا» می رساند که: تأسف و تأثر ابراهیم(ع) به خاطر مشکلات و گرفتاریهای مردمان بوده است.

4- بردباری ابراهیم (ع) و تأسّفش بر مشکلات مردم و اعتقاد راسخش به خداوند، برانگیزنده او به شفاعت درباره قوم لوط

یجدلنا فی قوم لوط. إن ابرهیم لحلیم اّوه منیب

جمله «إن ابراهیم . . .» بیانگر علّت مجادله ابراهیم(ع) درباره قوم لوط و دفاع او از ایشان است.

5- بردباری، تأسّف و تأثر بر مشکلات مردم و توجّه داشتن به خدا و درخواست حاجت ها از او، صفات و خصلتهایی نیکو و

ص: 7

پسندیده است .

إن إبرهیم لحلیم أوه منیب

14- اهمیت بیان مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 13 - 8

8- باید به هنگام پذیرش مسؤولیت های محوله ، تمامی مشکلات ، کاستی ها و پی آمد های آنها را با مقام بالاتر در میان گذاشت .

و إذ نادى ربك موسى أن انت القوم الظلمين . . . قال رب إنى أخاف أن يكذبون . و يضيق صدرى ولا ينطق لسانى

15- اهمیت تبیین مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 8

8 - مریبان و مدیران جامعه ، باید مشکلات راه های پیشنهادی را برای سالکان آن راه ها ، بیان کنند و عوامل موفقیت را نیز یادآور شوند .

و لنبلونكم بشىء من الخوف . . . و بشر الصبرین

ارائه راه صحیح و بیان مشکلات آن و نیز طریق پیروزی بر آنها - که از آیات قبل و آیه مورد بحث به دست می آید - درسی است به همه مریبان و مدیران که تنها به پیشنهاد راه صحیح اکتفا نکنند؛ بلکه مشکلات و روش پیروزی بر آنها را نیز بیان دارند.

16- اهمیت حل مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 17، 18، 6

6 - حضور در کنار رهبری جامعه اسلامی برای حل و فصل امور مهم اجتماعی و مشاوره و کنکاش در مسائل عمومی ، امری لازم و بایسته

إنما المؤمنون الذین ءامنوا باللّٰه و رسوله و إذا كانوا معه علی أمر جماع لم یذهبوا

17 - پرداختن به امور مهم زندگی شخصی ، به جای حل و فصل مسائل اجتماعی ، با اذن رهبری ، خطایی است نیازمند به استغفار به درگاه الهی .

فإذا استئذنونك لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم و استغفر لهم الله

توصیه خداوند به طلب مغفرت کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای کسانی که به اذن او عرصه حل و فصل امور اجتماعی را ترک می کنند

ص: 8

حاکمی از این است که این عمل چون به اذن آن حضرت انجام گرفته جایز است؛ ولی در عین حال خطایی است که باید برای آن استغفار کرد.

18 - انجام کارهای عمومی و حل و فصل مسائل اجتماعی در هر حال، در اولویت نخست و از پرداختن به امور فردی و شخصی مهم تر است.

و إذا كانوا معه على امر جامع... فإذا استئذنوك لبعض شأنهم فاذن لمن شئت منهم و

خطا بودن ترک عرصه حل و فصل مسائل اجتماعی، به منظور رسیدگی به کارهای شخصی - که از طلب مغفرت کردن پیامبر(صلی الله علیه و آله) استفاده می شود - برداشت یاد شده را افاده می کند.

17- اهمیت ذکر مشکلات اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 14

14 - اهمیت توجه به تنگناها و مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی

وإن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله من فضله

18- اهمیت رفع مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 90 - 14

14- مردم، در قبال مسائل جامعه خویش چون: بی عدالتی، فحشا، بزهکاری، ستم، فقر و نیازمندی های اقتصادی مردم، مسؤولند.

إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذی القربى وینهى عن الفحشاء والمنکر و

19- اهمیت رفع مشکلات اقتصادی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 19 - 4

4- اهتمام دین به مسائل اجتماعی و رفع خلأ های اقتصادی جامعه، همپای تعالی بخشیدن به معنویات و پرداختن به مسائل فردی

و بالأسحار هم یستغفرون . و فی أموالهم حقّ للسائل و المحروم

20- اهمیت رفع مشکلات اقتصادی فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 19 - 7

7 - تقدم رسیدگی به حال سائلان و محرومان و رفع محرومیت از آنان ، بر دیگر محرومان جامعه

و فی أموالهم حقّ للسائل والمحروم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که تقدم سائلان بر محرومان، ممکن است به این خاطر باشد که سائلان، آبروی خود را در کف نهاده و به پرسش می پردازند و این کار معمولاً از سر استیصال و درماندگی انجام می گیرد. از این رو لازم است در انفاق و امداد، آنان را در اولویت قرار داد.

21- اهمیت رفع مشکلات اقتصادی متکدیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 19 - 7

7 - تقدم رسیدگی به حال سائلان و محرومان و رفع محرومیت از آنان ، بر دیگر محرومان جامعه

و فی أموالهم حقّ للسائل والمحروم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که تقدم سائلان بر محرومان، ممکن است به این خاطر باشد که سائلان، آبروی خود را در کف نهاده و به پرسش می پردازند و این کار معمولاً از سر استیصال و درماندگی انجام می گیرد. از این رو لازم است در انفاق و امداد، آنان را در اولویت قرار داد.

22- اهمیت رفع مشکلات خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 90 - 5

5- سیاست اسلام بر تحکیم پیوند خویشاوندی و رفع مشکلات موجود میان خویشاوندان است .

إن الله يأمر . . . و إيتای ذی القربی

23- اهمیت مشکلات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 16 - 4

4- بلاها و سختی های دنیا، در مقایسه با دشواری های قیامت، امری اندک و ناچیز

یوم نبطش البطشه الكبرى

ص: 10

در صورتی که آیه شریفه نظر به قیامت داشته باشد، تعبیر «البطشه الکبری» می نمایاند که مؤاخذه ها و بلاهای دنیوی، هرچه باشند در مقابل مؤاخذه های اخروی کم و کوچک به شمار می آیند.

24- اهمیت مشکلات گرسنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 8 - 5

5- توجه و اهتمام ویژه اسلام، به مشکل گرسنگی و نیاز غذایی جامعه

و يطعمون الطعام على حبة مسكينا و يتيمًا و أسيرًا

از تصریح به اطعام و رفع نیازهای غذایی نیازمندان جامعه - به جای تأمین عموم نیازهای نیازمندان - می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

25- بی اعتنائی به مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 9

9 - ترک حضور در محضر رهبری جامعه اسلامی برای حل و فصل امور مهم اجتماعی، به منظور پرداختن به امور زندگی شخصی، بدون اذن خواستن، حرام و ممنوع است.

و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستذنوه .. فإذا استذنوك لبعض شأن

26- بی تفاوتی در حل مشکلات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 10 - 6

6 - انسان های بی تفاوت در قبال مشکلات و درگیری های جامعه اسلامی، فاقد روح واقعی ایمان

إِثْمًا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ

از فای «فأصلحوا» استفاده می شود که نتیجه ایمان و برادری واقعی، اقدام عملی در جهت ایجاد الفت و رفع مشکلات مؤمنان است. پس آن جا که ثمره مشهود نباشد، اصل ایمان مورد تردید قرار می گیرد.

27- بی تفاوتی در مشکلات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 11

10 - فروهستن مسؤولیت های دینی و بی تفاوتی در برابر مشکلات جامعه ، بی تقوایی است .

فأصلحوا .. و اتقوا الله

از مفهوم آیه شریفه ، استفاده می شود که اگر به وظایف یاد شده در صدر آیه عمل نشود و مؤمنان خود را در قبال دیگر برادران ایمانی مسؤول ندانند ، تقوا را رعایت نکرده اند .

28- پاداش تحمل مشکلات دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 10

10- رنج های تکوینی نیز همانند تحمل سختی در راه دین ، زمینه برخورداری از اجر و پاداش الهی است .

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا .. أولئك أصحاب الجنة ... و وصينا

از ارتباط و پیوستگی این آیه با آیات پیشین ، می توان استفاده کرد که خداوند هیچ نوعی از سختی ها را نادیده نگرفته و در قبال هر رنجی ، پاداشی در خور توجه قرار داده است؛ پاداش موحدانی را که در طریق ایمان استقامت کنند و دشواری ها را پشت سر بگذارند ، بهشت قرار داده و مادران را نیز که به حکم تکوین ، ناگزیرند رنج بارداری و زایمان را تحمل کنند با توصیه به فرزندان ، از خدمت های آنان بهره مند ساخته است .

29- تبیین مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 34 - 10

10 - لزوم در میان گذاشتن مشکلات ، کاستی ها و پی آمد های آن با مقام فرماندهی ، به هنگام پذیرش مسؤولیت های داده شده

نودی .. یموسی ... إلی فرعون و ملائیه ... قال ربّ إني قتلت منهم نفساً ... إن

30- تبیین مشکلات راه هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 7

7 - ارائه راه هدایت به همراه بیان مشکلات آن و نیز ارائه طریق موفقیت بر آنها ، از روش های قرآن است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... لَنْبَلُونَكُمْ بِشَىءٍ مِّنَ الْخَوْفِ... وَبِشْرِ الصَّبْرِ

خداوند در این بخش از آیات علاوه بر ارائه راه هدایت - که همان ایمان به رسالت و .. می باشد - مشکلات سلوک در این راه را نیز بر شمرده و برای فایق آمدن بر آنها، استعانت از نماز و صبر را مطرح ساخته است.

ص: 12

31- تحمل مشکلات ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 10 - 4

4 - ایمان آوردگان به خدا، باید سختی‌ها و پیامدهای ناگوار احتمالی ایمان‌شان را، تحمل کنند.

و من الناس من يقول ءامناً بالله فإذا أؤذی فی الله جعل فتنه الناس كعذاب الله

آیه، به دنبال سرزنش کسانی است که ایمانی زبانی و سطحی دارند و چون به خاطر ایمان‌شان، سختی می‌بینند، آن را تحمل نمی‌کنند. از سرزنش افراد یاد شده، استفاده می‌شود که مؤمنان، باید در راه ایمان‌شان سختی‌ها را بر خود هموار کنند.

32- تحمل ناپذیری مشکلات ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 10 - 2

2 - برخی از مدعیان ایمان، اذیت و آزار در راه ایمان‌شان را، در حدّ عذاب خدا تلقی کرده و آن را تحمل ناپذیر می‌دانند.

و من الناس من يقول ءامناً بالله فإذا أؤذی فی الله جعل فتنه الناس كعذاب الله

تشبیه «فتنه و آزار» به «عذاب خدا»، کنایه از سختی و تحمل ناپذیری آن است. گفتنی است که «أؤذی» قرینه این است که مراد از «فتنه»، سختی و ناگواری و آزار است.

33- تسهیل مشکلات تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 26 - 5

5 - دعا در آسان شدن مشکلات تبلیغ دین، دارای نقش اساسی است.

و یسر لی امری

34- حلّ مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 3،4،13

3 - حل و فصل امور مهم اجتماعی و فراهوانی مردم برای مشاوره و کنکاش پیرامون مسائل عمومی ، از وظایف و اختیارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبری جامعه اسلامی

ص: 13

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا

4 - مؤمنان راستین ، به هنگام حضور در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبری جامعه اسلامی ، برای حل و فصل امور مهم اجتماعی ، بدون اذن خواستن به دنبال کار دیگری نمی رفتند .

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ

13 - اعمال اجتهاد و مصلحت اندیشی در حل و فصل امور اجتماعی ، از اختیارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران جامعه اسلامی است .

و إِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ .. فَإِذَا اسْتَأْذَنُوا لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لَهُمْ

35- حل مشکلات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 7

7- مشرکان ، از خدایان خویش توقع داشتند مشکلات و گرفتاری های آنان را حل کرده و یا آن را به خوشی تبدیل کنند .

ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلاً

36- درخواست حل مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 7

7- مشرکان ، از خدایان خویش توقع داشتند مشکلات و گرفتاری های آنان را حل کرده و یا آن را به خوشی تبدیل کنند .

ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلاً

37- دعا برای حل مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 41 - 12

12 - دعا برای رفع گرفتاری و مشکلات دنیوی ، کاری شایسته است .

إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 44 - 10

10 - منافات نداشتن دعا و درخواست از خداوند برای رفع گرفتاری با مقام صبر و شکیبایی

إذ نادى رَبَّهُ أُنّىٰ مَسْنَى الشَّيْطَانِ . . . إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا

ص: 14

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، ایوب(ع) را - که درخواست رفع گرفتاری از خود را داشت - به صبور و شکیبا بودن توصیف و ستایش کرده است.

38- رفع مشکلات ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 16

16- ابراهیم (ع) ، در آستانه هجرت خود از دیار بت پرستان ، به رفع سختی ها و کسب سعادت خود امیدوار بود و دعا به درگاه خداوند را عامل آن می دانست .

عسى ألا أكون بدعاء ربى شقيًا

39- رفع مشکلات اقتصادی صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 10 - 3

3 - توصیه خداوند به مؤمنان ، برای جبران کمبود ها و نیاز های اقتصادی اصحاب نیازمند پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، جهت خنثی کردن توطئه منافقان در انفاق به آنان

لاتتفقوا على من عند رسول الله . . . و أنفقوا من ما رزقكم

40- رفع مشکلات ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 2،6

2- خداوند ، مشکلات ایوب (ع) را گشود و غم و اندوه آن حضرت را از جسم و جان وی زدود .

وأيوب . . . فكشفنا ما به من ضرر

6- رفع بیماری ، غم و گرفتاری ایوب (ع) و بازگشت خانواده اش به آن ، رحمتی از جانب خدا بر او بود .

فكشفنا ما به . . . رحمه من عندنا

41- رفع مشکلات خویشاوندان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - اسراء - 17 - 26 - 9

ص: 15

9- رسیدگی به مشکلات خویشاوندان حتی در صورت عدم مسکنت و در راه ماندگی آنان ، امری لازم و واجب است .

وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ

ذکر «ذالقریبی» به صورت جداگانه، می تواند اشعار به مطلب فوق داشته باشد.

42- رفع مشکلات زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 4 - 7

7- زکریا همواره از دعا، برای رفع مشکلات خویش، بهره می گرفت .

وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا

«باء» در «بدعائک» سببیه یا به معنای «فی» است و مفاد آیه این است که در دعاهای گذشته ام هیچ گاه محروم نشده ام و به سبب آنها سعادت مند بوده ام.

43- رفع مشکلات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 6

6 - سوء استفاده کافران، از لطف و رحمت الهی در برطرف کردن گرفتاری های ایشان

وَلَوْ رَحِمْنَهُمْ ... لِلجَّوْفِ طَغِينَهُمْ يَعْصُونَ

44- رفع مشکلات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 11 - 4

4 - پاداش مؤمنان عمل کننده به توصیه الهی (توصیه به جا باز کردن برای دیگران در مجالس)، حل مشکلات و گشایش در امور زندگی آنان از سوی خداوند است .

فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ

در صورتی که مراد از «يفسح الله»، پاداش دنیوی باشد برداشت بالا استفاده می شود.

45- رفع مشكلات نوح (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فیش

ص: 16

3- اجابت دعا، نجات از مشکلاتِ اندوه بار، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی، از پاداش های خداوند به حضرت نوح (ع)

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون .. سلم علی نوح فی العلمین . إنا کذلک نجزی ا

46- روش حل مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 141 - 5

5- قرعه، راهی مشروع و مجاز برای گشودن مشکل غیرقابل حل از راه فکر و اندیشه

فساهم فکان من المدحضین

47- زمینه تحمل مشکلات تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 5 - 4

4- تأثیر شب زنده داری و تلاوت قرآن، در بالا بردن توان انسان ها برای به دوش گرفتن مسؤلیتی سنگین (همچون تبلیغ دین و هدایت

گمراهان)

قم الیل .. ورتل القرءان ترتیلاً . إنا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً

48- زمینه رفع مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 87 - 8

8- ضرورت دل بستن به یاری خدا و رحمت او برای رفع مشکلات و تحقق خواسته ها

و لا تأیسوا من روح الله إنه لا یأیس من روح الله إلا القوم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 3 - 3

3- پیامبران نیز برای حل مشکلات خویش به دعا رو می آوردند .

عبدہ زکریّا . إذ نادى ربّه نداءً خفياً

ص: 17

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 3

3 - لزوم سپاس‌گزاری به درگاه خداوند، در رفع گرفتاری‌ها و برطرف شدن مشکلات

و لو رحمٰنهم و کشفنا ما بهم من ضرّ للجّوا

چنان‌که در توضیح پیشین اشاره شد، جمله «للجّوا» به تقدیر «للجّوا مکان الشکر» می‌باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 62 - 6

6 - رفع ناخوشایندی‌ها از انسان در پرتو دعا، زمینه‌ساز اقتدار و توانمندی انسان در گستره حیات

و یکشف السوء و يجعلکم خلفاء الأرض

ذکر «يجعلکم خلفاء» بعد از «یکشف السوء» بیانگر این نکته است که اگر مشکلات همواره بر انسان هجوم آورد و خداوند آنها را از وی دور سازد، بشر زمینگیر شده و قادر به ادامه حیات نخواهد بود. پس این گره‌گشایی‌های خدا است که زمینه آسایش و رفاه انسان را در پهنه زمین فراهم می‌آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 21

21 - گذشت زمان، روشن‌گر برخی از حقایق و حل‌کننده بعضی از مشکلات ناپیدا برای بشر

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ... لاتدری لعلّ الله یحدث بعد ذلک أمراً

برداشت یاد شده، از آن‌جا است که در فرصت عده، حقایقی همچون بدی‌ها و ضررهای جدایی و تنهازیستی روشن می‌شود و نیز همسران به عیب‌های خویش پی می‌برند و همین موجب رجوع و بازگشت به زندگی مشترک و حل مشکل طلاق گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 13، 14

13 - خداترسی و تقوای پیشگی مردان و زنان مطلقه، موجب رهایی آنان از مشکلات در روابط زناشویی و خروج از تنگناهای زندگی

إذا طلّقتم النساء... و من یتقّ الله یجعل له مخرجاً

14 - خداترسی و تقوایشگی ، موجب خروج انسان ها از مشکلات و تنگنا های زندگی است .

و من یتق الله يجعل له مخرجًا

49- زمینه رفع مشکلات تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 3 - 5

5- ایمان و توجه به کبریایی و عظمت خداوند ، هموار کننده مشکلات ناشی از انجام دادن رسالت الهی و تبلیغ دین

قم فأنذر . وربك فكبر

ص: 18

برداشت یاد شده، از ارتباط میان موضوع قیام برای انداز مردمان و موضوع به عظمت یاد کردن خداوند، استفاده می شود.

50- زمینه رفع مشکلات رسالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 3 - 5

5- ایمان و توجه به کبریایی و عظمت خداوند ، هموار کننده مشکلات ناشی از انجام دادن رسالت الهی و تبلیغ دین

قم فأنذر . وربک فکبر

برداشت یاد شده، از ارتباط میان موضوع قیام برای انداز مردمان و موضوع به عظمت یاد کردن خداوند، استفاده می شود.

51- زمینه مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 8

8- ابلیس ، دشمن و بدخواه انسان و در صدد محروم ساختن او از نعمت های الهی و گرفتار ساختن او به رنج و سختی

إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک . . . فتشقی

طرح خصومت ابلیس با حوا، گویای آن است که وی با تمامی انسان ها دشمن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 2 - 14

14- گناهان ، پدید آورنده مشکلات و نابسامانی ها در شؤون زندگی انسان *

کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

از تقدم «سیئات» استفاده می شود که وجود گناهان عامل نابسامانی ها است و با آمرزش آنها، امور دیگر نیز سامان می یابد.

52- زمینه مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 6 - 6

6 - اعتماد به خبر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، دربردارنده خطر برای جامعه

أَنْ تَصِيبُوا قَوْمًا بَٰجِهَلَةٍ

ص: 19

53- زمینه مشکلات اجتماعی زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 6 - 15

15- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور . . . إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

54- زمینه مشکلات روحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 41 - 7

7- حرکت در مسیر حق ، دربردارنده مشکلات و شداید روحی و روانی می باشد .

و لقد استهزئ برسلك من قبلك

از این که خداوند رنج ها و مشکلات رسولان پیشین را یادآوری فرموده است، چنین برداشت می شود که پیمودن راه حق، با مشکلاتی ملازم است.

55- زمینه مشکلات فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 80 - 13

13- حفاظت خداوند از ایمان والدین ، ریشه بروز برخی پیشامد های ناگوار برای فرزندان آنان است .

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما طغياناً و كفرًا

56- زمینه مشکلات محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 7 - 3

3- دعوت پیامبر اسلام و هشدار به مردم ، مشکلات و سختی های فراوانی برای آن حضرت در پی داشت .

قم فأنذر... ولربك فاصبر

ص: 20

57- صبر بر مشکلات حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 109 - 6

6 - تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءكم الحق من ربكم .. و اتبع ما يوحى إليك و اصبر حتى يحكم الله

58- صبر بر مشکلات وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 109 - 6

6 - تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءكم الحق من ربكم .. و اتبع ما يوحى إليك و اصبر حتى يحكم الله

59- صبر در مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 87 - 3

3 - مؤمنان به رسالت انبیا در معرض مشکل آفرینی کفرپیشگان و موظف به صبر و استقامت

إن كان طائفه منكم ءامنوا بالذی أرسلت به .. فاصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 10 - 21

21 - تشویق و ترغیب خداوند به صبر و تحمل سختی ها و مشکلات ناشی از هجرت

و أرض الله وسعه إثمًا یوفی الصبرون أجرهم بغير حساب

60- عوامل تسهیل مشکلات محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - بلند آوازگی و شهرت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای نقشی بسزا در رفع مشکلات رسالت الهی و کاهش سنگینی آن

و وضعنا عنک وزرک . . . و رفعنا لک ذکرک

حرف «لام» در «لک» یا برای تعلیل است و یا انتفاع. در صورت دوم دلالت دارد که «رفعت ذکر»، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سودمند

ص: 21

است. گفتنی است که خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در «لک» - به قرینه «وزرک الذی أنقض ظهرك» - به اعتبار مقام رسالت و رهبری آن حضرت است.

61- عوامل رفع مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 4 - 9

9- خداترسی و تقوایبشگی، موجب گشایش مشکلات و آسان شدن زندگی

من یتق الله يجعل له من أمره يسرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 6 - 2

2- در نگاه برخی از انسان ها، گروهی از جن توانا بر حل مشکلات بشر و پناهگاهی امن در مواقع ترس و اضطراب

وأنه كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجن

پناه بردن به کسی و جایی، در وقتی است که انسان با مشکلی سخت و مسائلی وحشتناک و اضطراب آور رویه رو شده باشد.

62- عوامل مشکلات قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 46 - 4

4- قرار گرفتن ثمودیان در مشکلات و گرفتاری ها به خاطر گناهان

لولا تستغفرون الله لعلکم ترحمون

از تعبیر «لعلکم ترحمون» استفاده می شود که ثمودیان بر اثر گناهان، گرفتار بدبختی و مشکلات شده بودند و بیرون آمدن از آن و جلب رحمت خداوند، نیازمند استغفار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 47 - 6

6- مصایب و مشکلات ثمودیان، کیفر الهی و معلول گناهان خود آنان

يقوم لم تستعجلون بالسيئه . . . بل انتم قوم تفتنون

برداشت فوق باتوجه به این نکته است که صالح پیامبر(ع) در رد پندار ثمودیان که بدبختی های خود را ناشی از بدیمنی وجود صالح و پیروان آن حضرت قلمداد می کردند، فرمود: بدبختی های شما کیفری است الهی و معلول گناهان خودتان. گفتنی است در فرض فوق واژه «تفتنون» از فتنه به معنای عذاب مشتق می باشد؛ یعنی، «بل انتم قوم تعدّبون؛ بلکه شما مردمی هستید که به کیفر گناه خود عذاب می شوید».

ص: 22

63- عوامل نجات از مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 15 - 6

6 - نقش دین داری و خوشبینی به تأییدات الهی ، در دلگرمی به ادامه حیات و رهایی از پوچی و بن بست در زندگی

من كان يظنّ أن لن ينصره الله... فلمد... هل يذهبنّ كیده ما يغیظ

64- فرار منافقان از مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 20 - 3

3 - بهره بردن از مزایای جامعه اسلامی و به کنار نشستن به هنگام دشواری ها و سختی ها ، از ویژگی های منافقان است .

و إذا أظلم عليهم قاموا

65- فلسفه مشکلات قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 47 - 4

4 - مشکلات ثمودیان ، بنا به تقدیر الهی و در جهت آزمایش آنان بود ، نه معلول وجود صالح (ع) و پیروان او .

قال طرکم عند الله بل أنتم قوم تفتنون

عبارت «طائرکم...»؛ یعنی، آنچه که باعث بروز مشکلات و گرفتاری برای شما شده، نزد خدا است. مقصود این است که وجود من تأثیری در پیدایش مشکلات شما ندارد؛ بلکه مشکلات تان بر اساس برنامه و تقدیر الهی است که در راستای آزمایش شما تدارک دیده شده است. گفتنی است که در برداشت یاد شده، «فتنه» در جمله «بل أنتم قوم تفتنون» به معنای آزمایش گرفته شده است.

66- فلسفه مشکلات موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 34

34 - سختی های زندگی موسی (ع) و آزمون های الهی او ، جهت رسیدن به رتبه و شایستگی لازم برای تحمل رسالت الهی بود .

وفتنك فتوناً.. ثم جئت على قدر يموسى

ص: 23

«قَدْر»؛ یعنی، مبلغ و حد مطلوب. این کلمه با قَدْر و مقدار به یک معنا است (لسان العرب). «علی قدر» حال برای فاعل «جئت» است؛ یعنی، ای موسی! تو در حالی که بر مقدار لازم از شایستگی و استواری رسیدی، به این وادی گام نهادی.

67- فلسفه مشکلات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 168 - 6

6 - بازگشت ناصالحان یهود به صلاح و صواب، از اهداف آزمون آنان با ایجاد سختی ها و آسایش ها در زندگانی ایشان بود.

و بلونهم بالحسنت و السینات لعلهم یرجعون

چنانچه ضمیر در «بلوناهم» به ناصالحان برگردد، ارجاع ضمیر «لعلهم» به آنان طبیعی و روشن است. و اگر ضمیر در «بلوناهم» به همگان، صالح و ناصالح، برگردد، مرجع ضمیر «لعلهم» به طریقه استخدام، ناصالحان است.

68- قیاس مشکلات با نعمتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 49 - 7

7 - برخوردارى انسان از نعمت های الهی در دنیا بیش از ابتلای وی به شرور و سختی ها است .

لا یسئم الإنسان من دعاء الخیر وإن مسّه الشرّ

«إن» شرطیه در مواردی به کار رود که تحقق شیء در آن موارد نادر و کم می باشد به کارگیری آن در مورد «شر» بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 51 - 12

12 - مشکلات و تنگنا های زندگی انسان، در مقابل نعمت های اعطا شده از سوی خداوند به او اندک است .

و إذا أنعمنا .. و إذا مسّه الشرّ

به کار رفتن واژه «مسّه» در مورد شرور - و نه مورد نعمت ها - بیانگر مطلب یاد شده است.

69- کمی مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 49 - 7

7 - برخورداری انسان از نعمت های الهی در دنیا بیش از ابتلای وی به شرور و سختی ها است .

ص: 24

لايسئم الإنسن من دعاء الخير وإن مسّه الشرّ

«إن» شرطیه در مواردی به کار رود که تحقق شیء در آن موارد نادر و کم می باشد به کارگیری آن در مورد «شر» بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 51 - 12

12 - مشکلات و تنگناهای زندگی انسان ، در مقابل نعمت های اعطا شده از سوی خداوند به او اندک است .

و إذا أنعمنا .. و إذا مسّه الشرّ

به کار رفتن واژه «مسّه» در مورد شرور - و نه مورد نعمت ها - بیانگر مطلب یاد شده است.

70- محمد(صلی الله علیه و آله) و مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 109 - 4

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به صبر و خویشتن داری در برابر مشکلات رسالت تا فرارسیدن حکم و داوری خداوند بود .

و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم الله

71- محمد(صلی الله علیه و آله) و مشکلات مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 128 - 11

11 - رنج و اندوه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مشکلات مسلمانان ، در عین فراخوانی آنان به جنگ با دشمنان و تحمل سختی های نبرد

رسول من أنفسکم عزیز علیہ ما عنتم حرّیص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

با توجه به اینکه در آیات قبل، سخن از جنگ تبوک و مشکلات توان فرسای آن بود و پیامبر(صلی الله علیه و آله) مؤمنان را به شرکت در آن

فرمان داده بود، یادآوری خصلتهای پیامبر(صلی الله علیه و آله) در پایان این بخش، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

72- مسوول رفع مشکلات خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - شوهران باید برای رفع رنج ها و سختی های همسران خویش تلاش کنند .

فلا یخرجنکما من الجنه فتشقی

ص: 25

با توجه به این که دشمنی شیطان با آدم(ع) و حوا یکسان بوده است و وی در صدد آن بوده که هر دو را از بهشت بیرون کند و به مشقت اندازد؛ ولی با این حال فعل «تثقی» به صورت مفرد آمده است. بنابراین رفع رنج و سختی های حوا نیز، بر دوش آدم(ع) بوده است.

73- مشکلات مسلمانان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 25 - 8

8 - خداوند ، مؤمنان مدینه را در روز های سخت و وانفسای هجوم همه جانبه دشمن ، یاری کرد .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم و إذ زاغت الأبصر . . . هنالك ابتلى المؤمنون ..

74- مشکلات آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 7

7 - هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان ، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فلا يخرجنكما من الجنة فتشقى

75- مشکلات آیندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 82 - 3

3 - تردید و ناباوری نسبت به آیات الهی ، مشکل مجموعه های آینده بشری

أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بَايِتَنَا لَا يوقنون

76- مشکلات اجتماعی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 39 - 3

3 - بنی اسرائیل در حکومت فرعون ، زندگی سختی داشتند و جان پسران آنها در خطر بود .

أن اذفيه فى التابوت فاذهيه فى اليم

ص: 26

77- مشکلات اجتماعی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 73 - 3,9

3- مسلمانان عصر بعثت، گرفتار مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سختی معیشت بودند.

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

مراد از «فریقین» به قرینه صدر آیه، مؤمنان و کافران است. کافران در پاسخ به مؤمنان دو چیز را مایه افتخار و برتری و حقانیت خود می دانستند: یکی وصف «خیر مقاماً» و دیگری «أحسن ندياً»، از این دو توصیف، آشکار شود که مؤمنان از نظر ظاهری، در نقطه مقابل این دو وضعیت قرار داشتند.

9- کافران عصر بعثت، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان را، نشانه نارو بودن عقیده و تفکر آنان می دانستند.

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

78- مشکلات اخروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 47 - 1

1 - دوزخیان در صحنه قیامت دارای موقعیتی بسیار شوم و دشوار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

هدف از بیان ناخوشایندی بهشتیان از مشاهده دوزخیان و بیان دعای آنان پس از مشاهده ناخواسته ترسیم موقعیت دشوار و شوم دوزخیان است.

79- مشکلات اخروی رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 69 - 4

4- سنخیت های قیامت برای پیشتازان و سردمداران استکبار، دشوارتر و کیفر آنها سنگین تر از کیفر دیگران خواهد بود.

ثُمَّ لَنُنزِعَنَّ .. أَيْهِمْ أَشَدَّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

جداکردن پیشتازان و سردمداران استکبار، حکایت از رسوایی فزون تر و نیز عقوبت و حساب سنگین تری دارد که در انتظار آنان است.

ص: 27

80- مشکلات اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 100 - 2

2- عرضه جهنم بر کافران در قیامت ، برای آنان صحنه ای دشوار و دهشت زا است .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً

«عرضاً» علاوه بر تأکید سخن - به دلیل نکره بودن - بر عظمت کار نیز دلالت دارد و عظمت عرضه جهنم، به هول انگیز بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 27 - 6

6 - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا رویه رو خواهند شد .

و یدرون وراءهم یوماً ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 40 - 17

17 - کافران در قیامت ، حیات اخروی را سرآغاز سختی ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلپتینی کنت تراباً

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ - که خاک شده بودم - باقی می ماندم.

81- مشکلات اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 27 - 6

6 - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا رویه رو خواهند شد .

و یدرون وراءهم یوماً ثقیلاً

82- مشکلات اخروی مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 5

5- بی تقوایی و هواپرستی ، بزرگ ترین مشکل تکذیب کنندگان دین در قیامت

فویل یومئذ للمکذبین . . . هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون ... إنّ المتّقین فی

ص: 28

در این آیات، «متّقین» جبهه مقابل «مکذّبین» قرار گرفته است. از این تقابل مطلب استفاده می شود.

83- مشکلات اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 34 - 1

1 - منکران معاد ، محروم از رحمت حق و وانهاده به خویش در اوج گرفتاری های قیامت

و قیل الیوم نسیکم

نسیان در آیه شریفه، کنایه از روی گردانی خداوند از کافران و وانهادن آنان به حال خودشان است.

84- مشکلات اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 10 - 14

14- اصحاب کهف ، خواهان امداد های الهی برای نجات از تنگنا ها و مشکلات حرکت و قیام شان علیه شرک و پرستش غیر او بودند .

و هیّی ء لنا من أمرنا رشداً

سُکنا گزیدن در غار، می رساند که حرکت و قیام اصحاب کهف، مشکلات و تنگناهایی را برای آنان در پی داشته است، از این رو می توان گفت که مراد از هدایت خواهی آنان، راهنمایی شدن در اتخاذ تصمیم های بعدی و پیدا کردن راه نجات از مشکلات و تنگناهایی است که در انتظار ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 11, 6

6- اصحاب کهف ، زندگی سخت و پر مشقّت ولی همراه با توحید را ، بر زندگی آسوده در محیط شرک و حاکمیّت آن ترجیح دادند .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

11- اصحاب کهف ، در حلّ معضلات و مشکلات حرکت توحیدی ، متکی به خدا بودند .

و یهیّی ء لکم من أمرکم مرفقاً

تهیئه (مصدر «یهیّی ء») به معنای فراهم ساختن و آماده کردن است. «مرفق» به چیزی گفته می شود که کار به مدد آن صورت می گیرد.

«من» در «من آمرکم» در معنای ابتدا به کار رفته و ممکن است برای افاده معنای بدل باشد، که در این صورت معنای جمله چنین می شود: «او، برای شما، در عوض کارتان، مدد فراهم خواهد ساخت.».

ص: 29

85- مشکلات اطاعت از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 120 - 18

18 - پیروی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حرکت در راه خدا، به دنبال دارنده سختی ها و مرارتها

ما كان... أن يتخلفوا عن رسول الله... ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا م

شمرده شدن سختیها و رنجها در آیه و ترغیب مؤمنان به تحمل آنها، بیانگر این حقیقت است که حرکت در راه دین دربردارنده رنج و زحمت می باشد و ایمان واقعی، مستلزم تحمل آن است.

86- مشکلات اقتصادی صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 3

3 - وجود مشکل مالی و اقتصادی، در میان اصحاب و یاران نزدیک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

لا تتفقوا على من عند رسول الله

87- مشکلات اقتصادی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 73 - 9

3- مسلمانان عصر بعثت، گرفتار مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سختی معیشت بودند.

أى الفريقين خير مقاماً وأحسن ندياً

مراد از «فريقين» به قرینه صدر آیه، مؤمنان و کافران است. کافران در پاسخ به مؤمنان دو چیز را مایه افتخار و برتری و حقانیت خود می دانستند: یکی وصف «خير مقاماً» و دیگری «أحسن ندياً»، از این دو توصیف، آشکار شود که مؤمنان از نظر ظاهری، در نقطه مقابل این دو وضعیت قرار داشتند.

9- کافران عصر بعثت، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان را، نشانه نارو بودن عقیده و تفکر آنان می دانستند.

أى الفريقين خير مقاماً وأحسن ندياً

6 - شرایط مادی مسلمانان در مقطع زمانی صلح حدیبیه ، همراه با تنگنا و نیازمند تقویت *

وعدکم الله مغنم کثیره تأخذونها فعجل لکم هذه

از این که خداوند وعده غنیمت داده و بر مؤمنان به خاطر دستیابی نزدیکشان به بخشی از آن غنایم، امتنان کرده است؛ می توان استفاده کرد که این غنایم، نقش مؤثری در حیات مادی مسلمانان داشته است.

ص: 30

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 12

12 - شرایط مسلمانان صدر اسلام تا پیش از فتح مکه ، بسی سخت تر از شرایط آنان پس از آن بوده است .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح و قتل . . . من الذين أنفقوا من بعد و قتلوا

88- مشکلات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 3 - 3

3- پیامبران نیز برای حل مشکلات خویش به دعا رو می آوردند .

عبده زکریّا . إذ نادى ربّه نداءً خفياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 35 - 2

2- رسولان الهی در طول تاریخ ، مواجه با مشکلات عظیم و برخوردار از اراده و عزمی بزرگ

فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل

چنانچه «من» بیانیه و عزم به معنای اراده و تصمیم باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

89- مشکلات انبیای پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 47 - 15

15 - دل داری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) با بازگویی مشکلات پیامبران پیشین و انتقام از مخالفان آنان

و لقد أرسلنا . . . و كان حقاً علينا نصر المؤمنين

90- مشکلات ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - دعا به درگاه خداوند و درخواست یاری از وی به هنگام مواجه شدن با مشکلات راه ایمان ، از خصلت های مؤمنان راستین است .

ص: 31

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 128 - 2

2 - مؤمنان وظیفه دار استعانت از خدا و پیشه سازی صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه ایمان

استعینوا باللّٰه و اصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 10 - 8

8 - عناصر عافیت طلب ، به خاطر تحمل نکردن آزار و اذیت های وارد شده ، سرزنش شده اند .

و من الناس من یقول ءامناً باللّٰه فإذا أوذی فی اللّٰه جعل فتنه الناس کعذاب اللّٰه

91- مشکلات ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 83 - 2

2- ایوب (ع) به انواع ناگواری ها ، ناراحتی ها ، فقر و مرض مبتلا بود .

أَنتِی مَسْنِی الضَّرِّ

«الضَّرِّ» اسم مصدر و به معنای سوء حال، فقر و ناراحتی بدنی می باشد و نیز هر آن چه که ضد نفع است (لسان العرب).

92- مشکلات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 45 - 2

2- بنی اسرائیل ، در صورت ایمان به قرآن و قبول شریعت جدید ، با تنگنا ها و مشکلاتی شدید مواجه می شدند .

یبنی اسرائیل اذکروا .. و ءامنوا ... و استعینوا بالصبر و الصلوه

سفارش خداوند به بنی اسرائیل (پیشه کردن صبر و برپایی نماز) پس از دعوت آنان به ایمان، بیانگر این است که: آنان به خاطر پذیرش

اسلام و ترک شریعت پیشین، با مشکلات فراوانی مواجه می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 16، 7، 6

6 - قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه .. و أنزلنا عليهم المن والسلوى

ص: 32

7- بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

16- قوم موسی پس از عبور از دریا به گرمای سوزان خورشید گرفتار شدند .

و ظللنا عليهم الغم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 85 - 5

5- بنی اسرائیل ، زیر سلطه و اقتدار فرعون و اشراف خود ، با ضعف و ذلت ، روز می گذراندند .

فقالوا على الله توكلنا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 93 - 3

3- وضعیت مسکن و معیشت بنی اسرائیل در دوران حکومت فرعون ، وضعیتی نابسامان و نامناسب بود .

و لقد بؤنا بنی اسرائیل مبراً صدق و رزقنهم من الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17- دخان - 44 - 30 - 2

2- زندگی بنی اسرائیل در نظام فرعونی ، همراه با ذلت و مشقت های فراوان

و لقد نجینا بنی اسرائیل من العذاب المہین

93- مشکلات بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 87 - 6

6- ضعف و ذلت بنی اسرائیل در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) تا درجه ای بود که حتی از داشتن خیمه یا کومه ای ، که آنان را از سرما و گرما حفظ کند ، محروم بودند .

و أوحينا إلى موسى وأخيه أن تبوءا لقومكما بمصر بيوتاً

94- مشکلات تبعیت از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 109 - 5

5- تبعیت محض از وحی الهی و گام نهادن در مدار حق ، ملازم با سختی ها و مشکلات است .

ص: 33

قد جاءكم الحق من ربكم .. و اتبع ما يوحى إليك و اصبر حتى يحكم الله

95- مشکلات تبعیت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 109 - 5

5- تبعیت محض از وحی الهی و گام نهادن در مدار حق ، ملازم با سختی ها و مشکلات است .

قد جاءكم الحق من ربكم .. و اتبع ما يوحى إليك و اصبر حتى يحكم الله

96- مشکلات تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 76 - 4

4- رسالت الهی و تبلیغ دین ، مشکلات اندوه باری را در پی دارد .

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که یاد داستان نوح(ع)، به منظور دلداری به پیامبر(صلی الله علیه و آله) و مؤمنان به آن حضرت است که در مکه، با انواع مشکلات اندوه بار ایجاد شده از سوی کافران و مشرکان، رویه رو بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 115 - 5

5- رسالت الهی و تبلیغ دین ، مشکلات اندوه باری در پی دارد .

و نَجِّينَهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که بیان داستان موسی و هارون (علیهما السلام) و مشکلات آنان به منظور دلداری به پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ایمان آورندگان به آن حضرت است که در مکه با انواع مشکلات اندوه بار از سوی کافران و مشرکان رو به رو بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 43 - 7

7- تبلیغ پیام الهی ، نیازمند تحمل دشواری ها و مشکلات

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 15 - 5

5- تبلیغ دین ، همراه با مشکلات انبوه و نیازمند استقامت و پایداری

ص: 34

فادع و استقم كما أمرت

97- مشکلات تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 24 - 4

4- تبلیغ و اجرای تعالیم قرآن، پیامدار سختی ها و مشکلات

فاصبر لحکم ربک

98- مشکلات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 9

9- استثمار و بی عدالتی اقتصادی، از مشکلات عمده و اساسی جوامع در طول تاریخ

لقد أرسلنا رسلنا .. و أنزلنا معهم الكتب و المیزان

با توجه به این که «میزان» (ترازو) ابزاری است که در مبادلات اقتصادی به کار می رود و با آن کالاها را توزین می کنند؛ می توان گفت که: این واژه در آیه شریفه استعاره از خصوص عدالت اقتصادی است. بنابراین، پیام عدالت اقتصادی - که در این آیه به عنوان رسالت همه پیامبران برشمرده است - نشان می دهد که موضوع استثمار توده ها و ظلم و اجحاف اقتصادی به آنان، در تاریخ بشر ریشه داشته است و همه جوامع با آن مشکل دست به گریبان بوده اند.

99- مشکلات جامعه دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 6

6- بی منطقی در عقیده و سستی اندیشه، بزرگ ترین مشکل جامعه اصحاب کهف از دیدگاه خود آنان

اتخذوا من دونه ءالهه لولا یأتون علیهم بسلطن ین

100- مشکلات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ، به دعا خواهند پرداخت

ص: 35

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

11 - اعرافیان با نگاهی ناخواسته منظره ناخوشایند دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر «ابصرهم» و «قالوا» اصحاب اعراف باشد.

12 - مشاهده منظره ناهنجار دوزخیان ، برانگیزنده اعرافیان به دعا به درگاه خداوند برای دور ماندن از ابتلا به سرنوشت آنها

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

101- مشکلات حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 7

7 - هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان ، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فلا یخرجتکما من الجنّه فتشقی

102- مشکلات دعوت به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 11

11 - موهومات و عقاید خرافی از مشکلات تبلیغ توحید

و لا أخاف ما تشركون به

103- مشکلات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 16 - 4

4- بلا ها و سختی های دنیا ، در مقایسه با دشواری های قیامت ، امری اندک و ناچیز

یوم نبطش البطشه الكبرى

در صورتی که آیه شریفه نظر به قیامت داشته باشد، تعبیر «البطشه الکبری» می نمایاند که مؤاخذه ها و بلاهای دنیوی، هرچه باشند در مقابل مؤاخذه های اخروی کم و کوچک به شمار می آیند.

ص: 36

104- مشکلات دنیوی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 83 - 6

6- همه انسان ها ، حتی پیامبران در معرض انواع رنج ها ، ناراحتی ها و ناگواری ها در دنیا

وَأَيُّوبَ . . . أَنَّى مَسَّنِيَ الضَّرُّ

105- مشکلات دنیوی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 83 - 6

6- همه انسان ها ، حتی پیامبران در معرض انواع رنج ها ، ناراحتی ها و ناگواری ها در دنیا

وَأَيُّوبَ . . . أَنَّى مَسَّنِيَ الضَّرُّ

106- مشکلات دنیوی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 35 - 2

2- تقوایندگان در دنیا ، گرفتار سخنان زشت و یاوه سرایی های مخالفان

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا

مژده به نبود بعضی از زشتی ها در بهشت - با توجه به بی شمار بودن آنچه بهشت عاری از آن است - بیانگر این مطلب است که بهشتیان در دنیا، با این امور ناخوشایند مواجه و از آن در رنج خواهند بود.

107- مشکلات دنیوی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 7

7- زندگانی مؤمنان نیک کردار در دنیا ، همراه با ایجاد ناامنی از سوی مستکبران و اندوهبار از سرزنش آنان *

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمته ادخلوا الجنة لا خوف عليكم

مطرح ساختن تحقیر مؤمنان از سوی کافران و سپس بیان دو موهبت از میان تمامی مواهب بهشتی اشاره به این دارد که اولاً زندگانی مؤمنان در دنیا آمیخته به ناامنی و حزن است و ثانیاً این حزن عمدتاً از سوی کافران مستکبر ایجاد می شده است.

ص: 37

108- مشکلات رسالت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 88 - 3

3 - التجای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به پروردگار خویش ، در مشکلات ابلاغ رسالت

وقبله یربّ إنّ هؤلاء قوم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 1 - 2

2 - نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به هنگام دل آزرده‌گی و تألمات روحی آن حضرت ، در راستای رسالت

يَا أَيُّهَا الْمَرْمَل

برداشت یاد شده از مجموع آنچه مفسران درباره شأن نزول این آیات ذکر کرده اند، استفاده می شود؛ مثلاً پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وقت دریافت اولین وحی، احساس ناراحتی کرده، به حضرت خدیجه فرمود: مرا جامه ای بپوشان و یا آن حضرت به وقت شنیدن تهمت کفایت، جنون و سحر درباره خود، احساس ناراحتی کرده به استراحت پرداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 24 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) در انجام رسالت خویش ، با مشکلات و مخالفت هایی روبه رو بود .

فاصبر لحکم ربّک

مطلب یاد شده، از فرمان به صبر، استفاده می شود.

109- مشکلات رسالت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 26 - 2

2 - موسی (ع) به دشواری های رسالت خویش و مشکلات ارشاد و هدایت فرعون آگاه بود .

و یسر لی امری

110- مشکلات رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 43 - 13

13 - رهبران الهی ، در ایفای رسالت خویش و گذر از دشواری ها ، نیازمند اطمینان و تأیید های خداوندی اند .

فاستمسک .. إنك على صراط مستقیم

ص: 38

111- مشکلات زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 6

6 - دشواریهای زندگی و رفاه و گشایش در آن، در اختیار خداوند است.

فأخذنهم بالبأساء والضراء... فتحنا عليهم أبوب كل شيء

چون گشایش در زندگی و معیشت (فتحنا) و سختی و تنگنا (فأخذناهم)، هر دو با ضمیر «نا» به خداوند نسبت داده شده است، معلوم می شود که هر دو حالت با اراده خداوند صورت می پذیرد.

112- مشکلات زندگی سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 13

13- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان، از توجیه آیات جهاد، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سوره محكمه و... ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

از ارتباط «سوره محكمه» با «ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت»، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف - که به گونه ای قابل توجیه است - با ترفندی، خویش را آسوده می کنند؛ اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

113- مشکلات زندگی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 13

13- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان، از توجیه آیات جهاد، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سوره محكمه و... ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

از ارتباط «سوره محكمه» با «ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت»، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف - که به گونه ای قابل توجیه است - با ترفندی، خویش را آسوده می کنند؛ اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

114- مشکلات سلوک راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 9

9- حرکت در مسیر خدا و احیای ارزش ها ، در پی دارنده دشواری ها و نیازمند شکیبایی است .

أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر . . . و اصبر علی ما أصابک

115- مشکلات سیاسی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 73 - 9

9- کافران عصر بعثت ، مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مسلمانان را ، نشانه ناروا بودن عقیده و تفکر آنان می دانستند .

أیّ الفريقین خیر مقامًا و أحسن ندیًا

116- مشکلات عبودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 13 - 5

5- راه حق و بندگی خدا ، دارای سختی ها و مشکلات و نیازمند پایداری و استقامت

قالوا ربّنا اللّهُ ثمّ استقموا

واژه استقامت، نشان دهنده دشواری راه و نیازمندی به پایداری است.

117- مشکلات فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 5

5- دربار فرعون در ننگه داری ، پرستاری و تغذیه موسی (ع) دچار مشکل شد .

هل أدلکم علی من یکفله

«هل أدلکم» گویای آن است که دربار فرعون در طلب دایه و سرپرستی برای موسی (ع) بوده است. قبول پیشنهاد خواهر موسی، این نکته را می‌رساند که هیچ یک از درباریان از عهده کار برنیامده بود و آنان برای نگه داری و تغذیه موسی در مانده شده بودند.

ص: 40

118- مشکلات قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 47 - 2

2 - ابتلای ثمودیان به گرفتاری ها و مشکلات ، پس از رسالت صالح

قالوا اطیرنا بک و بمن معک

شوم شمردن و بدیمن خواندن، در صورتی است که پس از مبعوث شدن صالح(ع)، مشکلات طبیعی، اجتماعی و... برای مردم رخ داده باشد و آنان از این امر بهانه ای برای انکار صالح(ع) پیدا کرده باشند.

119- مشکلات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 94 - 2

2 - خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شهر ها و آبادانی ها ، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

با توجه به دو آیه بعد (ولو أن أهل القری ..) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت تا شاید متنبه شوند. بنابراین جمله «أخذنا أهلها ... » مقید می شود به «إذا لم يؤمنوا و لم يتقوا»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 15 - 5

5 - بی دینان و ناامیدان از نصرت الهی ، گرفتار بن بستی گریزناپذیر در زندگی

من کان یظنّ أن لن ینصره الله.. فلیمدد بسبب الی السماء... هل ینهبنّ کیده ما یغ

120- مشکلات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 4

4- ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی ، از رخداد های دوران پیش از هجرت

ولو رحمنهم و کشفنا ما بهم من ضرّ

ص: 41

121- مشکلات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 4

4- انسان ناسپاس و خودخواه، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

و لئن أذقنه .. ليقولنّ هذا لي

122- مشکلات مأیوسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 15 - 5

5- بی دینان و ناامیدان از نصرت الهی، گرفتار بن بست‌های گریزناپذیر در زندگی

من كان يظنّ أن لن ينصره الله .. فليمدد بسبب الى السماء... هل يذهبنّ كیده ما يغ

123- مشکلات مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 104 - 15

15 - خداوند، دانای به رنج‌ها و مشقت‌های مجاهدان پیکارگر

ان تكونوا تالمون .. و كان الله عليماً حكيماً

124- مشکلات محافظت از موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 5

5- دربار فرعون در ننگه داری، پرستاری و تغذیه موسی (ع) دچار مشکل شد.

هل أدلکم علی من یکفله

«هل أدلکم» گویای آن است که دربار فرعون در طلب دایه و سرپرستی برای موسی (ع) بوده است. قبول پیشنهاد خواهر موسی، این نکته را

می رساند که هیچ یک از درباریان از عهده کار برنیامده بود و آنان برای نگه داری و تغذیه موسی در مانده شده بودند.

ص: 42

125- مشکلات محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 81 - 13

13 - اعراض پیامبر (صلی الله علیه و آله) از توطئه گران، دربردارنده پیامد ها و مشکلاتی برای آن حضرت

فاعرض عنهم و توکل علی الله

امر به توکل پس از امر به اعراض، دلالت بر این دارد که رویگردانی از متخلفان و بی اعتنایی به آنان ممکن است مشکلاتی در پی داشته باشد که توکل بر خداوند را ایجاب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 84 - 13

13 - مقطع زمانی جنگ احد تا بدر صغرا، برهه ای دشوار برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

بیت طائفه منهم .. اذاعوا به ... فقاتل فی سبیل الله لا تکلف الا نفسك

با توجه به مجموع آیات و شأن نزول.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 35 - 1

1 - رویگردانی مردم از اسلام و تکذیب آن، امری سنگین و ناگوار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است.

بأیت الله یجحدون. ولقد کذبت رسل من قبلك ... و إن کان کبر علیک إعراضهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 15، 9

9 - عدم دستیابی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منافع بسیار و بروز مشکلات و سختی ها در زندگانی وی، نشانه آگاه نبودنش به غیب ها و امور نهانی است.

و لو کنت أعلم الغیب لاستکثرت من الخیر

«استکثار» (مصدر استکثرت) هنگامی که پس از آن «من» آورده شود، به معنای زیاد برداشت کردن و فراوان به دست آوردن است. بنابراین «استکثرت من الخیر»، یعنی منافع بسیاری را برداشت می کردم و به دست می آوردم.

15 - زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مانند دیگر انسان ها، آمیخته با رنج و سختی بود.

و ما مسنی السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 5

5- شرایط مکه برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان صدر اسلام، شرایطی دشوار و دین داری امری مشکل و نیازمند استقامت و پایداری بوده است.

فاستقم كما أمرت و من تاب معك

ص: 43

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 11 - 4

4- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز همچون سایر انبیا، نیازمند تقویت روحیه و دلداری در برابر مشکلات و ناملايمات برخاسته از تبلیغ و رسالت الهی خویش

قالوا .. إنک لمجنون ... ولقد أرسلنا من قبلك فی شیع الأولین. و ما یأتیهم من رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 127 - 7

7- اذیت، آزار و تجاوزات دشمنان دین، بسیار شدید و تحمل آنها امری دشوار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

و اصبر و ما صبرک إلا بالله

از اینکه خداوند فرموده است: صبر تو ای پیامبر! تنها به توفیق الهی است، مطلب فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 74 - 5

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در انجام رسالت خویش، با شدیدترین و سنگین ترین ترفند ها و توطئه ها از سوی کافران و مشرکان رو به رو شد.

و لولا أن تبتتک لقد کدت ترکن إلیهم

از اینکه شخصیت بزرگی چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزدیک بود در برخی مواضع خویش، به سازش کشیده شود و نیز یادآوری این نکته که اگر خدا به کمک او نمی آمد، چنین حادثه ای رخ می نمود، حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 2 - 3

3- تلاش و جدیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای ایفای رسالت خویش، تلاشی طاقت فرسا و سنگین بود.

ما أنزلنا علیک القرآن لشقی

«شقاوه» به معنای شدت و دشواری است (قاموس المحيط) توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سختی نکشیدن و خود را به

زحمت نینداختن، نشان از تلاش طاقت فرسای پیامبر(صلی الله علیه و آله) در جهت هدایت مردم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 3 - 2

2- تبعیت نکردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خواسته کافران و منافقان، در پی دارنده مشکلاتی برای آن حضرت بود.

و لاتطع الکفرین و المنفقین . . . و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً

فرمان به توکل، پس از فرمان به تبعیت نکردن از خواسته کافران و منافقان، احتمال دارد به خاطر پیامدها و مشکلاتی باشد که در پی آن فرمان، به وجود می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 44

5 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در انجام دادن برخی از کار های مباح و روا، در تنگنا بوده و شرایط مناسب اجتماعی برای او، فراهم نبوده است.

ما کان علی النبی من حرج فیما فرض الله له

صدور چنین حکمی، از جانب خداوند درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) حکایت می کند که آن حضرت، در انجام دادن برخی از امور، مانند ازدواج با مطلقه پسر خوانده اش، در شرایط سختی قرار داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 36 - 14

14 - هدایت کردن مشرکان و کافران در صدر اسلام (نیمه نخست رسالت)، عملی مشکل و ناامیدانه بود.

و من یضلل الله فما له من هاد

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه در مکه نازل گردیده بود و در آن زمان مشرکان دست از مواضع شرک آلود خود بر نمی داشتند. از این رو آیه شریفه در صدد بیان این حقیقت است که ایمان آوردن آنان، بسیار مشکل و مأیوسانه است و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نباید بیش از این، غم آنها را بخورد و خود را به زحمت بیاندازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در نیمه نخست رسالت خود با انواع مشکلات و موانع روبه رو بود.

فاصبر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مکه نازل شده است و توصیه خداوند به صبر، بیانگر وجود مشکلات بسیار می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 23 - 2

2 - دلداری خداوند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، در مسیر مبارزه با مشکلات رسالت

و كذلك ما أرسلنا من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 9

9- تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه ، امری دشوار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

فأنزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين

از نزول «آرامش» استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 2 - 6

ص: 45

6- تحمّل آداب و رسوم دوران جاهلیت ، بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سنگین و دشوار بود .

وزرک

«وزر»، مطلق است و قابلیت دارد که بر مصادیقی گوناگون - از جمله «سنت های سخت دوران جاهلیت» - تطبیق یابد. هم چنین می تواند ناظر به تمام مصادیقی باشد که به ذهن خطور می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 3 - 4

4- مهجور ماندن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رسالت های او در بین مردم ، تاب و توان را از آن حضرت ربوده بود .

الذی أنقض ظهرك

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که مراد از «وزر» (در آیه قبل)، نقطه مقابل رفعت ذکر (در آیه بعد) باشد.

126- مشکلات محمد (صلی الله علیه و آله) در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 13 - 3

3- تسلیت و دلدادگی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، در شرایط سخت و دشوار مکه

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا

127- مشکلات مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 3

3- خطر هجوم یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَاجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

128- مشکلات مسافرت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- گرفتاری موسی (ع) و خانواده اش در سردی هوا، تاریکی شب و گم کردن راه در مسیر سفر

إذ قال موسى لأهله... سئاتيكم منها بخير... لعلكم تصطلون

ص: 46

129- مشکلات مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 5

5- شرایط مکه برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان صدر اسلام، شرایطی دشوار و دین داری امری مشکل و نیازمند استقامت و پایداری بوده است.

فاستقم كما أمرت و من تاب معك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 96 - 3

3- مسلمانان صدر اسلام (در مکه) از سوی کافران و مشرکان گرفتار فشارهای روحی و تنگناهای روانی بودند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

با توجه به نزول این آیات در مکه، جمله «سَيَجْعَلُ...» باید وعده ای نزدیک به مسلمانان صدر اسلام باشد. این نوید حکایت از آن دارد که مسلمانان در زمان نزول آیات، در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و مقبولیت اجتماعی قرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 9

9 - تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه، امری دشوار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

از نزول «آرامش» استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

130- مشکلات مسلمانان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 11 - 3

3 - مسلمانان مدینه، با هجوم احزاب متحد، در شرایط سختی قرار گرفتند.

وَزَلْزَلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا

131- مشكلات مسلمانان مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 96 - 3

ص: 47

3- مسلمانان صدراسلام (در مکه) از سوی کافران و مشرکان گرفتار فشار های روحی و تنگنا های روانی بودند .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

با توجه به نزول این آیات در مکه، جمله «سَيَجْعَلُ . . .» باید وعده ای نزدیک به مسلمانان صدراسلام باشد. این نوید حکایت از آن دارد که مسلمانان در زمان نزول آیات، در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و مقبولیت اجتماعی قرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 13 - 3

3- تسلیت و دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، در شرایط سخت و دشوار مکه

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 10

10- مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

رجال مؤمنون و نساء مؤمنت لم تعلموهم

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط، قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

132- مشکلات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 36 - 10

10 - دچار شدن مشرکان به ناگواری، محصول دستاورد خود آنان است .

و إِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً .. . و إِنَّ تَصْبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيَهُمْ

133- مشکلات معاشرت با فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 6

6- معاشرت و ملازمت با اقشار محروم جامعه ایمانی ، در پی دارنده مشکلات و نیازمند صبر و شکیبایی است .

و اصبر نفسک

ص: 48

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 10، 4

4 - برآورده شدن خواسته های موسی و هارون (ع) (سخت شدن و مهر خوردن دل فرعون و اطرافیانش و وقوع عذاب استیصال) مستلزم گذشت زمان و وارد آمدن فشارها و سختی های بسیار بر موسی (ع) و هارون بود.

و اشد علی قلوبهم فلا یؤمنوا .. قال قد أجبیت دعوتکما فاستقیما

از اینکه خداوند پس از اعلام استجابت دعای موسی و هارون (ع)، به آنان دستور استقامت و پایداری می دهد و استقامت را با فای سببیه به اجابت دعا مرتبط می کند. برداشت فوق استفاده می گردد.

10 - موسی (ع) و برادرش (هارون)، تحت فشار فرعون و اطرافیان او بودند.

قال موسی ربنا انک ءاتیت فرعون و ملاء زینه و أمولا .. لیضلوا عن سبیلک ... فاستق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 73 - 8

8- مفارقت از خضر (ع) و بازماندن از یادگیری علوم او، برای حضرت موسی (ع) امری دشوار بود.

لا تَؤَاخِذْنِی بِمَا نَسِیتُ و لا ترهقنِی من امری عسراً

مقصود از «امر» در «من امری» همان متابعت خضر (ع) و فراگیری دانش از او است. بنابراین، مفاد این قسمت آیه، آن است که بالغو رخصت همراهی، مراد در مورد کار و هدف ام به زحمت و سختی مینداز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 28، 29

28 - موسی (ع) در دوران زندگانی خویش، با سختی های فراوانی مواجه شد.

و فتتک فتوناً

«فتون» - چنانچه برخی گفته اند - جمع فتنه است و «فتنه»، در مورد شداید و سختی ها استعمال بیشتری دارد (مفردات راغب).

29 - آزمایش موسی (ع) و گرفتاری های سخت دوران زندگانی او، از نعمت های خداوند به آن حضرت بود.

از آن جایی که این آیات در صدد برشمردن نعمت های خداوند به موسی (ع) است و در ضمن آن، گرفتاری آن حضرت به فتنه (آزمایش یا سختی) مطرح شده است، چنین برمی آید که این نوع سختی ها و آزمودن ها نیز از جمله نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 35 - 4

4 - موسی (ع) در انجام رسالت الهی اش ، درگیر با دشواری های بسیار و توانفرسا و نیازمند به یار و یابوری همچون هارون بود .

و جعلنا معه أخاه هرون وزيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 49

3 - پیش بینی موسی (ع) نسبت به مشکلات راه رسالت خود و استفسار وی از خدا

قال ربّ . . . و لهم عليّ ذنب فأخاف أن يقتلون

موسی با بیان مشکلات خویش، در مقام شانه خالی کردن از زیر بار رسالت نیست؛ بلکه با طرح مشکلات در درگاه خداوند، از او راه حل می جوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - حمایت قاطع خداوند از موسی (ع) در قبال مشکلات راه رسالت .

قال كلاً . . . إنّنا معكم مستمعون

135- مشکلات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در پی دارنده مشکلات و نامایماتی برای ایمان آورندگان

يأيتها الذين ءامنوا استعينوا بالصبر و الصلوة

توصیه به صبر و نماز و استعانت از آنها، پس از بیان رسالت پیامبر و مخاطب قرار دادن مؤمنان، این نکته را به مخاطبان القا می کند که ایمان به رسالت پیامبر، مستلزم مشکلات و نامایماتی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن (ترس ، گرسنگی ، زیان های مالی و جانی و کم محصولی) از مشکلات راه ایمان است .

لا تقولوا لمن يقتل . . . و لنبلونكم بشيء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس، گرسنگی و . . . پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا، گویای این است که: مقصود از «الخوف و

«... ترسها و گرسنگی‌هایی است که از مبتلا شدن به دشمنان دین به وجود می‌آید؛ یعنی، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس، گرسنگی و ... می‌باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 156 - 7

7 - بشارت الهی از آن مؤمنانی است که در برخورد با مشکلات و ناملازمات، تسلیم قضای الهی باشند.

و بشر الصبرین. الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا لله وإنا إليه رجعون

ص: 50

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 104 - 16

16 - دشواری ها و سختی های پیش آمده برای اهل ایمان به هنگام نبرد با دشمنان ، دارای حکمت و مصلحت

ان تکنونوا تالمون . . . و كان الله عليماً حكيماً

توصیف خداوند به «حکیم»، پس از بیان علم خداوند به دردها و مصیبت‌های اهل ایمان، برای رساندن این معناست که این رنجها و گرفتاریها دارای حکمت و مصلحت است و لذا از آن جلوگیری نمی کند، نه اینکه از دید خداوند مخفی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 87 - 3

3 - مؤمنان به رسالت انبیا در معرض مشکل آفرینی کفرپیشگان و موظف به صبر و استقامت

إن كان طائفة منكم ءامنوا بالذی أرسلت به . . . فاصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 28 - 6

6 - حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلائی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد لله الذی نَجَّنا من القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 4 - 3

3 - مؤمنان ، قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی بحرانی و اضطراب روحی *

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

نزول آرامش، زمانی صادق است که قبل از آن، اضطراب و ناآرامی وجود داشته باشد.

136 - مشکلات نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- قیام حضرت نوح (ع)، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتا پرستی، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود.

إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت اللّٰه

کلمه «مقام» مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

ص: 51

137- مشکلات هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 10، 4

4 - برآورده شدن خواسته های موسی و هارون (ع) (سخت شدن و مهر خوردن دل فرعون و اطرافیانش و وقوع عذاب استیصال) مستلزم گذشت زمان و وارد آمدن فشارها و سختی های بسیار بر موسی (ع) و هارون بود.

و اشد علی قلوبهم فلا یؤمنوا .. قال قد أجبیت دعوتکما فاستقیما

از اینکه خداوند پس از اعلام استجابت دعای موسی و هارون (ع)، به آنان دستور استقامت و پایداری می دهد و استقامت را با فای سببیه به اجابت دعا مرتبط می کند. برداشت فوق استفاده می گردد.

10 - موسی (ع) و برادرش (هارون)، تحت فشار فرعون و اطرافیان او بودند.

قال موسی ربنا انک ءاتیت فرعون و ملاء زینه و أمولا .. لیضلوا عن سبیلک ... فاستق

138- مشکلات یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 89 - 8

8 - یهودیان مدینه، پیش از اسلام در گیر با کافران و از ناحیه آنان در سختی و فشار بودند.

و کانوا من قبل یتفتحن علی الذین کفروا

139- منافقان و مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 50 - 6

6 - کنار کشیدن از مسؤلیت و مشکلات جامعه در بینش منافقان، تیزهوشی و کیاست است.

و ان تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

140- منشأ تسهیل مشکلات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- آسان ساختن برنامه های تبلیغی پیامبران ، جلوه ربوبیت خداوند و عنایت ویژه او به پیشبرد اهداف رسالت است .

رَبِّ ... يَسْرُلِي أَمْرِي

ص: 52

141- منشأ تسهیل مشکلات محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 5 - 6

6 - فراهم آمدن تسهیلات برای رفع مشکلات پیامبر (صلی الله علیه و آله)، امداد ویژه خداوند به آن حضرت

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

حرف «ال» در «العسر»، می تواند برای عهد یا جانشین مضاف الیه باشد؛ یعنی، «عسرک». در این صورت «العسر»، اشاره به سختی هایی دارد که برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیش آمده بود.

142- منشأ رفع مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 9

9- گشایش تنگناهای زندگی بشر و رفع مشکلات ایشان به دست خدا و در اختیار اوست .

و لا تأیسوا من روح الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 1

1 - رفع گرفتاری ها ، وابسته به مشیت خداوند و در گرو اراده او است .

و لو رحمناهم .. للجبوا فی طغینهم یعمهون

«لو» در این جا معادل «إن» شرطیه است. «رحمه» (مصدر «رحمنا») به معنای بخشش و «کشف» (مصدر «کشفنا») به معنای برطرف ساختن است. «لجوا»، نیز به معنای اصرار ورزیدن و «عمه» به معنای سرگردانی و تحیر است. «یعمهون» حال برای ضمیر «لجوا» و «فی طغیانهم» متعلق به «یعمهون» می باشد؛ یعنی، اگر آنها را مورد بخشش قرار دهیم و صدمات وارده به آنان را برطرف سازیم، آنان در طغیان شان سرگردان شده [و بر آن] اصرار خواهند ورزید. گفتنی است آیه فوق، ادامه آیات پیشین و مربوط به اشراف و مرفهان کافر مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 12

12 - هر کس تقوا پیشه کند ، خداوند راه خروج از هر مشکل و بن بستی را برای او می گشاید .

و من يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 7 - 10،12

ص: 53

10 - نوید خداوند به امکان رفع مشکل زنان مطلقه و همسرانشان ، در صورت رعایت تعالیم و رهنمود های الهی

لینفق ذو سعه من سعته . . . سیجعل الله بعد عسر یسراً

12 - امید بستن به حل مشکلات زندگی مشترک و تبدیل شدن سختی ها به آسانی ها - در پرتو لطف و عنایت خداوند - امیدی شایسته و بجا برای مؤمنان

سیجعل الله بعد عسر یسراً

آیه شریفه، ضمن امید بخشیدن به مردان و زنان درگیر با مشکلات زندگی مشترک، آنان را به رفع شدن مشکلاتشان در پرتو عنایت و لطف خداوند، امیدوار ساخته و به این امیدواری تشویق و ترغیب کرده است.

143- منشأ رفع مشکلات محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 8 - 2 - 94

8 - توجه به عنایت های خداوند در رفع مشکلات رسالت ، مایه اطمینان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعک ربّک و ما قلی . . . و وضعنا عنک و زرک

144- منشأ مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 31

31 - پشامد های زندگی و مشکلات آن ، وابسته به خداوند و منتسب به او است .

و فتّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 76 - 1

1 - بلا ها و گرفتاری های دنیوی ، بر اساس مشیت خدا و در جهت تنبه و هدایت غافلان و منحرفان

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استکانوا لربّهم

«أخذ» (مصدر «أخذنا») به معنای گرفتن (گرفتار ساختن) است. «إستکانه» (مصدر «استکانوا») به معنای فروتنی و «تضرع» (مصدر

«یتضرعون») به معنای نالیدن و زاری کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 31 - 11

11 - بازتاب گناهان انسان به صورت مشکلات دنیایی ، تدبیری الهی در جهت بازداشتن انسان از سرکشی و تجاوز است .

و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم . . . و ما أنتم بمعجزین فی الأرض و ما لکم م

ص: 54

سیاق آیات، نشانگر بیان گونه های مختلف از یک حقیقت است؛ چه این که باران، غفران، ولایت و نصرت گونه هایی از روزی خداوند برای انسان ها است که از پس خشکسالی، گناه و مصیبت به انسان ارزانی می شود.

145- منشأ مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 73 - 5

5 - عملکرد غلط مسلمانان، منشأ فتنه ها و مشکلات اجتماعی آنان

إلا تفلوه تكن فتنه في الأرض وفساد كبير

146- منشأ مشکلات فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 48 - 10

10 - ابتلای فرعونیان به گرفتاری ها و عذاب های دنیایی، نمودی از آیات و نشانه های خداوند در حق آنان

و ما نريهم من آية .. و أخذنهم بالعذاب

از ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، مطلب بالا قابل برداشت است.

147- منشأ مشکلات قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 47 - 4

4 - مشکلات ثمودیان، بنا به تقدیر الهی و در جهت آزمایش آنان بود، نه معلول وجود صالح (ع) و پیروان او.

قال طرکم عند الله بل انتم قوم تفتنون

عبارت «طرکم...»؛ یعنی، آنچه که باعث بروز مشکلات و گرفتاری برای شما شده، نزد خدا است. مقصود این است که وجود من تأثیری در پیدایش مشکلات شما ندارد؛ بلکه مشکلات تان بر اساس برنامه و تقدیر الهی است که در راستای آزمایش شما تدارک دیده شده است. گفتنی است که در برداشت یاد شده، «فتنه» در جمله «بل انتم قوم تفتنون» به معنای آزمایش گرفته شده است.

148- منشأ مشکلات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 55

18 - گشایش در کار مؤمنان و تفضل به آنان از جانب خداوند ، بر پایه علم گسترده او به مصالح و نیاز های آنان است .

یغنیهم الله من فضله و الله وسع علیم

149- موانع رفع مشکلات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 34 - 6

6 - شدت گرفتاری مردم در قیامت ، مانع پرداختن آنان به حل مشکلات دیگران ؛ حتی خویشاوندان خویش

یوم یفر المرء من أخیه

جمله «لکلّ . . . شأن یغنیه» در آیات بعد، می تواند قرینه بر انگیزه فرار در قیامت باشد؛ یعنی، هر کس آن قدر به خود مشغول است که گوش و چشم خود را بر فریاد و زاری دیگران فرو می بندد و از درگیر ساختن خود با مسائل آنان می گریزد.

150- موانع مشکلات روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 128 - 9

9- توجه به حمایت خدا از تقوایپیشگان و نیکوکاران ، مانع از قرار گرفتن آنان در تنگنای روحی است .

و لاتک فی ضیق ممّا یمکرون . إن الله مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون

151- نجات از مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 15 - 7

7 - خودکشی ، تلاش بی ثمر در جهت رهایی از سرخوردگی و بن بست در زندگی

من کان یظنّ أن لن ینصره الله . . . فلیمدد بسبب الی السماء . . . هل یذهب کیده ما یغ

152- نذر برای نجات از مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 30

30- بهره جستن از نذر برای فرار از تنگناهای اجتماعی جایز است .

ص: 56

إِنِّي نذرت .. فلن أكلّم اليوم إنسيًّا

153- نعمت مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 30

30 - برخی از سختی های زندگانی ، نعمت خداوند بر انسان و نشانه لطف او است .

و لقد منّا .. و فتّك فتونًا

154- نقش مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 16

16- گرفتاری ها و مصائب و نیز بر طرف شدن آنها ، وسیله تذکر و توجه است .

فاستجبنا له .. ذکری للعبدين

155- هماهنگی مشکلات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 23 - 9

9- پیامبران الهی ، در راه ایفای رسالت خود ، مواجه با مشکلاتی همگون و مشابه

و كذلك ما أرسلنا من قبلك .. إلا قال مترفوها

مشکلات اجتماعی

156- آثار مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 118 - 11

11 - تنگنا های اجتماعی و روحی ، از زمینه های التجای انسان به درگاه الهی

ضاقَت عليهم الأرض . . . و ضاقت عليهم أنفسهم و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إليه

با توجه به شأن نزول که محاصره اجتماعی متخلفان را از سوی مسلمانان زمینه التجای آنان به خداوند شمرده است، این برداشت استفاده می شود.

ص: 57

157- اخلاص و نجات از مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 25

25- قصد قربت با قصد رهایی از ناملايمات اجتماعی منافاتی ندارد .

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

مریم(س) به منظور عذر آوردن نزد مردم برای سکوت خویش، روزه را نذر کرد، ولی با جمله «اِنِّي نذرت للرحمان» نذر خود را وسیله تقرب به خدا قرار داد.

158- اهمیت حل مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 6,17,18

6 - حضور در کنار رهبری جامعه اسلامی برای حل و فصل امور مهم اجتماعی و مشاوره و کنکاش در مسائل عمومی ، امری لازم و بایسته

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا

17 - پرداختن به امور مهم زندگی شخصی ، به جای حل و فصل مسائل اجتماعی ، با اذن رهبری ، خطایی است نیازمند به استغفار به درگاه الهی .

فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللّٰهُ

توصیه خداوند به طلب مغفرت کردن پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای کسانی که به اذن او عرصه حل و فصل امور اجتماعی را ترک می کنند حاکی از این است که این عمل چون به اذن آن حضرت انجام گرفته جایز است؛ ولی در عین حال خطایی است که باید برای آن استغفار کرد.

18 - انجام کار های عمومی و حل و فصل مسائل اجتماعی در هر حال ، در اولویت نخست و از پرداختن به امور فردی و شخصی مهم تراست .

و إِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ .. فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَ

خطا بودن ترک عرصه حل و فصل مسائل اجتماعی، به منظور رسیدگی به کارهای شخصی - که از طلب مغفرت کردن پیامبر(صلی الله

عليه و آله) استفاده مي شود - برداشت ياد شده را افاده مي کند.

159- اهميت رفع مشكلات اجتماعي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 58

14- مردم، در قبال مسائل جامعه خویش چون: بی عدالتی، فحشا، بزهکاری، ستم، فقر و نیازمندی های اقتصادی مردم، مسؤولند.

إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذی القربى وینهى عن الفحشاء والمنکر و

160- بی اعتنایی به مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 9

9 - ترک حضور در محضر رهبری جامعه اسلامی برای حل و فصل امور مهم اجتماعی، به منظور پرداختن به امور زندگی شخصی، بدون اذن خواستن، حرام و ممنوع است.

و إذا كانوا معه علی أمر جامع لم یذهبوا حتی یستذنوه .. فإذا استذنوک لبعض شأن

161- حل مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 13، 4، 3

3 - حل و فصل امور مهم اجتماعی و فراخوانی مردم برای مشاوره و کنکاش پیرامون مسائل عمومی، از وظایف و اختیارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبری جامعه اسلامی

إنّما المؤمنون الذین ءامنوا باللّه ورسوله و إذا كانوا معه علی أمر جامع لم یذهبوا

4 - مؤمنان راستین، به هنگام حضور در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبری جامعه اسلامی، برای حل و فصل امور مهم اجتماعی، بدون اذن خواستن به دنبال کار دیگری نمی رفتند.

إنّما المؤمنون الذین ءامنوا باللّه ورسوله و إذا كانوا معه علی أمر لم یذهبوا حتّ

13 - اعمال اجتهاد و مصلحت اندیشی در حل و فصل امور اجتماعی، از اختیارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران جامعه اسلامی است.

و إذا كانوا معه علی أمر جامع .. فإذا استذنوک لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم

162- زمینه مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 6 - 6

6 - اعتماد به خبر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، دربردارنده خطر برای جامعه

أَن تَصِيبُوا قَوْمًا بَٰجِهَلِه

ص: 59

163- زمینه مشکلات اجتماعی زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 6 - 15

15- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور . . . إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

164- مشکلات اجتماعی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 39 - 3

3- بنی اسرائیل در حکومت فرعون ، زندگی سختی داشتند و جان پسران آنها در خطر بود .

أن اذفیه فی التابوت فاذفیه فی الیم

165- مشکلات اجتماعی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 73 - 9,3

3- مسلمانان عصر بعثت ، گرفتار مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سختی معیشت بودند .

أى الفریقین خیر مقاماً و أحسن ندیاً

مراد از «فریقین» به قرینه صدر آیه، مؤمنان و کافران است. کافران در پاسخ به مؤمنان دو چیز را مایه افتخار و برتری و حقانیت خود می دانستند: یکی وصف «خیر مقاماً» و دیگری «أحسن ندیاً»، از این دو توصیف، آشکار شود که مؤمنان از نظر ظاهری، در نقطه مقابل این دو وضعیت قرار داشتند.

9- کافران عصر بعثت ، مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مسلمانان را ، نشانه ناروا بودن عقیده و تفکر آنان می دانستند .

أى الفریقین خیر مقاماً و أحسن ندیاً

166- منشأ مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - عملکرد غلط مسلمانان ، منشأ فتنه ها و مشکلات اجتماعی آنان

ص: 60

إلا تفعلوه تكن فتنة في الأرض وفساد كبير

167- نذر برای نجات از مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 30

30- بهره جستن از نذر برای فرار از تنگنا های اجتماعی جایز است .

إني نذرت .. فلن أكلم اليوم إنسيًا

ص: 61

3- مضمونان آموزش خدا

1- مضمونان آموزش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 74 - 7

7 - توبه و استغفار، شرط برخورداری از مغفرت خداوند و رحمت خاص او

افلا یتوبون... و الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 26

26 - مؤمنی که از سر جهل گناه کند، در صورت توبه و اصلاح حتماً مشمول مغفرت و رحمت خداوند قرار خواهد گرفت.

کتب ربکم علی نفسه الرحمه انه من عمل منکم سوءاً بجهله ثم تاب من بعده و أصلح فأنه

2- مضمونان آموزش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 165 - 12

12 - کسانی که در آزمونهای الهی موفق باشند، از مغفرت الهی برخوردار و از رحمت او بهره مند خواهند شد.

لیبلوکم فی ما اذنبکم... إنه لغفور رحیم

مضمونان لعن

ص: 62

3- {مشمولان لعن}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 9,10

9- یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم ... و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که «بما نقضهم ...» به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند «لعناهم» باشد.

10 - غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه «قولهم» عطف بر «نقضهم» است، بنابراین متعلق به فعل محذوف «لعناهم» است. یعنی «بقولهم ... لعناهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 7,8

7- کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بكفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظيماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که «بکفرهم» عطف بر «بنقضهم» در آیه قبل باشد. بر این مبنا «بکفرهم» متعلق به فعل محذوف «لعناهم» خواهد بود.

8 - اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 157 - 4

4- ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) - علی رغم اعتراف به پیامبری وی - مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

بدان احتمال که «قولهم» عطف بر «نقضهم» در آیه 155 باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 4

4 - گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم وجعلنا قلوبهم قسية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 19، 17، 16، 13، 9، 5

5 - گروهی از اهل کتاب ، گرفتار لعنت و غضب خداوند

من لعنه الله و غضب عليه

9 - گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتارهای زشت

ص: 63

هل انبئکم بشر من ذلک مثوبه عند اللّٰه من لعنه .. و عبد الطغوت

کلمه «مثوبه» (سزا و جزا) می‌رساند که غضب و .. به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می‌کرده است.

13 - گرفتاران به لعنت و غضب خدا، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

16 - گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی، مسخ شدگان و طاغوت پرستان، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّٰه .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان، پرستندگان طاغوت، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است.

من لعنه اللّٰه و غضب علیه و جعل منهم .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت -، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّٰه .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 7، 14، 23

7 - یهود، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

«لعنت» به معنای دوری از رحمت است.

14 - تأثیر منفی قرآن در یهودیان - افزون بر کفر و طغیان آنان -، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفوّاً

واقع شدن جمله «و ليزيدن ..» پس از بیان پندار باطل يهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

23 - دشمنی و کینه توزی يهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از رحمت او

و لعنوا بما قالوا .. و القينا بينهم العداوة و البغضاء إلی یوم القیمة

جمله «و القینا ..» می تواند بیان پیامدی دیگر برای «لعنوا بما قالوا» باشد ; یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان يهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 78 - 1

1 - کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

ص: 64

فاعل محذوف از «لعن» داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله «لعن ... علی لسان داود و عیسی» به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

4- اجابت دعای مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 37 - 5

5- امکان اجابت دعای مطرودین درگاه الهی و لعن شدگان

فاخرج منها .. و إن عليك اللعنه ... قال ربّ فأظنني ... قال فإنك من المنظرین

5- ایمان مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 12

12 - آدمی ، می تواند حتی در زمان گرفتاریش به لعنت خدا ، خود را به سوی ایمان گرایش داده و اهل ایمان گردد .

لعنهم الله بکفرهم فقلیلا ما يؤمنون

تفریع جمله «فقلیلا ما يؤمنون» بر «لعنهم الله بکفرهم» می رساند که: کفر ورزی و دور شدن از رحمت خدا، بسیاری از زمینه های ایمان را از بین می برد نه همه آنها را؛ یعنی، با وجود لعنت الهی انسان می تواند خود را به سوی ایمان گرایش دهد.

6- گمراهی مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 18

18 - طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله ... و عبد الطغوت أولئك شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

7- مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

ص: 65

بل لعنهم الله بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 89 - 12،13

12 - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكفرین

13 - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 6

6 - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك يلعنهم الله . . . إلا الذين تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 1،5،7

1 - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنه الله و الملائكة و الناس أجمعین

5 - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئك يلعنهم الله . . . أولئك عليهم لعنه الله

جمله «أولئك يلعنهم الله» (در آیه 159) به قرینه «إلا الذين تابوا . . .» حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله «أولئك عليهم لعنه الله» به دلیل «ماتوا و هم كفار» دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

7 - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنه الله و الملائكة و الناس أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 162 - 1, 2

1 - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئك عليهم لعنة الله .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر «فیها» به «لعنه الله ..» (در آیه قبل) بازگردد.

2 - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذين يكتُمون .. أولئك عليهم لعنة الله ... خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 66

20 - گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لكن لعنهم الله بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

كما لعنّا اصحاب السّبت

17 - کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا . . . او نلعنهم كما لعنّا اصحاب السّبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . . . اولئك الذين لعنهم الله

2 - ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر . . . اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

3 - کسانی که حقایق اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذين . . . يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيبيلا . اولئك الذين لعنه

6 - مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه الله على الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 45 - 4

4 - آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه الله على الظالمین. الذین... یبغونها عوجاً

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 67

11 - پندار فرزند داشتن خدا، انحراف از مسیر حق بوده و معتقدان به آن، گرفتار لعن و نفرین خدا خواهند بود.

ولا يدينون دين الحق... وقالت اليهود عزيز ابن الله... قتلهم الله أنى يؤفكو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - منافقان و کافران، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقين... والكفار... لعنهم الله

11 - جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقين... والكفار... لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - آرزومندان نزول بلا و نگون بختی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، مورد طرد و لعن خداوند هستند.

يتربص بكم الدوائر عليهم دائره السوء

ظاهراً جمله «عليهم دائره السوء» در مقام نفرین می باشد نه صرفاً اخبار از آینده.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - ستمگران در قیامت، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد.

ألا لعنه الله على الظلمين

11 - کسانی که به خداوند دروغ می بندند، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد.

هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنه الله على الظلمين

14 - « عن رسول الله (صلی الله علیه و آله): . . . وأما الكافر فيقرأ ذنوبه على رؤوس الأشهاد، « هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنه الله

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: . . . اما کافر پس گناهان او در ملاء عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 1

1- قوم عاد ، در دنیا به لعنت خدا گرفتار شدند و در آخرت نیز از رحمت او محروم خواهند بود .

و أتبعوا فی هذه الدنيا لعنه و یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 99 - 1

1- فرعون و پیروان وی در عرصه دنیا و آخرت، به لعنت خدا گرفتار و از رحمت او به دورند .

وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ

ضمیر در «أَتَّبِعُوا» به فرعون و قوم وی باز می گردد. «اتباع» (مصدر أتبعا) به معنای ملحق کردن و به دنبال فرستادن است. بنابراین «وَأَتَّبِعُوا...»؛ یعنی، فرعون و قوم او در دنیا و آخرت، لعنت و نفرین را به دنبال خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 25 - 7,8,9

7- کسانی که به پیمان های الهی پایبند نباشند، به لعنت خدا و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ... أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ

8- آنان که به برقراری پیوندهایی که خداوند به برقرار ساختن آنها فرمان داده، ملتزم نباشند، به لعنت و دوری از رحمت گرفتار خواهند شد .

وَالَّذِينَ... يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ... أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ

9- فسادگران در زمین به لعنت خداوند و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

وَالَّذِينَ... يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 39 - 13

13- « عن أبي عبد الله (ع) انه قال في قول الله عزوجل: « و قالت اليهود يد الله مغلولة » : لم يعنوا انه هكذا، و لكنهم قالوا: قد فرغ من الأمر فلا يزيد و لا ينقص فقال الله جل جلاله تكذيباً لقولهم: « غلَّتْ أيديهم و لعنوا بما قالوا بل يداه مبسوطتان ينفق كيف يشاء » ألم تسمع الله عزوجل يقول: « يمحوا الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدای عزوجل: « و قالت اليهود يد الله مغلولة» فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دستهای خدا در غل بسته است؛ بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند - جل جلاله - برای تکذیب سخن آنان فرمود: «دستهای خودشان در غل بسته باد و به خاطر سخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد؛ بلکه دستهای خدا باز است و هرگونه می خواهد می بخشد». آیا نشنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: «يمحوا الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17- « عن أبي عبد الله (ع) قال: إن المؤمن إذا أُخرج من بيته شيعة الملائكة إلى قبره... وإن كان كافراً خرجت الملائكة تشيعة إلى قبره تلعنونه... ثم يدخل عليه ملكا القبر... فيقولان له: من ربك؟ فيتلجلج ويقول: قد سمعت الناس يقولون فيقولان له: لادريت و يقولان له: ما دينك؟ فيتلجلج فيقولان له: لادريت و يقولان له: من تبيك؟ فيقول: قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لادريت و يسأل عن إمام زمانه... و هو قول الله عزّوجلّ: «... و يضلّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء» ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه فرمود: آن گاه كه [جنازه] مؤمن را از منزلش بيرون مي برند، ملائكه او را تا قبرش تشييع مي كنند. .. و اگر كافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشييع و لعنت مي كنند... سپس دو فرشته قبر، بر او وارد مي شوند... پس به او مي گویند: پروردگارت كيست؟ پس او [در پاسخ] مردد مي شود و مي گوید: شنیده ام مردم [این گونه] مي گویند. پس به او می

گویند: [آیا] ندانستی؟ به او می گویند دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ پس به او می گویند: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا] ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سخن خداوند عزّوجلّ است: ... یضَلّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 35 - 6

6- بازگشت همه لعن ها ، به ابلیس است . *

وإن علیک اللعنه إلی یوم الدین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «ال» در «اللعنه» برای جنس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 78 - 2، 1

1 - ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان سجده بر آدم ، مورد لعن و نفرین ابدی خداوند قرار گرفت .

وإنّ علیک لعنتی إلی یوم الدین

2 - طرد از درگاه خداوند و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنّک رجیم . و إنّ علیک لعنتی إلی یوم الدین

خداوند در هشت آیه بعد، ابلیس را به عذاب جهنم تهدید و محکوم کرد. این نکته می رساند که طرد و نفرین ابلیس - آن هم با آمدن قید «إلی یوم الدین» - مربوط به کیفر دنیایی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 52 - 7

7 - ستمگران ، گروهی مطرود و محروم از رحمت خداوند در قیامت

و لهم اللعنه

8- مضمولان لعن اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

6- کسانی که در پی منحرف ساختن دین و معارف الهی هستند ، ستمکارند و در آخرت به لعنت خدا گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين ... يبغونها عوجًا

ص: 70

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 23 - 1

1 - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَفْلَتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

«محصنات» به معنای زنان عقیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از «غافلات» (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

9- مشمولان لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 35 - 1

1- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

وإن عليك اللعنة إلى يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 41 - 6

6 - ستم کاران ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعثاً للقوم الظالمين

نصب «بُعْداً» به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف می باشد؛ یعنی، «بعثوا بُعْداً». گفتنی است که «بُعْداً» از جمله مصدرهایی است که همواره به جای فعل می آید؛ یعنی، دور باد [از رحمت خدا] گروه ستم کاران!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 44 - 9

9- جوامع کفرپیشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعثاً للقوم لا يؤمنون

کلمه «بُعْدًا» منصوب است به عنوان مفعول مطلق برا فعل محذوف؛ یعنی، «بعدوا بُعْدًا». گفتنی است که «بُعْدًا» از مصادرهابی است که همواره بجای فعل می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 3

3 - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

ص: 71

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 42 - 1

1 - لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیان از زندگی دنیوی

و أتبعنهم فی هذه الدنيا لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 57 - 6, 5, 4, 1

1 - آزاردهندگان و اذیت کنندگان خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مشمول لعن خدا در دنیا و آخرتند .

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعْنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

4 - کسانی که وارد منزل پیامبر (صلی الله علیه و آله) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خدایند .

و لا مستنسين لحديث إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ . . . إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ ... ورسوله لعن

5 - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، مورد لعن خدایند .

و لا تطع الكافرين و المنفقين و دَعِ أذْيَهُمْ . . . إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ ... ورسوله لعنهم

6 - مذاکره کنندگان بی پرده و رو در رو با همسران پیامبر - که موجب آزار دادن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است - مشمول لعن خداوندند .

و إذا سألتهم عن متاعاً فسئلوهم من وراء حجاب . . . و ما كان لكم أن تؤذوا رسول اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 64 - 1

1 - همه کافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكٰفِرِينَ

«ال» در «الكافرين» می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

1- عناصر بیمار دل روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأيت الذين في قلوبهم مرض... فهل عسيتم إن توليتم... أولئك الذين لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه «أولئك»، کسانی باشند که «تولیتم» خطاب به آنان است و «تولی» به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

4- والیان و حاکمان فسادگر و بی عاطفه ، مورد نفرین الهی

إن توليتم أن تفسدوا في الأرض... أولئك الذين لعنهم الله

برداشت بالا بنابر این نکته است که «أولئك» اشاره باشد به همه متولیان امر که فسادگر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل، مخاطب «إن توليتم أن تفسدوا...» قرار گرفته اند.

11 - منافقان و مشرکان ، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب الله عليهم و لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 11 - 3

3 - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحَقًا لأصحاب السعير

«سحق» به معنای «بُعد» است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 19 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل كيف قدر

عبارت «قتل»، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 20 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثم قتل كيف قدر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و «ثم» برای دلالت بر تفاوت رتبه است؛ یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 8

8 - « عن أمير المؤمنين (ع) . . . « قتل الإنسان ما أكفره » أي لعن الإنسان ؛

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که در معنای «قتل الإنسان ما أكفره» فرمود: یعنی لعنت بر این انسان [چقدر ناسپاس است].».

10- مضمولان لعن دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 23 - 1

1 - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

ص: 73

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

«محصنات» به معنای زنان عفیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از «غافلات» (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی‌خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده‌اند (فحشا)، کاملاً بی‌خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می‌شود.

مشمولان محبت

11- {مشمولان محبت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 42 - 19

19 - تنها عدالت پیشگان شایسته مهر و محبت هستند .

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ

ص: 74

1- آفرینش و مصالح انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 33 - 8

8- مجموعه آفرینش جهان مادی (آسمان، زمین، ماه، خورشید، باران و...) در خدمت انسان و هماهنگ و متناسب با نیازها، خواسته ها و مصالح او

الله الذی خلق السموت والأرض... رزقاً لکم... و سخّر لکم الشمس والقمر دائبین

از اینکه خداوند فرمود: آسمانها، زمین، ماه، خورشید و... را برای انسان تسخیر و رام ساختیم، حکایت از آن دارد که همه آنها با خلقت انسان و نیازمندیهای وی هماهنگ شده است.

2- اهمیت رعایت مصالح ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 4

4- اهتمام اسلام به حمایت از مال و منافع یتیمان و عناصر ضعیف و بی پشتیبان جامعه

ولا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

3- اهمیت رعایت مصالح یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 4

4- اهتمام اسلام به حمایت از مال و منافع یتیمان و عناصر ضعیف و بی پشتیبان جامعه

و لا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

4- اهمیت مراعات مصالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 101 - 9

9- رها شدن از فتنه های دشمن، دارای مصلحتی بیشتر و مهمتر از انجام کامل نماز

فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوه ان خفتن ان یفتنکم الذین کفروا

5- اهمیت مصالح اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 8

8- حفظ منافع و خیر و صلاح مردم، اصلی اساسی و معیاری تعیین کننده در نوع و مقدار تولید و گسترش سلاح و سیاست کلی جامعه دینی در صنعت اسلحه سازی است.

و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

برداشت یاد شده از «لام» انتفاع در «لکم» استفاده گردید، بدین معنا که آموزش صنعت اسلحه سازی به داوود(ع) در جهت حفظ منافع و خیر و صلاح مردم بود و همین مسأله، تعیین کننده سیاست کلی جامعه دینی در تولید و گسترش سلاح است.

6- اهمیت مصالح انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 41 - 7,9

7- تأکید خداوند بر جهاد با مال و جان (در عین بی نیازی او از جهاد و تلاش مردم)، به خاطر تأمین مصالح خود انسانهاست.

ما لکم إذا قیل لکم انفروا... إلا تنفروا یعذبکم... انفروا خفافاً و ثقلاً جهدوا

9- احکام و قوانین الهی، در جهت منافع و مصالح واقعی انسانهاست.

انفروا... و جهدوا... ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 22

22 - دعوت به توبه و رهنمود های خداوند به انسان ها ، در جهت مصالح و منافع خود آنان است .

ص: 76

فإن يتوبوا يك خيراً لهم

7- اهمیت مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 7

7 - حرمت ماه های چهارگانه ، در راستای مصالح جامعه و مایه قوام و استواری آن

منها أربعه حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم

8- اهمیت مصالح عمومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 8

8- حکومت ها در شرایط بحرانی کشور ، می توانند آزادی مردم را در تصرف اموال و املاک خویش محدود ساخته ، آنان را به سمت مصالح همگانی سوق دهند .

اجعلنی علی خزائن الأرض .. کذلک مکنتا لیوسف فی الأرض یتبواً منها حیث یشاء

9- اهمیت مصالح نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 13، 14، 15

13 - شیردادن مادران به نوزادان خود ، به مصالح و منافع نوزادان نزدیک تر از دایگان است .

فإن أرضعن لكم .. وإن تعاسرتم فسترضع له أخرى

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان راه کارهای شایسته برای تأمین مصالح و منافع نوزادان است و در این راستا، شیردادن مادران بر دایگان مقدم ذکر شده است.

14 - شیردادن دایگان ، به نوزادان زنان مطلقه ، تنها در صورت ضرورت و با مشورت و هم فکری پدر و مادر آنان ، شایسته و بجا است .

و أتمروا بینکم بمعروف وإن تعاسرتم فسترضع له أخرى

15 - رعایت مصالح و منافع نوزادان ، اساس جهت گیری های تعالیم و رهنمود های الهی در زمینه طلاق است .

فأنفقوا عليهنّ حتى يرضعن حملهنّ . . . و أتمروا بينكم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع ل

فرمان خداوند، به تأمین هزینه زندگی زنان مطلقه در ایام بارداری و نیز پرداخت اجرت شیردادن به نوزادشان و یا گرفتن دایه برای آنان، همگی دلیل توجه و عنایت ویژه تعالیم اسلام، به مصالح و منافع نوزادان در هنگام طلاق است.

ص: 77

10- تأمین مصالح انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 20

20 - تکالیف الهی ، تأمین کننده مصالح و منافع انسانهاست .

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 20

20 - راضی بودن به آنچه خدا مقرر کرده و شکایا بودن بر آن ، تأمین کننده خیر و مصلحت واقعی انسان است .

لن نصیر علی طعام وحد . . . قال أئتبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

11- تأمین مصالح جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 88 - 5

5- ادیان الهی ، در جهت تأمین خیر و صلاح جامعه بشری است .

الذین کفروا . . . بما کانوا یفسدون

بازگشت معنای «افساد» به این است که: انسان خیری را از میان ببرد و یا از تحقق خیری مانع شود. بنابراین مبارزه ادیان الهی با مفسدان، در حقیقت دفاع از خیر و صلاح در جامعه است.

12- تقدم مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 179 - 4

4 - تقدم مصالح جامعه بر مصلحت فرد

ولکم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

از اینکه قرآن قانون قصاص را - که مرگ و نابودی فرد در آن است - برای حیات جامعه مقرر کرده است، می توان به این نکته رسید که: از نظر قرآن مصالح جامعه بر مصلحت فرد مقدم است.

ص: 78

13- جهل به مصالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 16

16 - عدم آگاهی انسان به تمامی مصالح و مفسد خویش

فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 41 - 10

10 - ناآگاهی انسان ها ، نسبت به برخی مصالح و منافع واقعی خود

ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 71 - 12

12 - کافران حق ستیز ، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بَلْ أَتَيْنَهُم بِذِكْرِهِمْ فَهَمُّوا عَنْ ذِكْرِهِمْ مَعْرَضُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 12

12 - ناتوانی مردم از درک بعضی از مصالح اجتماعی خویش و نیاز آنان به رهبری الهی

لَوْ يَطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنَّتُمْ

تعبیر «لَعَنَّتُمْ» می رساند که مردم، تمایلاتی دارند که اگر بنا باشد رهبری جامعه از تمایلات آنان پیروی کند، خود مردم به مشقت می افتند و این نیست مگر از آن جهت که تمایلات و آرای آنان، در چنین مواردی، غیر واقع بینانه و مخالف مصالح واقعی است.

14- رعایت مصالح در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - اسیر گرفتن از دشمن قبل از سرکوبی کامل آنان، زمینه ساز شکست و خلاف حکمت و مصلحت

ما کان لنبی . . . و الله عزیز حکیم

تذکر به عزت و حکمت خداوند پس از نهی وی از اسیر گرفتن قبل از تحکیم موقعیت، اشاره به این حقیقت دارد که تخلف از آن نهی خلاف مصلحت و زمینه ساز شکست می باشد.

ص: 79

15- رعایت مصالح مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 62 - 10، 6

6 - خیرخواهی نوح (ع) تنها در جهت منافع مردمان، نه آمیخته به منفعت های شخص خود بود.

و أنصح لكم

آوردن «لام» پس از مشتقات «نصیحت»، همانند «أنصح لكم»، حکایت از خلوص کامل نصیحت کننده نسبت به نصیحت شونده دارد. یعنی در نصیحتش (خیرخواهیش) هیچ شائبه منفعت شخصی ندارد و تنها خیر او را در نظر گرفته است.

10 - مبلغان دین باید خیرخواه مردم بوده و نصایح خویش را آمیخته به منافع شخصی نسازند.

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 68 - 6

6 - خیرخواهی هود، تنها در جهت منافع مردم بود، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش

و أنا لكم ناصح أمين

«لام» در «لکم» اشاره به خلوص هود در خیرخواهی دارد.

16- رعایت مصالح یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 11، 4

4 - به هنگام تصرف در اموال یتیمان باید سودمندترین روش به حال آنان انتخاب شود.

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق با توجه به کلمه «أحسن» (بهتر و نیکوتر) استفاده شده است.

11 - مراعات کردن عدالت در مبادلات و انتخاب سودمندترین روش برای تصرف در اموال آنها بیش از توان متعارف واجب نیست.

إلا بالتی هی أحسن . . . و أوفوا الکیل ... لانکلف نفسا إلا وسعها

بیان این حقیقت که «خداوند انسان را بیش از توانش تکلیف نمی کند» پس از فرمانهای یاد شده، اشاره به این دارد که مکلفان برای رعایت آن فرمانها لازم نیست خود را به مشقت اندازند. چرا که انجام تکلیف تا حد قدرت متعارف فرض است و نه بیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 7،8

7- تصرف در اموال و دارایی های یتیمان با رعایت مصالح آنان ، مجاز و مشروع است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

8- جواز تصرف در مال یتیم ، مشروط به رعایت بالاترین سطح مصالح وی است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

ص: 80

17- زمینه حفظ مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 2

2- جهاد در راه خداوند، تضمین کننده صلاح جامعه و حافظ روابط عاطفی - اجتماعی

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

«تولیتم» به معنای روی گرداندن از جهاد است و مفهوم آیه بر مطلب بالا دلالت دارد.

18- زمینه مصالح انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 9 - 12

12 - تکالیف و توصیه های الهی، در جهت تأمین منافع و مصالح واقعی انسان ها است.

ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

19- زمینه مصالح انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 10 - 4

4 - ممنوعیت جن از استراق سمع آسمان، در جهت خیر و صلاح اهل زمین است.

و أنا لاندري أشرُّ أريد بمن فی الأرض أم أراد بهم ربهم رشداً

آیه دوم - که گویای هدایت گری قرآن به سوی رشد و درستی است - قرینه است براین که خداوند با نزول قرآن، خیر و صلاح بشر را اراده کرده و در این راستا جن را، از استراق سمع آسمان ممنوع ساخته است.

20- علم به مصالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 178 - 4

4- کفر، مانع انسان از شناخت نفع و ضرر حقیقی خود

و لا یحسبنّ الذّین کفروا أنّما نملى لهم خیر لانفسهم

«الذّین کفروا»، اشاره به علیّت چنین پنداری است ; یعنی چون کافرند، این گونه می پندارند.

ص: 81

21- مراعات مصالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 102 - 2

2 - صلاحید برگزاری نماز جماعت در میدان نبرد ، بر عهده فرمانده نیروهاست .

و إذا كنت فيهم فاقمت لهم الصلوه

اسناد اقامه نماز به پیامبر (صلی الله علیه و آله) (فاقمت ..) ، اشاره به این است که اختیار تشکیل نماز جماعت بر عهده و صلاحید پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا فرماندهی نیروهاست.

22- مصالح آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 12 - 12

12 - تنظیم معیشت انسان ها ، در پرتو علم و آگاهی خداوند به مصالح نظام هستی

يبسط الرزق .. . إنه بكلّ شيء عليم

23- مصالح اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 3

3- خیر و مصلحت واقعی انسان و جامعه ، در اجتناب کردن از کم فروشی و خیانت اقتصادی است .

و أوفوا الكيل .. . وزنوا بالقسطاس المستقيم ذلك خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 8

8 - خودداری از ورود به محل سکونت و خانه دیگران ، بدون اجازه و سلام کردن ، به خیر و صلاح جامعه است .

لا تدخلوا بيوتاً غير بيوتكم حتى تستأنسوا .. . ذلكم خیر لكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 82

20 - سودبخشی و مصلحت آمیز بودن تکالیف برای انسان ها ، ملاک تشریح آنها از سوی خداوند

وأن تصوموا خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 11 - 37

37 - احکام الهی دارای ملاک و مصلحت

اباءؤکم و ابناءؤکم لا تدرؤن .. انّ اللّٰه کان علیماً حکیمّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 32 - 8

8 - احکام و قوانین الهی ، حکیمانه و دارای مصلحت

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل

تصریح به علت حرمت قتل و کیفر شدید آن، حاکی از آن است که احکام الهی گزاف و بی دلیل نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 21 - 9

9 - مصلحت و مفسده ، ملاک و حکمت امر و نهی الهی است .

لا تتبعوا خطوت الشیطن .. فإِنَّه یأمر بالفحشاء والمنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 18,22

18 - احکام و قوانین الهی ، بر اساس فلسفه و حکمتی است که در متعلقات آنها وجود دارد .

لیستندنکم .. ثلث عورت لکم ... لیس علیکم ولا علیهم جناح بعدهنّ طوفون علیکم بع

خداوند متعال، با جمله «ثلاث عورات لکم» فلسفه و حکمت اذن خواستن از پدران و مادران در حال خلوت و برهنگی را بیان کرده و با

جمله «طوّافون علیکم» فلسفه و حکمت عدم لزوم اجازه خواستن را مطرح ساخته است و چنین سخنی می‌رساند که احکام و قوانین الهی، بر اساس فلسفه و حکمتی است که در متعلق آنها وجود دارد. گفتنی است ذکر صفت «علیم» و «حکیم» در پایان آیه مؤید همین حقیقت است.

22 - احکام و قوانین الهی ، عالمانه ، حکیمانه و مطابق با علم و حکمت

لیستندکم الذین ملکتم ایمنکم .. کذلک ینبئ الله لکم الایة و الله علیم حکیم

آمدن جمله «و الله علیم حکیم»؛ یعنی، یادآوری علم و حکمت خداوند پس از بیان احکام مربوط به روابط فرزندان با پدر و مادرشان، می‌تواند به منظور حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 59 - 7

ص: 83

7- احکام و قوانین الهی، عالمانه، حکیمانه و مطابق با علم و حکمت است.

و إذا بلغ الأطفل منكم الحلم فليستثذنوا .. كذلك يبين الله لكم آياته والله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 45 - 7

7- احکام تکلیفی، دارای مصالح و فلسفه است.

وأقم الصلوه إنَّ الصلوه تنهى عن الفحشاء والمنکر

25- مصالح امور ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 15

15 - خداوند در بعضی از امور ناخوشایند انسان، خیر بسیار قرار داده است.

فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُهَا شَيْئًا وَيَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

26- مصالح انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 18

18 - مصلحت انسان ها، اساس احکام و فرمان های ادیان الهی است.

ذلکم خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 20

20 - سودبخشی و مصلحت آمیز بودن تکالیف برای انسان ها، ملاک تشریح آنها از سوی خداوند

و أن تصوموا خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 27 - 2

2- نوسان در مدت شب و روز ، دربردارنده خیر و مصالح انسان

بیدک الخیر . . . تولج الیل فی النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 84

4 - مائده - 5 - 87 - 10

10 - مصلحت انسان ها پایه و اساس قوانین و احکام دین اسلام

طیبت ما احل الله لكم

کلمه طیب که به معنای چیزی است که خوشایند آدمی باشد و نیز حرف لام در «لکم» که برای منفعت است می رساند خداوند در حلال کردن چیزها سودبری انسانها را لحاظ کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 6

6 - مصالح و مفاسد جوامع انسانی معیاری در تشریح احکام دین

انما الخمر .. فاجتنبوه لعلکم تفلحون. انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 101 - 4

4 - عدم تبیین برخی حقایق از سوی خداوند ، به مصلحت جامعه انسانی است .

لاتسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 19 - 4

4 - خیر و صلاح انسان ها در پرهیز از ستیزه جویی با خدا و رسول او

وإن تتهوا فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 8

8- مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه «رب» - که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود؛ یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 71 - 3

3- اراده خداوند به تفاوت روزی انسان ها ، نشأت یافته از علم او به نیازها و مصالح واقعی آنهاست . *

إن الله علیم قدیر . و الله فضّل بعضکم علی بعض فی الرزق

تصریح به اینکه خدا باعث برتری یافتن برخی بر برخی دیگر در روزی است - پس از تذکر به اینکه خدا عالم و قادر است - می تواند گویای این حقیقت باشد که این برتری دادنها عالمانه و نشأت یافته از آگاهی خداوند به مصالح و نیازهای واقعی انسانهاست.

ص: 85

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 2

2- زوجیت در نظام زندگی انسان ها ، نعمتی است در جهت منافع و مصالح آنان .

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

برداشت فوق با استفاده از «لام» در «لکم» است که برای انتفاع می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 24 - 18

18- هدایت های خداوند ، همواره ، در جهت صلاح انسان و رساندن او به راه های درست و صحیح است .

عسى أن يهدين ربّي لأقرب من هذا رشداً

در المصباح المنیر آمده است: « (رُشد) صلاح است و آن، رسیدن به صواب و درستی است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 129 - 8

8 - مصالح بشر و تدبیر امور امت ها از سوی خداوند ، دلیل نابود نکردن فوری مخالفان در دنیا است .

كلمه سبقت من ربّك

كلمه «ربّ» گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 30 - 7

7 - مصلحت در پنهان ماندن زمان وقوع قیامت است .

و يقولون متى هذا الوعد... قل لكم ميعاد يوم

از این که خداوند به جای پرداختن به جواب سؤال و روشن کردن وقت وقوع قیامت، تأکید می کند که وقوع آن قطعی است و تقدیم و تأخیر ندارد، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 41 - 7

7 - قرآن ، کتابی سودمند برای بشر و در جهت منافع و مصالح او است .

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ

برداشت یاد شده با توجه به لام در «للناس» است که متضمن معنای انتفاع می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 1,3

1 - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

ص: 86

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

لام در «لکم» برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، «أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع «شتر، گاو و گوسفند» به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

3 - خداوند، شتران را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفرید .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

جمله «و علیها و علی الفلک تحملون» در آیه بعد، قرینه است براین که مقصود از «أنعام» می تواند تنها شتران (معنای اصلی این واژه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 13 - 3

3 - تشریح دین از سوی خداوند، در جهت منافع و مصالح انسان است .

شرع لکم من الدین

با توجه به لام «لکم» - که برای انتفاع است - و نیز از این که آیه در مقام امتنان است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 19 - 3

3 - گستردگی و پهناوری زمین، برای انسان و در جهت مصالح و منافع او است .

و اللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بَسَاطًا

مطلب یاد شده، از تعبیر «لکم» (برای شما) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 19 - 7

7 - خداوند، در پی آفرینش انسان از نطفه، او را توانمند و مهیا برای رسیدن به مصلحت های خویش قرار داد .

من نطفه خلقه فقدره

برخی از اهل لغت، ضمن بر شمردن معانی متعددی برای «تقدیر»، دقت و تفکر در متعادل ساختن امور و مهیا ساختن آنها را، از جمله معانی آن قرار داده اند (لسان العرب). «فاء» در «فقدّره» گویای این است که مهیا شدن انسان برای مصالح خویش، از آثار و پیامدهای سیستم خلقت او است.

27- مصالح انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 28

28 - خیر و صلاح واقعی انسان ها در گرو یکتاپرستی ، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی است .

ذلکم خیر لکم

ص: 87

«ذلکم» اشاره به تمامی مسائلی است که شعیب قوم خویش را بدانها رهنمون ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 95 - 7

7- نفع و صلاح واقعی انسان ها ، تنها در ارزش های معنوی و الهی نهفته است و نه در مطامع ناچیز دنیوی .

و لا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً إنما عند الله هو خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 49 - 5

5 - بعثت پیامبران و تعالیم ادیان ، در جهت تأمین منافع و مصالح انسان ها است .

إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مَّبِينٌ

به کارگیری «لام» انتفاع در «لکم» می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 60 - 12

12 - احکام و توصیه های الهی ، برخوردار از حکمت و فلسفه و در جهت منافع و مصالح انسان ها است .

أَلَمْ أَعْهِدْ إِلَيْكُمْ يٰبَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

توصیه خداوند به اطاعت نکردن از شیطان و بیان فلسفه و چرایی آن (إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ)، حاکی از حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 11 - 14، 13

13 - احکام و قوانین الهی ، در جهت منافع و مصالح واقعی انسان ها است .

تؤمنون ... و تجهدون ... ذلکم خیر لکم

14 - ناآگاهی انسان ها ، نسبت به بعضی از مصالح و منافع واقعی خود

ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 11

11 - حکم خداوند مبنی بر شکستن سوگند درباره محرومیت از مباحات و حلال ها ، عالمانه و حکیمانه بوده و در جهت مصالح و منافع انسان ها است .

قد فرض الله لكم تحلّٰه ايمانكم . . . و هو العليم الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 2 - 6

6 - انذار ها و اخطار های پیامبران ، در جهت مصالح و منافع خود مردم است .

ص: 88

إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

در برداشت یاد شده، لام در «لکم» برای تعلیل دانسته شده است؛ یعنی، «لأجل نفعکم».

28- مصالح اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 66 - 8

8- اوامر و نواهی الهی بر پایه مصالح و مفاسد انسان ها جعل شده است .

و لو انهم فعلوا ما یوعظون به لكان خیراً لهم

29- مصالح اولیای مقتول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 33 - 8

8- تصمیم گیری درباره قاتل ، مخصوص اولیای مقتول است و باید در جهت منافع آنان باشد .

فقد جعلنا لولیة سلطناً

برداشت فوق، با توجه به لام در «لولیة» است که اختصاص و منفعت را افاده می کند.

30- مصالح برج هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 5

5 - مأموریت یافتن هامان از سوی فرعون ، به تهیه آجر و ساختن برجی بلند جهت تحقیق وی درباره خدای موسی

فأوقد لی یه-من علی الطین فاجعل لی صرحاً لعلی أطلع إلی إله موسی

«صرح» به هر بنای بلند و برافراشته گفته می شود.

31- مصالح بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - قوم موسى به مصلحت خویش در انتخاب غذا ناآگاه بودند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

ص: 89

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 18 - 9

9- برخورد و درگیری با فرعونیان ، راهی نادرست و برخلاف مصالح اسرائیلیان در دیدگاه موسی (ع)

قال له موسیٰ إنک لغویّ مبین

«غوی» به کسی گفته می شود که از راه درست و صواب منحرف شده باشد.

32- مصالح ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 13، 12

12 - سود مصلحت واقعی فقرا و یا اغنیا ، از طریق شهادت نابحق تأمین نخواهد شد .

ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما

13 - منافع شخصی و رعایت مصالح والدین ، بستگان ، فقیران و ثروتمندان ، باید تحت الشعاع حق و رضایت خدا باشد .

کونوا... شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین ان یکن

33- مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 10

10 - افرادی که اموال خویش را در غیر مصالح جامعه به کار می گیرند ، در تلقی دین ، سفیه هستند . *

اموالکم الّتی جعل اللّٰه لکم قیاماً

جمله «لا توتوا السّفهاء اموالکم الّتی .. قیاماً»، می رساند که خداوند از آن جهت پرداخت اموال سفیهان را به آنان ممنوع کرده که آن را در غیر مصالح جامعه و قوام و برپایی آن مصرف می کنند. بنابراین، مصرف مال در غیر مصلحت جامعه، مصرفی سفیهانه و مصرف کننده آن، سفیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 32 - 10

10 - تمسک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشتن است .

ثم أورثنا الكتب . . . فمنهم ظالم لنفسه

ص: 90

34- مصالح خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 13،20

13 - منافع شخصی و رعایت مصالح والدین ، بستگان ، فقیران و ثروتمندان ، باید تحت الشعاع حق و رضایت خدا باشد .

کنونا... شهداء لله و لو علی انفسکم او الولدین و الاقربین ان یکن

20 - مقدم داشتن مصالح خویش ، والدین و بستگان بر شهادت به حق ، هواپرستی و عدالت شکنی است .

کنونا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم... فلا تتبعوا الهوی

35- مصالح زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 9

9- اعطای فرزند به زکریا (ع) و اصلاح همسرش از جانب خداوند ، تنها به خاطر رعایت مصلحت و اجابت خواسته او بود .

فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه

تکرار «له» (برای او) - به ویژه در مورد اصلاح همسر - می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

36- مصالح سد ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 96 - 7،6،2،1

1- ذوالقرنین ، مردم را به تهیه پاره های آهن ، برای احداث سد فرمان داد .

ءاتونی زیر الحدید

«زُبْر» جمع «زُبْره» به معنای «قطعات» است. «زبر الحدید» یعنی: «قطعه های آهن». راغب در مفردات آن را «قطعات بزرگ آهن» دانسته است.

2- آهن ، نقشی اصلی و مهم ، در بنای سد ذوالقرنین داشت .

ءاتونی زبر الحديد حتّی إذا ساوی بین الصدفین

گرچه در مصالح ساختمانی سدّ، از مس نیز استفاده شده، ولی از «حتّی إذا ساوی . . .» دانسته می شود که تمام فضای بین دو کوه، ابتدا، از آهن پاره ها آکنده شد و مس ذوب شده، تنها، برای پیوند آن قطعات به کار رفت.

6- ذوالقرنین ، به دمیدن در کوره ها ، تا حدّ سرخ شدن پاره های آهن به کار رفته در دیواره سدّ ، فرمان داد .

قال انفخوا حتّی إذا جعله نارًا

7- ذوالقرنین ، از مسّ مذاب ، برای پر کردن میان پاره های آهن اسکلت سد ، استفاده کرد .

ءاتونی أفرغ علیه قطرًا

«افراغ» به معنای «خالی کردن ظرف و ریختن محتویات آن» است و «قطرًا» (مسّ مذاب) مفعول برای «أفرغ» است و مفعول

ص: 91

«آتونی» به قرینه «قطراً» محذوف است.

37- مصالح شخصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 13,20

13 - منافع شخصی و رعایت مصالح والدین ، بستگان ، فقیران و ثروتمندان ، باید تحت الشعاع حق و رضایت خدا باشد .

کنونا... شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین ان یکن

20 - مقدم داشتن مصالح خویش ، والدین و بستگان بر شهادت به حق ، هواپرستی و عدالت شکنی است .

کنونا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم .. فلا تتبعوا الهوی

38- مصالح عمومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 110 - 16

16 - پذیرش آیین اسلام ، به خیر و صلاح بشر

و لو أمن من اهل الکتب لکان خیراً لهم

گر چه خیر بودن را برای اهل کتاب ذکر کرده است، ولی اهل کتاب در این جهت، قطعاً خصوصیتی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 -

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 9 - 9

9 - فریضه نماز جمعه و رها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن ، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است .

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله .. ذلکم خیر لکم

39- مصالح فرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 179 - 4

4 - تقدم مصالح جامعه بر مصلحت فرد

ص: 92

ولکم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

از اینکه قرآن قانون قصاص را - که مرگ و نابودی فرد در آن است - برای حیات جامعه مقرر کرده است، می توان به این نکته رسید که: از نظر قرآن مصالح جامعه بر مصلحت فرد مقدم است.

40- مصالح فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 12، 13

12 - سود مصلحت واقعی فقرا و یا اغنیا، از طریق شهادت نابحق تأمین نخواهد شد .

ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما

13 - منافع شخصی و رعایت مصالح والدین، بستگان، فقیران و ثروتمندان، باید تحت الشعاع حق و رضایت خدا باشد .

کونوا... شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین ان یکن

41- مصالح گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 106 - 5

5 - مبهم گذاردن سرنوشت اخروی برخی از خطاکاران، نشأت یافته از علم و حکمت الهی و دارای مصلحت است .

و ءاخرون مرجون لأمر الله... و الله علیم حکیم

42- مصالح مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 11 - 11

11 - فریضه جهاد با مال و جان، در جهت تأمین مصالح خود مجاهدان است .

و تجهدون... ذلکم خیر لکم

43- مصالح محبوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 39 - 11

11 - دشمنان خداوند نیز ممکن است ناخواسته در جهت مصالح انسان های محبوب خداوند قرار گیرند .

ص: 93

44- مصالح محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 86 - 6

6- گذشت و اغماض پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دشمنان و کافران، به خیر و صلاح آن حضرت و در راستای تربیت و کمال اوست.

فاصفح الصفح الجمیل . إن ربک هو الخلل - ق العلیم

جمله «إن ربک . . .» به منزله تعلیل برای «فاصفح ...» است؛ یعنی، ای پیامبر! گذشت کن؛ زیرا پروردگار و مربی تو می داند که چه کاری به مصلحت و در جهت تربیت و رشد توست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 10 - 10،9

9- زندگی مرفه و کاخ نشینی، دور از شأن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و برخلاف مصلحت او بود.

تبارک الذی إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّ - ت . . . و يجعل لک قصورًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که خداوند با آن که فرمود: من قادر به اعطای بوستان های آباد و کاخ های متعدد به پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستم در عین حال به آن حضرت اعطا نفرمود و این می رساند که چنین کاری درخور شأن پیامبر (صلی الله علیه و آله) - آن گونه که مشرکان و کافران فکر می کردند - و یا به مصلحت آن حضرت نبود.

10 - اعطای گنج و ثروت فراوان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بر خلاف حکمت الهی و مصلحت او بود.

أو یلقی إلیه کنز أو تکنون له جنّه . . . إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّ - ت . . . و یجع

خداوند در آیه شریفه، به انتظار کافران از پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر داشتن باغ های پرثمر پاسخ گفت؛ ولی نسبت به داشتن گنج و ثروت فراوان پاسخ نفرمود. از این نکته می توان استفاده کرد که داشتن گنج و ثروت بسیار بر خلاف حکمت الهی و مصلحت است و این امر، چنان روشن است که نیاز به پاسخ گویی ندارد.

45- مصالح مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 104 - 14

14 - فرمان خداوند به مسلمانان در مورد تعقیب دشمنان ، فرمانی حکیمانه و با آگاهی کامل به مصالح آنان است .

ولا تهنوا فی ابتغاء القوم . . . و كان الله علیماً حکیماً

ص: 94

46- مصالح ملی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 27 - 6

6 - جامعه اسلامی و مصالح ملی آن ، دارای حرمتی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله و الرسول

47- مصالح مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 47 - 2

2 - عدم شرکت بی ایمان ها و سست باوران (منافقان) در جنگ تبوک ، به خیر و صلاح مؤمنان بود نه مایه ضرر آنان .

لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 51 - 6

6 - مؤمنان راستین ، همه مقدرات الهی ، حتی سختی ها ، را در جهت منافع و مصالح خویش می دانند .

قل لن يصيبنا إلا ما كتب الله لنا هو مولينا

به کارگیری «لام» انتفاع (لنا) برای عموم رخدادهای (خوشیها و ناخوشیها) بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 126 - 7

7 - منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلى سبيل ربك ... و إن عاقبتكم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خير للصبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 81 - 5,7

5- برخی از بلاها و رخداد های ناگوار، دربردارنده مصلحت و خیر مؤمن است.

وَأَمَّا الْغُلَمَاءُ.. فَأَرْدْنَا أَن يبدلَهُمَا رَبَّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رَحْمَةً

7- خداوند، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است.

فَكَانَ أَبُوهُمُ الْمُؤْمِنِينَ.. فَأَرْدْنَا أَن يبدلَهُمَا رَبَّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 77 - 10

10 - کاربرد اعجاز پیامبران در جهت مصالح مؤمنان

ص: 95

باز شدن راهی خشک در دریا، به منظور اثبات حقانیت رسالت موسی (ع) بر منکران آن انجام نگرفت؛ بلکه منظور از آن نجات بنی اسرائیل و هلاکت فرعونیان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 6 - 11

11 - برنامه برائت از مشرکان و نهی از مودت با ایشان، در جهت مصالح خود مؤمنان و نه خداوند

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنيّ الحميد

با توجه به این که این آیات، در ادامه نهی مؤمنان از مودت مشرکان است، تعبیر «و من يتولّ...» بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 9 - 9

9 - فریضه نماز جمعه و رها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است.

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله.. .. ذلکم خیر لکم

48- مصالح والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 13، 20

13 - منافع شخصی و رعایت مصالح والدین، بستگان، فقیران و ثروتمندان، باید تحت الشعاع حق و رضایت خدا باشد.

کونوا... شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین ان یکن

20 - مقدم داشتن مصالح خویش، والدین و بستگان بر شهادت به حق، هواپرستی و عدالت شکنی است.

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم... فلا تتبعوا الهوی

49- مصالح یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - تصرف در داراییهای یتیمان برای مصالح آنان، مجاز و مشروع است.

ولا تقربوا... إلا بالتی هی أحسن

«التی» صفت برای کلمه ای مانند «الخصله» (طریقه و روش) است. بنابراین «لا تقربوا... إلا...» یعنی تصرف نکنید مگر به بهترین روش تصرف. بدیهی است که مراد تصرفی است که برای یتیم نیکو باشد.

ص: 96

50- اهمیت مصالح اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 8

8- حفظ منافع و خیر و صلاح مردم ، اصلی اساسی و معیاری تعیین کننده در نوع و مقدار تولید و گسترش سلاح و سیاست کلی جامعه دینی در صنعت اسلحه سازی است .

و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

برداشت یاد شده از «لام» انتفاع در «لکم» استفاده گردید، بدین معنا که آموزش صنعت اسلحه سازی به داوود(ع) در جهت حفظ منافع و خیر و صلاح مردم بود و همین مسأله، تعیین کننده سیاست کلی جامعه دینی در تولید و گسترش سلاح است.

51- مصالح اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 3

3- خیر و مصلحت واقعی انسان و جامعه ، در اجتناب کردن از کم فروشی و خیانت اقتصادی است .

و أوفوا الکیل . . . وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 8

8 - خودداری از ورود به محل سکونت و خانه دیگران ، بدون اجازه و سلام کردن ، به خیر و صلاح جامعه است .

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا . . . ذلکم خیر لکم

مصالح عمومی

52- اهمیت مصالح عمومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 8

8- حکومت ها در شرایط بحرانی کشور ، می توانند آزادی مردم را در تصرّف اموال و املاک خویش محدود ساخته ، آنان را به سمت مصالح همگانی سوق دهند .

اجعلنی علی خزائن الأرض . . . كذلك مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

ص: 97

53- مصالح عمومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 110 - 16

16 - پذیرش آیین اسلام، به خیر و صلاح بشر

و لو آمن من اهل الكتب لكان خيراً لهم

گر چه خیر بودن را برای اهل کتاب ذکر کرده است، ولی اهل کتاب در این جهت، قطعاً خصوصیتی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 -

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 9 - 9

9 - فریضه نماز جمعه و رها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است.

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر اللّٰه .. ذلکم خیر لکم

مصالح و مفسد

54- {مصالح و مفسد}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 216 - 9،12،14،15،18،19

9 - مصالح و مفسد واقعی، ملاک جعل احکام الهی

و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم .. و عسی ... و هو شر لکم

12 - آگاهی خداوند به مصالح و مفسد احکام و خیر و شر امور

و اللّٰه یعلم و انتم لا تعلمون

14 - احکام الهی (و جوب جهاد و ...)، بر اساس علم خداوند نسبت به مصالح و مفسد انسانهاست.

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی . . . و اللّٰه یعلم و انتم لا تعلمون

15 - محدودیت آگاهی انسان ، نسبت به کلیّه مصالح و مفسد احکام و خیر و شر امور

و انتم لا تعلمون

18 - قانونگذار ، باید آگاه به مصالح و مفسد واقعی انسان باشد .

کتب علیکم القتال . . . و اللّٰه یعلم و انتم لا تعلمون

19 - انسان بدون هدایت الهی ، در تشخیص مصالح و مفسد خویش دچار اشتباه می شود .

کتب علیکم القتال و هو کره لکم . . . و انتم لا تعلمون

ص: 98

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 9

9 - احکام الهی ، بر اساس مصالح و مفسد

عن الخمر و المیسر . . . اثمهما اکبر من نفعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 19

19 - تکالیف شرعی بر اساس مصالح و مفسد انسان

ولا تنکحوا . . . ولا تنکحوا . . . اولئک یدعون الی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 222 - 8

8 - احکام الهی بر اساس مصالح و مفسد جعل شده است .

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا النساء فی المحیض

ص: 99

1- آثار مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 214 - 17

17 - نقش سختی ها و مصائب ، در ساخته شدن و رشد انسانها

ام حسبتُم ان تدخلوا الجنة ولما يأتكم

ورود به بهشت، کمال است و سختیها، در رسیدن به آن نقش دارد.

2- آداب برخورد با مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 156 - 6

6 - استرجاع ، شعار مؤمنان صبور به هنگام مواجه شدن با مصیبت ها و سختیهاست .

و بشر الصبرین . الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا لله و إنا إليه رجعون

«استرجاع» گفتن « إنا لله و إنا إليه رجعون» است.

3- استرجاع در مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 156 - 6، 10

6 - استرجاع ، شعار مؤمنان صبور به هنگام مواجه شدن با مصیبت ها و سختیهاست .

و بشر الصبرین. الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا لله و إنا إليه رجعون

«استرجاع» گفتن «إنا لله و إنا إليه رجعون» است.

10 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: « أعطیت امتی شیئاً لم یعطه أحد من الأمم أن یقولوا عند المصیبه « إنا لله و إنا إليه رجعون » ;

به امت من چیزی عطا شده که به هیچ یک از امتهای پیشین عطا نشده است و آن این است که به هنگام مصیبت می گویند: «إنا لله و إنا إليه رجعون».

4- استقامت در مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 214 - 21

21 - مقاومت در برابر مصائب و مشکلات ، زمینه بر خورداری از نصرت الهی

ام حسبتم ان تدخلوا .. . متی نصر الله الا ان نصر الله قریب

انبیا و مؤمنان پس از تحمّل مشکلات، منتظر نصرت الهی بودند.

5- اندوه بر مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 23 - 8

8 - غمگین شدن در ناملایمات و شادمانی کردن در بر خورداری ها ، نشانه بی اعتقادی به تقدیر الهی است .

لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما آتیکم

«أسی» (مصدر «تأسوا») به معنای اندوهگین شدن و «فرح» (مصدر «لاتفرحوا») به معنای شادمانی کردن است. بنابراین «لاتأسوا»؛ یعنی، غمگین نشوید و «لاتفرحوا»؛ یعنی، شادمانی نکنید؛ زیرا آنچه به شما می رسد - چه خوب و چه بد - قبلاً تعیین شده است.

6- روش تسهیل مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 156 - 4

4- باور به مالکیت خدا و بازگشت به او، آسان کننده تحمل مصیبت ها و مشکلات

الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا لله و إنا إليه رجعون

ص: 101

7- زمینه مصایب اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 8

8 - مصائب و بلا های جوامع بشری ، تنها بازتاب و نتیجه بخشی از گناهان و خطاهای مردم است .

و ما أصبکم . . . و یعفو عن کثیر

از یادکرد «یعفو عن کثیر» در پایان آیه، این مطلب به دست می آید که انسان گرفتار تمامی نتایج و آثار عملکرد خویش نیست؛ چه این که بسیاری از گناهان مورد عفو خداوند قرار می گیرد.

8- زمینه مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 4

4 - بلا ها و مصائب اجتماعی ، بازتاب گناهان جمعی مردمان است .

و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم

خطاب جمع «ما أصابکم»، می تواند ناظر به حیثیت جمعی انسان ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 9

9 - انسان ، در معرض انواع گرفتاری ها و مصیبت ها

فإذا مسّ الإنسان ضررٌ . . . ثمّ إذا حوّلنه نعمه منّا

9- صبر بر مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 3,4,8

3 - مؤمنانی که از سر باور به «از خدا بودن و به او بازگشتن» مصایب راه ایمان را تحمل می کنند ، از مقامی والا در پیشگاه خداوند برخوردارند .

قالوا إنا لله و إنا إليه راجعون. أولئك عليهم صلوات من ربهم

4- مؤمنانی که در مصیبت های راه ایمان صابرند ، به هدایت واقعی نایل خواهند شد .

قالوا إنا لله و إنا إليه راجعون . . . و أولئك هم المهتدون

8- مؤمنانی که در مصیبت ها و سختی ها صابر و تسلیم قضای الهی باشند ، تنها کسانی هستند که به هدایت دست یافته اند .

ص: 102

و بشر الصبرین. الذین ... و أولئک هم المهتدون

ضمیر فصل (هم) و معرفه بودن خبر (المهتدون) حاکی از حصر است.

10- صبر در مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 214 - 3

2- ورود به بهشت ، بدون تحمّل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

3- ایمان ، بدون تحمل مصائب ، برای ورود به بهشت کافی نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

با توجه به اینکه خطاب به مؤمنان است ؛ ورود آنان را به بهشت ، مشروط به تحمّل مصائب کرده است.

11- عوامل مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 62 - 2

2- برخی مصائب و مشکلات ، پیامد نافرمانی از خدا و رسول است .

فكيف اذا اصابتهم مصيبه بما قدّمت ايديهم

ظاهراً مراد از «مصیبت»، مشکلات دنیوی است، نه اخروی ؛ به دلیل «ثمّ جاؤک».

12- فلسفه مصایب امام علی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 10

10 - « علی بن رناب قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزّوجلّ « و ما أصابکم من مصيبه . . . » رأیت ما أصاب علیاً و أهل بيته هو بما کسبت ايديهم و هم أهل الطهاره معصومون ؟! فقال . . . انّ الله عزّوجلّ يخص أوليائه بالمصایب ليأجرهم عليها من غير ذنب ؛

علی بن رئاب می گوید از امام صادق(ع) راجع به سخن خداوند عزوجلّ: «ما أصابکم من مصیبه. .» سؤال نمودم: آیا مصایبی که به علی(ع) و اهل بیت او رسیده به خاطر کارهایی بوده که انجام داده اند؟! در حالیکه آنان پاک و معصوم بودند، فرمود: همانا خداوند اولیای خود را بدون آن که گناهی مرتکب شده باشند گرفتار مصیبت ها بلاها می کند تا به آنان مزد و پاداش دهد».

13- فلسفه مصایب اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 10

10 - « علی بن رئاب قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « و ما أصابکم من مصیبه . . . » أرأیت ما أصاب علیاً و أهل بیته هو بما کسبت أیدیهم و هم أهل الطهاره معصومون ؟! فقال . . . انّ الله عز وجل یخص أولیائه بالمصایب لیأجرهم علیها من غیر ذنب ;

علی بن رئاب می گوید از امام صادق (ع) راجع به سخن خداوند عزوجل : «ما أصابکم من مصیبه . . .» سؤال نمودم: آیا مصایبی که به علی (ع) و اهل بیت او رسیده به خاطر کارهایی بوده که انجام داده اند؟! در حالیکه آنان پاک و معصوم بودند، فرمود: همانا خداوند اولیای خود را بدون آن که گناهی مرتکب شده باشند گرفتار مصیبت ها بلاها می کند تا به آنان مزد و پاداش دهد».

14- فلسفه مصایب اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 10

10 - « علی بن رئاب قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « و ما أصابکم من مصیبه . . . » أرأیت ما أصاب علیاً و أهل بیته هو بما کسبت أیدیهم و هم أهل الطهاره معصومون ؟! فقال . . . انّ الله عز وجل یخص أولیائه بالمصایب لیأجرهم علیها من غیر ذنب ;

علی بن رئاب می گوید از امام صادق (ع) راجع به سخن خداوند عزوجل : «ما أصابکم من مصیبه . . .» سؤال نمودم: آیا مصایبی که به علی (ع) و اهل بیت او رسیده به خاطر کارهایی بوده که انجام داده اند؟! در حالیکه آنان پاک و معصوم بودند، فرمود: همانا خداوند اولیای خود را بدون آن که گناهی مرتکب شده باشند گرفتار مصیبت ها بلاها می کند تا به آنان مزد و پاداش دهد».

15- فلسفه مصایب دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 76 - 3

3 - روی آوری به درگاه خداوند و تضرع و زاری در پیشگاه او ، از اهداف الهی در مبتلا کردن مردم به بلاها و مصیبت ها

و لقد أخذنهم بالعذاب . . . و ما یتضرعون

16- مراد از مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابوامامه گوید : « انقطع قبال النبی (صلی الله علیه و آله) فاسترجع فقالوا : مصیبه یا رسول الله ؟ فقال : ما أصاب المؤمن مما یکره فهو مصیبه ;

بند کفش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قطع شد، پس کلمه استرجاع (إنا لله و إنا إليه راجعون) را به زبان آورد؛ اصحاب گفتند: ای رسول خدا! آیا این هم مصیبت است؟ آن حضرت فرمود: هر کراهت و سختی که به مؤمن رسد مصیبت است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 50 - 8

8 - « عن ابی جعفر (ع) فی قوله : « إن تصبک حسنه تسؤهم و إن تصبک مصیبه » : اما الحسنه فالغنیمة و العافیة و اما المصیبه فالبلاء و الشده ;

از امام باقر (ع) درباره قول خدا «ان تصبک حسنه . . .» روایت شده است: «حسنة» غنیمت و سلامتی و «مصیبت» بلا و سختی است».

17- مصایب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 47 - 4

4 - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبههم مصیبه

«مصیبه» به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تکثیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه «مصیبه» در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

18- مصایب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 47 - 4

4 - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبههم مصیبه

«مصیبه» به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه «مصیبه» در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

ص: 105

19- مصایب کافران اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 11

11- کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبت‌هایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه او تحلّ قریباً من دارهم

«قرع» به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و «قارعه» به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند «مصیبه» است. ضمیر در «تحلّ» نیز به «قارعه» باز می گردد و سیاق جمله «لایزال...» حکایت از قضیه خارجه دارد. بنابراین «الذین کفروا» اشاره به کافرانی خاص دارد که بنابر گفته مفسران، مقصود کافران مکه هستند و بر این اساس مراد از «دار» مکه و مقصود از «قریباً من دارهم» حوالی آن است.

20- مصایب کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 11

11- کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبت‌هایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه او تحلّ قریباً من دارهم

«قرع» به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و «قارعه» به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند «مصیبه» است. ضمیر در «تحلّ» نیز به «قارعه» باز می گردد و سیاق جمله «لایزال...» حکایت از قضیه خارجه دارد. بنابراین «الذین کفروا» اشاره به کافرانی خاص دارد که بنابر گفته مفسران، مقصود کافران مکه هستند و بر این اساس مراد از «دار» مکه و مقصود از «قریباً من دارهم» حوالی آن است.

21- مصایب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 11

11- کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبت‌هایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه او تحلّ قریباً من دارهم

«قرع» به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و «قارعه» به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند «مصیبه» است. ضمیر در «تحلّ» نیز به «قارعه» باز می گردد و سیاق جمله «لا يزال...» حکایت از قضیه خارجیّه دارد. بنابراین «الذین كفروا» اشاره به کافرانی خاص دارد که بنا بر گفته مفسران، مقصود کافران مکه هستند و بر این اساس مراد از «دار» مکه و مقصود از «قریباً من دارهم» حوالی آن است.

ص: 106

22- منشأ مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 79 - 2

2 - مصایب و مشکلات ، از جانب خدا و به سبب اعمال خود انسان است .

قل کلّ من عند الله .. و ما اصابک من سیئه فمّن نفسک

از اینکه در آیه قبل رسیدن خوبیها و ناگواریها از ناحیه خداوند دانسته شده و در این آیه عامل سبب را خود انسان شمرده است، معلوم می شود که اعمال انسان باعث می شود که خداوند حادثه ای ناگوار را برای او ایجاد کند؛ بنابراین این حوادث ناگوار از یکسو به خدا و از سوی دیگر به خود انسان منتسب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 82 - 25

25- مصائب و حوادث جهان ، دارای توجیه و تفسیر دقیق و ریشه دارند .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبراً

مجموع داستان موسی و خضر(ع) این نکته را روشن می کند که حوادث غیر مترقبه و رخدادهای مثبت و یا منفی را نباید گتره ای پنداشت، بلکه دستی غیبی در کار است تا حوادث را به این شکل سامان بخشد.

23- منشأ مصایب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 47 - 6

6 - مصیبت ها و رنج های کافران ، پی آمد عملکرد خود آنان

و لولا أن تصیبهم مصیبه بما قدّمت أیدیهم

24- موانع مصایب اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 7

7- عفو الهی نسبت به بسیاری از گناهان ، مانع بروز مصیبت های بیشتر و ویرانگر برای جامعه و مردم

و ما أصبکم . . . و یعفو عن کثیر

از ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، استفاده می شود که بخشودگی بسیاری از گناهان، موجب می شود که بازتاب آن دامنگیر انسان نشود.

ص: 107

25- نقش مصائب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 16

16- گرفتاری ها و مصائب و نیز بر طرف شدن آنها ، وسیله تذکر و توجه است .

فاستجبنا له .. ذکری للعبدين

مصائب

26- امتحان با مصائب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 214 - 7

7- آزمایش مردم با مصائب و مشکلات ، از سنت های الهی برای کلیه امتها

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء و ال

27- مصائب انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 214 - 9

9- شدت مصائب و تداوم مشکلات پیامبران گذشته و امت های آنان ، موجب آن شد که خواهان تعجیل در یاری و امداد الهی شوند .

مستهم البأساء والضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین امنوا معه متی نصر الله

جمله «متی نصر الله»، دلالت بر تردید آنان نسبت به یاری خدا ندارد؛ بلکه شدت مصائب و تداوم آن موجب شد که خواهان تعجیل آن باشند؛ و یا چنین گمان کنند که یاری خداوند نباید بیش از این به درازا کشد.

ص: 108

1- آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 3

3- یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه في رحل أخيه

«سقایه» به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. «ال» تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 5

5- گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

«كذلك» اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات 70 تا 75 بیانگر آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 1

1- برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

ص: 109

2- آثار مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 14

14- یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است.

إن ربی بکیدهہنّ علیم

3- آگاهی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 4

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود.

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبکتنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکتنّ...»؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراد آنان و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 2

2- آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

چنان چه «ذلک لیعلم...» کلام یوسف (ع) باشد، مشارالیه «ذلک» خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» می تواند به «عزیز» باز گردد و می تواند مراد از آن «ملک» باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین «ذلک لیعلم...»؛ یعنی، بیرون نرفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

4- آگاهی عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 9

9- شناخت عزیز مصر از روحیه زنان و آگاهی او به ترفندهایشان

ص: 110

5- آل یعقوب در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 10

10- یوسف (ع) پس از انجام مراسم استقبال، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند.

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی - که «آمنین» بدان اشاره دارد - با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از «ادخلوا...» سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

6- آواره گی مردم مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 123 - 8

8 - بیرون راندن و آواره ساختن مردم پایتخت مصر، تحلیل فرعون از داستان مبارزه ساحران با موسی و ایمان آوردن آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا منها أهلها

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از «أهلها» همه مردم مصر (عوامل حکومت و توده مردم) باشد، نه خصوص عوامل حکومتی.

7- ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 6

6- رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتتا فی سبع بقرت . . . لعلی أرجع إلی الناس

8- احترام یوسف(ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- یوسف (ع) در دربار عزیز مصر، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود.

ولیکوناً من الصغیرین

ص: 111

9- اخراج فرعون از مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 57 - 3

3 - برنامه ریزی و توطئه برای بیرون راندن فرعون و فرعونیان از مصر و تلاش برای رسیدن به حکومت ، اتهام فرعون به حضرت موسی (ع)
(

أجئتنا لتخرجنا من أرضنا بسحرک یموسی

10- اخراج فرعونیان از مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 57 - 3,4

3 - برنامه ریزی و توطئه برای بیرون راندن فرعون و فرعونیان از مصر و تلاش برای رسیدن به حکومت ، اتهام فرعون به حضرت موسی (ع)
(

أجئتنا لتخرجنا من أرضنا بسحرک یموسی

4 - فرعون آیات و معجزات الهی موسی (ع) را سحر خواند و آن را وسیله ای برای بیرون راندن فرعونیان از مصر دانست .

لتخرجنا من أرضنا بسحرک یموسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 63 - 5

5 - متهم ساختن موسی و هارون (ع) به تلاش و برنامه ریزی برای بیرون راندن قبطیان از مصر به وسیله سحر ، از جمله محور های تبلیغاتی فرعونیان علیه موسی (ع)

لسحرن یریدان أن یخرجاکم من أرضکم بسحرهما

11- ادعای مالکیت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 57 - 1

1- فرعون مدعی مالکیت خود و پیروانش (قبطیان) بر سرزمین مصر

لتخرجنا من أرضنا

از اضافه شدن «أرض» به ضمیر متکلم «نا» بر می آید که فرعونیان، سرزمین مصر را متعلق به خویش و از آن خود می دانستند و

ص: 112

برای دیگران حقی در آن قائل نبودند.

12- ارزش آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 8

8- جام پنهان شده در محموله بنیامین ، ظرفی قیمتی و با ارزش بود .

جعل السقايه .. أذن مؤذن أيتها العير إنكم لسرقون

از این که بر فرزندان یعقوب اطلاق شده که سارقید نه سرقت کردید و اینکه مؤذن مسأله را علنی اعلام می نماید و آن را تکرار می کند، همچنین از اینکه یوسف (ع) می توانست سارق جام را برده خویش سازد، معلوم می شود که آن جام، ظرفی با ارزش و قیمتی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 6

6- پیمانۀ مفقود شده در بارگاه یوسف ، دارای ارزشی فراوان

نقصد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعير

از این که برای یابنده پیمانۀ دربار یک بار شتر غله تعیین شد که طبعاً در زمان قحطی و جیره بندی ارزش فراوانی داشت ، معلوم می شود پیمانۀ مذکور ظرفی قیمتی و ارزشمند بوده است.

13- استیذان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 1

1- ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. يوسف أيتها الصديق أفتنا

14- اسکان آل یعقوب در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 93 - 10

10- یوسف (ع) در حکومت مصر برای جای دادن به یعقوب (ع) و خاندان او در آن دیار، محدودیت و مشکلی نداشت.

وأتونی بأهلکم أجمعین

ص: 113

15- اسکان یعقوب (ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 93 - 10

10- یوسف (ع) در حکومت مصر برای جای دادن به یعقوب (ع) و خاندان او در آن دیار ، محدودیت و مشکلی نداشت .

وأتونی بأهلكم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 10

10- یوسف (ع) پس از انجام مراسم استقبال ، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی - که «آمنین» بدان اشاره دارد - با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از «ادخلوا...» سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

16- اشراف فرعون و سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 78 - 5

5- در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجبثنا... و تكون لکما الکبریاء فی الأرض

17- اطمینان پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 2

2- پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) از رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

وقال الملک ائتونی به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

ص: 114

18- اطمینان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 5

5- ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُتِّبُّكُمْ بتأويله فأرسلون

ترکیب «أنا أُتِّبُّكُمْ» دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

19- اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 5

5- گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در «کلمه» به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله «قال إنك...» مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: «إنك اليوم...»، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

20- اقرار زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 19

19- اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه . . . وقلن حش لله ما هذا بشرًا

21- اقرار معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

«ال» در «الأحلام» عهد ذکری است و اشاره به «أضغاث أحلام» دارد. بنابراین «ما نحن ...» ; یعنی: تأویل آن گونه از رؤیاهای را

ص: 115

که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

3- معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله «و ما نحن ..» این است که این گونه رؤیاها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

22- انبیای مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 2

2- یوسف (ع) ، پیامبر مردم مصر پیش از حضرت موسی (ع)

و لقد جاءکم یوسف من قبل

23- اوامر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 4

4- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

وقال الملک اتتونی به .. قال ارجع

از اینکه یوسف (ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (اتتونی به) احضار اجباری نبوده است ؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

24- اهداف ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 6,7

6- رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنافی سبع بقرت .. لعلی أرجع إلی الناس

7- شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلی أرجع إلى الناس

ص: 116

25- اهمیت باغداری در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 26 - 3

3- نقش مهم باغداری و کشاورزی در اقتصاد مصریان ، در عصر موسی (ع) *

کم ترکوا من جنّـت و عیون . و زروع

از این که خداوند تنها «جنات»، «عیون» و «زروع» را به خصوص از میان نعمت ها نام برده است، می توان فهمید که نقش این امور در شکوفایی و اقتدار اقتصادی مصریان در عصر موسی، بیش از سایر منابع بوده است.

26- اهمیت سکونت بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 7

7 - حضور بنی اسرائیل در مصر ، برای فرعونیان اهمیت بسیاری داشت .

فأرسل معنا بنی إسرئیل

مطرح نمودن درخواست اجازه فرعون، برای خروج بنی اسرائیل از مصر، نشانه اهمیت حضور بنی اسرائیل در مصر و بیانگر نقش آنان در انجام امور فرعونیان است.

27- اهمیت کشاورزی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 26 - 3

3- نقش مهم باغداری و کشاورزی در اقتصاد مصریان ، در عصر موسی (ع) *

کم ترکوا من جنّـت و عیون . و زروع

از این که خداوند تنها «جنات»، «عیون» و «زروع» را به خصوص از میان نعمت ها نام برده است، می توان فهمید که نقش این امور در شکوفایی و اقتدار اقتصادی مصریان در عصر موسی، بیش از سایر منابع بوده است.

28- ایجاد انگیزه مسافرت برادران یوسف به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 62 - 6

6- یوسف (ع) با بازگرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گزاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

ص: 117

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها .. لعلهم یرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

29- بازجویی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 1,2,3

1- پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکّن

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکّن إذ رودتّن یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

3- بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبکّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 3

3- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم انی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد.

30- بازجویی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 1,2,3

1- پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکتنّ

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

3- بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه . . . قال ما خطبکتنّ

ص: 118

31- بازگشت بنی اسرائیل به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 28 - 7

7- بازگشت بنی اسرائیل به مصر و برخورداری آنان از ثروت و امکانات آن سرزمین ، پس از هلاکت فرعونیان *

کذلک و اورثنها قومًا آخرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از «قومًا آخرین» تمام بنی اسرائیل باشد.

32- بازگشت موسی (ع) به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 36 - 1

1 - بازگشتن موسی (ع) ، به مصر و ابلاغ رسالت الهی خویش به فرعونیان

فلما جاءهم موسی

33- باغهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 57 - 4

4- دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّات و عیون

34- برادران یوسف و مسافرت به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 17

17- فرزندان یعقوب غله دریافتی در سفر اول را برای قحطی پیش آمده کافی نمی دانستند و سفر به مصر را برای دریافت سهمیه ای دیگر

ضروری می شمردند .

«ذلك» اشاره به متاع و آذوقه ای است که فرزندان یعقوب در سفر نخست دریافت کرده بودند. «یسیر» به معنای اندک است و روشن است که اندک بودن به لحاظ دوره قحطی می باشد.

35- بشارت امنیت در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 11

11- یوسف (ع) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی در امان خواهند بود.

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنين

«آمن» (مصدر آمین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است - که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) - مصداق بارز از امنیت، دغدغه معاش نداشتن و در امان بودن از ناحیه حکومت است.

36- بنی اسرائیل در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 103 - 2

2- حضور موسی (ع) و بنی اسرائیل در سرزمین مصر، غیر قابل تحمل برای فرعون و موجب تصمیم وی به اخراج قهرآمیز آنان

فأراد أن يستفزهم من الأرض

بنابر اینکه مراد از «الأرض» سرزمین مصر باشد - که مقرر حکومت فرعون بوده است - نکته فوق قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 104 - 1، 4

1- دستور خداوند به بنی اسرائیل، پس از هلاک فرعونیان مبنی بر انتخاب سرزمین مورد نظرشان (شام یا مصر) برای سکنی گزیدن

و قلنا من بعده لبني إسرائيل اسكنوا الأرض

4- تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر (یا شام) پس از هلاکت فرعون *

اسكنوا الأرض

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از «اسكنوا» استقرار و حاکمیت یافتن باشد که تا آن روز بنی اسرائیل فاقد آن بودند و مراد از «الأرض» سرزمین شام [و یا مصر] باشد.

37- بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 120

2- موسی و هارون (ع) مأموریت یافتند تا برای آن دسته از بنی اسرائیل که ساکن شهر مصر بودند، اقدام به تهیه مسکن نمایند.

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق بر این اساس است که «بمصر» متعلق به عامل مقدر و حال یا صفت برای «قوم» باشد؛ یعنی: تبوءاً لقومکما کائینین یا الکائینین بمصر.

4- موسی و هارون (ع)، از طرف خداوند مأموریت یافتند قوم خود را از مناطق مختلف، گرد آورده و در شهر مصر متمرکز کنند.

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که «بمصر» متعلق به «تبوءاً» باشد. به این صورت که بنی اسرائیل چون در مناطق مختلف مصر پراکنده بودند و خارج کردن آنان از آن سرزمین در این حال برای موسی (ع) عادتاً ممکن نبود، خداوند با این دستور می خواست آنان در یک جا متمرکز شوند تا در خارج کردنشان از مصر مواجه با مشکل نشوند.

38- بینش پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 2

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد.

قال ما خطبکتن إذ رودتن یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

39- بینش زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 8

8- شیفته غلام زر خرید شدن و تقاضای کام روایی از او، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شعفها حباً إنا لریها فی ضلل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف (ع) به عنوان «برده و جوانک زلیخا»، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زر خرید عشق میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 24، 23

23- زنان اشرف ، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

ص: 121

إن هذا إلا ملك كريم

24- زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند.

فلما رأينه أكبرنه .. إن هذا إلا ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 7

7- یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

40- بینش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 8

8- ساقی، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود.

لعلی أرجع إلى الناس لعلهم يعلمون

41- پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 6

6- پادشاه مصر، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند.

وقال الملك إني أرى .. يأبها الملاً أفتونى

«ملاً» به معنای بزرگان است، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

42- پادشاه مصر و امینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کَلَّمَهُ قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ص: 122

43- پادشاه مصر و بردگی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 12

12- الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر *

اثنونی به استخلصه . . . قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

جمله «استخلصه لنفسی» و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف (ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

44- پادشاه مصر و بی گناهی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 14

14- پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

«لبث» به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریح جمله «لبث ...» بر جمله قبل معلوم می شود ؛ یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف (ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

45- پادشاه مصر و خواسته های یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 1

1- پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . . . و کذلک مکّنا لیوسف فی الأرض

46- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 1,2,4

1- پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکتنّ

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

ص: 123

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود.

قال ما خطبکَنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبکَنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکَنّ...»؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظوم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراد آن و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

47- پادشاه مصر و عقیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 10

10- پادشاه مصر در عصر یوسف، دوستدار پاکدامنان، دانشمندان و درستکاران امین بود.

فلما کَلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین امین

48- پادشاه مصر و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 10

10- پادشاه مصر در عصر یوسف، دوستدار پاکدامنان، دانشمندان و درستکاران امین بود.

فلما کَلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین امین

49- پادشاه مصر و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 2

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد.

قال ما خطبکَنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

50- پادشاه مصر و معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 6,7

6- پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

وقال الملك إني أرى .. يأبها الملاً أفتونی

«ملاً» به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

7- پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءیی إن كنتم للراءیا تعبرون

برداشت فوق ، از «إن» شرطیه در جمله «إن كنتم ..» استفاده می شود.

51- پادشاه مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 3

3- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

وقال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 3,4

3- بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبكنّ

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کامروایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشتمال برای «خطبکن» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکن...»
یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از
یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مرادده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 2، 1

1- پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار
خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه . . . وقال الملك ائتونى به أستخلصه لنفسى

ص: 125

2- پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت.

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: «استخلصه» (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین «استخلصه لنفسی»؛ یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

52- پذیرایی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 6,7

6- زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد.

و ءاتت کل وحده منهنّ سکیناً

7- زلیخا خود، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود.

و أعتدت لهنّ متکئا و ءاتت کل وحده منهنّ سکیناً

ضمیر در «أعتدت» و «آتت» به «امرات العزیز» برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (أعتد) و (اوتیت) آورده می شد.

53- تاریخ اهرام مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 10 - 7

7- وجود اهرام مصر در عصر فرعون*

و فرعون ذی الأوتاد

گفته شده است: «اوتاد فرعون»، همان اهرام ثلاثه مصر است.

54- تاریخ سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- در عصر رسالت حضرت موسی (ع)، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود.

قالوا أجتئنا .. و تكون لکما الکبرياء فی الأرض

ص: 126

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 86 - 2

2 - مصر ، سرزمین کفر بود .

من القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 10

10 - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله «کانوا قومًا عالین» می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر فرمان می راندند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

55- تاریخ مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 51 - 1

1 - تاریخ گذشته مصر (قبل از فرعون معاصر موسی) شاهد زندگی اقوامی بود که گرفتار شرک ربوبی بوده و معتقد به ربوبیت خالق هستی نبودند .

من ربکما .. ربنا الذی ... فما بال القرون الأولى

«قرن»؛ یعنی، اهل یک زمان و «بال» به معنای «حال» است (قاموس)؛ «أولی» نیز مؤنث «أول» است و مقصود از «قرون أولی»، مصریان قبل از فرعون است.

56- تحریک عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 14

14- تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به «أهلك» (همسر تو) استفاده می شود ؛ یعنی ، او با آوردن «أهلك» درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

ص: 127

57- تصمیم کارگزاران عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 2

2- تصمیم قاطع دولت مردان مصر بر زندانی ساختن یوسف (ع) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم . . . لیسجننه

58- تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 1,4

1- هفت گاو چاق در رؤیای پادشاه ، نمودی از هفت سال آبادانی مصر و فراوانی محصول بود .

قال تزرعون سبع سنین دأباً

«هفت سال با جدیت زراعت کنید» گویای هفت سال آبادانی است و ظاهر این است که یوسف(ع) این معنا را از «سبع بقرات سمان» استفاده کرده بود.

4- خوشه های سبز و خشک در رؤیای ملک ، پیامدار لزوم زراعت محصولات خوشه دار در طی هفت سال آبادانی

فما حصدم فذروه فی سنبله

جمله «تزرعون . . .» هر چند جمله ای خبری است، ولی به قرینه «فذروه . . .» در مقام انشا بوده و مراد از آن معنای دستوری است. بنابراین «تزرعون . . .» ؛ یعنی، هفت سال با جدیت تمام به زراعت پردازید. مراد یوسف(ع) از زراعت - به قرینه «فذروه فی سنبله» - کشت حبوبات خوشه دار است و یوسف(ع) کشت آن را از «سبع سنبلات خضر . . .» استفاده کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 48 - 1,6

1- وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی ، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلك سبع شداد

«شداد» (جمع شدید) از مصدر «شده» (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از «سبع شداد» هفت سال قحطی و خشکسالی است

و مشارالیه «ذلک» هفت سال آبادانی می باشد.

6- گاو های لاغر در رؤیا ، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

یا کلهنّ سبع عجاف . . . ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 49 - 1

1- یوسف (ع) فرارسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

ص: 128

فعل «یغاث» ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول «یغاث الناس»؛ یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم؛ یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 1

1- پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

وقال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 1

1- پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی، مصر و اطراف آن (کنعان...) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار - که «منع منا الکیل» در آیه 63 حاکی از آن است - دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

59- تعجب زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 9

9- عشق زلیخا به یوسف (ع)، علی رغم همسری او برای عزیز مصر، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرات العزیز ترود فتيها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان «همسر عزیز مصر»، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست؛ یعنی، مراد به بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15- زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أیدیهنّ

«إكبار» (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

17- زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهادند، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

استفاده از ماده «قطع» - که به معنای بریدن و جدا ساختن است - در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

60- تفحص عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 1

1- عزیز مصر برای کشف حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا، شخصاً به بررسی و مشاهده پیراهن و نحوه پارگی آن پرداخت.

فلما رءا قمیصه قُذ من دُبُر

ظاهر این است که ضمیر در «رأی» به عزیز مصر برگردد.

61- جادوگران در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 79 - 3

3 - سحر و جادو در عصر فرعون، دانشی رایج بود و ساحران چیره دست بسیاری در کشور مصر می زیستند.

قالوا إن هذا لسحر... ولا یفلح السحرون... وقال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

62- جادوگری در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 112 - 2

2- رواج سحر در سرزمین مصر به هنگام بعثت موسی (ع)

یا تُوک بکل سحر علیم

63- جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- یک بار شتر غلّه ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

ص: 130

و لمن جاء به حمل بعير

7- یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

مقصود از «أنا» در «و أنا به زعيم» یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

64- جنس آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 20

20- « عن أبي عبدالله (ع) في قوله : « صواع الملك » قال : كان قدحاً من ذهب وقال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال : لعن الله الخوآن لا تخونوا به بصوت حسن ؛

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند «صواع الملك» فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید».

65- چشمه های سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 57 - 4

4- دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّـت و عيون

66- حاکمان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 78 - 5

5- در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجتتنا .. و تكون لكما الكبرياء في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - حاكميت ديرين خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمين مصر *

ص: 131

جمله «كانوا قومًا عالین» می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر فرمان می راندند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 11 - 1

1 - سرزمین مصر ، تحت سلطه و حاکمیت فرعون و خویشاوندان وی

أن ائت القوم الظلمین . قوم فرعون

«قوم شخص» به کسانی گفته می شود که از نزدیکان وی بوده و در یک جد با او مشترک باشند. بنابراین، از تعبیر «قوم فرعون» استفاده می شود که حاکمیت سرزمین مصر در اختیار فرعون و خاندان ظالم وی قرار داشته است.

67- حاکمیت بنی اسرائیل بر مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 129 - 4

4 - موسی (ع) ، قوم خویش را به هلاکت فرعونیان و حاکمیت بنی اسرائیل بر سرزمین مصر امیدوار ساخت .

عسی ربکم أن یهلك عدوکم و یستخلفکم فی الأرض

68- حکمت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 9

9- پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

وقال الملک اتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

69- حکومت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 128 - 6

6- موسی (ع)، نابودی حکومت فرعونى و تسلط مردمش بر سرزمین مصر را به آنان بشارت داد .

قال موسى لقومه .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

چون موسی(ع) در پی تهدیدهای فرعون با جمله «إن الأرض ..» در صدد تسلی بخشیدن به بنی اسرائیل بود، این جمله متضمن

ص: 132

اخبار به نابودی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل خواهد بود.

70- خروج موسی (ع) از مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 20 - 5,8

5- مرد ناشناس، خواهان خروج بی درنگ موسی (ع) از شهر بود.

فاخرج

8- توصیه به خروج از شهر، نمود خیرخواهی مرد ناشناس نسبت به موسی (ع)

فاخرج ائی لک من النصحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 21 - 1

1- خارج شدن موسی (ع) از شهر مصر، در پی توصیه مرد ناشناس

قال یموسی... فاخرج... فخرج منها خانفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 22 - 1

1- تلاش موسی (ع) پس از خروج از شهر مصر، برای رساندن خود به سمت منتهی به مدین

فخرج منها... ولما توجه تلقاء مدین

تعبیر «لما توجه...» نشان می دهد که موسی (ع) هم زمان با خارج شدن از شهر مصر، در جهت مدین قرار نداشت؛ بلکه مدتی راه پیمود تا خود را در آن سمت قرار دهد.

71- خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 6

6- پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

وقال الملك إني أرى . . . يأبها الملاً أفتونى

«ملاً» به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 133

3- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

وقال الملك ائتونی به

72- خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 7

7- ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

حرف «ن» در «فأرسلون» نون وقایه و کسره آن، حاکی از «یاء» متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این «فأرسلون» ؛ یعنی: پس مرا به سوی یوسف (ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 5

5- ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

73- خواسته های عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 8

8- عزیز مصر ، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلش را پاس دارد .

لامرأته أکرمی مثویه

«مثوی» اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت «أکرمی مثواه» ؛ یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ،

تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 3, 1

1- عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

ص: 134

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا - که مفاد عبارت «أعرض عن هذا» است - در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است، نه لب به شکایت نگشودن؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف (ع) - که برده ای زر خرید بوده - ناسازگار است.

3- عزیز مصر، پس از روشن شدن خطای زلیخا، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد.

واستغفري لذنبك إنك كنت من الخاطئين

در جمله «استغفري لذنبك» (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد، استغفار به درگاه خداوند است و برخی بر آنند که مقصود، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 10

10- «عن علی بن الحسین (ع): . . . فلما سمع الملك كلام الصبي . . . قال ليوسف: «أعرض عن هذا . . .» و اکتمه قال: فلم يكتمه يوسف و أذاعه في المدینه حتی قلن نسوه منهنّ إمراه العزیز تراود فتاها عن نفسه . . .» ;

از امام سجاده (ع) نقل شده است: . . . همین که پادشاه سخن کودک را شنید . . . به یوسف گفت: از این ماجرا درگذر . . . و آن را پوشیده بدار. [امام فرمود: یوسف ماجرا را پوشیده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اینکه عده ای از زنان شهر گفتند: همسر عزیز غلام خود را به خویش دعوت کرده است . . .].

74- خیانت زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 10

10- زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت، از زمره خائنان بودند .

أن الله لایهدی کید الخائنین

مصدق مورد نظر برای «الخائنین» زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف (ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه 35.

75- درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خوردند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند.

أفتنا فی سبع بقرت سمان يأكلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

ص: 135

76- دست بریدن زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 17

17- زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

استفاده از ماده «قطع» - که به معنای بریدن و جدا ساختن است - در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

77- دعوت از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 29

29- «عن علی بن الحسین (ع): ... فأرسلت إلیهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتتهنّ باترج و «آت کل واحد منهنّ سکیناً...»؛

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... پس همسر عزیز [پیکی] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد...».

78- دعوت زلیخا از زنان مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 3,4

3- زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد.

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

مراد از «به سوی آنان فرستاد» - که مفاد «أرسلت إلیهنّ» است - به قرینه جمله «و أعتدت لهنّ متکناً و...» این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

4- زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده ، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست .

أرسلت إليهنّ وأعدت لهنّ متكئًا

ص: 136

79- دعوتهای زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 6

6- زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا) ، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما یدعوننی إلیه

«یدعون» در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند - آنان نیز به قرینه «أصب إلیهنّ» - یوسف(ع) را به خویش دعوت می کردند و - به دلیل مضارع بودن «یدعون» - بر آن اصرار میورزیدند.

80- دفع مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 11

11- خداوند ، خشی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف (ع) از زندان

أن الله لایهدی کید الخائنین

81- دومین مسافرت برادران یوسف به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 67 - 4،7

4- یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندانش به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لاتدخلوا من باب وحد .. ما أعتنی عنکم من الله من شیء

7- یعقوب (ع) در آستانه سفر دوم فرزندانش به مصر ، به آنان توصیه کرد برای ورود به آن دیار ، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند .

بینی لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

82- ذلت بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - ضعف و ذلت بنی اسرائیل در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) تا درجه ای بود که حتی از داشتن خیمه یا کومه ای ، که آنان را از سرما و گرما حفظ کند ، محروم بودند .

ص: 137

83- رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 2,3,5,8

2- هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه های خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

ینی آری سبع بقرت سمان .. و آخر یابست

«سمین» و «سمینه» (مفرد سمان) به معنای چاق است. «اعجف» و «عجفاء» (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز «سبع» به قرینه جمله قبل ، «بقرات» است ؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

3- ملک مصر ، رؤیای شگفت خویش را به طور مکرر دیده بود .

ینی آری سبع بقرت سمان

ظاهر آن بود که ملک در بیان رؤیای خویش، فعل ماضی «رأیت» (در خواب دیدم) به کار می برد. آوردن فعل مضارع «أری» (در خواب می بینم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ؛ یعنی، چندین شب چنین دیده ام، به گونه ای که گمان دارم دوباره نیز خواهم دید.

5- گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک ، در یک رؤیای پادشاه بودند نه هر کدام در رؤیایی جداگانه .

ینی آری سبع بقرت .. و سبع سنبلت خضر

برداشت فوق، از تکرار نشدن «أری» در بیان دیدن خوشه های سبز و خشک استفاده می شود ؛ زیرا اگر پادشاه خوشه ها را در غیر رؤیایی که در آن گاوها را مشاهده کرده بود می دید، ظاهر آن بود که فعل «أری» در «سبع سنبلات ..» تکرار می شد. مفرد آوردن «رؤیای» در جمله «أفتونی فی رؤیای» نیز حکایت از این معنا دارد.

8- پادشاه مصر ، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا - علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره - گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست .

أفتونی فی رعی این کنتم للرءیا تعبرون

«افتاء» (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 4

4- ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إني أرى سبع بقرت .. أفتنا في سبع بقرت ... و آخر يابست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 2,3,5,6,7

2- رؤیای پادشاه مصر در بردارنده رمزهایی گویای پیشامدهایی شیرین و تلخ طی یک دوره پانزده ساله

ص: 138

جمله «تزرعون سبع سنين دأباً» (هفت سال با جدیت زراعت کنید) گویای هفت سال آبادانی و جمله «ثم يأتي من بعد ذلك سبع شداد» در آیه بعد گویای هفت سال قحطی و خشکسالی است و جمله «ثم يأتي من بعد ذلك عام ..» گویای سالی پر باران پس از هفت سال قحطی می باشد. بنابراین رؤیای پادشاه، بیانگر حوادثی از یک دوره پانزده ساله بود.

3- رؤیای پادشاه مصر گویای برنامه و دستورالعملی برای مصون ماندن از مشکلات و حوادث تلخ و دشوار آینده

قال تزرعون سبع سنين دأباً فما حصدتم فذروه في سنبله

ظاهر این است که یوسف (ع) حقایق و دستورالعملهایی را که در بیان رؤیای پادشاه یادآور شده بود، از آن رؤیا استفاده کرده باشد. بنابراین آن رؤیا در ضمن حکایت از دوره پانزده ساله، گویای دستورالعمل نیز بوده است.

5- لزوم جدیت و تلاش بسیار برای زراعت در هفت سال نخست، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان .. قال تزرعون سبع سنين دأباً

«دأب» مصدر و به معنای تلاش کردن است و «دأباً» در آیه شریفه در موضع اسم فاعل (دائبن) قرار گرفته و حال برای فاعل «تزرعون» می باشد؛ از این رو دلالت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسد یوسف (ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از مواد غذایی و غلات پر کنند.

6- خوشه های خشک در رؤیای پادشاه، پیامدار لزوم ذخیره سازی محصولات کشت و درو شده به همراه خوشه های آن

و آخر يابست .. فما حصدتم فذروه في سنبله

از آن جا که دستور فوق (فذروه في سنبله) با این قسمت از رؤیای پادشاه که خوشه های خشک را دیده بود، تناسب دارد؛ زیرا خوشه های خشک آماده برای ذخیره شدن است، می توان گفت: یوسف (ع) از عبارت «آخر يابسات» دستور فوق را استنباط کرده بود.

7- لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فما حصدتم فذروه في سنبله إلا قليلاً مما تأكلون

«حصاد» (مصدر حصدتم) به معنای درو کردن است و «ذروا» فعل امر و به معنای «رها سازید» می باشد. «من» در «مما» بیانیه و «إلا قليلاً» استثنا از «ما» در «ما حصدتم ...» است، بنابراین مفاد جمله «فما حصدتم ...» چنین می شود: آنچه را درو می کنید در خوشه ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه ها را از خوشه ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه ها جدا سازید.

2- رؤیای پادشاه، گویای تأخر سال‌های قحطی از هفت سال آبادانی بود.

ثم یاتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می‌رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته‌اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکری گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می‌تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

3- استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال‌های آبادانی طی هفت سال خشکسالی، از پیام‌های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یاتی من بعد ذلک سبع شداد یا کلن ما قدمم لهنّ

ضمیر در «یا کلن» و «لهنّ» به «سبع شداد» باز می‌گردد و مراد از «ما قدمم لهنّ» (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید)

ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی است. بنابراین «یاکلن...»؛ یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

5- لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یاکلن ما قدمتم لهّن إلا قليلاً مما تحصنون

فعل مضارع «یاکلهن» در نقل رؤیای پادشاه (آیه 46) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی «اکلهن» به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 2

2- خواب پادشاه، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتنا .. ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند، دریافت که پس از گذشت هفت سال، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فروریزد، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 4

4- یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

وقال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و... بوده است.

84- زلیخا در دربار مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 9

9- زلیخا در دستگاه حکومتی و قضایی مصر ، نفوذی فراوان داشت .

و لئن لم يفعل ماء امره لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

حذف فاعل از «لیسجنن» (او حتماً زندانی می شود) و آوردن فعل به صورت مجهول، حاوی این نکته است که حرف نشنوی یوسف(ع)، زندانی شدنش را در پی داشت ؛ یعنی، زلیخا آن چنان نفوذی داشت که گویا لازم نبود امر کند و اقدامی صورت دهد ؛ آن گاه که فردی امرش را اطاعت نمی کرد، به زندانش می انداختند.

ص: 140

85- زلیخا و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 18

18- زلیخا در حضور پادشاه مصر، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد.

وإنه لمن الصديقين

86- زلیخا و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 29، 11

11- زلیخا، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند

وقالت اخرج عليهنّ

29- « عن علي بن الحسين (ع) : . . . فأرسلت إليهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتتهنّ بآترج و « آتت كل واحده منهنّ سكيناً . . .

» ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . پس همسر عزیز [پیکری] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 1، 2

1- زلیخا، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند.

قالت فذلكنّ الذی لمتنی فیه

2- زلیخا، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد.

لقد رودته عن نفسه

87- زلیخا و سرزنشهای زنان مصر

1- زلیخا سرزنش زنان مصر را به خاطر عشقش به یوسف (ع)، شنید و به آن آگاهی یافت.

فلما سمعت بمکرهنّ

فعل «سمع» متعدی است و نیازی به حرف «باء» برای تعدیه ندارد. بنابراین در «سمعت بمکرهنّ» معنای «علمت» اشراب شده است. از این رو مفاد آن چنین می شود: زلیخا به مکر زنان آگاه شد و این آگاهی از طریق خبرهایی بود که برای او نقل می شد.

ص: 141

3- زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد.

فلما سمعت بمكرهنّ أرسلت إليهنّ

مراد از «به سوی آنان فرستاد» - که مفاد «أرسلت إليهنّ» است - به قرینه جمله «واعتدت لهنّ متکناً و...» این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

88- زلیخا و محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 10

10- زلیخا نیز در جلسه محاکمه ای که برای کشف حقیقت ماجرای زنان با یوسف (ع) تشکیل شده بود، حضور داشت.

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق

89- زنان اشراف مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 11

11- ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف (ع)

فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

یوسف (ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت «الّتی قطعن أیدیهنّ» داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف (ع) در صدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف (ع) بهترین شاهد بوده است.

90- زنان اشراف مصر و دعای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 3

3- زلیخا و زنان اشراف، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر، علیه او منصرف شدند.

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه‌ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت «صرف عنہ کیدھنّ» دلالت می‌کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مرادها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که «ثم» در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مرادها شده باشد.

91- زنان اشراف مصر و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 7,9

7- زنان اشراف ، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را ، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند .

وقال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًا

«فتا» به معنای برده و عبد ، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای «فتا» در «تراود فتاها» لحاظ شده باشد.

9- عشق زلیخا به یوسف (ع) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان «همسر عزیز مصر»، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست ؛ یعنی ، مرآوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 2,24

2- عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از «مکر» نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق «مکر» به نقل آن ماجرا ، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه ، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

24- زنان ملامت کننده زلیخا ، با مشاهده یوسف (ع) ، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأیته أكبرنه .. إن هذا إلاّ ملک کریم

92- زنان اشراف مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 14,15,16,17,19,22,23,24

14- زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند .

فلما رأينه أكبرنه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

15- زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأينه أكبرنه و قطنن أیدیهنّ

«إكبار» (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

16- زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

ص: 143

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

17- زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

استفاده از ماده «قطع» - که به معنای بریدن و جدا ساختن است - در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

19- اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه . . . وقلن حش لله ما هذا بشرًا

22- جمال بی مانند یوسف (ع)، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد.

حش لله ما هذا بشرًا

23- زنان اشراف، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند.

إن هذا إلاّ ملك كريم

24- زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند.

فلما رأينه أكبرنه . . . إن هذا إلاّ ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 6

6- زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا)، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند.

مما يدعونني إليه

«یدعون» در جمله فوق، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند - آنان نیز به قرینه «أصب إليهنّ» - یوسف (ع) را به خویش دعوت می کردند و - به دلیل مضارع بودن «یدعون» - بر آن اصرار میورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبکّن إذ رودتّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

6- زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و «من» زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

7- یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

ص: 144

93- زنان اشراف مصر و کامجویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 2,3

2- زنان اشراف ، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف (ع) و زلیخا در پایتخت مصر

و قال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که «فی المدینه» متعلق به «قال» باشد. بر این مبنا «قال نسوه فی المدینه...» ؛ یعنی: زنان مراوده زلیخا با یوسف(ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

3- عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی از وی ، زبانزد زنان اشراف شده بود .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتيها عن نفسه

«فی المدینه» می تواند متعلق به «قال» باشد و نیز محتمل است صفت برای «نسوه» باشد. براساس احتمال دوم، مراد از «قال نسوه فی المدینه...» این است که: زنان شهر ، داستان زلیخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

94- ساقی پادشاه مصر و عجز معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 3

3- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادکر بعد أمه

«ادکر» (به یاد آورد) از ماده «ذکر» و در اصل «ادتکر» بوده که بر اساس قواعد صرفی ، «ادکر» شده است. «أمه» در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

95- ساقی پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 2,3,4,6,7

2- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان)، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود.

وقال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

نکره آوردن «أمّه» می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله «فلبث فی السجن بضع سنین» در آیه 42، مؤید این معناست.

3- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد.

وقال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

ص: 145

«ادّکر» (به یاد آورد) از ماده «ذکر» و در اصل «ادتکر» بوده که بر اساس قواعد صرفی، «ادّکر» شده است. «أمّه» در آیه شریفه، به معنای مدت و زمان است.

4- ساقی دربار، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد.

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

6- ساقی پادشاه مصر، با بیان دانش یوسف (ع)، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد.

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریح جمله «أرسلون» به وسیله حرف «فاء» بر جمله «أنا أُنبئکم بتأویله» می رساند که: ساقی دربار، ماجرای یوسف (ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

7- ساقی دربار، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود.

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

حرف «ن» در «فأرسلون» نون وقایه و کسره آن، حاکی از «یاء» متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این «فأرسلون»؛ یعنی: پس مرا به سوی یوسف (ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 46 - 1,2,3,4,5,6,7

1- ساقی دربار با اجازه پادشاه، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد.

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

2- ساقی دربار، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب «صدیق» او را مخاطب قرار داد.

یوسف أیها الصدیق

3- ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع)، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد.

یوسف أیها الصدیق

4- ساقی دربار، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد.

إنی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... وأخر یابست

5- ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

6- رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . . . لعلّی أرجع إلی الناس

7- شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلّی أرجع إلی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 5

5- ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه، به سوی زندان روانه شد .

ص: 146

فلما جاءه الرسول

«ال» در «الرسول» عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه 45 معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف (ع) فرستاده شده بود.

96- سرزمین مصر در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 10

10- سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمین دار تولید غلات و محصولات بی بیش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون سبع سنين دأباً فما حصدتم فذروه في سنبله

97- سومین مسافرت برادران یوسف به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 19، 7، 1

1- فرزندان یعقوب برای مرتبه سوم در دوران قحطی ، به مصر آمدند و به حضور یوسف (ع) رسیدند .

فلما دخلوا عليه

7- فرزندان یعقوب در نوبت سوم سفرشان به مصر ، بهای کامل برای خرید سهمیه خویش را نداشتند .

و جئنا بیضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

«مزجاه» به معنای ناچیز و حقیر است.

19- اظهار مسکنت و ذلت برادران یوسف به پیشگاه او و شکایت آنان از فقر و تنگدستی ، در سومین سفر آنان به مصر

مسنّا و أهلنا الضر . . . و تصدق علينا إن الله یجزی المتصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 94 - 12

12- در سفر سوم فرزندان یعقوب به مصر برای جست و جوی یوسف (ع) و بنیامین ، تنها برخی از آنان راهی آن سفر شدند .

يَبْنِيْ اَذْهَبُوْا .. و لما فصلت العير قال أبوهـم ... لولا أن تفنّدون

جمله «قال أبوهـم ..» گویای این است که گوینده ؛ یعنی، یعقوب(ع) پدر مخاطبان است. براین اساس مخاطبان یعقوب(ع) در جمله «لولا أن تفنّدون» فرزندان اویند و این می رساند که برخی از فرزندانش برای جست و جوی یوسف(ع) و بنیامین (ببنی اذهبوا) به مصر رفتند و برخی از آنان نزد پدر ماندند.

ص: 147

98- شخصیت یوسف (ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 6

6- یوسف (ع) در دربار عزیز مصر، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود.

و ليكوناً من الصغرين

99- شگفتی رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 1,2,4

1- پادشاه مصر، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع)، رؤیایی شگفت دید.

وقال الملك إني أرى سبع بقرت سمان .. إن كنتم للرءيا تعبرون

2- هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود.

إني أرى سبع بقرت سمان .. وأخر يابست

«سمین» و «سمینه» (مفرد سمان) به معنای چاق است. «اعجف» و «عجفاء» (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز «سبع» به قرینه جمله قبل، «بقرات» است؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

4- پادشاه مصر، رؤیای خویش (گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک) را رؤیایی شگفت ارزیابی کرد.

يأیها الملاً أفتونی فی رءیی إن كنتم للرءيا تعبرون

مطرح کردن رؤیا برای گروهی از معبران و اظهار تردید در توانایی آنان برای تعبیر آن رؤیا، گویای این مطلب است که ملک خواب خویش را امری شگفت تلقی کرده بود.

100- شیطان و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 9

9- شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

101- عجز زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 148

16- زنان اشراف با دیدن یوسف (ع) ، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

102- عجز معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 44 - 2,3

2- خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأويل الأحلم بعلمين

«ال» در «الأحلام» عهد ذکری است و اشاره به «أضغاث أحلام» دارد. بنابراین «ما نحن ...» ؛ یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

3- معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأويل الأحلم بعلمين

مفاد جمله «و ما نحن ...» این است که این گونه رؤیایها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

103- عدالت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 2

2- پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذكرني عند ربك

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

104- عدالت عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13- عدالت و انصاف عزیز مصر ، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

فلما رءا قمیصه . . . قال إنه من کیدکنّ إن کیدکنّ عظیم

ص: 149

105- عزیز مصر در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 78 - 5

5- یوسف (ع)، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یاأیها العزیز

106- عزیز مصر و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 3,7

3- عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف (ع)، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف (ع) رأی داد.

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبُرِ قال إنه من کیدکُنّ

7- عزیز مصر، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی، از مکر های زنانه زلیخا شمرد.

إنه من کیدکُنّ

محتمل است ضمیر در «إنه» به حقیقتی که از جمله «غَلَّقَتِ الأبواب...» استفاده می شود، ارجاع داده شود. برداشت فوق، بر اساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 3

3- عزیز مصر، پس از روشن شدن خطای زلیخا، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد.

واستغفیری لذنبک إنک کنت من الخاطئین

در جمله «استغفیری لذنبک» (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد، استغفار به درگاه خداوند است و برخی برآنند که مقصود، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

107- عزیز مصر و صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف (ع)، به صداقت او پی برد.

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبُر قال إنه من کیدکُ

ص: 150

108- عزیز مصر و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 26 - 7

7- عزیز مصر در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، پیشداوری نکرد و از تصمیم گیری عجولانه خودداری نمود.

قالت .. قال هی رودتی عن نفسی و شهد شاهد من أهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 1,7,8,13

1- عزیز مصر برای کشف حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا، شخصاً به بررسی و مشاهده پیراهن و نحوه پارگی آن پرداخت.

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبیر

ظاهر این است که ضمیر در «رای» به عزیز مصر برگردد.

7- عزیز مصر، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی، از مکر های زنانه زلیخا شمرد.

إنه من کیدکنّ

محتمل است ضمیر در «إنه» به حقیقتی که از جمله «غَلَّقَتِ الأبواب ..» استفاده می شود، ارجاع داده شود. برداشت فوق، بر اساس این احتمال است.

8- عزیز مصر، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را، از مکر های زلیخا شمرد.

قالت ما جزاء من أراد بأهلک سوءاً .. إنه من کیدکنّ

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در «إنه ..» به معنایی که از «قالت ما جزاء ...» در آیه 25 استفاده می شود، برگردد و آن معنا، پیشدستی کردن زلیخا برای محقّ جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

13- عدالت و انصاف عزیز مصر، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

فلما رءا قمیصه .. قال إنه من کیدکنّ إن کیدکنّ عظیم

109- عزیز مصر و مجازات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14- تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به «أهلك» (همسر تو) استفاده می شود ؛ یعنی ، او با آوردن «أهلك» درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

ص: 151

110- عزیز مصر و مقامات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 5

5- عزیز مصر در پی خرید یوسف (ع) ، به شخصیت والا و منزلت بلند او اطمینان پیدا کرد .

لامرأته أكرمي مثويه عسى أن ينفعنا

111- عزیز مصر و مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 9

9- شناخت عزیز مصر از روحیه زنان و آگاهی او به ترفندهایشان

إن كيدكنّ عظیم

112- عزیز مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 6,8,2

2- عزیز مصر ، یوسف (ع) را در مصر از کاروانیان خریداری کرد .

وقال الذی اشتريه من مصر

«من مصر» محتمل است متعلق به «اشتره» باشد ، و احتمال دارد حال برای «الذی اشتره» باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد ، بیانگر آن است که مراد از «الذی اشتره»، عزیز مصر است.

6- عزیز مصر در نظر داشت از یوسف (ع) در امور خویش بهره گیرد ، و یا او را به فرزندى خود و همسرش برگزیند .

قال الذی . . . أكرمي مثويه عسى أن ينفعنا أو نتخذه ولدًا

8- عزیز مصر ، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد .

لامرأته أكرمي مثويه

«مثنوی» اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت «اُکرمی مثنواه» ؛ یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 3,4,5

3- عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف (ع) ، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف (ع) رأی داد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبُر قال إنه من کیدکنّ

ص: 152

4- عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داور ماجرای یوسف و زلیخا را، برای رفع اتهام از یوسف (ع) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُذ من دُبِر قال إنه من کیدکنّ

5- عزیز مصر پس از پی بردن به حقانیت یوسف (ع)، زنان را انسانهایی پر مکر و حيله خواند .

إنه من کیدکنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 2، 1

1- عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا - که مفاد عبارت «أعرض عن هذا» است - در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است، نه لب به شکایت نگشودن؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف (ع) - که برده ای زر خرید بوده - ناسازگار است.

2- تکریم و بزرگداشت یوسف (ع) از جانب عزیز، پس از کشف حقیقت ماجرا

یوسف أعرض عن هذا

«یوسف» مناداست و حرف ندا (یا) از آن حذف شده است عزیز مصر با حذف کردن حرف ندا، تقرب او را نزد خویش بیان می دارد و با نام بردن از او، لطف و مرحمت خویش را به وی اظهار می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 6

6- یوسف (ع) در دربار عزیز مصر، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

ولیکوناً من الصغیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 6

6- آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع)، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 52 - 2

2- آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنى لم أخته بالغیب

چنانچه «ذلک لیعلم . . .» کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه «ذلک» خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در «یعلم» و «لم أخته» می تواند به «عزیز» باز گردد و می تواند مراد از آن «ملک» باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین «ذلک لیعلم . . .»؛ یعنی، بیرون رفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز

ص: 153

مصر بداند من در نهران به او خیانتی نکردم.

113- عزیز مصر هنگام خرید یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 4

4- همسر زلیخا در زمان خرید یوسف (ع)، سمت «عزیزی» را نداشت.*

وقال الذی اشتریه من مصر

یاد نکردن از عنوان عزیز مصر برای خریدار یوسف(ع)، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

114- عزیز مصر هنگام محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 11

11- شوهر زلیخا به هنگام محاکمه زنان اشراف زنده بود و هم چنان عهده دار منصب عزیزی در حکومت مصر بود.

قالت امرأت العزیز

توصیف زلیخا با وصف «همسر عزیز» می رساند که شوهرش در هنگام محاکمه زنده بود و به سمت عزیزی اشتغال داشت.

115- عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 1

1- داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع)، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد.

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

116- عقیده اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 9

9- پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع)، به وجود خداوند و منزه بودنش اعتقاد داشتند .

قلن حش لله

ص: 154

117- عقیده پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 9

9- پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع)، به وجود خداوند و منزه بودنش اعتقاد داشتند.

قلن حش لله

118- عقیمی عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 9

9- عزیز مصر و همسرش زلیخا، از نعمت داشتن فرزند محروم بودند.*

أو نتخذہ ولدًا

کسانی که فردی را به فرزندی برمی گزینند، معمولاً اشخاصی هستند که فرزند نداشته و از فرزنددار شدن ناامیدند. بنابراین «نتخذہ ولدًا» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. بیان گزینش یوسف(ع) به فرزندی با کلمه «عسی»، تأییدکننده این احتمال است.

119- عوامل اختناق در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 83 - 12

12 - خودکامگی و سلطه مداری فرعون، عامل ایجاد اختناق و خفقان در سرزمین مصر بود.

فما ءامن... إلا ذریه... علی خوف من فرعون و ملائیمہم أن یفتنهم و إن فرعون لعال ف

120- فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 8

8- ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد.

«انساء» (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در «أنساه» و «ربه» به «الذی» - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله «فأنساه...» چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف (ع) را نزد پادشاه

یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 2

2- ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان)، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود.

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

نکره آوردن «أمّه» می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله «فلبث فی السجن بضع سنین» در آیه 42، مؤید این معناست.

121- فرعون در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 39 - 7

7- قارون و فرعون و هامان، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر، مستکبرانه رفتار می کردند.

وقرون و فرعون و هم-ن... فاستکبروا فی الأرض

122- فرعون و سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 78 - 5

5- در عصر رسالت حضرت موسی (ع)، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود.

قالوا أجتتنا... و تكون لکما الکبرياء فی الأرض

123- فضایل پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 9,10

9- پادشاه مصر در عصر یوسف، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود.

و قال الملک انتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

10- پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کَلَّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ص: 156

124- فواید آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 3

3- جام شاهی ، وسیله پیمانانه کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقايه فی رحل أخيه .. نفقد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به «سقایه» (جام) و «صواع» (پیمانانه) گویای این است که پیمانانه مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف (ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

125- قارون در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 39 - 7

7- قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

وقرون وفرعون وهم-ن... فاستكبروا فی الأرض

126- قضاوت عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 13

13- عدالت و انصاف عزیز مصر ، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

فلما رءا قميصه ... قال إنه من كيدكنّ إن كيدكنّ عظیم

127- کاخهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 58 - 1

1 - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش ، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجهم من جنّات و... وكنوز و مقام كريم

«كنوز» (جمع «كنز») عبارت از اندوخته های مالی است. عبارت «مقام كريم» نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

ص: 157

128- کامجویی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 4,5

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کامروایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رُودتَنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبکَنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکَنّ...» ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کامروایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراد آن و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

5- زنان اشراف ، درخواست کامروایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبکَنّ إذ رُودتَنّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

129- کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 74 - 1,2

1- کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

2- کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در «جزاؤه» به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 75 - 1,6

1- فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله «فهو جزؤه» این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در «مجمع البیان» آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

6- «عن علی بن موسی الرضا (ع) : كانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . . . پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است . . . [که باید به بردگی گرفته شود].».

ص: 158

130- گفتگوی یوسف (ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 5, 4

4- یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف (ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف (ع) و نیز دعوت از یوسف (ع) به همکاری و مشاوره و... بوده است.

5- گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد.

فلما كلمه قال إنك الیوم لدینا مكنین آمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در «كلمه» به یوسف (ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله «قال إنك...» مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف (ع) با وی اظهار داشت: «إنك الیوم...»، معلوم می شود سخنان یوسف (ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 55 - 1, 3, 16, 18

1- یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبارهای غله، منصوب کند.

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف (ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از «مرا بر گنجینه های زمین بگمار» این است که امور یاد شده را به من بسپار؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

3- یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله «إنی حفیظ علیم» تعلیل برای «اجعلنی...» است.

16- « عن علي بن موسى الرضا (ع) : ... ان يوسف (ع) . . . لما دفعته الضروره إلى تولي خزائن العزيز قال : اجعلني على خزائن الأرض . . . » ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: «اجعلنی علی خزائن الأرض . . .».

18- « عن أبي عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممن يظهرون الزهد ويدعون الناس أن يكونوا معهم على مثل الذي هم عليه من التقشف . . . أخبروني أين أنتم عن . . . يوسف النبي (ع) حيث قال لملك مصر : « اجعلني على خزائن الأرض . . . » فكان من أمره الذي كان أن اختار مملكه الملك و ما حولها إلى اليمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلك عليه . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند . . . فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: «اجعلنی

علی خزائن الأرض...؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد...».

131- گم شدن آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 9

9- «عن أبي عبد الله عليه السلام . . . قال : إنهم سرقوا يوسف من أبيه ألا ترى أنه قال لهم حين قالوا : ماذا تفقدون ؟ قالوا : نفقد صواع الملك ، و لم يقولوا : سرقتم صواع الملك ، إنما عني أنكم سرقتم يوسف من أبيه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از «انکم لسارقون» پرسیده بود [فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: «پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم» و نگفتند: پیمانۀ پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 1

1- گم شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملك

«صواع» به معنای پیمانۀ است.

132- گنج های سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 58 - 1

1 - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش ، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجهم من جنّـت و . . . و كنوز و مقام كريم

«کنوز» (جمع «کنز») عبارت از اندوخته های مالی است. عبارت «مقام کریم» نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

133- گواهی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 6

ص: 160

6- زنان اشراف در حضور پادشاه مصر، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّ بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند.

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و «من» زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

134- لاوی در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 5

5- فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد.

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

«براح» (مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. «ال» در «الأرض» عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

135- مادر یوسف (ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 8

8- مادر یوسف به هنگام کوچ خاندان یعقوب از کنعان به مصر زنده بود.

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

136- مالکیت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 63 - 6

6- فرعونیان (قبطیان) سرزمین مصر را از آن خود می دانستند.

یخر جاکم من أرضکم

137- محدوده اختیارات پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 12

ص: 161

12- وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع)، در اختیار پادشاه بود.

ما کان لیأخذ آخاه فی دین الملک

138- محرومیت از نعمتهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 58 - 1

1 - محروم گشتن فرعونیان از گنج ها و کاخ های باشکوه خویش ، به تدبیر و طرح الهی

فأخرجنهم من جنّـت و... و کنوز و مقام کریم

«کنوز» (جمع «کنز») عبارت از اندوخته های مالی است. عبارت «مقام کریم» نیز اشاره به کاخ های باشکوه فرعونیان دارد.

139- مدیریت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 9

9- پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

140- مسافرت بنیامین به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 59 - 5

5- برادران یوسف به دستور وی موظف شدند بنیامین را در سفر آینده به همراه خویش بیاورند .

قال ائتونی بأخ لکم من أیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 61 - 4,5,6,7

4- فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر ، راهی جز جلب رضایت یعقوب (ع) نداشتند .

قالوا سنرود عنه أباه وإنا لفاعلون

5- برادران یوسف ، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند .

سنرود عنه أباه وإنا لفاعلون

6- برادران یوسف ، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب (ع) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

ص: 162

«مراوده» (مصدر نرآود) به معنای درخواست با لطف و مداراست و «عنه» دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد «سنرود...» چنین است، همانا با ملاطفت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

7- تأکید برادران یوسف بر توانایی خویش برای جلب رضایت پدر و آوردن بنیامین به نزد یوسف (ع)

إنا لفاعلون

جمله «سنرود عنه أباه» این احتمال را برای یوسف (ع) ایجاد می کند که شاید پدرتان راضی نشد. برادران وی با جمله «إنا لفاعلون» به وی اطمینان می دهند که بدون هیچ تردید، رضایت پدر را جلب خواهند کرد و بنیامین را خواهند آورد.

141- مشاور مخصوص پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 2,4

2- پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت.

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: «أستخلصه» (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین «أستخلصه لنفسی»؛ یعنی، تا یوسف (ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

4- یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف (ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف (ع) و نیز دعوت از یوسف (ع) به همکاری و مشاوره و... بوده است.

142- مشرکان مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 51 - 1

1 - تاریخ گذشته مصر (قبل از فرعون معاصر موسی) شاهد زندگی اقوامی بود که گرفتار شرک ربوبی بوده و معتقد به ربوبیت خالق هستی نبودند .

من ربکما . . . ربنا الذی ... فما بال القرون الأولى

«قرن»؛ یعنی، اهل یک زمان و «بال» به معنای «حال» است (قاموس)؛ «أولی» نیز مؤنث «أول» است و مقصود از «قرون اولی»، مصریان قبل از فرعون است.

ص: 163

143- مشکلات بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 87 - 6

6- ضعف و ذلت بنی اسرائیل در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) تا درجه ای بود که حتی از داشتن خیمه یا کومه ای ، که آنان را از سرما و گرما حفظ کند ، محروم بودند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوءا لقومكما بمصر بیوتاً

144- مصر در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 12

12- مصر ، دیاری بهره مند از امنیت در عصر یوسف (ع)

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

145- معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 44 - 1

1- خواب گزاران دربار ، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص ، قلمداد کردند .

قالوا أضغث أحلم

«ضغث» (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند که: رؤیای وی دارای رشته ها و اجزایی چند است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

146- مکان کشف آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 3

3- یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخيه

ضمیر مفعولی در «استخرجها» به «صواع» و یا «سقایه» باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل «استخرج» (بیرون آورد)

ص: 164

به جای «وجد» (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثنایه بنیامین است.

147- مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 2

2- عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از «مکر» نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق «مکر» به نقل آن ماجرا ، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه ، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 23

23- «عن علی بن الحسین (ع) : . . . و خرجن النسوه من عندها (إمرأه العزیز) فأرسلت کل واحده منهنّ إلی یوسف سرّاً من صاحبتهنّ تسأله الزیارة فأبی علیهنّ وقال : «إلاّ تصرف عتی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجاهلین ؛

از امام سجاده(ع) روایت شده است: . . . و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 15

15- تأکید یوسف (ع) بر آگاهی کامل خداوند به کید زنان اشراف درباره او

إن ربی بکیدهنّ علیم

148- ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 8

8- پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت.

فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد «مکین» گفته می شود. «آمین» نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که:

ص: 165

دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

149- ملّیت عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 3

3- خریدار یوسف (ع) (همسر زلیخا) از شهروندان مصری بود .

و قال الذی اشتریه من مصر

برداشت فوق ، مبتنی بر این احتمال است که «من مصر» متعلق به محذوف و توصیفی برای «الذی اشتراه» باشد ; یعنی: قال الذی اشتراه و هو من اهل مصر .

150- منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 9

9- شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

151- موسی (ع) در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 103 - 2

2- حضور موسی (ع) و بنی اسرائیل در سرزمین مصر ، غیر قابل تحمل برای فرعون و موجب تصمیم وی به اخراج قهرآمیز آنان

فأراد أن یستفزّهم من الأرض

بنابر اینکه مراد از «الأرض» سرزمین مصر باشد - که مقر حکومت فرعون بوده است - نکته فوق قابل استفاده است.

152- موسی (ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- برخورد و ملاقات ساحران با موسی (ع) در پایتخت مصر ، پیش از حضورشان در صحنه مبارزه

إن هذا لمكر مكرتموه فی المدینه

ص: 166

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 18 - 3

3- درنگ موسی (ع) تا بامداد روز بعد در شهر، همراه با هراس و انتظار پیشامد حادثه ای ناگوار برای خویش

فأصبح في المدينة خائفاً يترقب

«ترقب» (مصدر «يترقب») معادل «انتظار» است؛ یعنی، «ينتظر وقوع المكروه به». مفعول «يترقب» نیز حذف شده است.

153- موسی (ع) و سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 2

2- فرعون و اطرافیانش، حضرت موسی (ع) را متهم کردند که تلاش او نه به خاطر هدایت؛ بلکه برای برگرداندن آنان از سنت و روش پدرانشان و تصاحب قدرت و حکومت بر سرزمین مصر است.

قالوا أجبنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءآباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

154- مهمانی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 5، 8، 10

5- زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت.

و أعتدت لهنّ متكئاً

«اعتاد» (مصدر أعتدت) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. «متكئاً» به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که «متكئاً» به معنای طعام نیز آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله «آتت...» (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از «متكئاً» در آیه «طعام» است.

8- تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف (ع) دعوت کرد، بیش از ده نفر نبودند.

وقال نسوه في المدينة .. فلما سمعت بمكرهنّ أرسلت إليهنّ

ضمیر در «مكرهنّ...» و «إليهنّ» به «نسوه» در آیه قبل برمی گردد و از آن جا که «نسوه» از صیغه های جمع قلّه است، معلوم می شود

تعداد زنان دعوت شده بیش از ده نفر نبود.

10- زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند .

وقالت اخرج علیهنّ

کلمه «خروج» به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین «اخرج علیهنّ» می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق

ص: 167

بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

155- نجات از مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 2,6

2- امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

6- نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

156- نجات ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 1

1- یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

وقال الذی نجا منهما

157- نعمتهای سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 57 - 2,4

2 - حرکت فرعونیان در پی بنی اسرائیل ، تدبیر الهی برای جدا شدن آنان از نعمت های سرزمین مصر بود .

فأخرجنهم من جنّات و عیون

اسناد فعل «إخراج» به ضمیر «نا» بیانگر مطلب یاد شده است.

4 - دیار فرعونیان ، سرزمین باغ ها و چشمه ساران

فأخرجنهم من جنّات و عیون

158- نقش بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 52 - 7

ص: 168

7- وجود بنی اسرائیل در مصر ، در بردارنده منافی مهم برای فرعونیان

آن اسر بعبادی إئکم متبعون

اصرار فرعونیان بر نگه داشتن بنی اسرائیل در مصر، نشانگر مطلب یاد شده است.

159- نقش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 50 - 1

1- پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملك ائتونی به

160- نقش سکونت بنی اسرائیل در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 78 - 4

4- ماندن بنی اسرائیل در مصر و جدا نشدن آنان از دیگران ، امری حیاتی برای فرعون و فرعونیان

أسر بعبادی .. فأتبعهم فرعون بجنوده

تعقیب بنی اسرائیل و تلاش برای جلوگیری از هجرت آنان، نشانگر این نکته است که جدانشدن بنی اسرائیل از جامعه مصر، خسارت و عواقب سنگینی برای آنان به همراه داشت.

161- وارثان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 59 - 2

2- بنی اسرائیل ، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

كذلك و أورثنها بنی إسرئیل

ضمیم «ها» در «أورثناها» به مطلق «جئات» بازمی گردد؛ نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که

در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود «ادخلوا الأرض المقدّسه التي كتب الله لكم»، (مانده (5) آیه 21).

ص: 169

162- ورود آل یعقوب به مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 1

1- یعقوب (ع) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر .. و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکرى میان «ادخلوا مصر» و جمله های «رفع أبویه علی العرش ..» گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه «العرش» می رساند که آنان به دربار یوسف (ع) رفتند.

163- ورود برادران یوسف به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 67 - 5,8

5- یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندان را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لا تدخلوا من باب وحد .. ما أغنى عنكم من الله من شيء

8- یعقوب (ع) ، ورود فرزندان را به مصر از دروازه های متعدد ، راهی محتمل برای جلوگیری از خطر احساس شده می دید . *

وادخلوا من أبواب متفرقة و ما أغنى عنكم من الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 68 - 1,2,6,12,13

1- ورود فرزندان یعقوب به مصر برای دومین بار

و جاء إخوه يوسف .. و لما دخلوا من حيث أمرهم أبوهم

2- فرزندان یعقوب براساس فرمان آن حضرت ، در آستانه ورود به مصر متفرق شدند و از دروازه های متعدد به آن دیار وارد گشتند .

وادخلوا من أبواب متفرقة .. و لما دخلوا من حيث أمرهم أبوهم

«حيث» اسم مکان و به معنای جا و محل است.

6- تدبیر یعقوب (ع) (ورود فرزندانش به مصر از دروازه های متعدد) مانع پیشامدی که خداوند برای آنان مقدر کرده بود، نشد.

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء

ضمیر در «یغنی» به یعقوب(ع) و یا تدبیر او - که از «ادخلوا من أبواب متفرقه» استفاده می شود- برمی گردد. مآل هر دو احتمال یک معناست.

12- خداوند خواسته یعقوب (ع) (ورود فرزندانش از درب های متعدد) را برآورده ساخت . *

إلا حاجة فی نفس یعقوب قضیها

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که ضمیر فاعلی در «قضایها» به «الله» باز گردد. بر این اساس مفاد «و لما دخلوا» تا «قضایها» چنین می شود: هر چند توصیه یعقوب(ع) اثری نداشت؛ لکن خداوند خواسته او را عملی ساخت.

13- اطاعت فرزندان یعقوب از او در مورد ورودشان از دروازه های متعدد، به توفیق الهی بود .

ص: 170

و لما دخلوا من حيث أمرهم أبوهم . . . إلا حاجه في نفس يعقوب قضيتها

از یک سو برآورده شدن خواسته یعقوب(ع) (ورود فرزندان از دربهای متعدد) به خود آنان نسبت داده شده (و لما دخلوا من حيث أمرهم) و از سویی بیان شده که خداوند خواسته او را برآورده ساخته است. از این دو بیان معلوم می شود که توفیق خدا و اراده او موجب شد که فرزندان یعقوب به آنچه پدرشان توصیه کرده بود، موفق شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 18

18- « عن الحسن بن اسباط قال : سألت أبا الحسن في كم دخل يعقوب من ولده علي يوسف ؟ قال : في أحد عشر إبناً له . . . » ;

حسن بن اسباط گوید: از امام رضا(ع) سؤال کردم: یعقوب در میان چند نفر از فرزندان او وارد بر یوسف شد؟ حضرت فرمود: در میان یازده پسر خود . . .».

164- ورود موسی(ع) به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 15 - 1

1 - ورود موسی (ع) به شهر مصر ، در ساعت استراحت و غفلت و بی خبری مردم

و دخل المدینه علی حین غفله من أهلها

«غفلت» به معنای بی خبری و مراد از «علی حین غفله من أهلها» (ساعت بی خبری مردم شهر) زمانی است که مردم دست از کسب و کار می کشند و به خانه هایشان برمی گردند و از آنچه در شهر می گذرد بی خبر می مانند.

165- ورود یعقوب(ع) به مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 18

18- « عن الحسن بن اسباط قال : سألت أبا الحسن في كم دخل يعقوب من ولده علي يوسف ؟ قال : في أحد عشر إبناً له . . . » ;

حسن بن اسباط گوید: از امام رضا(ع) سؤال کردم: یعقوب در میان چند نفر از فرزندان او وارد بر یوسف شد؟ حضرت فرمود: در میان یازده پسر خود . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- یعقوب (ع) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . . . و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکری میان «ادخلوا مصر» و جمله های «رفع أبویه علی العرش . . .» گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه

ص: 171

مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه «العرش» می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

166- ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 20

20- « عن أبي عبدالله (ع) في قوله : « صواع الملك » قال : كان قدحاً من ذهب وقال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال : لعن الله الخوآن لا تخونوا به بصوت حسن ؛

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند «صواع الملك» فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خنیت نکنید».

167- هامان در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 39 - 7

7- قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

وقرون و فرعون و هم-ن... فاستكبروا في الأرض

168- هجرت از سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 86 - 6,7

6- بنی اسرائیل ، خواهان هجرت از سرزمین مصر به سرزمین دیگر بودند .

و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

7- بنی اسرائیل ، در دعای خویش از خداوند خواستند : زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر فراهم کند .

و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

جمله «و نجنا برحمتك من القوم الكافرين» به معنای (ما را از کافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 17 - 2

2 - موسی و هارون (ع) ، مأمور هجرت از سرزمین مصر به همراه بنی اسرائیل

ص: 172

أن أرسل معنا بني إسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 52 - 1

1 - وحی خداوند به موسی (ع) در خارج ساختن شبانه بنی اسرائیل از سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 55 - 4

4 - گریز بنی اسرائیل از مصر، تهدیدی علیه منافع فرعونیان

و إتهم لنا لغائظون

چنانچه خشم فرعونیان به خاطر این باشد که با گریز بنی اسرائیل از مصر، نیروی کار عظیمی از دستشان خارج می شد و زیان بسیاری بر آنان وارد می گشت، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 57 - 3

3 - فرمان خداوند به حرکت شبانه بنی اسرائیل، طرحی برای بیرون کشاندن فرعونیان از سرزمینشان

أن أسر بعبادی... فأخرجنهم من جنّـت و عیون

169- هجرت به مشرق سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 60 - 2

2 - خط سیر بنی اسرائیل، از مصر به سمت مشرق بود. *

فأتبعوهم مشرقین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «مشرقین» - چنان که برخی از مفسران گفته اند - به معنای «قاصدین جهة الشرق» باشد.

170- هجرت موسی (ع) از مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 62 - 9

9- عدم اطلاع قلبی موسی (ع) از مراحل بعدی برنامه الهی برای او، پس از مهاجرت از مصر

ص: 173

تعبیر «سیه‌دین» می‌رساند که موسی (ع) از آغاز تمامی برنامه را نمی‌دانسته و در لحظه نزدیکی سپاه فرعون و رویه رو شدن با دریا، منتظر دستور خداوند بوده است.

171- همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 4

4- همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دل‌باخته یوسف (ع) بود .

ذَلِك لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

بر این مبنا که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد، از جمله «ذَلِك لِيَعْلَمَ . . .» معلوم می‌شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بردند.

172- همسر پادشاه مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 4

4- همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دل‌باخته یوسف (ع) بود .

ذَلِك لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

بر این مبنا که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد، از جمله «ذَلِك لِيَعْلَمَ . . .» معلوم می‌شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بردند.

173- همسر عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 4

4- زلیخا، همسر عزیز مصر بود .

174- یأس زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 174

3- زلیخا و زنان اشراف، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر، علیه او منصرف شدند.

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت «صرف عنه کیدهنّ» دلالت می کند که پس از دعای یوسف (ع)، دیگر آن مراده ها و تقاضاها از یوسف (ع) نشد. گفتنی است که «ثم» در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراده شده باشد.

175- یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 14، 16، 12

12- آسودگی و رفاه یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

كذلك مكّنا ليوسف في الأرض

14- ورود یوسف به خانه عزیز مصر، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود.

و كذلك مكّنا ليوسف في الأرض و لنعلّمه من تأويل الأحاديث

عبارت «لنعلّمه» عطف بر عبارتی مقدر است؛ یعنی: مکّنا ليوسف لنفعل كذا و لنعلّمه...؛ مراد از لنفعل كذا، اموری است که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند «رأيتهم لي ساجدين» و «كذلك يجتبيك ربك...».

16- آموزش تحلیل رخداد ها و تأویل رؤیاها، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكّنا ليوسف في الأرض و لنعلّمه من تأويل الأحاديث

«لام» در «لنعلّمه» لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 1

1- یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید.

أكرمي مثويه... و لما بلغ أشده

کلمه «أشدّ» چنانچه لسان العرب از سیبویه نقل کرده - جمع شده (توان و قدرت) است. بنابراین «أشدّ» ؛ یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

176- یوسف (ع) در دربار مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 6

6- یوسف (ع) در دربار عزیز مصر ، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

ص: 175

3- يوسف (ع) پس از آشکار شدن بی گناهی بر پادشاه و درباریان، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت.

قال الملك ائتونی به .. فلما كلمه

اتصال جمله «فلما كلمه» به «ائتونی به» و نیاوردن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به يوسف(ع)، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با يوسف(ع) فاصله ای نبود.

5- گفت و گوی يوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد.

فلما كلمه قال إنك الیوم لدینا مكین أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در «كلمه» به يوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله «قال إنك...» مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی يوسف(ع) با وی اظهار داشت: «إنك الیوم...»، معلوم می شود سخنان يوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

8- پادشاه مصر در پی ملاقاتش با يوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت.

فلما كلمه قال إنك الیوم لدینا مكین أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد «مکین» گفته می شود. «آمین» نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

177- يوسف (ع) در مصر

1- کاروان یابنده يوسف (ع)، به مصر وارد شد و او را در آن دیار به فروش رساند.

و شروه بثمن .. و قال الذی اشتريه من مصر

2- عزیز مصر، یوسف (ع) را در مصر از کاروانیان خریداری کرد.

وقال الذی اشتريه من مصر

«من مصر» محتمل است متعلق به «اشتره» باشد، و احتمال دارد حال برای «الذی اشتره» باشد. برداشت فوق، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از «الذی اشتره»، عزیز مصر است.

11- خداوند، با وارد ساختن یوسف (ع) به خانواده عزیز مصر، راه قدرتمند شدن یوسف (ع) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد.

و كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ

مراد از «الأرض» سرزمین مصر است. «تمکین» (مصدر مَكَّنَّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن

ص: 176

است. قید «فی الأرض» حکایت از آن دارد که: مراد از «مکّنا» در آیه شریفه ، معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 2,3,4

2- یوسف (ع) در سرزمین مصر به منزلتی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت .

مکّنا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

«تمکین» (مصدر مکّنا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید «فی الأرض» می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین «مکّنا لیوسف فی الأرض» ؛ یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و «حیث یشاء» حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

3- یوسف (ع) آزاد و متمکن برای استقرار و تصرف در هر نقطه از سرزمین مصر

مکّنا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

«یتبوّأ» به معنای منزل گرفتن و اقامت کردن است. جمله «یتبوّأ منها حیث یشاء» (در هر جای مصر که می خواست منزل می گرفت و اقامت می کرد) به منزله تفسیر برای «مکّنا...» است و لذا کنایه از اقتدار او برای دخل و تصرف در سراسر سرزمین مصر می باشد.

4- یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و کذلک مکّنا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

جمله «مکّنا لیوسف...» هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریحی ؛ یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 2

2- یوسف (ع) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود .

و رفع أبویه علی العرش

178- یوسف (ع) و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 177

1- پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

وقال الملك ائتونی به

7- بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع الی ربک فسنله ما بال النسوه ال-تی قطعن ایدیهنّ

14- یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

16- یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

17- یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسئله ما بال النسوه . . . إن ربی بکیدهنّ علیم

18- یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 13، 12، 3

3- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد.

12- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک لیعلم . . . أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت «أن الله لایهدی . . .» عطف بر «أنی . . .» است ؛ یعنی: «ذلک لیعلم أن الله . . .». این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بدانند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

13- تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم . . . أن الله لایهدی کید الخائنین

179- یوسف (ع) و حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 178

11- یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت.

قال تزرعون .. إلا قليلاً مما تأكلون

180- یوسف (ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 1

1- یوسف (ع) در زندان مصر، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد.

قال ارجع إلی ربک .. ذلک لیعلم

در اینکه جمله «ذلک لیعلم ..» تا آخر آیه بعد کلام یوسف (ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: 1- ظاهر این است که «أن الله ...» عطف بر «أنی لم أأخنه ...» باشد؛ یعنی: «ذلک لیعلم... أن الله لایهدی ...». این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. 2- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا - که در سلک مشرکان است - بر نمی آید.

181- یوسف (ع) و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 1

1- یوسف (ع) از هم بند خویش، ساقی پادشاه، خواست تا پس از رهایی، داستان او را برای پادشاه بیان کند.

وقال للذی ظنّ أنه ناجٍ منهما اذکرنی عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 6

6- یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند.

قال ارجع إلی ربک فستله ما بال النسوة

«بال» به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه، ماجرا و داستان می باشد.

182- يوسف (ع) و عزيز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 25 - 9

ص: 179

9- یوسف (ع) و زلیخا، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند.

و ألقيا سیدها لدا الباب

«إلقاء» (مصدر ألقيا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. «سید» به معنای شریف و دارای مجد است، و مراد از آن در این جا، شوهر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 26 - 2

2- یوسف (ع) در نزد عزیز مصر، تمنای نامشروع زلیخا و استتکاف خویش را فاش ساخت، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرا دانست.

قال هی رودتنی عن نفسی

ترکیبهایی نظیر «هی رودتنی» و «أنا قمت» - که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد - گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. و از آن جا که یوسف (ع) در مقام رفع اتهام از خویش بود، معلوم می شود او از جمله «هی رودتنی» معنای حصر را اراده کرده است. بنابراین «هی راودتنی»؛ یعنی، او (زلیخا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استتکاف ورزیدم.

183- یوسف (ع) و قوانین مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 10

10- یوسف (ع) در زمان وزارتش، نمی توانست با قوانین و مقررات حکومت مصر مخالفت کند.

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

184- یوسف (ع) و مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 11، 7

7- یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

وإلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

11- یوسف (ع)، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت.

رب . . . و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

«صبو» (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله «و إلاّ تصرف...» (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی، به آنان گرایش پیدا می‌کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

ص: 180

185- یوسف (ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 3

3- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان، در صدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است.

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق، بر این اساس است که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد.

186- یوسف (ع) هنگام قحطی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 13

13- یوسف (ع) در زمان قحطی مصر، پادشاه آن دیار نبود.

ما کان لیأخذ أخواه فی دین الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 78 - 5

5- یوسف (ع)، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یاایها العزیز

مصر باستان

187- آبادانی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 1

1- هفت گاو چاق در رؤیای پادشاه، نمودی از هفت سال آبادانی مصر و فراوانی محصول بود.

قال تزرعون سبع سنين دأباً

«هفت سال با جدیت زراعت کنید» گویای هفت سال آبادانی است و ظاهر این است که یوسف(ع) این معنا را از «سبع بقرات سمان» استفاده کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 181

2- رؤیای پادشاه، گویای تأخر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود.

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکری گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

188- آبهای آشامیدنی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 51 - 9

9- آب های زراعی و آشامیدنی مردم مصر ، از قصر و اراضی فرعون عبور می کرده است . *

و هذه الأنهر تجری من تحتی أفلاتبصرون

189- آبهای زراعی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 51 - 9

9- آب های زراعی و آشامیدنی مردم مصر ، از قصر و اراضی فرعون عبور می کرده است . *

و هذه الأنهر تجری من تحتی أفلاتبصرون

190- آجرپزی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 6

6- وجود کوره های آجرپزی در مصر عهد فرعون

فأوقد لی یه-من علی الطین

191- احترام همسران اشراف در مصر باستان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 19

ص: 182

19- قصد تجاوز به همسران اشراف در مصر باستان ، موجب مجازات و کیفر بود .

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

192- ادبتهای حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 11

11- یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون .. إلا قليلاً مما تأكلون

193- استعدادهای مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 10

10- سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمینه دار تولید غلات و محصولاتی بیش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون سبع سنين دأباً فما حصدتم فذروه في سنبله

194- اقتدار حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 79 - 10

10- یوسف (ع) و کارگزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر ، از هر گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان .. إنا إذا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر «نا» و «نحن» در حقایقی که مطرح کرد (أن نأخذ .. إنا إذا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

195- امنیت اقتصادی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- یوسف (ع) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی در امان خواهند بود.

ص: 183

قال ادخلوا مصر إن شاء الله آمين

«آمن» (مصدر آمين) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است - که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) - مصداق بارز از امنیت، دغدغه معاش نداشتن و درامان بودن از ناحیه حکومت است.

196- امنیت در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 12

12- مصر، دیاری بهره مند از امنیت در عصر یوسف (ع)

ادخلوا مصر إن شاء الله آمين

197- باغهای مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 25 - 2

2- سرزمین فرعونیان (مصر)، حاصلخیز و دارای بوستان ها و چشمه ساران

کم ترکوا من جنّات و عیون

198- برج سازی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 7

7- مصریان عهد فرعون، قادر بر ساختن برج های بلند آجری بودند .

فأوقد لی یه-من علی الطین فاجعل لی صرحًا

199- بردگی دزد در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 9

9- قوانین جزایی مصر ، استرقاق سارقان را مجاز نمی شمرد .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

ص: 184

200- پیمانہ در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 4

4- وجود وزن و کیل رسمی و قانونی در مصر زمان یوسف *

قالوا نفقد صواع الملك

اضافه «صواع» به «ملک» (پیمانہ پادشاه) می رساند که آن پیمانہ را پادشاه تعیین کرده بود؛ چه برای همه اشیایی که با پیمانہ کردن داد و ستد می شد و چه برای خصوص پیمانہ کردن سهمیه غلات افراد در زمان قحطی.

201- پیمانہ دوران قحطی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 3

3- جام شاهی، وسیله پیمانہ کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در دوران قحطی هفت سالہ مصر

جعل السقايه في رحل أخيه . . . نفقد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به «سقایه» (جام) و «صواع» (پیمانہ) گویای این است که پیمانہ مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف (ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

202- تاریخ مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 2

2- رؤیای پادشاه مصر در بردارنده رمزهایی گویای پیشامدهایی شیرین و تلخ طی یک دوره پانزده سالہ

قال تزرعون سبع سنين دأباً

جمله «تزرعون سبع سنين دأباً» (هفت سال با جدیت زراعت کنید) گویای هفت سال آبادانی و جمله «ثم يأتي من بعد ذلك سبع شداد» در آیه بعد گویای هفت سال قحطی و خشکسالی است و جمله «ثم يأتي من بعد ذلك عام . . .» گویای سالی پر باران پس از هفت سال قحطی می باشد. بنابراین رؤیای پادشاه، بیانگر حوادثی از یک دوره پانزده سالہ بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 1,3,4

1- یوسف (ع) فرارسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد

ص: 185

ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

فعل «يغاث» ممكن است از غيث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (ياری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول «يغاث الناس»؛ یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم؛ یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

3- روی آوری مصریان به افشردن گرفتن از محصولات خویش بر اثر فراوانی آنها، در نخستین سال پس از سال های قحطی

ثم يأتي . . . وفيه يعصرون

«عصر» به معنای آب گرفتن از چیزی مانند: میوه، لباس تر و . . . است. مفعول «يعصرون» - به قرینه سیاق - محصولات کشاورزی همانند میوه جات می باشد.

4- مسؤولیت حاکمان مصر در نظارت بر تولید، توزیع و مصرف غلات، محدود به دوران چهارده ساله آبادانی و خشکسالی بود.

ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس وفيه يعصرون

استفاده نکته فوق از تغییر سیاقی است که در سخنان یوسف (ع) مشاهده می شود. او دستورالعملهای دوران چهارده ساله را با فعلهای مخاطب «تزرعون» و «فذرره» بیان داشت؛ ولی در بیان چگونگی سال پانزدهم و پایان بحران فعلهای «يغاث» و «يعصرون» به کار برد. از مقابله این دو سیاق معلوم می شود، مخاطبان «تزرعون» و . . . حکومت مصر بود که باید عهده دار تولید و توزیع می شد و در سال پانزدهم خود مردم بدون دخالت و نظارت سیستم حکومت، به کار تولید و مصرف می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 58 - 4,5,6,8

4- طرح کاشت مداوم غلات و ذخیره سازی آنها برای سال های قحطی، تنها در قلمرو حکومتی مصر انجام گرفت.

و جاء إخوه يوسف

5- سرزمین مصر بر اثر پیش بینی یوسف (ع) و تدبیر عالمانه او، از عواقب فاجعه آمیز قحطی مصون ماند.

و جاء إخوه يوسف

6- خبر انبار های غلات و آذوقه مصر به آفاق و اطراف آن دیار رسید.

و جاء إخوه يوسف

8- مصر مرکز مراجعه مردم آبادی های مجاور برای تهیه آذوقه، در قحطی هفت ساله عصر یوسف (ع).

و جاء إخوه يوسف . . . ولما جهزهم بجهازهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 67 - 2

2- مصر در عصر يوسف (ع) ، دارای دروازه هایی متعدد بود .

لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 75 - 5

5- حکومت مصر در زمان يوسف از شریعت یعقوب پیروی نمی کرد .

قالوا فما جزؤه . . . من وجد فی رحله فهو جزؤه

ص: 186

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 78 - 5

5- یوسف (ع)، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یاایها العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 99 - 12

12- مصر، دیاری بهره مند از امنیت در عصر یوسف (ع)

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 59 - 3، 1

1 - مردم مصر در عصر فرعون دارای سنت ترین و تجمل در روزی مخصوص (عید) و اجتماع در مکانی معین

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

فرعون در سخن خود با موسی (ع) دو درخواست را مطرح کرد: 1- تعیین زمان مقابله، 2- تعیین مکان مقابله. آن حضرت نیز «یوم الزینه» را به عنوان زمان موعود مطرح کرد. به نظر می رسد به خاطر معین بودن مکان اجتماع روز عید، دیگر نیازی به ذکر خصوص مکان نبوده است.

3 - اجتماع مردم مصر در روز عید، به هنگام بالا آمدن و روشنایی کامل آفتاب بود.

یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

«ضحی» به زمانی گفته می شود که اندکی از بالا- آمدن آفتاب گذشته باشد و «حشر» به معنای جمع است (قاموس). مجهول بودن «یُحشر» دلالت بر این می کند که برگزارکنندگان مراسم عید، برای جمع کردن مردم اقدام می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 36 - 7

7 - دیرینه نداشتن موضوع نبوت در تاریخ گذشته مصر، دستاویز فرعونیان برای انکار رسالت موسی (ع)

و ما سمعنا بهذا في ابائنا الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 7

7 - مصریان عهد فرعون ، قادر بر ساختن برج های بلند آجری بودند .

فأوقد لي يه-من على الطين فاجعل لي صرحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 39 - 2

ص: 187

2- سرزمین مصر تحت سلطه نفس گیر سپاهیان سرکش فرعون

و استکبر هو و جنوده فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 29 - 3

3- فرمان روایی و سلطه کامل فرعونیان و قبطیان بر سرزمین مصر در عصر حضرت موسی

لکم الملك الیوم ظهیرین فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 11، 10، 7، 6، 5، 2

2- یوسف (ع)، پیامبر مردم مصر پیش از حضرت موسی (ع)

و لقد جاءکم یوسف من قبل

5- شک و تردید مستمر مردم مصر در رسالت یوسف (ع) تا پایان عمر ایشان (علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق رسالت آن حضرت).

لقد جاءکم یوسف من قبل بالبینة فما زلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

6- مردم مصر در عصر یوسف (ع)، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فما زلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف (ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: 1- به خاطر لجاجت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. 2- یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف (ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

7- مردم مصر در عصر یوسف (ع)، مردمی بی اعتنا به دعوت ایشان و گریزان از فهم صحیح آن

فما زلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

10- حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع)، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءکم یوسف من قبل... فما زلتم فی شکّ ممّا جاءکم به حتّی إذا هلك قلتم لن بیع

11 - اعتقاد مردم مصر به ختم نبوت و نیامدن هیچ پیامبری پس از یوسف (ع) ، منشأ مخالفت آنان با دعوت موسی (ع)

حتی إذا هلك قلتم لن يبعث الله من بعده رسولا

اعلام ختم نبوت پس از یوسف(ع) از سوی مردم مصر، می تواند دلیل و یا بهانه آنان در مخالفت با دعوت موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 4

4 - وجود دو قشر ضعیف و توانمند ، در جامعه فرعون و حاکمیت نظام طبقاتی بر آن جامعه

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفوا للذين استكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 188

17 - زخرف - 43 - 51 - 9

9- آب های زراعی و آشامیدنی مردم مصر، از قصر و اراضی فرعون عبور می کرده است . *

و هذه الأنهر تجري من تحتي أفلاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 24 - 4

4- فرعون، بر تمام امور زندگانی مردم مصر مسلط بود .

أنا ربكم الأعلى

203- تالیب در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 41 - 4

4- به دار کشیدن مجرمان و رها کردن آنان تا طعمه پرندگان گشتن، کیفری مرسوم در مصر باستان

و أما الآخر فيصلب فتأكل الطير من رأسه

204- تعدد دروازه های مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 67 - 2

2- مصر در عصر یوسف (ع)، دارای دروازه هایی متعدد بود .

لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

205- تمدن مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 7

7- مصریان عهد فرعون، قادر بر ساختن برج های بلند آجری بودند .

فأوقد لي يه-من على الطين فاجعل لي صرحًا

ص: 189

206- توزین در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 4

4- وجود وزن و کیل رسمی و قانونی در مصر زمان یوسف *

قالوا نفقد صواع الملك

اضافه «صواع» به «ملک» (پیمانۀ پادشاه) می رساند که آن پیمانۀ را پادشاه تعیین کرده بود؛ چه برای همه اشیایی که با پیمانۀ کردن داد و ستد می شد و چه برای خصوص پیمانۀ کردن سهمیه غلات افراد در زمان قحطی.

207- تولید غلات در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 10

10- سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمینۀ دار تولید غلات و محصولاتی بیش از مصرف سرانۀ آن سامان

قال تررعون سبع سنين دأباً فما حصدتم فذروه في سنبله

208- جادو در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 58 - 4

4- وجود سحر و ساحر، در مصر باستان

فلنأتينك بسحر مثله

209- چشمه های مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 25 - 2

2- سرزمین فرعونیان (مصر)، حاصلخیز و دارای بوستان ها و چشمه ساران

كم تركوا من جنّات و عيون

ص: 190

210- حاصلخیزی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 25 - 2

2- سرزمین فرعونیان (مصر) ، حاصلخیز و دارای بوستان ها و چشمه ساران

کم ترکوا من جنّـت و عیون

211- حاکم مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 51 - 1

1 - نظرخواهی و اقرارطلبی فرعون از قوم خویش ، درباره حاکمیت و مالکیت او بر سرزمین مصر

يقوم أليس لی ملک مصر

212- حاکمان مصر باستان و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 6,7

6- آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع) ، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

7- حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 36 - 1

1- رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف (ع) را به زندان افکندند .

بدا لهم ... لیسجننه حتی حین. و دخل معه السجن فتيان

213- حکومت استبدادی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 10

10- نظام حکومتی مصر در زمان عزیز ، نظامی استبدادی و فاقد دستگاه قضایی مستقل بود .

ص: 191

ولئن لم يفعل . . . ليكونا من الصغرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 8

8- وحدت نظام سیاسی و قضایی حکومت استبدادی مصر *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت ليسجننه

214- حکومت پادشاهی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 11

11- مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

215- حکومت مصر باستان در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 10

10- نظام حکومتی مصر در زمان عزیز ، نظامی استبدادی و فاقد دستگاه قضایی مستقل بود .

ولئن لم يفعل . . . ليكونا من الصغرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 11

11- مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

216- خشکسالی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یا کلن ما قدمتم لهنّ

ص: 192

ضمیر در «یاکلن» و «لهن» به «سبع شداد» باز می گردد و مراد از «ما قدم لهن» (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید) ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی است. بنابراین «یاکلن...»؛ یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

217- دانش تعبیر رؤیا در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 9

9- خواب گزاری و تعبیر رؤیا، دانشی رایج در مصر باستان

أفتونی فی رءیی إن کنتم للراءیا تعبرون

218- دروازه های مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 68 - 13، 12، 2

2- فرزندان یعقوب براساس فرمان آن حضرت، در آستانه ورود به مصر متفرق شدند و از دروازه های متعدد به آن دیار وارد گشتند.

وادخلوا من أبوب متفرقه . . . و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

«حیث» اسم مکان و به معنای جا و محل است.

12- خداوند خواسته یعقوب (ع) (ورود فرزندانش از درب های متعدد) را برآورده ساخت . *

إلاّ حاجة فی نفس یعقوب قضیها

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که ضمیر فاعلی در «قضایها» به «الله» باز گردد. بر این اساس مفاد «و لما دخلوا» تا «قضایها» چنین می شود: هر چند توصیه یعقوب (ع) اثری نداشت؛ لکن خداوند خواسته او را عملی ساخت.

13- اطاعت فرزندان یعقوب از او در مورد ورودشان از دروازه های متعدد، به توفیق الهی بود.

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم . . . إلاّ حاجة فی نفس یعقوب قضیها

از یک سو برآورده شدن خواسته یعقوب (ع) (ورود فرزندان از دربهای متعدد) به خود آنان نسبت داده شده (و لما دخلوا من حیث أمرهم) و از سویی بیان شده که خداوند خواسته او را برآورده ساخته است. از این دو بیان معلوم می شود که توفیق خدا و اراده او موجب شد که فرزندان یعقوب به آنچه پدرشان توصیه کرده بود، موفق شوند.

219- دین حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 193

8 - یوسف - 12 - 75 - 5

5- حکومت مصر در زمان یوسف از شریعت یعقوب پیروی نمی کرد .

قالوا فما جزؤه .. من وجد فی رحله فهو جزؤه

220- ذخیره سازی غلات در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 4,6

4- طرح کاشت مداوم غلات و ذخیره سازی آنها برای سال های قحطی ، تنها در قلمرو حکومتی مصر انجام گرفت .

و جاء إخوه یوسف

6- خیر انبار های غلات و آذوقه مصر به آفاق و اطراف آن دیار رسید .

و جاء إخوه یوسف

221- زندان در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 17

17- وجود زندان در مصر باستان و در عصر حضرت یوسف (ع)

إلا أن یسجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 7

7- وجود زندان در مصر باستان

لیسجن

222- زندانی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18- زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع)، امری معمول و متداول بود.

إلا أن يسجن أو عذاب أليم

ص: 194

223- سرسبزی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 25 - 2

2- سرزمین فرعونیان (مصر) ، حاصلخیز و دارای بوستان ها و چشمه ساران

کم ترکوا من جنّـت و عیون

224- شتر در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 16

16- شتر وسیله متعارف حمل کالا ، در مصر و کنعان باستان

و نزداد کیل بعیر

225- شرب خمر حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 36 - 10

10- شراب خواری در میان حاکمان مصر باستان ، امری رایج بوده است .

إنی أرنی أعصر خمرًا

226- شکنجه در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 18

18- زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

227- شهرسازی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 195

8 - یوسف - 12 - 67 - 2

2- مصر در عصر یوسف (ع)، دارای دروازه‌هایی متعدد بود.

لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

228- عزیزی در حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 12

12- منصب عزیزی از مناصب حکومت پادشاهی مصر باستان

وقال الملك... قالت امرأت العزيز

یاد کردن برادران یوسف از او با عنوان «عزیز» در آیه 88، نشان می‌دهد که «عزیز» در «امرات العزیز» نام همسر زلیخا نبوده؛ بلکه بیانگر سمت حکومتی وی بوده است.

229- عقیده اشراف مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 9

9- پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع)، به وجود خداوند و منزه بودنش اعتقاد داشتند.

قلن حش لله

230- عوامل بحران در حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 1

1- داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع)، موجب بروز بحران در حکومت و خانه‌های اشراف شد.

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت

231- فرزندخواندگی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 10

10- انتخاب فردی به عنوان فرزند (فرزندخواندگی) ، امری متعارف در زمان یوسف (ع) ، و دارای اعتبار قانونی در دیار مصر

ص: 196

232- قانونگذاران مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 12

12- وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع)، در اختیار پادشاه بود.

ماکان لیأخذ أخاه فی دین الملک

233- قحطی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 48 - 1,2

1- وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

«شداد» (جمع شدید) از مصدر «شده» (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از «سبع شداد» هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه «ذلک» هفت سال آبادانی می باشد.

2- رؤیای پادشاه، گویای تأخر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود.

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف (ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکری گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف (ع) در این تعبیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 1,4

1- پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی، مصر و اطراف آن (کنعان...) را فرا

گرفت .

و جاء إخوه يوسف فدخلوا عليه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار - که «منع منا الکیل» در آیه 63 حاکی از آن است - دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

4- طرح کاشت مداوم غلات و ذخیره سازی آنها برای سال های قحطی ، تنها در قلمرو حکومتی مصر انجام گرفت .

و جاء إخوه يوسف

ص: 197

234- قوانین جزایی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 74 - 3

3- جواز عقوبت مجرمان بیگانه بر اساس قوانین کیفری خود آنان ، از مقررات جزایی مصر در عصر یوسف

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

جمله «فما جزاؤه» که پرسش از تعیین کیفر سارق است، می تواند به این معنا باشد که متهمان خود کیفری را برای سارق مشخص کنند. همچنین می تواند به این معنا باشد که بیان کنند در شریعت و آیین آنان برای سارق چه کیفری مقرر شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 8،9،16

8- حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

9- قوانین جزایی مصر ، استرقاق سارقان را مجاز نمی شمرد .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

16- مجازات مجرمان بیگانه بر اساس مقررات خود آنان ، با قوانین و مقررات مصر در زمان وزارت یوسف (ع) مخالفتی نداشت .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك إلا أن يشاء الله

235- قوانین کیفری در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 74 - 3

3- جواز عقوبت مجرمان بیگانه بر اساس قوانین کیفری خود آنان ، از مقررات جزایی مصر در عصر یوسف

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

جمله «فما جزاؤه» که پرسش از تعیین کیفر سارق است، می تواند به این معنا باشد که متهمان خود کیفری را برای سارق مشخص کنند.

همچنین می تواند به این معنا باشد که بیان کنند در شریعت و آیین آنان برای سارق چه کیفری مقرر شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 7،8

7- نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ص: 198

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به «ملک» قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه «فما جزاؤه...» در آیه 74، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

8- حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود.

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 79 - 3

3- قوانین جزایی مصر در زمان یوسف، کیفر بی گناهان را به جای مجرمان هر چند داوطلبانه باشد، مجاز نمی شمرد. *

معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

برداشت فوق را می توان از به کارگیری ضمیرهای متکلم مع الغیر به جای ضمیر متکلم وحده استفاده کرد؛ یعنی، یوسف(ع) با جمله «بازداشت نمی کنیم» به جای «بازداشت نمی کنم» اشاره به این معنا می کند که قوانین مصر چنین اجازه ای به من نمی دهد که بی گناه را به جای گنهکار بازداشت کنم، هر چند او خود داوطلب باشد.

236- کشاورزی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 10

10- سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمیندار تولید غلات و محصولات بی بیش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون سبع سنین دأباً فما حصدتم فذروه فی سنبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 4

4- طرح کاشت مداوم غلات و ذخیره سازی آنها برای سال های قحطی، تنها در قلمرو حکومتی مصر انجام گرفت.

و جاء إخوه یوسف

237- مجازات در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 41 - 4

4- به دار کشیدن مجرمان و رها کردن آنان تا طعمه پرنندگان گشتن ، کیفری مرسوم در مصر باستان

و أما الآخر فيصلب فتأكل الطير من رأسه

ص: 199

238- محدوده حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 3

3- سرزمین کنعان، خارج از قلمرو حکومتی مصر در زمان یوسف (ع) *

و جاء إخوه يوسف

بعید به نظر می‌رسد که یوسف (ع) همه غلات را از تمامی مناطق مصر به مرکز حکومت منتقل کرده باشد؛ زیرا طبیعی آن بود که غلات هر منطقه - به ویژه در آن زمان که حمل و نقل امری مشکل بود - در همان جا ذخیره شود. بنابراین اگر کنعان در قلمرو حکومت یوسف (ع) بود، در آن جا نیز انباری تهیه می‌شد و غلات در آن ذخیره می‌گردید و نیازی به آمدن کنعانیان به مرکز مصر نبود.

239- مدت بحران اقتصادی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 4

4- مسئولیت حاکمان مصر در نظارت بر تولید، توزیع و مصرف غلات، محدود به دوران چهارده ساله آبادانی و خشکسالی بود.

ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس وفيه يعصرون

استفاده نکته فوق از تغییر سیاقی است که در سخنان یوسف (ع) مشاهده می‌شود. او دستورالعملهای دوران چهارده ساله را با فعلهای مخاطب «تزرعون» و «فدروه» بیان داشت؛ ولی در بیان چگونگی سال پانزدهم و پایان بحران فعلهای «یغاث» و «یعصرون» به کار برد. از مقابله این دو سیاق معلوم می‌شود، مخاطبان «تزرعون» و ... حکومت مصر بود که باید عهده دار تولید و توزیع می‌شد و در سال پانزدهم خود مردم بدون دخالت و نظارت سیستم حکومت، به کار تولید و مصرف می‌پرداختند.

240- مرکزیت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 8

8- مصر مرکز مراجعه مردم آبادی های مجاور برای تهیه آذوقه، در قحطی هفت ساله عصر یوسف (ع).

و جاء إخوه يوسف . . . ولما جهزهم بجهازهم

241- مصر باستان در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 8

8- مصر مرکز مراجعه مردم آبادی های مجاور برای تهیه آذوقه ، در قحطی هفت ساله عصر یوسف (ع) .

و جاء إخوه يوسف . . . و لما جهزهم بجهازهم

242- مفسدان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 4 - 14

14 - فرعون ، از زمره مفسدان تاریخ مصر و از تبار آنان

إنّه كان من المفسدين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «من» در «من المفسدين»، نشویه و بیانگر خاستگاه خانوادگی فرعون باشد.

243- مکر حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 102 - 9

9- بیان قرآن درباره مکر ها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

جمله «و ما كنت لديهم. . .» به منزله تعلیل برای «ذلک من أنباء الغیب...» است.

244- مناصب حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 12

وقال الملك . . . قالت امرأت العزيز

یاد کردن برادران یوسف از او با عنوان «عزیز» در آیه 88، نشان می دهد که «عزیز» در «امرات العزیز» نام همسر زلیخا نبوده؛ بلکه بیانگر سمت حکومتی وی بوده است.

ص: 201

245- منشأ قانونگذاری مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 12

12- وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع)، در اختیار پادشاه بود.

ما کان لیاخذ آخاه فی دین الملک

246- موقعیت جغرافیایی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 7

7- مصر و کنعان، در یک منطقه جغرافیایی و متأثر از یک آب و هوا

و جاء إخوه یوسف

247- موقعیت جوئی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 7

7- مصر و کنعان، در یک منطقه جغرافیایی و متأثر از یک آب و هوا

و جاء إخوه یوسف

248- نجات مصر باستان از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 5

5- سرزمین مصر بر اثر پیش بینی یوسف (ع) و تدبیر عالمانه او، از عواقب فاجعه آمیز قحطی مصون ماند.

و جاء إخوه یوسف

249- نظام حکومتی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 202

8 - یوسف - 12 - 32 - 10

10- نظام حکومتی مصر در زمان عزیز ، نظامی استبدادی و فاقد دستگاه قضایی مستقل بود .

ولئن لم يفعل . . . لیکوناً من الصغیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 8

8- وحدت نظام سیاسی و قضایی حکومت استبدادی مصر *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآیت لیسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 11

11- مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 5

5- عزیزی از سمت های حکومتی در زمان یوسف (ع)

قالوا یاأیها العزیز

250- نظام سیاسی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 8

8- وحدت نظام سیاسی و قضایی حکومت استبدادی مصر *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآیت لیسجننه

251- نظام قضایی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 8

8- وحدت نظام سیاسی و قضایی حکومت استبدادی مصر*

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت ليسجننه

ص: 203

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 8

8- حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود.

ماکان لیاخذ آخاه فی دین الملک

252- وسایل حمل و نقل در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 16

16- شتر وسیله متعارف حمل کالا، در مصر و کنعان باستان

و نژاد کیل بعیر

253- هجرت از مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 23 - 10، 2

2- موسی (ع)، مأمور خارج ساختن شبانه و مخفیانه بنی اسرائیل از مصر

فأسر بعبادی لیلاً

«إسراء» (مصدر «أسر») به معنای رفتن در شب است و «لیلاً» تأکید آن می باشد.

10- مهاجرت علنی بنی اسرائیل از سرزمین مصر، امری غیرممکن برای آنان

فأسر بعبادی لیلاً إناکم متّبعون

مصریان

254- آثار عقیده مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 11

11 - اعتقاد مردم مصر به ختم نبوت و نیامدن هیچ پیامبری پس از یوسف (ع)، منشأ مخالفت آنان با دعوت موسی (ع)

حتی إذا هلك قلتم لن يبعث الله من بعده رسولا

اعلام ختم نبوت پس از یوسف(ع) از سوی مردم مصر، می تواند دلیل و یا بهانه آنان در مخالفت با دعوت موسی(ع) باشد.

ص: 204

255- اطاعت مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 54 - 1

1 - فرعون با تبلیغات گمراه کننده ، مردم مصر را تحمیق کرده ، به اطاعت از خویش واداشته بود .

و نادى فرعون فى قومه .. فاستخفّ قومه

«استخفّ» در آیه شریفه، به معنای سبک مغز ساختن است.

256- انذار مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 17

17 - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مصر ، از دچار شدن به گمراهی ابدی بر اثر پافشاری بر مخالفت با دعوت موسی (ع) و تردید در حقانیت آن

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 35 - 5

5 - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مجادله گر و حق ستیز مصر ، درباره خشم انقلابی و انتقام مؤمنان طرفدار موسی (ع)

الذين يجدلون فى آيات الله .. كبر مقتاً ... عندالذين ءامنوا

تذکر مؤمن آل فرعون به فرعونیان، مبنی بر این که ستیزه جویی در آیات الهی، موجب بغض و دشمنی مؤمنان می شود؛ می تواند بیانگر این نکته باشد که عمل آنان، موجب خشم انقلابی و شورش مؤمنان طرفدار موسی(ع) علیه آنان خواهدگردید.

257- بشارت به مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 1

1- یوسف (ع) فرارسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد

ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

فعل «يغاث» ممكن است از غيث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (ياری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول «يغاث الناس» ; يعنى، بر مردم باران نازل مى شود و در صورت دوم ; يعنى، مردم يارى مى شوند. بر هر مبنا بشارت به پايان قحطى و شروع آبادانى است.

ص: 205

258- پیش‌بینی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 10

10- مصریان باستان ، رؤیا ها را دریچه ای برای اطلاع از وقایع می دانستند .

أفتونی فی رعی

259- پیشینه حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 10

10 - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع) ، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءكم يوسف من قبل... فمازلتم في شك مما جاءكم به حتى إذا هلك قلتم لن يبع

260- تبری از دین مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 13،14

13- یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را ، ابراز داشت .

إني تركت مله قوم لا يؤمنون بالله و هم بالأخرة هم كفرون

14- پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إني تركت مله قوم لا يؤمنون

جمله «إني تركت...» تعلیل برای «علمنی ربی» می باشد ؛ یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

261- تشویق مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- تشویق و ترغیب شدن مردم عصر فرعون از سوی مؤمن آل فرعون ، به عبرت گیری و درس آموزی از سرگذشت هلاکت بار

ص: 206

قوم نوح، عاد، ثمود و اقوام پس از آنان

مثل دأب قوم نوح... و الذین من بعدهم

262- حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 15، 6، 7

6- مردم مصر در عصر یوسف (ع)، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف(ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: 1- به خاطر لجاجت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. 2- یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف(ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

7- مردم مصر در عصر یوسف (ع)، مردمی بی اعتنا به دعوت ایشان و گریزان از فهم صحیح آن

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

15 - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضللّ الله من هو مسرف مرتاب

263- خدانشناسی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 26

26- مصریان زمان یوسف (ع)، به خداوند و منزّه بودن او، معتقد بودند.

حش لله

264- دین ستیزی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 15

15 - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

ص: 207

265- زینت مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 59 - 1

1 - مردم مصر در عصر فرعون دارای سنت تزئین و تجمل در روزی مخصوص (عید) و اجتماع در مکانی معین

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

فرعون در سخن خود با موسی (ع) دو درخواست را مطرح کرد: 1- تعیین زمان مقابله، 2- تعیین مکان مقابله. آن حضرت نیز «یوم الزینه» را به عنوان زمان موعود مطرح کرد. به نظر می رسد به خاطر معین بودن مکان اجتماع روز عید، دیگر نیازی به ذکر خصوص مکان نبوده است.

266- سرزنی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 8

8 - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

267- سنتهای مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 59 - 3، 1

1 - مردم مصر در عصر فرعون دارای سنت تزئین و تجمل در روزی مخصوص (عید) و اجتماع در مکانی معین

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

فرعون در سخن خود با موسی (ع) دو درخواست را مطرح کرد: 1- تعیین زمان مقابله، 2- تعیین مکان مقابله. آن حضرت نیز «یوم الزینه» را به عنوان زمان موعود مطرح کرد. به نظر می رسد به خاطر معین بودن مکان اجتماع روز عید، دیگر نیازی به ذکر خصوص مکان نبوده است.

3 - اجتماع مردم مصر در روز عید ، به هنگام بالا آمدن و روشنایی کامل آفتاب بود .

«ضحی» به زمانی گفته می شود که اندکی از بالا- آمدن آفتاب گذشته باشد و «حشر» به معنای جمع است (قاموس). مجهول بودن «یُحشر» دلالت بر این می کند که برگزارکنندگان مراسم عید، برای جمع کردن مردم اقدام می کردند.

268- شرک مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 39 - 6

6- مصریان باستان ، معتقد به خدایانی متعدد که هر کدام تدبیر کننده بخشی از امور جهان بودند .

أریاب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 1

1- مصریان عصر یوسف (ع) و اجدادشان ، مردمی مشرک و پرستشگر خدایانی متعدد و دروغین بودند .

ما تعبدون من دونه إلاّ أسماء سمیتوها أنتم وءاباؤکم

269- شک مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 5

5- شک و تردید مستمر مردم مصر در رسالت یوسف (ع) تا پایان عمر ایشان (علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق رسالت آن حضرت) .

لقد جاءکم یوسف من قبل بالبیئت فمازلتم فی شک ممّا جاءکم به

270- طبقات اجتماعی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 4 - 2

2- تقسیم مردم مصر به طبقات و دسته های مختلف و پیرو ، نمود سیاست خودکامه و سلطه جویی فرعون

إنّ فرعون علا فی الأرض و جعل أهلها شیعاً

جمله «جعل أهلها شیعاً» عطف تفسیری بر «علا فی الأرض» و بیانگر نوع برتری جویی فرعون نسبت به مردم سرزمین مصر است. گفتنی است که «شیع» جمع «شیعه» است و «شیعه» به فرد یا گروه پیرو اطلاق می شود. بنابراین «جعل أهلها شیعاً»؛ یعنی، مردم آن سرزمین را

به چند دسته پيرو درآورده بود.

271- عقیده باطل مصريان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 209

9- پندار باطل مردم مصر به پایان یافتن نبوت و نیامدن هیچ پیامبری از جانب خدا، برای انسان های بعد از یوسف (ع)

حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قَلْتُمْ لَنَ يَبْعَثَ اللَّهُ مِن بَعْدِهِ رَسُولًا

272- عقیده مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 31 - 26,27

26- مصریان زمان یوسف (ع)، به خداوند و منزّه بودن او، معتقد بودند .

حش لله

27- مصریان عصر یوسف (ع)، معتقد به وجود فرشتگان و زیبایی آنها

إن هذا إلاّ ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 37 - 17

17- مصریان عصر یوسف (ع)، به خداوند ایمان نداشتند و سرای آخرت را انکار می کردند .

إني تركت ملّة قوم لا يؤمنون بالله و هم بالأخرة هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 39 - 6

6- مصریان باستان، معتقد به خدایانی متعدد که هر کدام تدبیر کننده بخشی از امور جهان بودند .

أرباب متفرقون خير أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 40 - 1

1- مصریان عصر یوسف (ع) و اجدادشان، مردمی مشرک و پرستشگر خدایانی متعدد و دروغین بودند .

ما تعبدون من دونه إلا أسماءً سميتوها أنتم وءاباؤكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 2

2 - اعتقاد مردم مصر ، به وجود آسمان های متعدد در عصر فرعون

أسبب السموت

ص: 210

273- علم مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 31 - 7

7 - آشنایی مردم عصر فرعون از سرگذشت هلاکت بار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان

إتی أخاف علیکم مثل .. دأب قوم نوح ... و الذین من بعدهم

هشدار مؤمن آل فرعون به مردم و بازگ کردن سرگذشت عبرت آموز اقوام یادشده برای ایشان، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

274- عید مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 59 - 4, 3, 2, 1

1 - مردم مصر در عصر فرعون دارای سنت تزئین و تجمل در روزی مخصوص (عید) و اجتماع در مکانی معین

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

فرعون در سخن خود با موسی (ع) دو درخواست را مطرح کرد: 1- تعیین زمان مقابله، 2- تعیین مکان مقابله. آن حضرت نیز «یوم الزینه» را به عنوان زمان موعود مطرح کرد. به نظر می رسد به خاطر معین بودن مکان اجتماع روز عید، دیگر نیازی به ذکر خصوص مکان نبوده است.

2 - موسی (ع) ، روز عید را به عنوان روز موعود برای مقابله با فرعون برگزید .

قال موعدکم یوم الزینه

3 - اجتماع مردم مصر در روز عید ، به هنگام بالا آمدن و روشنایی کامل آفتاب بود .

یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

«ضحی» به زمانی گفته می شود که اندکی از بالا آمدن آفتاب گذشته باشد و «حشر» به معنای جمع است (قاموس). مجهول بودن «یُحشر» دلالت بر این می کند که برگزارکنندگان مراسم عید، برای جمع کردن مردم اقدام می کردند.

4 - هنگام بالا آمدن آفتاب و اجتماع مردم در روز عید ، زمان موعده موسی (ع) و فرعون

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

275- کفر مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 17

17- مصریان عصر یوسف (ع)، به خداوند ایمان نداشتند و سرای آخرت را انکار می کردند .

ینی ترکت ملّہ قوم لایؤمنون باللہ و ہم بالأخرہ ہم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 211

10 - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع)، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءكم يوسف من قبل... فمازلتم في شك مما جاءكم به حتى إذا هلك قلتم لن نبيع

276- لجاجت مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 8, 15, 6

6 - مردم مصر در عصر یوسف (ع)، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم في شك مما جاءكم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف (ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: 1- به خاطر لجاجت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. 2- یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف (ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

8 - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم في شك مما جاءكم به

15 - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

كذلك يضللّ الله من هو مسرف مرتاب

277- مصریان باستان پس از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 3

3- روی آوری مصریان به افشردن گرفتن از محصولات خویش بر اثر فراوانی آنها، در نخستین سال پس از سال های قحطی

ثم يأتي... وفيه يعصرون

«عصر» به معنای آب گرفتن از چیزی مانند: میوه، لباس تر و... است. مفعول «يعصرون» - به قرینه سیاق - محصولات کشاورزی همانند میوه جات می باشد.

278- مصریان باستان و آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 212

8 - یوسف - 12 - 37 - 17

17- مصریان عصر یوسف (ع) ، به خداوند ایمان نداشتند و سرای آخرت را انکار می کردند .

ینی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

279- مصریان باستان و ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 6

6- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت ملّه اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

280- مصریان باستان و اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 6

6- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت ملّه اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

281- مصریان باستان و تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 10

10- مصریان باستان ، رؤیا ها را دریچه ای برای اطلاع از وقایع می دانستند .

أفتونی فی ربی

282- مصریان باستان و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 27

27- مصریان عصر یوسف (ع)، معتقد به وجود فرشتگان زیبایی آنها

إن هذا إلا ملك کریم

ص: 213

283- مصریان باستان و نیاکان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 14

14- ناشناخته بودن حسب و نسب یوسف (ع) نزد عموم مصریان

فعر فهم و هم له منکرون

اگر عموم مردم مصر می دانستند که یوسف (ع) از کدام قبیله، جامعه و دودمان است طبعاً به گوش برادران وی نیز می رسید و یوسف (ع) برای آنان ناشناخته نمی ماند.

284- مصریان باستان و یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 6

6- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت مله اباؤی ابرهیم و اسحق و یعقوب

285- مصریان و جسد فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 92 - 6

6 - خداوند ، جسد فرعون را آیت و مایه عبرت مردم مصر قرار داد .

ننجیک بیدنک لتکون لمن خلفک ایه

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود از «لمن خلفک» مردمی باشند که در مصر تحت حکومت فرعون می زیستند.

286- معبود مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 4

4- فرعون ، مورد پرستش مردم مصر

وقال فرعون . . ما علمت لكم من إله غيري

ص: 214

287- مؤمن آل فرعون و مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 12

12 - آشنایی مؤمن آل فرعون، از تاریخ مردم مصر و سرگذشت یوسف پیامبر (ع)

و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت . . . حتى إذا هلك قلتم لن يبعث الله من بعده ر

288- وقت استراحت مصریان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 15 - 1

1 - ورود موسی (ع) به شهر مصر، در ساعت استراحت و غفلت و بی خبری مردم

و دخل المدینه علی حین غفله من أهلها

«غفلت» به معنای بی خبری و مراد از «علی حین غفله من أهلها» (ساعت بی خبری مردم شهر) زمانی است که مردم دست از کسب و کار می کشند و به خانه هایشان برمی گردند و از آنچه در شهر می گذرد بی خبر می مانند.

289- ویژگیهای مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 6، 15

6 - مردم مصر در عصر یوسف (ع)، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شكّ ممّا جاءكم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف (ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: 1- به خاطر لجاجت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. 2- یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف (ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

15 - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

كذلك یضللّ الله من هو مسرف مرتاب

290- یوسف (ع) و دین مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 13،14

13- یوسف (ع) در زندان مصر، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را، ابراز داشت .

ص: 215

اینی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

14- پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد.

ذلکما مما علمنی ربی اینی ترکت ملّه قوم لایؤمنون

جمله «اینی ترکت...» تعلیل برای «علمنی ربی» می باشد؛ یعنی، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم، چنین علمی را به من آموخت.

291- یوسف (ع) و مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 8

8- هفت سال تلاش برای تولید غله، ذخیره سازی غله ها با خوشه های آن، صرفه جویی در مصرف، توصیه های یوسف (ع) به مردم مصر برای مصون ماندن از مشکلات دوران هفت ساله قحطی و خشکسالی

قال تزرعون سبع سنین دأباً

برخی برآنند که رؤیای پادشاه اشاره ای به دستورالعملها و چاره اندیشیها ندارد و تدبیرهایی که یوسف (ع) بیان داشته و دستوراتی که صادر کرده از دانشی خدادادی او بوده و ارتباطی به رؤیای پادشاه ندارد. برداشت فوق بر اساس این نظر است.

مصریان باستان

292- آثار عقیده مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 11

11 - اعتقاد مردم مصر به ختم نبوت و نیامدن هیچ پیامبری پس از یوسف (ع)، منشأ مخالفت آنان با دعوت موسی (ع)

حتّی إذا هلک قلتّم لن یبعث اللّٰه من بعده رسولاً

اعلام ختم نبوت پس از یوسف (ع) از سوی مردم مصر، می تواند دلیل و یا بهانه آنان در مخالفت با دعوت موسی (ع) باشد.

293- اطاعت مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - فرعون با تبلیغات گمراه کننده ، مردم مصر را تحمیق کرده ، به اطاعت از خویش واداشته بود .

و نادی فرعون فی قومه . . . فاستخفّ قومه

ص: 216

«استخفّ» در آیه شریفه، به معنای سبک مغز ساختن است.

294- انذار مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 17

17 - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مصر ، از دچار شدن به گمراهی ابدی بر اثر پافشاری بر مخالفت با دعوت موسی (ع) و تردید در حقانیت آن

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 35 - 5

5 - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مجادله گر و حق ستیز مصر ، درباره خشم انقلابی و انتقام مؤمنان طرفدار موسی (ع)

الذين يجدلون في آيات الله .. كبر مقتاً... عندالذين ءامنوا

تذکر مؤمن آل فرعون به فرعونیان، مبنی بر این که ستیزه جویی در آیات الهی، موجب بغض و دشمنی مؤمنان می شود؛ می تواند بیانگر این نکته باشد که عمل آنان، موجب خشم انقلابی و شورش مؤمنان طرفدار موسی(ع) علیه آنان خواهدگردید.

295- بشارت به مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 1

1- یوسف (ع) فرارسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد

ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

فعل «یغاث» ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول «یغاث الناس»؛ یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم؛ یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

296- بیتی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 10

ص: 217

10- مصریان باستان ، رؤیا ها را دریچه ای برای اطلاع از وقایع می دانستند .

أفتونی فی رءیی

297- پیشینه حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 10

10 - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع) ، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءكم يوسف من قبل... فمازلتهم في شكّ ممّا جاءكم به حتّى إذا هلك قلتم لن بيع

298- تبری از دین مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 13,14

13- یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را ، ابراز داشت .

إني تركت ملّة قوم لا يؤمنون بالله و هم بالأخرة هم كفرون

14- پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إني تركت ملّة قوم لا يؤمنون

جمله «إني تركت...» تعلیل برای «علمنی ربی» می باشد ؛ یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

299- تشویق مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 31 - 9

9- تشویق و ترغیب شدن مردم عصر فرعون از سوی مؤمن آل فرعون ، به عبرت گیری و درس آموزی از سرگذشت هلاکت بار قوم نوح ،

عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان

مثل دأب قوم نوح... و الذین من بعدهم

300- حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 15، 7، 6

6 - مردم مصر در عصر یوسف (ع)، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف(ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: 1- به خاطر لجاجت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. 2- یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف(ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

7 - مردم مصر در عصر یوسف (ع)، مردمی بی اعتنا به دعوت ایشان و گریزان از فهم صحیح آن

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

15 - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضللّ الله من هو مسرف مرتاب

301- خدائشناسی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 26

26- مصریان زمان یوسف (ع)، به خداوند و منزّه بودن او، معتقد بودند.

حش لله

302- دین ستیزی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 15

15 - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضللّ الله من هو مسرف مرتاب

303- زینت مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 59 - 1

1 - مردم مصر در عصر فرعون دارای سنت تزئین و تجمل در روزی مخصوص (عید) و اجتماع در مکانی معین

ص: 219

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

فرعون در سخن خود با موسی (ع) دو درخواست را مطرح کرد: 1- تعیین زمان مقابله، 2- تعیین مکان مقابله. آن حضرت نیز «یوم الزینه» را به عنوان زمان موعود مطرح کرد. به نظر می رسد به خاطر معین بودن مکان اجتماع روز عید، دیگر نیازی به ذکر خصوص مکان نبوده است.

304- سرزنش مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 8

8 - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

305- ستهای مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 59 - 3، 1

1 - مردم مصر در عصر فرعون دارای سنت تزیین و تجمل در روزی مخصوص (عید) و اجتماع در مکانی معین

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

فرعون در سخن خود با موسی (ع) دو درخواست را مطرح کرد: 1- تعیین زمان مقابله، 2- تعیین مکان مقابله. آن حضرت نیز «یوم الزینه» را به عنوان زمان موعود مطرح کرد. به نظر می رسد به خاطر معین بودن مکان اجتماع روز عید، دیگر نیازی به ذکر خصوص مکان نبوده است.

3 - اجتماع مردم مصر در روز عید ، به هنگام بالا آمدن و روشنایی کامل آفتاب بود .

یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

«ضحی» به زمانی گفته می شود که اندکی از بالا- آمدن آفتاب گذشته باشد و «حشر» به معنای جمع است (قاموس). مجهول بودن «یُحشر» دلالت بر این می کند که برگزارکنندگان مراسم عید، برای جمع کردن مردم اقدام می کردند.

306- شرک مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- مصریان باستان ، معتقد به خدایانی متعدد که هر کدام تدبیر کننده بخشی از امور جهان بودند .

ص: 220

ءأرباب متفرقون خير أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 40 - 1

1- مصريان عصر يوسف (ع) و اجدادشان، مردمی مشرک و پرستشگر خدایانی متعدد و دروغین بودند.

ما تعبدون من دونه إلا أسماء سمیتوها أنتم و ءاباؤکم

307- شک مصريان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 34 - 5

5- شک و تردید مستمر مردم مصر در رسالت يوسف (ع) تا پایان عمر ایشان (علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق رسالت آن حضرت).

لقد جاءکم يوسف من قبل بالبينت فمازلتم فی شک مما جاءکم به

308- طبقات اجتماعی مصريان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 4 - 2

2- تقسیم مردم مصر به طبقات و دسته های مختلف و پیرو، نمود سیاست خودکامه و سلطه جویی فرعون

إن فرعون علا فی الأرض و جعل أهلها شیعاً

جمله «جعل أهلها شیعاً» عطف تفسیری بر «علا فی الأرض» و بیانگر نوع برتری جویی فرعون نسبت به مردم سرزمین مصر است. گفتنی است که «شیع» جمع «شیعه» است و «شیعه» به فرد یا گروه پیرو اطلاق می شود. بنابراین «جعل أهلها شیعاً»؛ یعنی، مردم آن سرزمین را به چند دسته پیرو درآورده بود.

309- عقیده باطل مصريان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 34 - 9

9 - پندار باطل مردم مصر به پایان یافتن نبوت و نیامدن هیچ پیامبری از جانب خدا ، برای انسان های بعد از یوسف (ع)

حتّٰی إذا هلک قلتم لن یبعث الله من بعده رسولا

ص: 221

310- عقیده مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 26، 27

26- مصریان زمان یوسف (ع)، به خداوند و منزه بودن او، معتقد بودند.

حش لله

27- مصریان عصر یوسف (ع)، معتقد به وجود فرشتگان و زیبایی آنها

إن هذا إلا ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 17

17- مصریان عصر یوسف (ع)، به خداوند ایمان نداشتند و سرای آخرت را انکار می کردند.

إني تركت مله قوم لا يؤمنون بالله و هم بالأخره هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 39 - 6

6- مصریان باستان، معتقد به خدایانی متعدد که هر کدام تدبیر کننده بخشی از امور جهان بودند.

أرباب متفرقون خير أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 1

1- مصریان عصر یوسف (ع) و اجدادشان، مردمی مشرک و پرستشگر خدایانی متعدد و دروغین بودند.

ما تعبدون من دونه إلا أسماء سميتوها أنتم و ءاباؤكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 2

2- اعتقاد مردم مصر، به وجود آسمان های متعدد در عصر فرعون

أسبب السموت

311- علم مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 31 - 7

ص: 222

7- آشنایی مردم عصر فرعون از سرگذشت هلاکت بار قوم نوح، عاد، ثمود و اقوام پس از آنان

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ... دَابَّ قَوْمِ نُوحٍ... وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ

هشدار مؤمن آل فرعون به مردم و بازگرددن سرگذشت عبرت آموز اقوام یادشده برای ایشان، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

312- عید مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 59 - 4, 3, 2, 1

1 - مردم مصر در عصر فرعون دارای سنت تزئین و تجمل در روزی مخصوص (عید) و اجتماع در مکانی معین

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

فرعون در سخن خود با موسی (ع) دو درخواست را مطرح کرد: 1- تعیین زمان مقابله، 2- تعیین مکان مقابله. آن حضرت نیز «یوم الزینه» را به عنوان زمان موعود مطرح کرد. به نظر می رسد به خاطر معین بودن مکان اجتماع روز عید، دیگر نیازی به ذکر خصوص مکان نبوده است.

2 - موسی (ع)، روز عید را به عنوان روز موعود برای مقابله با فرعون برگزید .

قال موعدکم یوم الزینه

3 - اجتماع مردم مصر در روز عید، به هنگام بالا آمدن و روشنایی کامل آفتاب بود .

یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

«ضحی» به زمانی گفته می شود که اندکی از بالا- آمدن آفتاب گذشته باشد و «حشر» به معنای جمع است (قاموس). مجهول بودن «یُحشر» دلالت بر این می کند که برگزارکنندگان مراسم عید، برای جمع کردن مردم اقدام می کردند.

4 - هنگام بالا آمدن آفتاب و اجتماع مردم در روز عید، زمان مواعده موسی (ع) و فرعون

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

313- کفر مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 17

17- مصریان عصر یوسف (ع)، به خداوند ایمان نداشتند و سرای آخرت را انکار می کردند .

إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 10

10 - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع)، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

ص: 223

لقد جاءكم يوسف من قبل .. فمازلتم في شك مما جاءكم به حتى إذا هلك قلتم لن يبع

314- لجاجت مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 15، 8، 6

6 - مردم مصر در عصر یوسف (ع)، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف(ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: 1- به خاطر لجاجت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. 2- یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف(ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

8 - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

15 - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضللّ الله من هو مسرف مرتاب

315- مصریان باستان پس از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 49 - 3

3- روی آوری مصریان به افشردن گرفتن از محصولات خویش بر اثر فراوانی آنها، در نخستین سال پس از سال های قحطی

ثم یأتی .. و فیه یعصرون

«عصر» به معنای آب گرفتن از چیزی مانند: میوه، لباس تر و .. است. مفعول «یعصرون» - به قرینه سیاق - محصولات کشاورزی همانند میوه جات می باشد.

316- مصریان باستان و آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17- مصریان عصر یوسف (ع)، به خداوند ایمان نداشتند و سرای آخرت را انکار می کردند .

إني تركت ملّة قوم لا يؤمنون بالله و هم بالأخرة هم كفرون

ص: 224

317- مصریان باستان و ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 6

6- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

318- مصریان باستان و اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 6

6- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

319- مصریان باستان و تعبیر رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 43 - 10

10- مصریان باستان ، رؤیا ها را دریچه ای برای اطلاع از وقایع می دانستند .

أفتونی فی رعی

320- مصریان باستان و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 27

27- مصریان عصر یوسف (ع) ، معتقد به وجود فرشتگان و زیبایی آنها

إن هذا إلا ملك کریم

321- مصریان باستان و نیاکان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 14

14- ناشناخته بودن حسب و نسب یوسف (ع) نزد عموم مصریان

فعر فهم و هم له منکرون

اگر عموم مردم مصر می دانستند که یوسف (ع) از کدام قبیله، جامعه و دودمان است طبعاً به گوش برادران وی نیز می رسید و یوسف (ع) برای آنان ناشناخته نمی ماند.

322- مصریان باستان و یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 6

6- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت مله اباؤی ابرهیم و اسحق و یعقوب

323- معبود مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 38 - 4

4- فرعون ، مورد پرستش مردم مصر

و قال فرعون .. ما علمت لكم من إله غیرى

324- مؤمن آل فرعون و مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 12

12 - آشنایی مؤمن آل فرعون ، از تاریخ مردم مصر و سرگذشت یوسف پیامبر (ع)

و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت . . . حتى إذا هلك قلتم لن يبعث الله من بعده ر

ص: 226

325- ویژگیهای مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 15، 6

6 - مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف(ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: 1- به خاطر لجاجت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. 2- یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف(ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

15 - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن ، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضللّ الله من هو مسرف مرتاب

326- یوسف (ع) و دین مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 14، 13

13- یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را ، ابراز داشت .

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

14- پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون

جمله «إنی ترکت . . .» تعلیل برای «علمنی ربی» می باشد ؛ یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

327- یوسف (ع) و مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 8

8- هفت سال تلاش برای تولید غله، ذخیره سازی غله ها با خوشه های آن، صرفه جویی در مصرف، توصیه های یوسف (ع) به مردم مصر برای مصون ماندن از مشکلات دوران هفت ساله قحطی و خشکسالی

قال تزرعون سبع سنين دأباً

برخی برآند که رؤیای پادشاه اشاره ای به دستورالعملها و چاره اندیشیها ندارد و تدبیرهایی که یوسف(ع) بیان داشته و دستوراتی که صادر کرده از دانشی خدادادی او بوده و ارتباطی به رؤیای پادشاه ندارد. برداشت فوق بر اساس این نظر است.

ص: 227

7- مصرف

1- آثار افراط در مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 87 - 19

19 - افراط و تفریط در بهره جویی از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، عامل محرومیت از محبت خداوند

لاتحرموا . . . و لاتعتدوا إنّ الله لایحب المعتدین

2- آثار تفریط در مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 87 - 19

19 - افراط و تفریط در بهره جویی از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، عامل محرومیت از محبت خداوند

لاتحرموا . . . و لاتعتدوا إنّ الله لایحب المعتدین

3- آداب مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 87 - 7

7 - آنچه خداوند حلال کرده پاکیزه و گواراست .

لاتحرموا طیب ما احل الله لكم

طیب به معنای چیزی است که خوشایند آدمی باشد و اضافه طیبات به «ما احل الله»، اضافه بیانیه است یعنی «ما احل . . .»

ص: 229

تفسیری برای طیبات می باشد. گویا سؤال می شود طیبات چیست؟ در پاسخ گفته می شود، آنچه خداوند حلال کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 88 - 3,4

3 - جواز بهره گیری از روزی ها و امکانات مشروط به حلال و طیب بودن آنها است .

و کلووا مما رزقکم الله حللاً طیباً

برداشت فوق بر این اساس است که «مما رزقکم . . .» مفعول برای «کلووا» و «حللاً طیباً» حال برای «رزقکم الله» باشد یعنی از امکانات خدادادی استفاده کنید در صورتی که حلال و طیب باشد.

4 - ضرورت بهره گیری از امکانات و روزی های الهی به شیوه حلال و پاکیزه (در چارچوب احکام و قوانین الهی)

و کلووا مما رزقکم الله حللاً طیباً

برداشت فوق بر این اساس است که «حللاً طیباً» صفت برای مفعول مطلق محذوف «اکلا» باشد. بر این مبنا بهره جستن و استفاده از امکانات خدادادی به دو گونه تقسیم می شود یکی استفاده به گونه حلال و دیگر بهره وری به شیوه حرام. هر چند خود امکانات حلال و طیب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 17, 7

7- لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله ، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فما حصدم فذروه فی سنبله إلا قليلاً مما تأکلون

«حصاد» (مصدر حصدم) به معنای درو کردن است و «ذروا» فعل امر و به معنای «رها سازید» می باشد. «من» در «مما» بیانیه و «إلا قليلاً» استثنا از «ما» در «ما حصدم...» است، بنابراین مفاد جمله «فما حصدم...» چنین می شود: آنچه را درو می کنید در خوشه ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه ها را از خوشه ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه ها جدا سازید.

17- ضرورت صرفه جویی در مصرف و آمادگی برای مقابله با شرایط بحرانی

فذروه فی سنبله إلا قليلاً مما تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- مؤمنان ، وظیفه دار رعایت اعتدال و میانه روی در انفاق به دیگران و مصرف اموال و امکانات در زندگی شخصی

و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک و لاتبسطها کلّ البسط

4- احکام مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 1,4

ص: 230

1 - اهل ایمان نباید خویشتن را از بهره‌وری مواهب پاکیزه و حلال الهی منع کنند .

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

برداشت فوق بر این مبناست که تحریم در «لاتحرموا ..»، تحریم عملی باشد یعنی خودداری کردن و استفاده نبردن از حلالهای الهی بدون اعتقاد به حرمت آن

4 - مؤمنان نایستی مواهب پاکیزه و حلال الهی را با قسم و امثال آن بر خویش تحریم کنند .

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

با توجه به ارتباط این بخش از آیات و بیان احکام قسم در آیه 89 می توان گفت مراد از «لاتحرموا ..» نهی از تحریم طیبیات به وسیله قسم و امثال آن است گفتنی است که بر این مبنا مراد از تحریم، تحریم حقیقی و واقعی (حرام کردن) خواهد بود.

5- اسراف در مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 14

14 - اسراف (زیاده روی در مصرف یا انفاق) کاری حرام و نکوهیده است.

و لاتسرفوا

6- اعتدال در مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 17، 11

11 - لزوم رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط در بهره جویی از مواهب و طیبیات

لاتحرموا .. و لاتعتدوا

بدان احتمال که جمله «لاتعتدوا» توضیحی درباره «لاتحرموا طیبیات ما احل الله» باشد نه تأکید و تفسیر آن، یعنی از حلالها استفاده کنید ولی نه به گونه ای که از حد بگذرانید و تجاوز کنید.

17 - ناسازگاری ایمان با افراط و تفریط در بهره گیری از مواهب الهی در دنیا

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا .. و لاتعتدوا

1- مؤمنان ، وظیفه دار رعایت اعتدال و میانه روی در انفاق به دیگران و مصرف اموال و امکانات در زندگی شخصی

و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک و لاتبسٹھا کلّ البسٹ

ص: 231

7- افراط در مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 17

17 - ناسازگاری ایمان با افراط و تفریط در بهره‌گیری از مواهب الهی در دنیا

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا... و لاتعتدوا

8- اهمیت صرفه جویی در مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 17، 7

7- لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فما حصدم فذروه فی سنبله إلاّ قليلاً مما تأکلون

«حصاد» (مصدر حصدم) به معنای درو کردن است و «ذروا» فعل امر و به معنای «رها سازید» می‌باشد. «من» در «مما» بیانیه و «إلاّ» قلیلاً» استثنا از «ما» در «ما حصدم...» است، بنابراین مفاد جمله «فما حصدم...» چنین می‌شود: آنچه را درو می‌کنید در خوشه‌ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه‌ها را از خوشه‌ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می‌رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه‌ها جدا سازید.

17- ضرورت صرفه جویی در مصرف و آمادگی برای مقابله با شرایط بحرانی

فذروه فی سنبله إلاّ قليلاً مما تأکلون

9- تعقل در مصرف مواد غذایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 24 - 2

2 - اندیشیدن در زمینه پیدایش مواد غذایی و تأمل در مراحل تولید و مصرف آن، از میان برنده کفر به خداوند است.

فلینظر الإنسن إلى طعامه

فرمان به دقت در طعام (به قرینه «قتل الإنسان ما أکفره») در آیات پیشین - ارائه رهنمودی برای ایمان به خدا و کنار نهادن کفر است.

10- تفريظ در مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مانده - 5 - 87 - 17

ص: 232

17 - ناسازگاری ایمان با افراط و تفریط در بهره‌گیری از مواهب الهی در دنیا

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا . . . و لاتعتدوا

11- تقوا در مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 88 - 9

9- ضرورت رعایت تقوا در بهره‌گیری از امکانات و روزی‌های خدادادی

و کلو مما رزقکم الله حللاً طیباً و اتقوا الله

12- صرفه جویی در مصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 48 - 4,5

4- باقی گذاشتن مقداری از ذخیره‌های هفت ساله و مصرف نکردن همه آنها در دوران قحطی، توصیه یوسف (ع) به عهده‌داران حکومت مصر

یا کلن ما قدمم لهنّ إلاّ قليلاً مما تحصنون

«احصان» (مصدر تحصنون) به معنای قرار دادن چیزی در محلی امن است. بنابراین حاصل معنای «إلاّ قليلاً مما تحصنون» چنین است: مقداری از آنچه را در انبارها ذخیره می‌کنید در دوران قحطی نخورید. حکمت این امر احتمالاً دارا بودن بذر است برای کشت در سال پانزدهم.

5- لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یا کلن ما قدمم لهنّ إلاّ قليلاً مما تحصنون

فعل مضارع «یا کلهنّ» در نقل رؤیای پادشاه (آیه 46) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی «اکلهنّ» به کار می‌برد. به نظر می‌رسد یوسف (ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

13- مصرف مال حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حرمت مصرف مال در مسیر فحشا و بی عفتی

احلّ لکم . . . ان تبتغوا باموالکم محصنین غیر مسافحین

ص: 233

«محصنین»، حال برای فاعل «ان تبتغوا» است؛ و همان گونه که می تواند ابتغاء را مقید به عفت و پاکدامنی کند، مصرف اموال را نیز می تواند به آن مقید سازد.

14- مصرف مال در گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 167 - 15

15 - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: «كذلك يريهم الله اعمالهم حسرات عليهم» روایت شده: «هو الرجل يدع المال لا ينفقه في طاعة الله بخلا ثم يموت فيدعه لمن هو يعمل في طاعة الله او في معصيته فان عمل به في طاعة الله راه في ميزان غيره فزاده حسره و قد كان المال له و ان كان عمل به في معصيه الله قواه بذلك المال حتى عمل به في معصيه الله»؛

مراد شخصی است که مال دنیا را به جا می گذارد و از روی بخل آن را در طاعت خدا انفاق نمی کند و بعد از مرگش آن مال در طاعت و یا معصیت خدا خرج می شود. پس اگر آن مال در طاعت خدا مصرف شود آن را در میزان دیگری می بیند و حسرت او زیادتر می شود؛ چون این مال، ملک او بوده است و اگر در معصیت خدا صرف شده باشد، او آن گناهکار را به وسیله آن مال تقویت کرده تا بدین گونه نافرمانی خدا را نماید».

15- مطالعه مصرف مواد غذایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 24 - 1

1 - نگاه به خوراکی ها و توجه به روند تولید و مصرف آن، امری ضروری و برانگیزنده انسان به انجام دادن فرمان های خداوند

فلينظر الإنسان إلى طعامه

فرمان به دقت در طعام، با حرف «فاء» بر آیه قبل تفریع شده است تا این نکته را برساند که این اندیشه، انسان را به انجام دادن اوامر الهی وادار می کند. وجود کلمه «الإنسان» در آیات قبل، گرچه از تکرار آن بی نیاز می کرد و اکتفا به ضمیر آن ممکن بود؛ ولی بار دیگر به این لفظ تصریح شد تا بیانگر تفاوت مصداق انسان در دو آیه باشد. در آیه قبل مراد کافران بود و این آیه به همه انسان ها نظر دارد.

16- موارد مصرف مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 2

2 - لزوم صرف کردن دارایی ها در راه تعمیر و آبادانی سرای آخرت

وابتغ فيما آتيتك الله الدار الآخرة

ص: 234

17- مصرف مال حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 9

9 - حرمت مصرف مال در مسیر فحشا و بی عفتی

احلّ لكم . . . ان تبتغوا باموالکم محصنین غیر مسافحین

«محصنین»، حال برای فاعل «ان تبتغوا» است؛ و همان گونه که می تواند ابتغاء را مقید به عفت و پاکدامنی کند، مصرف اموال را نیز می تواند به آن مقید سازد.

18- مصرف مال در گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 167 - 15

15 - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: « کذلک یریهم اللّٰه اعمالهم حسرات علیهم » روایت شده: « هو الرجل یدع المال لاینفقہ فی طاعه اللّٰه بخلا ثم یموت فیدعہ لمن هو یعمل فی طاعه اللّٰه او فی معصیتہ فان عمل به فی طاعه اللّٰه رأه فی میزان غیره فزاده حسره و قد کان المال له و ان کان عمل به فی معصیه اللّٰه قواه بذلک المال حتی عمل به فی معصیه اللّٰه ;

مراد شخصی است که مال دنیا را به جا می گذارد و از روی بخل آن را در طاعت خدا انفاق نمی کند و بعد از مرگش آن مال در طاعت و یا معصیت خدا خرج می شود. پس اگر آن مال در طاعت خدا مصرف شود آن را در میزان دیگری می بیند و حسرت او زیادتیر می شود؛ چون این مال، ملک او بوده است و اگر در معصیت خدا صرف شده باشد، او آن گناهکار را به وسیله آن مال تقویت کرده تا بدین گونه نافرمانی خدا را نماید».

19- موارد مصرف مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 2

2- لزوم صرف کردن دارایی ها در راه تعمیر و آبادانی سرای آخرت

و ابتغ فیما ءاتیک اللّٰه الدار الآخره

8- مصلحان

1- مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 220 - 12

12 - خداوند ، مفسدان و مصلحان را از یکدیگر بازمی شناسد .

والله يعلم المفسد من المصلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 110 - 8

8 - ایمان مصلحان (امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر) به خداوند ، شرط اعتلای جامعه

کنتم خیر امه .. و تؤمنون بالله

2- آینده مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 48 - 5

5 - کسانی که ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، نه از آینده خویش بیمناک و نه بر گذشته خویش غمناک هستند.

فمن ءامن و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

غالباً «خوف» در مورد ترس از آینده و «حزن» در مورد اندوه بر گذشته به کار می رود.

ص: 236

3- ایمان مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 110 - 8

8 - ایمان مصلحان (امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر) به خداوند ، شرط اعتلای جامعه

کنتم خیر امه .. و تؤمنون بالله

4- بشارت به مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 220 - 14، 15

14 - تشویق اصلاحگران امور ایتمام و تضمین اجر آنان ، از جانب خداوند

قل اصلاح لهم خیر .. والله یعلم المفسد من المصلح

15 - تهدید مصلح نما های مفسد و بشارت به مصلحان واقعی ، از جانب خدا

والله یعلم المفسد من المصلح

5- بی اعتنایی به مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 165 - 5

5 - ترک کنندگان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، بی اعتنا به تذکار موعظه گران (لزوم نهی از منکر)

فلما نسوا ما ذکروا به

ضمیر در «نسوا» و «ذکروا» به تجاوزگران و نیز به ترک کنندگان نهی از منکر برمی گردد. تذکری که به ترک کنندگان نهی از منکر داده شد، همان است که از جمله «معذره الی ربکم» فهمیده می شود. یعنی مصلحان به آنان تفهیم کردند که شما نیز باید نهی از منکر کنید، و گرنه مسؤول هستید؛ اما آنان همچنان بی تفاوت ماندند.

6- پاداش مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اصلاحگران جوامع ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

إنا لانضیع أجر المصلحین

کلمه «مصلح» هم به کسی که عمل صالح انجام می دهد، یعنی در صدد اصلاح خویش است، گفته می شود، و هم به شخصی که

ص: 237

در تلاش برای اصلاح دیگران است، اطلاق می گردد. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است.

7- انجام دهندگان اعمال صالح از پاداش های الهی بهره مند خواهند شد .

إنا لانضیع أجر المصلحین

7- زهد مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 29 - 6

6- چشم ندوختن به مال و دارایی مردم ، از نشانه های صداقت مصلحان جامعه و مبلغان راستین دین است .

و یقوم لا أسئلكم علیه مالا إن أجری إلا علی الله

8- عذاب مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 117 - 7

7- « عن رسول الله (صلی الله علیه و آله) : . . . یا ابن مسعود انصف الناس من نفسک وانصح الأمة و ارحمهم ، فإذا كنت كذلك و غضب الله علی أهل بلده أنت فیها و أراد أن ینزل علیهم العذاب نظر إلیک فرحمهم بک ، یقول الله تعالی : « و ما کان ربک لیهلك القری بظلم و أهلها مصلحون » ؛

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده است: .. ای ابن مسعود! با مردم رفتار منصفانه داشته باش و خیرخواه امت باش و به ایشان رحم کن. اگر چنین باشی و خدا بر مردم شهری غضب کند که تو در میان آنان باشی و بخواهد عذاب خود را بر ایشان نازل کند، به سوی تو نظر می کند و به خاطر تو به آنان رحم می نماید. خداوند متعال می فرماید: و ما کان ربک ...».

9- عذر مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 164 - 14

14 - تنها مصلحان و نهی کنندگان از منکر در جوامع فسادپیشه ، دارای عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند هستند .

لم تعظون قوماً .. قالوا معذرة إلی ربکم

10- عوامل تقویت مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 238

4- داستان پیامبران در قرآن، حاوی حقایقی که مصلحان و هدایتگران جوامع بشری را بر پیشبرد هدف های خویش، قوی و استوار می سازد.

و كلاً نَقَصَّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرِّسْلِ مَا نَشِيتَ بِهِ فُؤَادَكَ

11- کمی مصلحان اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- در میان امت های هلاک شده پیشین، تنها اندکی از آنان از فساد و تباهی به دور بوده و مردم را از گناه و فساد نهی می کردند.

فلولا كان... أولوا بقیه ینهون عن الفساد فی الأرض إلا قليلاً

12- مسؤولیت مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17- ضرورت پایبندی مبلغان دین و مصلحان جامعه، به تعالیم دینی و برنامه های اصلاحی خود

و ما أريد أن أخالفكم إلی ما أنهیکم عنه

30- آنان که درصدد اصلاح جامعه اند، باید فقط به خدا اتکال کنند و روی به درگاه او داشته باشند.

إن أريد إلا الإصلاح... علیه توکلت وإلیه أنیب

13- مصلحان ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند: تجاوزگران فاسق، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات، تارکان نهی از منکر

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل «الذین ینهون عن السوء» در آیه بعد، نهی از منکر است.

3 - موعظه گران یهود در آبادی ایله ، همکیشان خویش را از نافرمانی خدا (شکستن احکام روز شنبه) برحذر می داشتند .

لم تعظون قوماً

ص: 239

4- تارکان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، به موعظه گران اعتراض کردند و عمل آنان (نهی از منکر) را نابجا شمردند .

لم تعظون قوماً

5- پرهیزکنندگان از صید ماهی در میان یهودیان ایله (چه موعظه گران و چه تارکان نهی از منکر) مطمئن به نزول عذاب الهی بر متجاوزان و یا به هلاکت رسیدن ایشان به دست خدا

اللّٰه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

8- داشتن عذر در پیشگاه خداوند و نیز امید به پرهیز تجاوزگران از تجاوز خویش ، پاسخ موعظه گران یهود به اعتراض تارکان نهی از منکر

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

«معذره» مصدر و به معنای حجت داشتن است. این کلمه مفعولاً له برای فعل مقدر «نعظهم» می باشد ; یعنی آنان را موعظه می کنیم تا در پیشگاه خدا حجت و عذر داشته باشیم.

9- اصلاحگران ایله سکوت در برابر گناه را ناروا شمردند و تارکان نهی از منکر را در پیشگاه خدا معذور نمی دانستند .

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

ظاهر اقتضا می کرد که موعظه گران بگویند «ربنا» (پروردگاران)، نه «ربکم» (پروردگار شما). این جا به جایی اشاره به این حقیقت دارد که خداوند پروردگار شما نیز هست و باید در برابر او عذری داشته باشید و بدانید که اگر نهی از منکر نکنید، معذور نیستید.

10- باور مصلحان یهود به ربوبیت خداوند بر بندگان ، وادارکننده ایشان به تلاش برای اصلاح جامعه و بازدارندگی منحران از گناه و تجاوز

قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق از آوردن اسم «رب» استفاده شده است.

14- مصلحان در اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 116 - 4

4- امت های هلاکت شده پیشین ، فاقد جمعیتی از مصلحان دلسوز و بازدارنده مردم از فساد و تباهی

فلولا کان من القرون من قبلکم أولوا بقیه ینهون عن الفساد

از معانی «بقیه» فضل و نیکی است. در تفسیر کشاف آمده: فلانی از «بقیه القوم» است؛ یعنی، از نیکان آنان است. بنابراین «أولوا بقیه»؛

یعنی، نیکان و دارندگان فضل که به مناسبت مورد به مصلحان دلسوز تعبیر شد. لولا به معنای «چرا نه» می باشد و مفاد جمله «فلولا...» این است که: چرا در میان امتهای پیش از شما گروهی از مصلحان دلسوز نبودند که آن امتهای را از فساد و تباهی باز دارند؟.

ص: 240

15- مصلحان و مزد تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 4

4- مطالبه نکردن پاداش از مردم، به خاطر تبلیغ حقایق و معارف الهی، نشانه صداقت مبلغان و مصلحان است.

يقوم لأسئلكم عليه أجرًا .. أفلا تعقلون

از آن جا که هدف مدعیان دروغین، رسیدن به منافع مادی و مال و منال دنیوی است، می توان گفت: حضرت هود(ع) با جمله «لأسئلكم» اشاره به دلیل و نشانه صداقت خویش دارد.

16- مقامات مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 48 - 5

5 - کسانی که ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، نه از آینده خویش بیمناک و نه بر گذشته خویش غمناک هستند.

فمن ءامن و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

غالباً «خوف» در مورد ترس از آینده و «حزن» در مورد اندوه بر گذشته به کار می رود.

17- نجات مصلحان اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 116 - 9

9- خداوند، تنها صالحان ناهی از منکر را از عذاب های نازل شده بر امت های پیشین، نجات داد.

إلا قليلاً ممن أنجینا منهم

«منهم» قید برای «قلیلاً» است و ضمیر در آن به «القرون» باز می گردد و «من» در «ممن = من من» بیانیه است بنابراین «إلا قليلاً...»؛ یعنی، مگر اندکی از جوامع گذشته که در آنها صاحب خردانی ناهی از فساد بودند همانها که نجاتشان دادیم.

18- نجات مصلحان ابله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - خداوند از میان یهودیان ایله تنها مصلحانِ نهی کننده از منکر را از گرفتار شدن به عذاب رهایی بخشید .

أنجینا الذین ینهون عن السوء

ص: 241

19- نشانه های صداقت مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 6

6- چشم ندوختن به مال و دارایی مردم ، از نشانه های صداقت مصلحان جامعه و مبلغان راستین دین است .

و يقوم لا أسئلكم عليه مالا إن أجرى إلا على الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 4

4- مطالبه نکردن پاداش از مردم ، به خاطر تبلیغ حقایق و معارف الهی ، نشانه صداقت مبلغان و مصلحان است .

يقوم لا أسئلكم عليه أجرًا .. أفلا تعقلون

از آن جا که هدف مدعیان دروغین ، رسیدن به منافع مادی و مال و منال دنیوی است ، می توان گفت: حضرت هود(ع) با جمله «لاأسئلكم» اشاره به دلیل و نشانه صداقت خویش دارد.

20- یهود و مصلحان ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 165 - 1,2

1 - یهودیان متخلف در آبادی ایله ، به نصایح و مواعظ مصلحان و نهی کنندگان از منکر اعتنا نکردند و آن را به فراموشی سپردند .

فلما نسوا ما ذكروا به

2 - خداوند یهودیان متمرّد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذكروا به .. أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئیس

«بئیس» به معنای شدید است.

1- اشراف قوم ثمود و مصلحت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 1

1 - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا .. لخسرون

2- اشراف قوم عاد و مصلحت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 1

1 - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا .. لخسرون

3- امور خلاف مصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 10

10- نجات فرزند فسادی پیشه نوح از حادثه طوفان ، امری خلاف حکمت و مصلحت در نزد خداوند

فلاتسئلن ما لیس لک به علم

«به» متعلق به «علم» است و مراد از آن «بمصلحت و حکمت و صوابه» می باشد. بنابراین «فلاتسئلن ما لیس...»؛ یعنی ،

درخواستی را که نمی دانی درست است و یا مطابق مصلحت و حکمت است ، از من میخواه.

4- اهمیت مصلحت نوعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 179 - 4

4 - تقدم مصالح جامعه بر مصلحت فرد

و لكم في القصاص حيوة يأولى الألب

از اینکه قرآن قانون قصاص را - که مرگ و نابودی فرد در آن است - برای حیات جامعه مقرر کرده است، می توان به این نکته رسید که: از نظر قرآن مصالح جامعه بر مصلحت فرد مقدم است.

5- مصلحت اندیشی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 9 - 8

8- برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا يوسف أو اطرحوه أرضاً .. و تكونوا من بعده قومًا صالحين

مراد از صلاح در «قوماً صالحين» صلاح امور دنیوی است ؛ زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع «تكونوا» عطف بر «يخل» و جواب امر «اقتلوا» و «اطرحوه» می باشد. بر این اساس جمله «تكونوا...» چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

6- مصلحت اندیشی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 14

14 - کلیه حقایق و معارف کتب آسمانی به دور از مصلحت اندیشیهای شخصی باید برای مردم تبیین شود.

تجعلونه قراطيس تبدونها و تخفون كثيرا

مذمت عالمان یهود بر گزینشی عمل کردن در میان حقایق تورات، گوشزد به همه حاملان کتب آسمانی است که در تبیین و تفسیر آنها

نباید منافع خویش را در نظر گرفت، بلکه باید همه آنها را برای مردم تبیین کرد.

ص: 244

7- مصلحت اندیشی رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 13

13 - اعمال اجتهاد و مصلحت اندیشی در حل و فصل امور اجتماعی ، از اختیارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران جامعه اسلامی است .

و إذا كانوا معه على أمر جامع . . . فإذا استئذنوك لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم

8- مصلحت اندیشی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 13

13 - اعمال اجتهاد و مصلحت اندیشی در حل و فصل امور اجتماعی ، از اختیارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران جامعه اسلامی است .

و إذا كانوا معه على أمر جامع . . . فإذا استئذنوك لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم

9- مصلحت اندیشی ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 16، 15، 14

14 - مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار ، بهانه بیمار دلان برای دوستی با یهود و نصارا

يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

«دائرة» از مصدر «دوران» (چرخیدن) است ؛ که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده ؛ چون چرخش روزگار احیاناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث تلخ می شود.

15 - گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . . يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

16 - زشتی و ناپسندی مصلحت اندیشی در برابر فرامین الهی

لاتتخذوا... يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

10- مصلحت در اجرای مجازات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 66 - 14

14 - منافقان توطئه گر ، مستحق کیفر و مجازات دنیوی اند و عدم اعمال آن نسبت به برخی از آنان از جانب خداوند ، به اقتضای مصلحت است . *

ص: 245

إن نَعْفَ عن طائفة منكم نَعَذِبُ طائفة بأنهم كانوا مجرمين

مراد از عفو و عذاب، می تواند بخشش و کیفر دنیوی باشد نه اخروی؛ در این صورت به حکم عقل، عفو از یک گروه به خاطر مصلحتی صورت گرفته است.

11- مصلحت در ازدیاد روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 62 - 7

7- فراخی و تنگی روزی بندگان، برای رعایت مصلحت آنان است.

اللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ... وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

«لام» در «لمن» و «له» هر دو، برای منفعت است. نیز به دنبال فراخی و تنگی روزی بندگان، یادآوری علم همه جانبه خدا، مفید این حقیقت است که قبض و بسط روزی انسان ها، تابع مصالحی است و آنها را، خدا می داند.

12- مصلحت در اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 5 - 5

5- فرمان ها و رهنمود های خداوند، همواره بر اساس حق و مصلحت است.

كما أخرجك ربك من بيتك بالحق

کلمه «كما» بیانگر این است که حقانیت خروج پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جنگ بدر نمونه و مثالی است از حقانیت تمامی کارها و فرمانهای خداوند.

13- مصلحت در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 166 - 8

8- رنج ها و شکست ها، دارای مصلحتهایی پنهان از چشم ظاهرینان

و ما اصابکم يوم التقی الجمعان... و ليعلم المؤمنین

14- مصلحت در شکست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 246

8 - رنج ها و شکست ها ، دارای مصلحت‌هایی پنهان از چشم ظاهرینان

و ما اصابکم يوم التقى الجمعان . . . و ليعلم المؤمنین

15- مصلحت در کمبود روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 62 - 7

7 - فراخی و تنگی روزی بندگان ، برای رعایت مصلحت آنان است .

اللّٰه یسّط الرزق لمن یشاء . . . و یقدر له انّ اللّٰه بکلّ شیء علیم

«لام» در «لمن» و «له» هر دو، برای منفعت است. نیز به دنبال فراخی و تنگی روزی بندگان، یادآوری علم همه جانبه خدا، مفید این حقیقت است که قبض و بسط روزی انسان ها، تابع مصالحی است و آنها را، خدا می داند.

16- مصلحت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 19

19 - جواز بهره گیری متعارف ولی یتیم از مال وی ، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم نبودن (کافی بودن) آن مال

و من کان فقیراً فلیأکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلک رجل یحبس نفسه عن المعیشه فلا بأس ان یأکل بالمعروف اذا کان یصلح لهم اموالهم فان کان المال قلیلاً فلیأکل منه شیئاً . . .

کافی، ج 5، ص 130، ح 5؛ نورالثقلین، ج 1، ص 445، ح 69.

17- مصلحت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 16,18

16 - خیر و صلاح یهود در گوش سپردن به گفته های پیامبر (صلی الله علیه و آله) و فرمانبرداری از آن حضرت

و لو انهم قالوا سمعنا و اطعنا .. لكان خيراً لهم

18 - خیر و قوام یهود، در پرهیز از سخنان مبهم، دو پهلوی و تمسخرآمیز در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لو انهم قالوا .. و اسمع و انظرنا لكان خيراً لهم و اقوم

ص: 247

18- مصلحت اندیشی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 9 - 8

8- برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً .. و تكونوا من بعده قومًا صالحین

مراد از صلاح در «قوماً صالحین» صلاح امور دنیوی است ؛ زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع «تكونوا» عطف بر «ینخل» و جواب امر «اقتلوا» و «اطرحوه» می باشد. بر این اساس جمله «تكونوا...» چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

19- مصلحت اندیشی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 14

14 - کلیه حقایق و معارف کتب آسمانی به دور از مصلحت اندیشیهای شخصی باید برای مردم تبیین شود.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

مذمت عالمان یهود بر گزینشی عمل کردن در میان حقایق تورات، گوشزد به همه حاملان کتب آسمانی است که در تبیین و تفسیر آنها نباید منافع خویش را در نظر گرفت، بلکه باید همه آنها را برای مردم تبیین کرد.

20- مصلحت اندیشی رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 13

13 - اعمال اجتهاد و مصلحت اندیشی در حل و فصل امور اجتماعی ، از اختیارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران جامعه اسلامی است .

و إذا كانوا معه علی أمر جامع .. فإذا استئذنوك لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم

21- مصلحت اندیشی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 13

ص: 248

13 - اعمال اجتهاد و مصلحت اندیشی در حل و فصل امور اجتماعی ، از اختیارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران جامعه اسلامی است .

و إذا كانوا معه على أمر جامع .. فإذا استئذنونك لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم

22- مصلحت اندیشی ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 14,15,16

14 - مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار ، بهانه بیمار دلان برای دوستی با یهود و نصارا

يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

«دائرة» از مصدر «دوران» (چرخیدن) است ؛ که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده ؛ چون چرخش روزگار احیاناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث تلخ می شود.

15 - گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتري الذين في قلوبهم مرض .. يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

16 - زشتی و ناپسندی مصلحت اندیشی در برابر فرامین الهی

لا تتخذوا .. يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

ص: 249

10- مصنوعات

1- خالق مصنوعات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 96 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان و مصنوعات و دست ساخته های او (بت و . . .)

والله خلقکم و ما تعملون

2- محدوده استفاده از مصنوعات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 24 - 3

3- بهره‌وری انسان از مصنوعات خویش ، تنها در قلمرو قوانین فائق الهی بر نظام طبیعت

و له الجوار المشات فی البحر

خداوند با تعبیر «له الجوار. .» به انسان تذکر داده است که اگر بشر می تواند با ساخت وسایلی به بهره‌وری بیشتر از دریا پردازد، این چیزی است که در پرتو قوانین الهی حاکم بر ماده صورت می گیرد.

3- مصنوعات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 8 - 15

15 - تمامی رفتار و دست ساخته های انسان ها ، در قلمرو علم خدا است .

ص: 250

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

4- منشأ مصنوعات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 24 - 2

2- تجلی فعل الهی در تمامی جهان هستی ، حتی مصنوعات بشری

و له الجوار المنشآت

با این که در آیه شریفه، واژه «المنشآت» (ساخته شده به دست بشر) به کار رفته است؛ اما تعبیر «له الجوار» (از آن او است کشتی ها) می رساند که هر چند کشتی ها ساخته دست بشر است؛ ولی انسان در همه ابعاد (مواد، طرح، محاسبه و ..) مستقل از اراده خداوند نیست و با اندکی تأمل خویش را وامدار لطف و ربوبیت او می بیند.

5- ویژگیهای مصنوعات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 2

2- آفرینش های بشری ، همواره متکی به امکانات و الگو های موجود است . *

هو الله الخلق البارئ

وصف «الخالق البارئ» می تواند تعریضی به صنایع و افعال بشری باشد که تمایز آن با خلق الهی در این است که آفرینش های بشری، متکی به امکانات و الگوی پیشین است.

ص: 251

1- مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 154 - 34

34 - حوادث ایام، جنگ ها، سختی ها، مصیبت ها و مرگ، آزمایش الهی است.

لبرز الذین... و لیتلی الله ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 179 - 6

6 - سختی ها، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها)، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حتی یمیز الخبیث من الطیب

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است؛ چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 200 - 20

20 - صبر در انجام فرائض و در برابر مصائب و آمادگی برای پیروی از دستورات ائمه، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الأئمه.

کافی، ج 2، ص 81، ح 3؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 334، ح 2 و 6 و 11.

ص: 252

2- آثار امتحان با مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 48 - 11

11 - ابتلا به مصائب و سختی ها ، زمینه ساز توبه و بازگشت انسان ها به سوی حق

و أخذنهم بالعذاب لعلهم يرجعون

3- آثار مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 154 - 38

38 - حوادث ایام جنگ ، سختی ها و مصیبت های در راه خدا ، زمینه خالص شدن اندیشه مؤمنان از عقاید جاهلیت و پالایش درون آنان از خواسته های دنیایی و مادی

يُظَنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ . . . و لِيَتْلَى اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ و لِيَمْحَصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ

«لیمحص» از ماده تمحیص به معنای خالص سازی از عیبه و نقصهاست و این جمله بیانگر هدفی دیگر از اهداف شکست در نبرد احد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 167 - 2

2 - هنگامه های دشوار (شکست ها ، رنج ها و مصیبت ها) ، ابزاری برای شناسایی جناح منافقان و سست ایمانان ، از مؤمنان واقعی و استوار

و ما اصابکم . . . و ليعلم الذين نافقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 41 - 10

10 - رنج ها و مصیبت ها ، میدان و بستری مناسب برای وسوسه های شیاطین

أَتَى مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنَصْبٍ و عَذَابٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 5, 4, 3

3 - گرفتاری ها و مصیبت ها ، مایه بیداری و تجلی فطرت توحیدی انسان

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه

4 - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه منیباً إليه

«إنابه» (مصدر «منیباً») به معنای رجوع است و «منیباً إليه»؛ یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

ص: 253

5- انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه منيباً إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 3

3- گرفتاری ها و مصیبت ها ، مایه بیداری و تجلی فطرت توحیدی انسان

فإذا مسّ الإنسان ضرّاً دعانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 51 - 8

8- نقش مصایب و گرفتاری ها ، در توجه انسان به خدا

و إذا مسّه الشّرّ فذو دعاء عریض

برداشت بالا بنابر این نکته است که مراد از «دعاء عریض» خواندن خدا باشد.

4- امتحان با مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 154 - 34

34- حوادث ایّام ، جنگ ها ، سختی ها ، مصیبت ها و مرگ ، آزمایش الهی است .

لبرز الذّین . . . و لیتلی اللّهُ ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 179 - 6

6- سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حتّی یمیز الخبیث من الطّیب

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است؛ چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

5- خطر مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 11

11 - انسان ، در معرض انواع گرفتاری ها و مصیبت ها

ص: 254

وإذا مسّ الإنسان ضرّاً .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسي ما كان يدعوا إليه من قبل

6- دعا در مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 4 - 1

1 - نیایش خالصانه انسان با خداوند ، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت ها

وإذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه

«ضرّاً» (ضد «نفع») به معنای مطلق آسیب است.

4 - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

وإذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه منیباً إليه

«إنابه» (مصدر «منیباً») به معنای رجوع است و «منیباً إليه»؛ یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 1

1 - نیایش خالصانه انسان با خدا ، به هنگام گرفتاری ها و مصیبت ها

فإذا مسّ الإنسان ضرّاً دعانا

«ضرّاً» (ضد «نفع») به معنای مطلق آسیب است.

7- روش برخورد با مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 11 - 5

5 - خداوند ، راه علاج و نحوی تحمل مصیبت ها و تکلیف انسان در برابر آنها را به مؤمنان آموخته است .

و من يؤمن بالله يهد قلبه

طبق نظر مفسران، چون در صدر آیه شریفه سخن از مصیبت های وارد بر انسان ها بوده، می توان گفت از مصداق های هدایت قلبی

مؤمنان، راهنمایی آنان به پیدا کردن راه علاج و تحمل مصیبت ها و نشان دادن تکلیف مؤمنان در این عرصه است.

8- زمینه تحمل مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 11 - 8

ص: 255

8- آگاهی و ایمان مؤمنان به علم همه جانبه خداوند ، مایه تحمل مصیبت ها و پایداری در برابر مشکلات است .

ما أصاب من مصيبه إلا بإذن الله . . . و الله بكلّ شيء عليم

9- زمینه رفع مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 7

7- نیایش خالصانه به درگاه خدا ، عامل جلب رحمت او و بر طرف کننده گرفتاری ها است .

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه منيباً إليه ثمّ إذا خوّله نعمه منه

«تخویل» (مصدر «خول») به معنای اعطا و بخشش است و مقصود از جمله «إذا خوّله نعمه منه»، رفع گرفتاری و اعطای نعمت آسودگی است که پس از دعا و نیایش بندگان به درگاه الهی تحقق می پذیرد.

10- زمینه مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 9

9- انسان ، در معرض انواع گرفتاری ها و مصیبت ها

فإذا مسّ الإنسان ضرّاً . . . ثمّ إذا خوّله نعمه منّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 4

4- بلا ها و مصائب اجتماعی ، بازتاب گناهان جمعی مردمان است .

و ما أصبکم من مصيبه فيما کسبت أیدیکم

خطاب جمع «ما أصابکم»، می تواند ناظر به حیثیت جمعی انسان ها باشد.

11- صبر بر مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - صبر در انجام فرائض و در برابر مصائب و آمادگی برای پیروی از دستورات ائمه ، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الأئمه.

کافی، ج 2، ص 81، ح 3؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 334، ح 2 و 6 و 11.

12- صبر در مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 12 - 7

7 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله: « و جزاهم بما صبروا جنة و حريراً » قال: بما صبروا على الفقر و مصائب الدنيا؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «و جزاهم بما صبروا جنة و حريراً» روایت شده که فرمود: [این پاداش] برای این است که بر فقر و مصیبت های دنیا صبر کرده اند».

13- عذاب با مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 21 - 13

13 - « عن أبي ادريس الخولاني (رض) قال: سألت عبادة بن الصامت (رض) عن قول الله: « و لنذيقنهم من العذاب الأدنى دون العذاب الأكبر » فقال: سألت رسول الله (صلى الله عليه و آله) عنها، فقال: هي المصائب و الأسقام و الأنصاب، عذاب للمسرف في الدنيا، دون عذاب الآخرة... »؛

ابوادریس خولانی گوید: از عباده بن صامت(رض) از این سخن خدا: «و لنذيقنهم من العذاب الأدنى دون العذاب الأكبر» پرسیدم. گفت: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) پرسیدم، فرمود: عذاب نزدیک تر، مصیبت ها و بیماری ها و رنج ها است. [آن]، عذابی دنیایی است برای مسرف، نه این که عذاب آخرت باشد».

14- عوامل مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 12

12- کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قريباً من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف «باء» در «بما صنعوا» - که به معنای سببیت است - استفاده می شود. مراد از «ما صنعوا» به قرینه آیات

گذشته ، انکار قرآن، مخالفت با رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مانند آن می باشد.

ص: 257

15- عوامل نجات از مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 8

8 - رهایی انسان از گرفتاری ها و مصیبت ها ، در گرو مشیت خداوند و بسته به لطف و رحمت او است .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منیباً إليه ثمّ إذا خوّله نعمه منه

16- مراد از مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 50 - 8

8 - « عن ابی جعفر (ع) فی قوله : « إن تصبک حسنه تسؤهم و إن تصبک مصیبه » : اما الحسنه فالغنیمه و العافیه و اما المصیبه فالبلاء و الشده ;

از امام باقر (ع) درباره قول خدا «ان تصبک حسنه . . .» روایت شده است: «حسنة» غنیمت و سلامتی و «مصیبت» بلا و سختی است.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 156 - 9

9 - ابوامامه گوید : « انقطع قبال النبی (صلی الله علیه و آله) فاسترجع فقالوا : مصیبه یا رسول الله ؟ فقال : ما أصاب المؤمن مما یکره فهو مصیبه ;

بند کفش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قطع شد، پس کلمه استرجاع (إنا لله و إنا إليه راجعون) را به زبان آورد؛ اصحاب گفتند: ای رسول خدا! آیا این هم مصیبت است؟ آن حضرت فرمود: هر کراهت و سختی که به مؤمن رسد مصیبت است.».

17- مشرکان هنگام مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 6

6 - نیایش خالصانه شرک پیشگان به درگاه خداوند ، هنگام گرفتاری و مصیبت ها ، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و حقانیت توحید

ربوبی

وإذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه منيباً إليه

روی سخن در این سوره، با مشرکان مکه است و آیه شریفه در مقام بیان یکی از دلایل روشن بر اثبات توحید الهی و پوچی اندیشه شرک است.

ص: 258

18- مصیبت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 25 - 2، 1

1 - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به رویه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن يفعل بها فاقره

«فاقره» به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). «ظنّ» به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه - مطابق نظر بیشتر مفسران - معنای اخیر مراد است.

2- کافران در قیامت ، دچار مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن يفعل بها فاقره

19- مصیبت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 7

7 - مرگ ، مصیبت و حادثه ای سخت و ناگوار .

مصیبه الموت

20- مصیبت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 166 - 1

1 - مصیبت اهل ایمان به هنگام درگیری با کافران در جنگ احد ، با رخصت خداوند

و ما اصابکم يوم التقى الجمعان فباذن الله

21- منشأ رفع مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رهایی انسان از گرفتاری ها و مصیبت ها ، در گرو مشیت خدا و بسته به لطف و رحمت او است .

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مَّا

ص: 259

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 14

14 - « نعمت ها » برخاسته از لطف و رحمت الهی و « مصائب و سختی ها » نتیجه عملکرد خود آدمی است .

وإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مَتًّا رَحْمَةً... وَإِن تَصْبَهُم سَيِّئَةً بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 11 - 1

1 - همه مصیبت های وارده بر انسان ها ، در چارچوب رخصت خداوند است و او مانع فرود آنها نمی شود .

ما أصاب من مصيبة إلا باذن الله

مقصود آیه شریفه، این است که هر حادثه ای برای بشر - که بر اثر علل و اسباب ویژه خود پدید می آید - بیرون از اراده و اذن الهی نیست؛ یعنی، خداوند مانع از تأثیر این عوامل نمی شود.

ص: 260

1- اجابت دعای مضطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 62 - 7

7- اجابت دعای انسان در شرایط اضطرار و حل مشکلات وی، از سوی خداوند، نشانی روشن از یگانگی او و پوچی و بطلان شرک

أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ... وَيَكْشِفُ السُّوءَ... أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ

«أعله مع الله»؛ یعنی، با توجه به این که تنها خداوند در شرایط اضطرار می تواند نجات دهنده انسان ها باشد، آیا مجالی برای روی آوری به غیر خدا هست؟ هرگز!

2- احکام مضطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 196 - 30

30 - ملاک مکی بودن، سکونت در شعاع هجده میلی، از هر سوی مسجد الحرام

لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه مزبور، فرمود: من کان منزله علی ثمانیه عشر میلا من بین یدیها و ثمانیه عشر میلا من خلفها و ثمانیه عشر میلا عن یمینها و ثمانیه عشر میلا عن یسارها فلا متعه له... .

کافی، ج 4، ص 300، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 192، ح 692.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 56

56 - بهره گیری مضطر از مردار، خون، گوشت خوک و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و...، مشروط به آن است که از روی

عمد و قصد گناه نباشد .

فمن اضطر فی مخمسه غیر متجانف لاثم

از امام باقر(ع) در توضیح «غیر متجانف» در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لاثم.

تفسیر قمی، ج 1، ص 162؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 447، ح 1.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 6 - 12

12 - وظیفه مریض، که آب برای او ضرر داشته باشد، تیمم است .

وإن كنتم مرضی . . . فلم تجدوا ماء فتیمموا

جمله «فلم تجدوا ماء» نسبت به مریض به این معناست که آب برای او موجب ضرر شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 115 - 7,8

7- اضطرار و ناگزیری، موجب رفع ممنوعیت از خوردنی های حرام است .

إنما حرّم علیکم المیتة . . . فمن اضطرّ . . . فإن الله غفور رحیم

8- کسی که در راستای سرکشی و ستم، مضطر و ناگزیر به خوردن حرام شده باشد، مشمول احکام مضطر نمی شود .

إنما حرّم علیکم المیتة . . . فمن اضطرّ غیر باغ و لاعاد فإن الله غفور رحیم

3- دعای مضطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 62 - 1

1 - خداوند، اجابت کننده دعای درماندگانی که از تدبیر ناتوانند .

أمن یحیی المضطرّ إذا دعاه

4- رفع تکلیف از مضطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 115 - 14,17

14- رفع حرمت از مضطر، جلوه بخشش و رحمت گسترده الهی است.

إنما حرمّ... فمن اضطرّ... فإن الله غفور رحيم

17- جواز خوردن خوراکی های حرام در حال اضطرار، حکمی است امتنانی از جانب خداوند بر مکلفان.

إنما حرمّ علیکم المیتة... فمن اضطرّ... فإن الله غفور رحيم

ص: 262

برداشت فوق، از تعلیل «فإن الله غفور رحيم» به دست می آید؛ چون غفران و گذشت در جایی قابل تصور است که حقی باشد و حق خدا، ترک محرمات است. پس جواز ترک محرمات، نشان دهنده امتنان و لطف خاص خداوند به بندگان است.

5- شرایط مضطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 115 - 9

9- رفع حرمت از مضطر، مشروط به عدم اقدام وی در به اضطرار کشاندن خویش است.

فمن اضطرّ غیر باغ و لاعاد

«بغی» در اصل به معنای طلب است و «غیر باغ» - به قرینه جملات پیشین -؛ یعنی، «غیر طالب لأضطرار» (در حالی که درصدد به اضطرار کشاندن خود نباشد).

ص: 263

1- آثار مطالعه آثار باستانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 44 - 6

6 - آثار بر جا مانده از تمدن ها و دستاورد های اقوام و ملت های نیرومند پیشین ، قابل بازدید و مطالعه و درس آموز برای مردم عصر بعثت

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا . . . وکانوا أشدّ منهم قوّه

2- آثار مطالعه آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 47 - 4

4 - مطالعه بنای شگفت آسمان ، راهنمای انسان به عظمت قدرت و بی نیازی آفریدگار آن و السّماء بنینها بأیید

3- آثار مطالعه آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 101 - 3،5

3 - دقت نظر و مطالعه در پدیده های آسمان ها و زمین ، مایه تحصیل ایمان و موجب پی بردن به توحید ربوبی است .

قل انظروا ماذا فی السموت و الأرض و ما تغنی الأیت

ص: 264

5- در آسمان ها و زمین ، نشانه های نهفته بسیاری بر توحید ربوبی هست که بشر با جست و جو و مطالعه ، بدان دست خواهد یافت .

قل انظروا ماذا فی السموت و الأرض و ما تغنی الایت

جمله «ماذا فی السماوات و الأرض» استفهامیه است؛ یعنی، چه چیزهایی در آسمانها و زمین هست؟ و اینکه خداوند دستور می دهد روی این سؤال تفکر کنید، معنایش این است که جواب این سؤال را با تفکر و مطالعه پیدا کنید که نتیجه آن رسیدن به توحید ربوبی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 5

5- نگرش دقیق به آفرینش ، راهی برای شناخت آفریدگار عالم است .

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 66 - 5

5- مطالعه در پدیده های نهفته در طبیعت ، هدایت کننده انسان به ربوبیت خدای یگانه

ربکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

از اینکه خداوند برای گرایش دادن انسانها به ربوبیت خویش، آنها را به مواهب طبیعت توجه داده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 45 - 10

10- تأمل در جهان طبیعت ، زمینه ای برای درک ویژگی های حیات موجودات است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کما أنزلنه من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 2

2 - خداوند ، فراخوان انسان ها به شناخت ربوبیت او با مطالعه در پدیده های آفرینش

ألم تر إلی ربک کیف مدّ الظلّ

استفهام در «ألم تر. ..» تقریری و متضمن معنای تشویق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 24 - 11

11 - امکان شناخت و یقین به یگانگی خدا از طریق مطالعه در مظاهر هستی

قال رب السموت والأرض و ما بینهما إن كنتم موقنین

«إن كنتم موقنین»؛ یعنی، اگر شما طالب یقین هستید و بنای رسیدن به شناخت و حق را دارید، کافی است که به حاکمیت

ص: 265

تدبیر و ربوبیت واحد بر نظام آسمان ها و زمین و موجودات میان آنها توجه کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 61 - 11

11 - آگاهی انسان از نظام طبیعت ، زمینه ساز ارتقای وی به بیش توحیدی

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا... وَ جَعَلَ... أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

طرح مسائل مربوط به نظام طبیعت، به انگیزه گشودن راه معرفت به روی انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 6

6 - مطالعه در مراحل آفرینش زمین ، زمینه ساز توجه انسان به یگانگی آفریدگار آن

قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالذِّیْ خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمِیْنٍ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 53 - 8

8 - مطالعه و تدبر در جهان آفرینش (آفاق و انفس) ، زمینه ساز ره یابی انسان به توحید و ربوبیت بی همتای خداوند

سَنُرِيهِمْ ءَايَاتِنَا... أَنَّهُ الْحَقُّ

بنابراین که ضمیر «آته» به «خدا» بازگردد، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 7 - 7

7- مطالعه نظام و کیفیت اداره هستی ، زمینه ساز راهیابی انسان به مرحله یقین

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

از مطرح شدن مسأله یقین، پس از ذکر ربوبیت خداوند بر جهان هستی، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- تشویق انسان از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در نظام طبیعت به انگیزه حق جویی و حق پذیری

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 1 - 5

5- مطالعه طبیعت و نظام هستی ، زمینه خداشناسی و پی بردن به اقتدار و کاردانی آفریدگار جهان

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خبر دادن خداوند از تسبیح موجودات، در حقیقت توجه دادن انسان ها به حقایق نهفته در متن طبیعت است که هر یک با زبان

ص: 266

حال، وجود خدا و صفات کمالی او را نجوا می کنند. گوش فرادادن به این نجوا، زمینه ساز ادراک عزت و حکمت خداوندی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 1 - 11

11 - مطالعه در موجودات هستی، راهنمای انسان به شناخت خدا و عزت و حکمت او

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ... وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 4 - 2,3

2 - بشر هر اندازه که به جهان آفرینش بیشتر بنگرد، بر شگفتی و فروتنی او در برابر عظمت آن افزوده خواهد شد.

ثم ارجع البصر كرتين ينقلب إليك البصر خاسئاً وهو حسير

«خاسیء» به معنای دور شده از مراد و ناکام و «حسیر» به معنای خسته و درمانده است. مقصود آیه شریفه، بیان این حقیقت است که آدمی هر چند بسیار تلاش و فکر کند، به مراد خویش - که پیدا کردن عیب و نقصی در نظام خلقت است - نخواهد رسید؛ بلکه در برابر عظمت آن شگفت زده شده و سر تعظیم فرود خواهد آورد.

3 - تفکر و تأمل مکرر و عمیق تر در آفرینش جهان، موجب آگاهی و شناخت فزون تر و ژرف تر نظم و انسجام آن خواهد شد.

هل ترى من فطور. ثم ارجع البصر كرتين ينقلب إليك البصر خاسئاً وهو حسير

4- آثار مطالعه آیات آفاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 6

6 - مطالعه در مراحل آفرینش زمین، زمینه ساز توجه انسان به یگانگی آفریدگار آن

قل أنتمكم لتكفرون بالذی خلق الأرض فی یومین و تجعلون له أنداداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 53 - 8

8- مطالعه و تدبر در جهان آفرینش (آفاق و انفس) ، زمینه ساز ره یابی انسان به توحید و ربوبیت بی همتای خداوند

سنریمم ءایتنا .. انه الحق

بنابراین که ضمیر «آنه» به «خدا» بازگردد، مطلب بالا قابل برداشت است.

5- آثار مطالعه آیات انفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 267

8 - مطالعه و تدبر در جهان آفرینش (آفاق و انفس) ، زمینه ساز ره یابی انسان به توحید و ربوبیت بی همتای خداوند

سنریهم ءایتنا .. أنه الحق

بنابراین که ضمیر «آته» به «خدا» بازگردد، مطلب بالا قابل برداشت است.

6- آثار مطالعه آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 17 - 13

13- مطالعه آیات الهی ، زمینه ساز نیل به هدایت است .

ذلك من ءایة اللّٰه من یهد اللّٰه فهو المهتد

7- آثار مطالعه اتقان آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 6 - 2

2- تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش ، زیبایی و اتقان بنای آسمان ، زمینه ره جویی به حق

بل كذبوا بالحقّ .. أفلم ينظروا إلى السماء ... و ما لها من فروج

واژه «ینظر»، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

8- آثار مطالعه تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 11 - 11 ، 5

5 - نقش ارزنده مطالعه در تاریخ امتهای و آثار پیشینیان و عبرت گرفتن از آن در تربیت و هدایت انسان

قل سیروا فی الأرض ثم انظروا کیف كان عقبه المکذبین

بنابراین که مراد از سیر در زمین، مطالعه و سیر در تاریخ امتهای باشد.

11 - تحلیل و بررسی تاریخ گذشتگان و اندیشیدن در آن، سازنده و دارای نقش تربیتی است.

انظروا کیف کان عقبه المکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 6

ص: 268

6 - مطالعه سرنوشت پیشینیان ، تأثیری بسزا در پندگیری انسان دارد .

إذ جعلكم خلفاء من بعد عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 36 - 13

13- مطالعه تاریخ ، وسیله عبرت و درس آموزی است .

فسيروا في الأرض فانظروا كيف كان عقبه المكذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 98 - 6

6- بررسی تاریخ و پیدایش و زوال تمدن ها ، منبعی برای شناخت و عبرت آموزی و درک حقایق قرآن

فإنما يسرناه .. لتنذر به ... و كم أهلكننا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 69 - 3

3 - مطالعه تاریخ و سرگذشت جوامع بشری ، از زمینه های شناخت و کسب بینش درست

قل سيروا في الأرض فانظروا كيف كان عقبه المجرمين

دعوت به سیر و سیاحت در زمین (سیروا فی الأرض) و نگرش عمیق در احوال و آثار پیشینیان (فانظروا..). بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 6 - 5

5 - استفاده قرآن کریم از تحولات و حوادث مهم ، به منظور جلب نظر مردم به سوی خداوند

غلبت الروم .. لله الأمر من قبل ... بنصر الله ينصر من يشاء ... وعد الله لا يخ

پرداختن به حادثه ای تاریخی، مانند جنگ رومیان و ایرانیان - که خارج از قلمرو حیات جمعی مسلمانان بوده - اگر چه می تواند به خاطر نگرانی مؤمنان عصر بعثت از شکست معتقدان به کتاب آسمانی (رومیان) باشد، اما تأکید بر خدایی بودن حوادث در آن ماجرا (لله الأمر).

.. و بنصر الله... مشعر به نکته بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 4,5

4 - مطالعه تاریخ و سرنوشت پیشینیان ، راهنمای آدمی به هدف داری جهان است .

أولم يتفكروا .. ما خلق الله ... إلا بالحقّ ... أولم يسيروا في الأرض فين

5 - تاریخ ، از منابع شناخت است .

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين من قبلهم

ص: 269

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 47 - 11

11 - توجّه دادن به حوادث تلخ و شیرین گذشته تاریخ، عامل تقویت روحیه مؤمنان است.

و لقد أرسلنا... رسلاً... فانتقمنا من الذين أجرموا و كان حقاً علينا نصر المؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 10 - 3

3- مطالعه تاریخ و فرجام ملت ها، دارای نقش در جهان بینی و گرایش به ایمان

أفلم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين من قبلهم

واژه «ینظروا» به معنای نگریستن برای بینش یافتن است؛ بینشی کلی در رابطه با هستی که جهان بینی انسان را تشکیل می دهد.

9- آثار مطالعه تاریخ انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 31 - 7

7 - تفکر در تاریخ پیامبران و صبر و پایداری آنان در برابر دشمنانشان، نیروبخش و تقویت کننده روح مقاومت است.

و كذلك جعلنا لكل نبيّ عدوًّا من المجرمين و كفى برّك هاديًّا و نصيرًا

10- آثار مطالعه تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 17 - 17

17- درخواست بصیرت از خداوند، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است.

أفمن كان على بينة... فلاتك في مريه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله «فلاتک فی مریه منه» (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان

حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

ص: 270

11- آثار مطالعه خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 6 - 2

2- تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش، زیبایی و اتقان بنای آسمان، زمینه ره جویی به حق

بل کذبوا بالحقّ... أفلم ينظروا إلى السماء... و ما لها من فوج

واژه «ینظر»، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

12- آثار مطالعه در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 20

20 - برانگیختن مردم به مطالعه در طبیعت و آفرینش آن، راهی برای گرایش دادن آنان به توحید

الذی جعل لکم الأرض فرشاً... فلا تجعلوا لله أنداداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 19

19- دقت در موجودات هستی و نظام آنها، در پی دارنده باور به قیامت است.

الله الذی رفع السموت... یفصل الآت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

برداشت فوق، ناظر به این معناست که مراد از «الآیات» آیات تکوینی از قبیل برافراشته شدن آسمانها و... باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 4 - 6

6 - مطالعه و تحقیق در نظام حیات، راهی برای دستیابی انسان به یقین در خداشناسی

و فی خلقکم... لقوم یوقنون

از آیه شریفه استفاده می شود که از متن نظام طبیعت می توان به یقین دست یافت.

13- آثار مطالعه در خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 13 - 3

3 - مطالعه در ویژگی های خورشید و فواید آن برای انسان ، زمینه سازی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا

ص: 271

14- آثار مطالعه در موجودات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 9

9- با مطالعه ژرف موجودات مادی، می توان انقیاد و تذلل آنها را در برابر خداوند به دست آورد.

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظله عن اليمين و الشمال سجداً لله و

15- آثار مطالعه رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 30

30 - مطالعه در چگونگی رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده، زایل کننده هر گونه شک و تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر احیای دوباره مردگان

يأيتها الناس إن كنتم في ريب من البعث... و ترى الأرض هامده... من كل زوج بهيج

16- آثار مطالعه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 48 - 3

3 - مطالعه در گسترده گی سطح زمین و آرامش آن، راهگشای انسان به تدبیر بهینه خدای جهان

و الأرض فرسناها فنعم المهدون

تعبیر «فنعم الماهدون»، انسان را به این حقیقت توجه می دهد که در تدبیر بهینه خداوند، بیندیشد و نمود این تدبیر عالی را در گسترده گی سطح زمین و آرامش آن، مطالعه کند.

17- آثار مطالعه زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 18

18- در زندگی زنبور های عسل، نشانه ای مهم بر خداشناسی برای اهل تفکر و اندیشه وجود دارد.

وأوحى ربك إلى النحل . . . إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون

ص: 272

18- آثار مطالعه زیبایی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 6 - 2

2- تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش، زیبایی و اتقان بنای آسمان، زمینه ره جویی به حق

بل کذبوا بالحقّ .. أفلم ينظروا إلى السماء ... و ما لها من فروع

واژه «ینظر»، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

19- آثار مطالعه سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 44 - 3

3- سیر در سرزمین ها و مطالعه در سرگذشت پیشینیان، مایه عبرت و درس آموز است.

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

20- آثار مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 57 - 12

12 - مطالعه عوامل طبیعی در حیاتبخشی به گیاهان، موجب پذیرش معاد و پی بردن به قدرت خداوند است.

هو الذی یرسل الريح .. فاخرجنا به من کل الثمرت کذلک نخرج الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 13

13 - مطالعه جهان طبیعت، زمینه پرورش روح توحیدی و درکی ژرف از صفات خداوند است.

فانظر إلی ءاثر رحمت اللّٰه .. و هو علی کلّ شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- مطالعه و تفکر در مظاهر هستی به منظور پی بردن به یک تایی آفریدگار جهان ، امری لازم است .

خلق السموت . . . و ألقى في الأرض . . . بثّ فيها من كلّ دابّة . . . وأنزلنا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه در اسرار طبیعت ، به منظور شناخت آفریدگار

ألم تر أن الله يولج الليل . . . وسخر الشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 33 - 8

8 - مطالعه قوانین طبیعت ، زمینه ساز ره بردن انسان به قدرت الهی است .

و من آياته الجوار . . . إن في ذلك لآيت لكل صبار شكور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 20 - 4, 3

3 - مطالعه مظاهر طبیعت در زمین ، از راه های تحکیم مبانی توحید و خداشناسی

و في الأرض آيات للموقنين

برداشت یاد شده در صورتی است که «موقنین» نظر به کسانی داشته باشد که بالفعل، دارای یقین به خدا و توحیداند. در نتیجه مطالعه آیات تکوینی خداوند در زمین، وسیله ای برای تحکیم پایه های معرفت و یقین آنان خواهد بود.

4 - حقانیت معاد ، دارای نشانه هایی در زمین و پهنه طبیعت *

و في الأرض آيات للموقنين

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در رابطه با معاد و حیات اخروی بود - احتمال می رود که کلمه «آیات»، اشاره به نشانه های امکان معاد و حقانیت آن داشته باشد.

21- آثار مطالعه قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 31

31- مطالعه سرگذشت یوسف (ع) ، زمینه باور و توجه به ربوبیت خدا و علم و حکمت اوست .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

22- آثار مطالعه مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 6

6 - مطالعه در مراحل آفرینش زمین ، زمینه ساز توجه انسان به یگانگی آفریدگار آن

قل أنتم لتكفرون بالذی خلق الأرض فی یومین و تجعلون له أنداداً

ص: 274

23- آثار مطالعه موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 4,21

4- خداوند ، فراخوان مشرکان به مطالعه درباره مسخر بودن موجودات و نعمت های فراوان خدادادی جهت راه یافتن به توحید

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه. .. ألم تروا أنّ الله سخر لكم ما

21- دقت در مسخر بودن موجودات عالم و نیز نعمت های فراوان الهی ، مایه برچیده شدن جدال های جاهلانه درباره خدا است .

ألم تروا أنّ الله سخر لكم . . . وأسبغ عليكم نعمه... و من الناس من يجدل في الل

24- آثار مطالعه نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 4,21

4- خداوند ، فراخوان مشرکان به مطالعه درباره مسخر بودن موجودات و نعمت های فراوان خدادادی جهت راه یافتن به توحید

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه. .. ألم تروا أنّ الله سخر لكم ما

21- دقت در مسخر بودن موجودات عالم و نیز نعمت های فراوان الهی ، مایه برچیده شدن جدال های جاهلانه درباره خدا است .

ألم تروا أنّ الله سخر لكم . . . وأسبغ عليكم نعمه... و من الناس من يجدل في الل

25- اهمیت مطالعه آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 7

7- آفرینش آسمان ها و زمین و سیر تحولات آنها و نیز پیدایش حیات از آب ، از نشانه های توحید ربوبی و یگانگی خداوند

أولم ير . . . السموت ... وجعلنا من الماء كلّ شيء حيّ أفلا يؤمنون

برداشت یاد شده از این جا است که آیات شریفه، در مقام اثبات ربوبیت یگانه خدا و تشویق به ایمان به این ربوبیت است؛ و گرنه مشرکان - که مخاطبان این آیات هستند - منکر خالقیت خدا نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 101 - 1

1 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دستور یافت ، مردم را به مطالعه و تفکر در پدیده های آسمان ها و زمین فراخواند .

قل انظروا ماذا فی السموت و الأرض

ص: 275

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 6,4

4- انسان ها با مشاهده پدیده های مادی و تحولاتشان ، باید به مطالعه عمیق درباره آنها بپردازند .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظلاله عن اليمين و الشمال

همزه «ألم يروا» توییخی بوده و «رأى» به معنای دیدن است. اینکه خداوند مردم را به خاطر ندیدن اشیای مادی مورد سرزنش قرار می دهد؛ بی شک ندیدن و نگاه نکردن به آنها نیست؛ چه اینکه مردم اشیای مادی را می بینند. بنابراین سرزنش آنان باید به خاطر ژرف اندیشی نکردن درباره آنها باشد.

6- مشرکان به خاطر ژرف اندیشی نکردن در پدیده های مادی ، مورد سرزنش خداوند قرار گرفتند .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظلاله عن اليمين و الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 12

12 - مطالعه در مظاهر طبیعت و نظام تکوین ، از راه های دستیابی به جهان بینی صحیح

أمن خلق السموت و الأرض . . أعله مع الله

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند برای رهنمون ساختن انسان به سوی توحید، زمینه های تکوینی و آیات آفاقی خود را به او یادآوری کرده است.

26- اهمیت مطالعه آیات انفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 21 - 2

2 - آیات الهی در وجود انسان ، دارای اهمیتی ویژه و شایان مطالعه عمیق

وفی الأرض آیت . . . وفی أنفسکم أفلا تبصرون

از اختصاص به ذکر یافتن «أنفسکم» در قبال همه مظاهر هستی، اهمیت آن و از تعبیر «أفلا تبصرون» لزوم مطالعه ژرف برداشت می شود.

27- اهمیت مطالعه تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 11 - 9

9- لزوم نگرش عبرت آموز و توجه به سرانجام شوم تکذیب پیامبران و رسالت داران الهی

ثم انظروا كيف كان عقبه المكذبين

ص: 276

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 86 - 15، 12،

12 - شعيب ، مردم خویش را به مطالعه و بررسی فرجام شوم فسادگران تاریخ فراخواند .

و أنظروا كيف كان عقبه المفسدين

15 - لزوم بررسی و تحلیل فرجام شوم و عبرت آموز فسادگران تاریخ

و أنظروا كيف كان عقبه المفسدين

16 - ترغیب مردم به عبرت گرفتن از فرجام شوم فسادگران تاریخ ، از وظایف مبلغان دین

قال . . . و أنظروا كيف كان عقبه المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 109 - 12

12- لزوم مطالعه تاریخ پیشینیان و عبرت آموزی از فرجام آنان

أفلم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 6 - 7

7- لزوم مطالعه تاریخ پیشینیان برای پندگیری و عبرت آموزی

وقد خلت من قبلهم المثلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 76 - 3

3- مطالعه در آثار گذشتگان و تمدن های پیشین و شناخت آنها (باستان شناسی) ، به منظور درس آموزی و خداشناسی ، امری

شایسته و بایسته

فأخذتهم الصيحة . . . فجعلنا عليها سافلها . . . إن في ذلك لآيت . . . و إنما لبسبيل م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 128 - 9

9- لزوم تحقیق و مطالعه در آثار عبرت آموز به جای مانده از امت های گذشته و ریشه یابی عوامل هلاکت آنان

کم أهلكنا .. إنَّ فی ذلک لآیت

مقتضای آیت بودن تاریخ گذشتگان و آثار آنان، قابلیت آن برای رهنمون شدن انسان به هدایت ها و درس های مهم و ارزنده است.

28- اهمیت مطالعه تاریخ انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 277

6- حاملان رسالت الهی، برای موفقیت در انجام رسالت خویش، باید به تاریخ انبیا و درس‌ها و تجربیات آن توجه کامل داشته باشند.

و ما یأتیهم من رسول إلا کانوا به یستهزءون

29- اهمیت مطالعه در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 1

1 - لزوم تحقیق و مطالعه درباره آفریده‌های خداوند

أفلا ینظرون

همزه استفهام در این آیه، برای توییح است؛ بنابراین مفاد آیه شریفه، لزوم دقت نظر در کیفیت خلقت شتر و... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 20 - 3

3- آفرینش شتر، برافراشتن آسمان، استوارسازی کوه‌ها و هموار ساختن زمین، دارای منافع درخور توجه برای انسان‌ها است.

أفلا ینظرون إلی... و إلی الأرض کیف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان‌ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

30- اهمیت مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 1 - 3

3- مظاهر طبیعت، ارزشمند، درس آموز و شایان مطالعه و تأمل

و الذریت ذرؤا

قسم، معمولاً به شیء ارزشمند تعلق می‌گیرد و از آن جا که همه اشیا در برابر ذات حق یکسان اند، این ارجمندی در مقایسه با نیازها و زندگی آدمی خواهد بود. گفتنی است که سوگند، انسان را به تأمل درباره متعلقات قسم فرا می‌خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 3

3 - مظاهر طبیعت ، شایان تأمل و درس آموزی است .

و النجم إذا هوی

ص: 278

سوگند به ستارگان، در حقیقت سوگند به مظهري از مظاهر طبيعت است که در ظهور و افول خویش برای انسان درس و پیام دارد.

31- اهمیت مطالعه عقیده اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 23 - 13

13 - آثار فکری و اعتقادی پیشینیان، سزاوار تحقیق و بازنگری است؛ و نه سزاوار پیروی و تقلید.

علی‌آثرهم مقتدون

از لحن انتقادی آیه شریفه نسبت به پیروی از آثار نیاکان، برداشت بالا استفاده می‌شود.

32- اهمیت مطالعه فرجام امت‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 17 - 4

4 - خداوند، ترغیب‌کننده مردم به مطالعه و بررسی فرجام لشکرهای قدرتمند پیشین

هل أتیک حدیث الجنود

استفهام در «هل أتاک»، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است؛ خطاب در آیه شریفه گرچه متوجه شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ ولی به قرینه سیاق آیات، تمام کسانی که در حیطه رسالت آن حضرت قرار دارند نیز مورد نظر است. در این موارد اختصاص خطاب، برخاسته از عظمت مخاطب و یا عهده دار بودن رهبری جامعه و نظایر آن است.

33- تشویق به مطالعه آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 1

1 - تشویق و ترغیب خداوند به مطالعه و دقت نظر در مظاهر طبیعت؛ چون نزول باران و چگونگی پیدایش انواع میوه‌ها

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرات مختلفاً ألوانها

«ثمره» (مفرد «ثمرات») به معنای میوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- تشویق انسان از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در نظام طبیعت به انگیزه حق جویی و حق پذیری

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ

ص: 279

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 3 - 6

6 - تشویق و ترغیب خداوند ، به نگاه ژرف در مبدأ پیدایش جهان و نظم و هماهنگی میان آنها

ما تری فی خلق الرحمن من تقوت ثم ارجع البصر هل تری من فطور

34- تشویق به مطالعه تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 11 - 2

2 - برانگیختن مردم به بررسی و مطالعه تاریخ امتهای پیشین و پندگیری از آن، وظیفه مبلغان دین

قل سیروا فی الأرض ثم انظروا

فعل امر «قل» خطاب به پیامبر(صلی الله علیه و آله) است که آن حضرت را موظف به ترغیب مردم به بررسی و مطالعه در تاریخ کرده است. این وظیفه، از نظر ملاک، اختصاصی به پیامبر(صلی الله علیه و آله) ندارد، بلکه وظیفه ای همگانی، مخصوصاً برای مبلغان دین، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 10

10- آگاه شدن از تاریخ امت ها و تمدن ها و درس آموختن از آن ، امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند

أفلا یرون أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

ماده «رؤیت» هرگاه به دو مفعول متعدی شود، به معنای «علم» خواهد بود (لسان العرب) و در این آیه به همین معنا به کار رفته است؛ زیرا جمله «أنا نأتی...» به تأویل مصدر رفته و جانشین دو مفعول شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 5 - 9

9- تشویق و ترغیب مردم از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در سرنوشت هلاکت بار جوامع کفرپیشه گذشته

ألم یأتکم نبؤا الذین کفروا من قبل . . . لهم عذاب ألیم

استفهام در «ألم یأتکم..»، ضمن آن که برای تقریر مسأله است، برای تشویق و ترغیب نیز می باشد.

35- تشویق به مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 36 - 4

4- ترغیب خداوند ، به مطالعه درباره آفرینش انسان و هدف و فلسفه زندگی او

ص: 280

أیحسب الإنسان أن یترک سدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 1 - 3

3 - ترغیب خداوند ، به مطالعه در مبدأ پیدایش انسان و نعمت وجود او در جهان هستی

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً

آغاز شدن سوره با طرح مسأله پیدایش انسان در برهه ای از زمان، می تواند به منظور جلب توجه انسان ها، به این مسأله و ترغیب آنان به مطالعه درباره آن باشد.

36- تشویق به مطالعه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 25 - 2

2 - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره زمین و چگونگی آفرینش آن برای انسان ها

ألم نجعل الأرض کفأاً

37- تشویق به مطالعه قصه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 8 - 3

3 - ترغیب خداوند ، به مطالعه سرگذشت تکذیب گرانی همچون قوم عاد و ثمود و درس آموزی از آن

فهل ترى لهم من باقیه

مطلب یاد شده، از تعبیر «فهل ترى» استفاده می شود.

38- تشویق به مطالعه قصه قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 8 - 3

3- ترغیب خداوند ، به مطالعه سرگذشت تکذیب گرانی همچون قوم عاد و ثمود و درس آموزی از آن

فهل تری لهم من باقیه

مطلب یاد شده، از تعبیر «فهل تری» استفاده می شود.

ص: 281

39- تشویق به مطالعه قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 21 - 1

1- تشویق پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی خداوند ، به مطالعه در ماجرای گروه متخاصم و شاکی در نزد داوود (ع)

و هل أتیک نبؤا الخصم

استفهام در «هل أتاک..» برای تحریض و تشویق مخاطب است.

40- دعوت به مطالعه آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 2

2- دعوت خداوند از مردم برای مطالعه عمیق در آفرینش جهت پی بردن به هدفمندی آن

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 1,2,3

1- دعوت خداوند از انسان ها برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أولم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیؤا ظلله عن الیمین و الشمال

برداشت فوق مبتنی بر نکات زیر است : 1. فعل «رأی» هرگاه به «إلی» وصل شود، متضمن معنای «نظر» است و «نظر» در لغت به معنای تأمل در چیزی با نگاه است. 2- مرجع ضمیر «یروا» در آیه، احتمال دارد «ناس» باشد. 3- همزه استفهام، انکاری توییحی است و نتیجه آن دعوت به مطالعه است.

2- دعوت خداوند از مشرکان ، برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أولم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیؤا ظلله

مرجع ضمیر «یروا» در این برداشت «مشرکان» می باشد که در آیات قبل از آنان سخن به میان آمده است.

3- دعوت خداوند ، برای مطالعه و دقت در حرکات و آثار منظومه شمسی

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظله عن اليمين و الشمال

دعوت برای ژرف نگری در سایه های پدیده های مادی، می تواند اشعار به مطالعه در منظومه شمسی باشد؛ چه اینکه گردش سایه اجسام، معلول خود آنها نیست؛ بلکه حاصل طلوع و غروب و گردش منظومه شمسی است.

ص: 282

41- دعوت به مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 37 - 4

4- فراخواندن خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و مراحل تکوین انسان

ألم یک نطفه من منی یمنی

42- دعوت به مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 20 - 4

4- فراخوانی به مطالعه طبیعت ، برای پی بردن به قدرت خداوند ، و در نتیجه ، رفع تردید در امکان معاد ، روش هدایتی قرآن است .

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

43- دعوت به مطالعه گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 48 - 2، 1

1- دعوت خداوند از انسان ها برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أولم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیؤا ظلله عن الیمین و الشمال

برداشت فوق مبتنی بر نکات زیر است : 1. فعل «رأی» هرگاه به «إلی» وصل شود، متضمن معنای «نظر» است و «نظر» در لغت به معنای تأمل در چیزی با نگاه است. 2- مرجع ضمیر «یروا» در آیه، احتمال دارد «ناس» باشد. 3- همزه استفهام، انکاری توییخی است و نتیجه آن دعوت به مطالعه است.

2- دعوت خداوند از مشرکان ، برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أولم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیؤا ظلله

مرجع ضمیر «یروا» در این برداشت «مشرکان» می باشد که در آیات قبل از آنان سخن به میان آمده است.

44- سرزنش ترک مطالعه تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 2

2 - کاوش نکردن در سرگذشت امت های گذشته و عبرت نگرفتن از آنها ، مورد توبیخ خداوند است .

ص: 283

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين من قبلهم

45- سرزنش عدم مطالعه تاريخ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 21 - 4

4 - کاوش نکردن در سرگذشت امت های گذشته و عبرت نگرفتن از آن ، مورد سرزنش خداوند

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين كانوا من قبلهم

استفهام در «أولم يسيروا...» برای توبيخ می باشد.

46- مطالعه آثار باستانی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - حج - 22 - 46 - 3

3 - مطالعه در سرگذشت جوامع بی دادگر و کفرپیشه تاريخ و مشاهده شهر ها و سرزمین های ویران شده آنها (شهرهایی که با عذاب قهر الهی زیرو رو شدند) بستری مناسب برای عبرت گرفتن و زمینه ای کارساز برای بیداری دل ها

أفلم يسيروا في الأرض فتكون... ولكن تعمى القلوب التي في الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 21 - 1

1 - جهان گردی و سیر در زمین ، به منظور تفکر و نظاره کردن در سرگذشت پیشینیان و آثار به جامانده از تمدن و قدرت آنان ، مورد تشویق خداوند

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين كانوا من قبلهم

47- مطالعه آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - ذاریات - 51 - 7 - 4

4 - آفرینش آسمان پرستاره و استوار ، امری مهم و شایان مطالعه و تأمل

سوگند، معمولاً به چیزهای ارزشمند و بزرگ تعلق می‌گیرد و انسان را به تأمل در متعلقات آن فرا می‌خواند.

48- مطالعه آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 79 - 1

1- لزوم اندیشیدن انسان ها در کیفیت پرواز پرندگان در جو آسمان و قوانین حاکم بر آن

ألم یروا إلی الطیر مسخّرت فی جوّ السّماء

«رؤیت» که به معنای دیدن با چشم است، هر گاه با «إلی» متعدی شود، متضمن معنای نظر و دقت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 16

16 - مطالعه کتاب آفرینش ، از راه های خدا شناسی است .

قل أنّکم لتکفرون بالذی خلق .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 18 - 7

7 - مطالعه در آفرینش و رویش مداوم نباتات ، راهبر انسان ها به مسأله معاد و آسان کننده درک و ایمان به آن است .

والله أنبتکم من الأرض نباتاً .. ویخرجکم إخراجاً

49- مطالعه آیات آفاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 6

6 - تشویق خداوند به دقت نظر در افق های آسمان و زمین ، جهت آگاهی یافتن از قدرت خدا بر تجدید حیات مردگان

رجل ینبتکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم لفی خلق جدید .. أفلم یروا إلی ما بین أید

«أفلم یروا» تشویق و تحریک بر اندیشیدن در آسمان ها و زمین است و این که انسان ها در احاطه آنها هستند و هیچ راه گریزی از آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 9

9 - مطالعه درباره طبیعت ، از راه های خداشناسی

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. الأنعم مختلف ألونه كذلك إنّما ينخشی الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 285

10 - مطالعه آفاقی ، روشی کارآمد در جهت گرایش به توحید

و من ءایته الیل و النهار . . . و اسجدوا لله

50- مطالعه ابر های باران زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 2 - 2

2 - شکل گیری ابر ها با توده های عظیم ذرات آب ، امری مهم و شایان مطالعه

فالحملت وقرًا

سوگند الهی به نظام شکل گیری ابرها و حمل توده های عظیم ذرات آب به وسیله آنها، نشان از اهمیت آن دارد و انسان را به مطالعه و تأمل در آن فرا می خواند.

51- مطالعه اتقان آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 6 - 1

1- نكوهش كافران از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن در عظمت ، زیبایی و اتقان نظام آسمان

أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم . . . و ما لها من فوج

52- مطالعه استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 19 - 2، 1

1 - خداوند ، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

وإلى الجبال كيف نصبت

«نصب» به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقایس اللغه)

2- تحقیق و تدبیر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

وإلى الجبال كيف نصبت

ص: 286

53- مطالعه باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 1

1 - تشویق و ترغیب خداوند به مطالعه و دقت نظر در مظاهر طبیعت ; چون نزول باران و چگونگی پیدایش انواع میوه ها

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرات مختلفاً ألونها

«ثمره» (مفرد «ثمرات») به معنای میوه است.

54- مطالعه بارش باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 2

2 - ضرورت ژرف اندیشی در آثار بارش باران

فتری الودق يخرج من خلله .. فانظر إلى ءاثر رحمت الله

مراد از «رحمت» در آیه، به قرینه آیات سابق که درباره کیفیت پیدایش و بارش نزولات آسمانی بود، باران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 11

11 - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه و نگاه عمیق به مبدأ نزول باران و چگونگی رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن

آنها

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. ثمّ يخرج به زرعاً ... ثمّ يجعله حطماً

55- مطالعه پرواز پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 79 - 1،2

1- لزوم اندیشیدن انسان ها در کیفیت پرواز پرندگان در جو آسمان و قوانین حاکم بر آن

ألم يروا إلى الطير مسخّرت في جوّ السّماء

«رؤیت» که به معنای دیدن با چشم است، هر گاه با «إلی» متعدی شود، متضمن معنای نظر و دقت می شود.

2- دقت و اندیشه در کیفیت پرواز پرندگان ، از راه های خداشناسی

ألم يروا إلى الطير مسخّرت في جوّ السّماء ما يمسكهنّ إلاّ الله

ص: 287

56- مطالعه تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 135 - 5

5- گذشت زمان و مشاهده فرجام مؤمنان و کافران ، تنها راه کشف حقایق برای برخی از کفرپیشگان است .

قل کلّ متربّص فتربّصوا فستعلمون

فرمان به «انتظار» نشانگر از آن دارد که دیگر امیدی به تنبّه یافتن مخاطبان نیست و تنها گذشت زمان، می تواند حقیقت را برای آنان آشکار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 3

3 - مطالعه در سرگذشت جوامع بی دادگر و کفرپیشه تاریخ و مشاهده شهرها و سرزمین های ویران شده آنها (شهرهایی که با عذاب قهر الهی زیرو رو شدند) بستری مناسب برای عبرت گرفتن و زمینه ای کارساز برای بیداری دل ها

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون . . . و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

57- مطالعه تاریخ اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 42 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به تشویق مردم برای سیر و سفر در زمین ، جهت مطالعه در سرگذشت پیشینیان

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عقبه الذین من قبل

58- مطالعه تاریخ فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 40 - 5

5 - لزوم مطالعه در سرگذشت فرعونیان و فرجام شوم آنان

فأخذنه . . . فانظر کیف کان عقبه الظلمین

59- مطالعه تاريخ مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 109 - 4

ص: 288

4- مطالعه در تاریخ اقوام مشرک و توجه به فرجام شوم آنان ، راهی برای پی بردن به بطلان شرک و نبود توان و نیرو در معبود های ساختگی است .

فلاتک فی مریه مما یعبد هؤلاء

60- مطالعه تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 49 - 10

10 - نگرش از سر تعقل و اندیشه به تحولات طبیعت و پدیده های آن ، شرط ره یافت به ربوبیت خداوند

ألم تر إلی ربک کیف مدّ الظلّ . . . جعل لکم الیل . . . أرسل الريح . . . أنزلنا من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 27 - 10

10 - دعوت خداوند به بصیرت و دقت نظر در تحولات طبیعی ، به منظور پی بردن به گرداننده و ایجادکننده آنها است .

أولم یروا أنا نسوق الماء . . . فنخرج به زرعاً . . . أفلا یبصرون

61- مطالعه تقسیم باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 4 - 3

3 - کیفیت رانش ابر ها به وسیله باد ها ، ریزش باران و برخورداری قسمت های مختلف زمین از آن ، دارای اهمیت و شایان مطالعه

فالمقسّمت أمراً

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که مراد از «مقسّ مات» بادها باشند که بارانند ابرها و ریزش تدریجی باران، ذخیره های حیاتی آب را بر سرزمین های پست و بلند و دور و نزدیک تقسیم می کنند.

62- مطالعه تنوع گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 11

11 - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه و نگاه عمیق به مبدأ نزول باران و چگونگی رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها

ص: 289

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. ثم يخرجه زرعا ... ثم يجعله حطما

63- مطالعه تنوع میوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 1

1 - تشویق و ترغیب خداوند به مطالعه و دقت نظر در مظاهر طبیعت ; چون نزول باران و چگونگی پیدایش انواع میوه ها

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرات مختلفا ألونها

«ثمره» (مفرد «ثمرات») به معنای میوه است.

64- مطالعه تولید مواد غذایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 24 - 1

1 - نگاه به خوراکی ها و توجه به روند تولید و مصرف آن ، امری ضروری و برانگیزنده انسان به انجام دادن فرمان های خداوند

فلينظر الإنسان إلى طعامه

فرمان به دقت در طعام، با حرف «فاء» بر آیه قبل تفریع شده است تا این نکته را برساند که این اندیشه، انسان را به انجام دادن اوامر الهی وادار می کند. وجود کلمه «الإنسان» در آیات قبل، گرچه از تکرار آن بی نیاز می کرد و اکتفا به ضمیر آن ممکن بود؛ ولی بار دیگر به این لفظ تصریح شد تا بیانگر تفاوت مصداق انسان در دو آیه باشد. در آیه قبل مراد کافران بود و این آیه به همه انسان ها نظر دارد.

65- مطالعه حرکت ابرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 4 - 3

3 - کیفیت رانش ابرها به وسیله بادها ، ریزش باران و برخورداری قسمت های مختلف زمین از آن ، دارای اهمیت و شایان مطالعه

فالمقسّمت أمرا

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که مراد از «مقسّمت» بادهای باشند که باراندن ابرها و ریزش تدریجی باران، ذخیره های حیاتی آب را بر سرزمین های پست و بلند و دور و نزدیک تقسیم می کنند.

66- مطالعه حرکت ابرهای باردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 3 - 3

3 - حرکت نرم توده های سنگین بار ابر در فضا با وزش باد ها ، امری الهی و شایان تأمل

فالحملت وقرآ . فالحجريت يسراً

در صورتی که «جاریات» وصف ابرها باشد، از ملاحظه «وقراً» (سنگین باری ابرها) و «یسراً» (حرکت نرم ابرها علی رغم سنگین باری آنها)، مطلب بالا استفاده می شود.

67- مطالعه حرکت اجرام آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 79 - 3

3- تفکر در حرکت منظم و رام شده اجرام آسمانی ، از راه های خداشناسی *

الم يروا إلى الطير . . ما يمسكهنّ إلاّ الله

ممکن است منظور از «طیر» تنها پرندگان نباشد؛ بلکه شامل همه اجسام شناور در فضا نیز باشد.

68- مطالعه حرکت منظومه شمسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 3

3- دعوت خداوند ، برای مطالعه و دقت در حرکات و آثار منظومه شمسی

أو لم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظله عن اليمين و الشمال

دعوت برای ژرف نگری در سایه های پدیده های مادی، می تواند إشعار به مطالعه در منظومه شمسی باشد؛ چه اینکه گردش سایه اجسام، معلول خود آنها نیست؛ بلکه حاصل طلوع و غروب و گردش منظومه شمسی است.

69- مطالعه خشکیدن گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - خداوند، فراخوان انسان ها به مطالعه و نگاه عمیق به مبدأ نزول باران و چگونگی رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء . . . ثم يخرج به زرعاً . . . ثم يجعله حطماً

ص: 291

70- مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 9

9- پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است.

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

«إِذَا»ی فجاییه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 46 - 2

2- پیدایش زوجین (نر و ماده)، از آبی اندک (نطفه)، شایان تأمل و درس آموزی

وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ . مِنْ نَظْفَةٍ

«نطفه» در اصل به آب اندکی گفته می شود که ته ظرف باقی مانده باشد (قاموس المحيط).

71- مطالعه خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 25 - 2

2- تشویق خداوند، به مطالعه درباره زمین و چگونگی آفرینش آن برای انسان ها

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا

72- مطالعه در تفاوت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 21 - 1

1- خداوند، فراخوان آدمیان برای تأمل و درس آموزی از تفاوت رتبه دنیوی انسانها

انظر كيف فضّلنا بعضهم على بعض

73- مطالعه در خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 292

10 - اسراء - 17 - 99 - 2

2- تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش آسمان ها و زمین ، جهت درک تحقق معاد

أولم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

74- مطالعه در خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 2

2- تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش آسمان ها و زمین ، جهت درک تحقق معاد

أولم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

75- مطالعه در سرنوشت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 39 - 13

13 - مطالعه در سرگذشت بیدادگران تاریخ و فرجام شوم آنان ، امری ضروری و مایه عبرت است .

فانظر کیف کان عقبه الظلمین

76- مطالعه در موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 1 - 8

8 - مطالعه در پدیده های هستی ، راهنمای انسان به معرفت و شناخت خداوند

یسبّح لله ما فی السموت و ما فی الأرض

77- مطالعه رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 1

1 - رویش گیاهان مختلف از زمین ، شایان تأمل و درس آموزی

أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها

ص: 293

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 11

11 - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه و نگاه عمیق به مبدأ نزول باران و چگونگی رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. ثم يخرج به زرعاً ... ثم يجعله حطماً

78- مطالعه زیبایی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 6 - 1

1- نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن در عظمت ، زیبایی و اتقان نظام آسمان

أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم .. و ما لها من فروع

79- مطالعه سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 89 - 10

10- لزوم دقت در سرنوشت پیشینیان و دریافت علل هلاکت آنان ، به منظور درس آموزی و عبرت گیری

مثل ما أصاب قوم نوح .. و ما قوم لوط منكم ببعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 109 - 12

12- لزوم مطالعه تاریخ پیشینیان و عبرت آموزی از فرجام آنان

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 31 - 5

5- لزوم مطالعه و کنکاش در سرنوشت اقوام عذاب شده و به هلاکت رسیده تاریخ

ألم يروا كم أهلكننا قبلهم من القرون أنهم إلیهم لا يرجعون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد تشویق مردم به مطالعه و دقت در سرنوشت اقوام عذاب شده پیشین و عبرت گرفتن و درس آموختن از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 294

1 - تشویق جهان گردی و سیر در زمین از سوی خدا ، به منظور تفکر و نظاره کردن در سرگذشت پیشینیان و آثار به جای مانده از تمدن و قدرت آنان

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

80- مطالعه سرزشت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 3

3 - مطالعه در سرگذشت جوامع بی دادگر و کفرپیشه تاریخ و مشاهده شهرها و سرزمین های ویران شده آنها (شهرهایی که با عذاب قهر الهی زیرو رو شدند) بستری مناسب برای عبرت گرفتن و زمینه ای کارساز برای بیداری دل ها

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون .. و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

81- مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 16

16 - مطالعه و نگاه عمیق به طبیعت (جریان نزول باران ، چشمه سارها و پیدایش کشت ها) ، مایه بیداری و پندگیری صاحبان عقل و خرد است .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. إنّ فی ذلك لذكری لأولی الألب

«ذکری» اسم برای «تذکیر» و «تنبیه» (بیداری و پندگیری) است و «ألب» (مفرد «ألباب») به معنای عقل و خرد می باشد.

82- مطالعه عظمت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 6 - 1

1- نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن در عظمت ، زیبایی و اتقان نظام آسمان

أفلم ینظروا إلی السماء فوفهم .. و ما لها من فوج

83- مطالعه فرجام اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 295

10 - ژرف نگری در عاقبت بدفرجامان ، عامل تصحیح گرایش های فکری نادرست است .

سیروا .. فانظروا کیف کان عقبه الذین من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 21 - 13

13 - لازم است که پیش از الگو قرار دادن پیشینیان ، انگیزه ها و فرجام آنان ، بررسی شود .

قالوا بل نتبع .. أو لو کان الشیطن یدعوهم

استفهام انکاری «أو لو کان..» إشعار دارد به این که برای قبول و یا عدم قبول انظار پیشینیان، باید آن را بررسی کرده و به درستی آن، اطمینان پیدا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 44 - 2، 1

1 - خداوند ، مشرکان را به سیر در زمین و مطالعه سرگذشت اقوام نیرومند گذشته فرامی خواند .

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

2 - سیر در زمین و کاوش در سرگذشت پیشینیان ، مورد تشویق و ترغیب خداوند

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

84- مطالعه فرجام تمدن ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 1

1 - سیر در زمین و توجه به سرنوشت تمدن های پیشین ، مایه عبرت آدمی است .

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم کانوا أشد منهم قوه

85- مطالعه فرجام ظالمان

9- خداوند ، انسان ها را به مطالعه آثار گذشتگان و عبرت گیری از فرجام شوم ستم کاران ، فرا خوانده است .

و ما هی من الظلمین ببعید

بر اساس اینکه مراد از ضمیر «هی» آبادیهای قوم لوط باشد ، هدف از جمله «ما هی . . .» ترغیب انسانها به گذر کردن بر دیار قوم لوط و دیدن آثار عذاب الهی است؛ تا بدین وسیله عبرت گیرند.

ص: 296

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 2

2 - سیاحت در زمین برای مشاهده شهر های ویران شده و مطالعه در سرنوشت و فرجام شوم ستمگران تاریخ ، توصیه خداوند به گردنکشان و حق ستیزان

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها

86- مطالعه فرجام فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 14 - 5

5 - توصیه الهی به تأمل در سرنوشت تباه فرعونیان

فانظر کیف کان عقبه المفسدین

87- مطالعه فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 73 - 1,3

1 - نگرستن به فرجام کافران انذار شده از سوی رسولان پیشین ، توصیه خداوند به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

فانظر کیف کان عقبه المنذرين

3 - لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انذار شده اند .

و لقد أرسلنا فیهم منذرين . فانظر کیف کان عقبه المنذرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 175 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به نظاره و دقت در سرانجام شوم و احوال مشرکان و کافران معاند

و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 179 - 1

1 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) مأمور به نظاره و دقت در سرانجام شوم و احوال مشرکان و کافران معاند

و أبصر

مفعول فعل «أبصر» - به قرینه آیه مشابه (175) - ضمیر «هم» است.

ص: 297

88- مطالعه فرجام مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 175 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به نظاره و دقت در سرانجام شوم و احوال مشرکان و کافران معاند

و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 179 - 1

1 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) مأمور به نظاره و دقت در سرانجام شوم و احوال مشرکان و کافران معاند

و أبصر

مفعول فعل «أبصر» - به قرینه آیه مشابه (175) - ضمیر «هم» است.

89- مطالعه فرجام مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 109 - 17، 10، 9

9- خداوند، فراخوان مردم به گشت و گذار در مناطق زمین برای مشاهده عاقبت و فرجام تکذیب کنندگان پیامبران

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

10- مطالعه آثار باقیمانده از تکذیب کنندگان انبیا، گویای عاقبت شوم آنان و گرفتار آمدنشان به عذاب های الهی است.

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

17- آنان که در فرجام تکذیب کنندگان پیامبران نمی اندیشند و نیکویی سرای اخروی تقوایبشگان را در نمی یابند، سزاوار سرزنش و ملامتند.

أفلم یسیروا .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- لزوم جهانگردی و سیر و سیاحت ، جهت مطالعه در عاقبت شوم تکذیب کنندگان انبیا

فسيروا فى الأرض فانظروا كيف كان عقبه المكذبين

«انظروا» (از مصدر نظر) به معنای گرداندن چشم برای درک و دریافت چیزی و دیدن آن است.

ص: 298

90- مطالعه فواید موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 8

8- لزوم اندیشیدن انسان در خواصّ اشیاى مورد استفاده خود ، برای خداشناسی

مما خلق ظللاً... من الجبال أكنناً... سربیل تقيکم الحرّ... تقيکم بأسکم

91- مطالعه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 30

30 - « سئل الصادق (ع) عن قول الله عزّوجلّ - «أولم يسيروا فى الأرض» قال : معناه أولم ينظروا فى القرآن ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند «أولم يسيروا فى الأرض» سؤال شد. فرمود: مقصود «أولم ينظروا فى القرآن» است. توضیح: از روایت این گونه استفاده می شود که مراد از سیر در زمین، سیر علمی و تاریخی است و قرآن از منابع آن است.».

92- مطالعه قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 69 - 1

1 - تلاوت ماجرای ابراهیم برای مردم ، فرمان الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و اتل عليهم نبأ إبراهيم

93- مطالعه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 3 - 6

6- مطالعه و دقت در داستان یوسف ، مایه دریافت حقایق و معارف الهی است .

إنا أنزلناه قرءاً نأعربياً لعلکم تعقلون. نحن نقصّ عليك أحسن القصص

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط میان جمله «لعلکم تعقلون» با «نحن نقص علیک» است.

ص: 299

94- مطالعه قوانین آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 18 - 2

2 - بررسی قوانین حاکم بر آسمان و فضای بالا ، زمینه ساز باور به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

وإلى السماء كيف رفعت

95- مطالعه مبدأ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 6

6 - مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان - پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر - می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 5

5 - مطالعه در مبدأ و مراحل آفرینش انسان ، از راه های شناخت معاد و پی بردن به احیای مردگان

ألم یک نطفه من منی یمنی . . . فخلق فسوی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 20 - 5

5 - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و سیر تکوین انسان ها

ألم نخلقکم من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 23 - 8

8 - مطالعه و تأمل در آفرینش انسان و مبدأ پیدایش و سیر تکاملی آن ، موجب شناخت معاد و اثبات توانایی خداوند بر آن است .

ألم نخلقكم من ماء .. فقد رنا فنعم القدرون

از این که ماجرای خلقت انسان با استفهام تقریری (ألم نخلقكم ..) آغاز شده، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

96- مطالعه مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 300

6 - مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان - پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر - می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - مطالعه در مبدأ و مراحل آفرینش انسان ، از راه های شناخت معاد و پی بردن به احیای مردگان

ألم یک نطفه من منی یمنی . . . فخلق فسوی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و سیر تکوین انسان ها

ألم نخلقکم من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - مطالعه و تأمل در آفرینش انسان و مبدأ پیدایش و سیر تکاملی آن ، موجب شناخت معاد و اثبات توانایی خداوند بر آن است .

ألم نخلقکم من ماء .. فقدرنا فنعم القدرون

از این که ماجرای خلقت انسان با استفهام تقریری (ألم نخلقکم ..) آغاز شده، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

97- مطالعه مصرف مواد غذایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - نگاه به خوراکی ها و توجه به روند تولید و مصرف آن ، امری ضروری و برانگیزنده انسان به انجام دادن فرمان های خداوند

فرمان به دقت در طعام، با حرف «فاء» بر آیه قبل تفریع شده است تا این نکته را برساند که این اندیشه، انسان را به انجام دادن اوامر الهی وادار می کند. وجود کلمه «الإنسان» در آیات قبل، گرچه از تکرار آن بی نیاز می کرد و اکتفا به ضمیر آن ممکن بود؛ ولی بار دیگر به این لفظ تصریح شد تا بیانگر تفاوت مصداق انسان در دو آیه باشد. در آیه قبل مراد کافران بود و این آیه به همه انسان ها نظر دارد.

98- مطالعه منشأ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 5 - 4، 1

1 - تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و توجه به عنصر اولیه جسم وی ، زمینه ساز باور به امکان احیای دوباره او است .

فلینظر الإنسن ممّ خلق

جمله «إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» - در آیات بعد - بیانگر آن است که آنچه از این آیه به بعد مطرح شده، آماده سازنده ذهن انسان برای باور به امکان معاد است.

4 - لزوم تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و کشف عنصر اصلی در پیدایش جسم او

فلینظر الإنسن ممّ خلق

99- مطالعه موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 20 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور بود تا پیام خداوند را مبنی بر سیر در زمین و مطالعه در پدیده های آفرینش ، ابلاغ کند .

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 1

1 - خداوند ، فراخوان به ژرف کاوی درباره مسخر و رام بودن همه موجودات آسمان ها و زمین ، برای مردم

ألم تروا أنّ الله سخر لكم ما فی السموت و ما فی الأرض

100- مطالعه موجودات آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 1

1 - خداوند ، فراخوان به ژرف کاوی درباره مسخر و رام بودن همه موجودات آسمان ها و زمین ، برای مردم

ألم تروا أنّ الله سخر لكم ما فى السموت و ما فى الأرض

101- مطالعه موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 302

3 - مشرکان ، به خاطر ژرف ننگریستن درباره موجودات آسمان ها و زمین ، مورد سرزنش خداوندند .

ألم تروا أنّ الله سخر لكم ما فى السموت و ما فى الأرض

احتمال دارد مخاطب «ألم تروا» مشرکانی باشد که در این سوره و قبل از پرداختن به قصه لقمان (فأرونى ماذا خلق.. ..) از آنها سخن گفته شده است. در این صورت، استفهام «ألم...» توییحی است.

102- مطالعه نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 13

13- سعادت‌مندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتى كتبه بيمينه فأولئك يقرءون كتبهم

103- مطالعه نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 15،16

15 - نعمت های گسترده آشکار و نهان خدا برای انسان ، شایان تأمل و درس آموزی است .

ألم تروا أنّ الله .. و أسبغ عليكم نعمه ظهره و باطنه

16 - لازم است که انسان ، برای رهیابی به معرفت خدا ، به نعمت های آشکار و نهان توجه کند .

ألم تروا أنّ الله .. و أسبغ عليكم نعمه ظهره و باطنه

1- آثار بد اخلاقی مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 27

27 - « عن الرضا (ع) في قول الله عز وجل : « لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه » قال : إذاها لأهل الرجل و سوء خلقها ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند عزوجل « لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه » روایت شده که فرمود: [مراد از فاحشه مبينه] آزار دادن زن به خانواده شوهر و بد خلقی او است».

2- آثار تقوای مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 3 - 3

3 - خداترسی و رعایت تقوا از سوی همسران (مردان و زنان مطلقه) ، موجب ازدیاد روزی و بهره مندی آنان از عطا های غیر منتظره الهی

إذا طلقتم النساء . . . من يتق الله . . . يرزقه من حيث لا يحتسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 4 - 10

10 - خداترسی و تقوای پیشگی از مردان و زنان مطلقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات زناشویی و آسان شدن زندگی برای آنها

واللّٰئى يئسن من المحيض . . . و من يتق الله يجعل له من أمره يسراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 5 - 10، 6

6 - رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلقه ، موجب زدایش بدی ها و گذشت خطاهایشان از جانب خداوند

إذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ . . . وَ مِنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ

10 - رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلقه ، موجب بهره مند شدن آنان از اجر بزرگ الهی

فَطَلَقُوهُنَّ لَعَدَّتهُنَّ . . . وَ مِنْ يَتَّقِ اللَّهَ ... يَعْظُمُ لَهُ أَجْرًا

3- آثار زناى مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 13

13 - مردان ، می توانند زنان مطلقه خود را در صورت ارتکاب عملی بسیار زشت و روشن (مانند زنا و . . .) از خانه های خویش بیرون کنند .

و لا یخرجن إلا أن یأتین بفحشه مبینه

به هر عمل و گناهی که زشتی آن شدید و بزرگ باشد، «فاحشه» اطلاق می شود؛ مانند زنا در مورد زنان (برگفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

4- آثار عمل ناپسند مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 13، 14

13 - مردان ، می توانند زنان مطلقه خود را در صورت ارتکاب عملی بسیار زشت و روشن (مانند زنا و . . .) از خانه های خویش بیرون کنند .

و لا یخرجن إلا أن یأتین بفحشه مبینه

به هر عمل و گناهی که زشتی آن شدید و بزرگ باشد، «فاحشه» اطلاق می شود؛ مانند زنا در مورد زنان (برگفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

14 - ارتکاب عمل بسیار زشت و آشکار از سوی زنان مطلقه، موجب سلب حق مسکن آنان از عهده همسران است.

و لایخرجن إلا أن یأتین بفحشه میینه

5- اختیار مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 305

7- زنان مطلقه، در شیردادن به نوزاد خویش و یا نپذیرفتن آن، مختار و آزاداند.

فإن أرضعن لكم فاتوهن أجورهنّ

6- اخراج مطلقه از خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 13,24,26,27

13 - مردان، می توانند زنان مطلقه خود را در صورت ارتکاب عملی بسیار زشت و روشن (مانند زنا و...) از خانه های خویش بیرون کنند.

و لا یخرجن إلا أن یأتین بفحشه مبینة

به هر عمل و گناهی که زشتی آن شدید و بزرگ باشد، «فاحشه» اطلاق می شود؛ مانند زنا در مورد زنان (برگفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

24 - «عن سعد بن ابی خلف قال: سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع):... أليس الله عزّوجلّ يقول: «لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ و لا یخرجن» قال: فقال إنما عنی بذلك التي تطلق تطیقه بعد تطلیقه فتلك التي لا تخرج و لا تخرج حتى تطلق الثالثة فإذا طلقت الثالثة فقد بانت منه و لانفقه لها، و المرأة التي یطلقها الرجل تطلیقه ثم یدعها حتى یخلوا أجلها فهذا أيضاً یقع فی منزل زوجها و لها النفقة و السكنی حتى تنقضی عدّتها»؛

سعد بن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم... [و] گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ نفرموده: «لا تخرجوهنّ و لا یخرجن» حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود.

26 - «و سئل الصادق (ع) عن قول الله عزّوجلّ: «و اتقوا الله ربکم لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ و لا یخرجن إلا أن یأتین بفاحشه مبینة» قال: إلا أن تزنی فتخرج و یقام علیها الحدّ»؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: «... لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ إلا أن یأتین بفاحشه مبینة» سؤال شد فرمود: [زن در عدّه طلاق رجعی نباید از خانه خارج شود] مگر این که مرتکب زنا شود. در این صورت او را از خانه بیرون می برند و بر او حد جاری می گردد.

27 - « عن الرضا (ع) في قول الله عزوجل : « لاتخرجوهنّ من بيوتهنّ ولا يخرجن إلاّ أن يأتين بفاحشه مبينه » قال : اذاها لأهل الرجل و
سوء خلقها ؛

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند عزوجل «لاتخرجوهنّ من بيوتهنّ ولا يخرجن إلاّ أن يأتين بفاحشه مبينه» روايت شده كه فرمود: [مراد
از فاحشه مبينه] آزار دادن زن به خانواده شوهر و بد خلقی او است».

ص: 306

7- ادای حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 8

8 - برخورد شایسته با زنان مطلقه، ادای حق آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لاتخرجنوهنّ من بیوتهنّ . . . و اقیموا الشّهده لله ذلکم یوعظ به

(ذلک) اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

8- ازدواج با مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 1

1 - حرمت ازدواج زنان مطلقه قبل از به پایان رسیدن سه طهر (عده)

و المطلقات یتربصن بانفسهنّ ثلثه قروء

بنابراینکه «قرء»، به معنای طهر باشد.

9- ازدواج با مطلقه فرزندخوانده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 26, 29

26 - در صدر اسلام، ازدواج با مطلقه پسرخوانده، امری ناروا شمرده می شد.

زوَجَنکها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزواج ادعیائهم

29 - در صورت پایان یافتن وقت مقرر در طلاق، می توان با مطلقه پسرخوانده، ازدواج کرد.

لایکون علی المؤمنین حرج فی أزواج ادعیائهم إذا قضوا منهنّ وطراً

10- ازدواج محمد(صلی الله علیه و آله) با مطلقه فرزندخوانده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 27

27 - فلسفه ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مطلقه پسر خوانده خویش ، شکستن سنتی جاهلی و هموار کردن راه برای دیگران بود .

زَوْجِنَكهَا لَكِي لَا يَكُونُ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ

ص: 307

11- اهمیت حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 7 - 14

14 - اهتمام اسلام به حقوق زنان مطلقه و دفاع از آنان در استیفای آن

فَطْلَقُوهُنَّ لَعَدَّتهُنَّ . . . فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ . . . أَسْكِنُوهُنَّ . . . فَأَنْفَقُوا عَلَيْهِنَّ . . . سَبِيح

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، آخرین آیه ای است که درباره زنان مطلقه و تکالیف شوهرانشان در برابر آنها می باشد و در تمام آیات گذشته، مردان مورد خطاب قرار گرفته اند و از آنان خواسته شده که حقوق همسران خود را (از قبیل مسکن، نفقه و اجرت شیردادن و . . .) پرداخت نمایند و نیز با آنان به طور شایسته و مطابق با موازین عقل و شرع رفتار کنند.

12- تجاوز به حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 18

18 - رعایت نکردن احکام و حدود الهی درباره طلاق از سوی همسران، ظلم به نفس و زیان رساندن به خویشان است .

فَطْلَقُوهُنَّ لَعَدَّتهُنَّ . . . وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ

13- توصیه به مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 3 - 5

5 - توصیه خداوند به مردان و زنان مطلقه، به توکل بر او در امور زندگی

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

14- جدایی از مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 3

3 - از سرگیری زندگی با زن مطلقه و یا جدایی همیشگی از او، پس از گذشت زمان عده، باید به صورت پسندیده و براساس موازین عقل

و شرع باشد .

فامسكوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

ص: 308

15- حد زناى مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 26

26 - « و سئل الصادق (ع) عن قول الله عزوجل: « و اتقوا الله ربكم لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه » قال : إلا أن تزنى فتخرج ويقام عليها الحد »

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزوجل: «.. لا تخرجوهن من بيوتهن إلا أن يأتين بفاحشه مبينه» سؤال شد فرمود: [زن در عده طلاق رجعی نباید از خانه خارج شود] مگر این که مرتکب زنا شود. در این صورت او را از خانه بیرون می برند و بر او حد جاری می گردد».

16- حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 241 - 7

7 - ارزش والای توجه به مسائل حقوقی زنان مطلقه

حقاً علی المحسنین . . . و ان تعفوا اقرب للتقوی ... حقاً علی المتقین

از مجموع آیات درباره زنان مطلقه، خاصه اینکه با الفاظ گوناگونی از قبیل «حقاً علی المتقین»، «حقاً علی المحسنین»، «و ان تعفوا اقرب للتقوی» و .. بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 10,11,15,24

10 - مردان ، حق ندارند زنان مطلقه خود را در ایام عده ، از خانه هایشان بیرون کنند .

لا تخرجوهن من بیوتهن

انتساب خانه ها به زنان (بیوتهن) گویای این نکته است که زنان مطلقه، باید در همان منازلی زندگی کنند که پیش از اقدام به طلاق در آن جا بوده اند.

11 - محل سکونت زنان مطلقه در ایام عده ، همان محل پیش از طلاق است و مردان حق ندارند آن را تغییر دهند .

لا تخرجوهن من بیوتهن

تلك حدود الله

24 - « عن سعد بن أبي خلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عز وجل يقول : « لا تخرجوهن من بيوتهن و لا يخرجن » قال : فقال إنما عني بذلك التي تطلق تطيقه بعد تطيقه فتلك التي لا تخرج و لا تخرج حتى تطلق الثالثة فإذا طلقت الثالثة فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأة التي يطلقها الرجل تطيقه ثم يدعها حتى يخلوا أجلها فهذا أيضاً يقعد في

منزل زوج ها و اول ها النفقه و السكنى حتى تنقضى عدت ها ;

سعدبن ابى خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم. .. [و] گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ فرموده: «لا تخرجوهنّ و لا یخرجن» حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سكنى دارد تا عدّه اش تمام شود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 5 - 1

1 - احکام طلاق و عدّه زنان مطلقه و ادای حقوق آنان (همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إذا طلقتم النساء فطلقوهنّ لعدتهنّ . . . ذلك أمر الله أنزله إليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 1,2,3,4,5,6,12,17

1 - مسکن زنان مطلقه در ایام عدّه ، برعهده همسرانشان است .

أسكنوهنّ

2 - مسکن زنان مطلقه ، باید در بخشی از همان محل سکونت و منزل همسرانشان باشد ; نه در منزل و محل دیگر .

أسكنوهنّ من حيث سكنتم

گفتنی است «من» در «من حيث سكنتم» برای تبعیض است؛ یعنی، در بخشی از منزل مسکونی خویش، همسران را اسکان دهید.

3 - مسکن زنان مطلقه از نظر کمیت و کیفیت ، باید به مقدار دارایی و توانایی همسرانشان باشد ; نه کمتر از آن .

أسكنوهنّ من حيث سكنتم من وجدكم

«وجد»، به معنای وسع و طاقت (توانایی) است.

4 - مردان حق ندارند با گزند رساندن و سخت گیری کردن ، عرصه را بر زنان مطلقه خویش تنگ سازند و زندگی آنان را در خانه خود ، غیر قابل تحمل کنند .

و لا تضاروهنّ لتضييقوا عليهنّ

5- نفقه (هزینه زندگی) زنان مطلقه تا وقت تولد فرزند ، برعهده همسرانشان است .

وإن كنّ أولت حمل فأنفقوا عليهنّ حتى يرضعن حملهنّ

6- مردان باید به زنان مطلقه ، بابت شیردادن فرزندان خود اجرت پردازند .

فإن أرضعن لكم فاتوهنّ أجورهنّ

12- زنان مطلقه ، دارای حق تقدّم و اولویت در شیردادن به نوزادان خود

فإن أرضعن لكم .. و إن تعاسرتم فسترضع له أختی

برداشت یاد شده، با توجه این نکته است که صورت شیردادن مادران مطلقه به نوزادان خود، در آغاز مطرح شده است. سپس صورت اختلاف و دایه گرفتن برای نوزادان، بیان گردیده است.

ص: 310

17 - « عن أبي عبدالله (ع) قال : لا يضار الرجل امرأته إذا طلقها فيصيق عليها حتى تنتقل قبل أن تنقضي عدتها ، فإن الله عز وجل قد نهي عن ذلك فقال : « ولا تضاروهن لتضييقوا عليهن » ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلقه خود ضرر برساند و او را [از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا [مجبور شود] قبل از تمام شدن عدّه، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: و لا تضاروهن لتضييقوا عليهن».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 7 - 10، 4، 3، 2، 1

1 - مردان متمکن و توانگر ، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان - افزون بر پرداخت اجرت شیردادن - بپردازند .

لینفق ذو سعه من سعته

در این که حکم انفاق در این آیه، اختصاص به دوران شیردادن زنان مطلقه به نوزادشان دارد و یا شامل دوران عدّه نیز می شود، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

2 - مردان متمکن و توانا ، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه خود را در دوران عدّه بپردازند .

لینفق ذو سعه من سعته

3 - مردان تنگ دست ، باید به مقدار توانایی خویش هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان - افزون بر پرداخت اجرت شیردادن - بپردازند .

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

4 - مردان تنگ دست ، باید به میزان توانایی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه را در ایام عدّه بپردازند .

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

10 - نوید خداوند به امکان رفع مشکل زنان مطلقه و همسرانشان ، در صورت رعایت تعالیم و رهنمود های الهی

لینفق ذو سعه من سعته ... سیجعل الله بعد عسر يسرا

17- حمایت از مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - زنان مطلقه و شوهران تنگ دست آنان - در صورت رعایت آموزه ها و رهنمود های الهی - مورد عنایت و حمایت خدا قرار می گیرند .

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

ص: 311

18- خروج مطلقه از خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 12, 24, 25

12 - زنان مطلقه ، حق ندارند در ایام عدّه از خانه هایشان بیرون بروند .

و لایخرجن

24 - « عن سعدبن أبي خَلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عزّ وجلّ يقول : « لا تخرجوهنّ من بيوتهنّ و لا يخرجن » قال : فقال إنّما عني بذلك التي تطلق تطيقه بعد تطيقه فتلك التي لا تُخرُج و لا تُخرُج حتى تطلق الثالثة فإذا طلقت الثالثة فقد بانت منه و لا نفقه ل ها ، و المرأة التي يطلقها الرجل تطيقه ثم يدعها حتى يخلوا أجلها فهذا أيضاً يقعد في منزل زوجها و لها النفقه و السكنى حتى تنقضي عدّتها ؛

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم. . . [و] گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ فرموده: «لا تخرجوهنّ و لایخرجن» حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود».

25 - « عن سماعه بن مهران ، قال : سألته عن المطلقة أين تعتد ؟ قال في بيتها لا تخرج و ان ارادت زيارة خرجت بعد نصف الليل و لا تخرج نهراً و ليس لها أن تحجّ حتى تنقض عدّتها ؛

سماعه بن مهران گوید: از امام [صادق (ع)] پرسیدم: زنی که طلاق داده شده در کجا عدّه نگه دارد (عدّه خود را در کجا بگذارد)؟ فرمود: در خانه اش و از آن خارج نشود، و اگر قصد زیارتی (دیداری) را داشت، بعد از نیمه شب خارج گردد و روز بیرون نرود. و برای او جایز نیست حج به جا آورد، تا این که عدّه او تمام شود».

19- خوش رفتاری با مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 3, 8

3 - از سرگیری زندگی با زن مطلقه و یا جدایی همیشگی از او ، پس از گذشت زمان عدّه ، باید به صورت پسندیده و براساس موازین عقل و شرع باشد .

فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

8 - برخورد شایسته با زنان مطلقه، ادای حق آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لا تخرجوهن من بیوتهن... و أقيموا الشهده لله ذلکم یوعظ به

«ذلک» اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 312

1 - احکام طلاق و عده زنان مطلقه و ادای حقوق آنان (همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن . . . ذلك أمر الله أنزله إليكم

20- رجوع به مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 28

28 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : المطلقة تكتحل و تختضب و تطيب و تلبس ما شاءت من الثياب لأن الله عزوجل يقول : « لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً » لعلها أن تقع في نفسه فيراجعها ;

از امام صادق(ع) روایت شده: زن مطلقه [رجعی] خوب است سر مه کشد و خضاب کند و خود را خوشبو نماید و آنچه دوست دارد، از لباس ها بپوشد؛ چون خدای عزوجل فرمود است: «لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً». شاید آن زن در دل شوهرش [محبوب] واقع شود و شوهر به او رجوع کند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 3,8

2 - مخیر بودن مرد ، در رجوع به همسر خویش برای تداوم زندگی مشترک و یا جدا شدن دائمی از او (از زمان اجرای صیغه طلاق تا پایان عده)

فامسكوهن بمعروف أو فارقوهن

3 - از سرگیری زندگی با زن مطلقه و یا جدایی همیشگی از او ، پس از گذشت زمان عده ، باید به صورت پسندیده و براساس موازین عقل و شرع باشد .

فامسكوهن بمعروف أو فارقوهن بمعروف

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

8 - برخورد شایسته با زنان مطلقه ، ادای حق آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لا تخرجن من بيوتهنّ . . . و أقيموا الشّهده لله ذلكم يوعظ به

«ذلك» اشاره به مجموعه رهنمودهای الهی در دو آیه این سوره است.

21- زمینه رجوع به مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 19

ص: 313

19 - فراهم شدن فرصت های مناسب برای حل مشکل طلاق و زمینه های رجوع مردان به زنان مطلقه خویش ، فلسفه تعیین عده طلاق

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعْدَتَهُنَّ .. لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يَحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

طبق نظر مفسران، ذیل آیه شریفه (لا تدری لعلّ الله..) اشاره به نگه داشتن عده برای طلاق دارد که شاید خداوند در مدت نگه داری عده، جریانی (مانند آن که طلاق دهنده پشیمان شود و بخواهد رجوع کند) پدید آورد تا مشکل طلاق حل گردد.

22- زمینه سلب حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 14

14 - ارتکاب عمل بسیار زشت و آشکار از سوی زنان مطلقه ، موجب سلب حق مسکن آنان از عهده همسران است .

و لا یخرجن إلا أن یأتین بفحشه مبینه

23- زن مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 4

4 - خداوند فراهم کننده زمینه ازدواج مجدد زن و مرد ، پس از طلاق

وإن یتفرقا یغن الله کلا من سعته

از مصادیق مورد نظر برای «یغن الله»، فراهم آوردن ازدواج مجدد است. چون ازدواج از مهمترین مسائلی است که زن و شوهر پس از جدایی به آن نیازمند هستند.

24- زیان به مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 17

17 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : لا یضارّ الرجل امرأته إذا طلقها فیضیق علیها حتی تنتقل قبل أن تتقضى عدتها ، فإنّ الله عزّوجلّ قد نهی عن ذلك فقال : « و لا تضارّوهنّ لتضیقوا علیهنّ » ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلقه خود ضرر برساند و او را [از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا

[مجبور شود] قبل از تمام شدن عدّه، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: و لا تضاؤوهنّ لتضیّقوا علیهنّ». و

ص: 314

25- زینت مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 28

28 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : المطلقة تكتحل و تختضب و تطيب و تلبس ما شاءت من الثياب لأن الله عزوجل يقول : « لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً » لعلها أن تقع في نفسه فيراجعها ;

از امام صادق(ع) روایت شده: زن مطلقه [رجعی] خوب است سر مه کشد و خضاب کند و خود را خوشبو نماید و آنچه دوست دارد، از لباس ها بپوشد؛ چون خدای عزوجل فرمود است: «لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً». شاید آن زن در دل شوهرش [محبوب] واقع شود و شوهر به او رجوع کند».

26- سخنگیری بر مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 17

17 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : لا يضار الرجل امرأته إذا طلقها فيضيّق عليها حتى تنتقل قبل أن تنقضي عدتها ، فإن الله عزوجل قد نهى عن ذلك فقال : « ولا تضاروهنّ لتضيّقوا عليهنّ » ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلقه خود ضرر برساند و او را [از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا [مجبور شود] قبل از تمام شدن عدّه، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: و لا تضاروهنّ لتضيّقوا عليهنّ».

27- شرایط ازدواج مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 4 - 3,4,6

3 - زنان یائسه ، اگر درباره علت قطع عادتشان تردیدی باشد ، تنها پس از گذشت سه ماه از آغاز اجرای طلاق درباره آنها ، می توانند اقدام به ازدواج مجدد کنند و ازدواج آنان در ایام عدّه باطل است .

والّئى یسنن من المَحِيضِ . . . فعدّتهنّ ثلثة أشهر و الّئى لم یحضن

4 - آن دسته از زنانی که حیض نمی بینند - ولی در سن حیض دیدن هستند - تنها پس از گذشت سه ماه از آغاز اجرای طلاق درباره آنها ، می توانند اقدام به ازدواج مجدد کنند .

والّئي يئسن من المحيض . . . فعُدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَالّئي لم يحضن

6- زنان باردار طلاق داده شده، پیش از وضع حمل، حق ازدواج مجدد را ندارند و تنها پس از آن می توانند ازدواج کنند.

وأولت الأحمال أجلهنّ أن يضعن حملهنّ

ص: 315

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 236 - 6,7,8,13,14,15

6 - لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنان مُطلَّقه ای که برای آنان مهریه تعیین نشده است .

و متَّعوهنَّ . . . متاعاً بالمعروف

ظاهر این است که ضمیر در «متَّعوهنَّ»، به طایفه دوّم از زنان مُطلَّقه برگردد؛ یعنی زنانی که مهر برای آنان تعیین نشده است.

7 - لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنانی که قبل از آمیزش با آنان ، طلاق داده شوند .

ان طَلَّتم النساء . . . و متَّعوهنَّ . . . بالمعروف

بنابراین احتمال که ضمیر در «متَّعوهنَّ»، علاوه بر اینکه به طایفه دوّم ارجاع شود، شامل طایفه اوّل (یعنی زنانی که با آنان آمیزش نشده) نیز شود.

8 - مقدار متاع و کالای مناسب و پسندیده برای پرداخت به زن مُطلَّقه ، باید متناسب با توان مالی شوهر باشد .

و متَّعوهنَّ علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعاً بالمعروف

13 - ضرورت پرهیز از افراط (اسراف) و تقریط ، در کالای پرداختی به زنان مُطلَّقه *

متَّعوهنَّ . . . بالمعروف

افراط و تقریط، خارج از حدّ متعارف است ؛ لذا کلمه «بالمعروف» آن دورا نفی می کند.

14 - پرداخت کالای مناسب به زنان مُطلَّقه ، حَقّی ثابت بر عهده نیکوکاران

حقّاً علی المحسنین

15 - پرداخت کالای مناسب به زنان مُطلَّقه ، نشانه احسان و نیکوکاری مرد

حقّاً علی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 240 - 4,6

4 - حق سکونت در خانه شوهر و نیز بهره‌گیری از اموال او به مدت یکسال، از جمله حقوق زنان شوهر مُرده است.

وصیه لازواجهم متاعاً الی الحول غیر اخراج

ظهور کلمه «غیر اخراج» در این است که نباید زن شوهر مرده را از خانه شوهر بیرون کرد و لازمه این معنا حق سکونت برای اوست.

6 - باقی ماندن زن در خانه شوهر، شرط پرداخت هزینه زندگی وی تا یکسال

متاعاً الی الحول غیر اخراج

بنابراینکه «غیر اخراج» علاوه بر بیان حق سکونت برای زن، قیدی باشد بر حکم سابق (لزوم پرداخت متاع). یعنی آنگاه زن شوهر مرده می‌تواند از مال شوهر بهره‌گیرد که از خانه وی خارج نشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 316

1 - لزوم پرداخت کالای شایسته و مناسب به زنان مُطلَّقه

و للمطلَّقات متاع بالمعروف

2 - شوون اجتماعی زن و مرد، تعیین کننده مقدار و خصوصیات متاعی که باید به زن مُطلَّقه پرداخت شود. *

متاع بالمعروف

به نظر می رسد بدون در نظر داشتن شوون اجتماعی زن و مرد، نمی توان مقدار و یا خصوصیات کالای معروف و شایسته را تعیین کرد.

4 - پرداخت کالای مناسب و شایسته به زنان مُطلَّقه، وظیفه تقوایندگان و نشانه تقواست.

و للمطلَّقات ... حقاً علی المتَّعین

8 - لزوم پرداخت کالای شایسته به زنان مُطلَّقه در حدّ توانایی مرد، پس از انقضای مدّت عدّه

و للمطلَّقات متاع بالمعروف

امام صادق (ع) درباره آیه «و للمطلَّقات ...» فرمود: متاعها بعد ما تنقضی عدّتها «علی الموسع قدره و علی المقتر قدره»

کافی، ج 6، ص 105، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 240، ح 956 و 957.

29- مدت نفقه مُطلَّقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 5

5 - نفقه (هزینه زندگی) زنان مُطلَّقه تا وقت تولد فرزند، برعهده همسرانشان است.

وإن كنَّ أولت حمل فأنفقوا علیهنّ حتّی یضعن حملهنّ

30- مسکن مُطلَّقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 14،11،10

10 - مردان ، حق ندارند زنان مطلقه خود را در ایام عده ، از خانه هایشان بیرون کنند .

لاتخرجهنّ من بیوتهنّ

انتساب خانه ها به زنان (بیوتهنّ) گویای این نکته است که زنان مطلقه، باید در همان منازلی زندگی کنند که پیش از اقدام به طلاق در آن جا بوده اند.

11 - محل سکونت زنان مطلقه در ایام عده ، همان محل پیش از طلاق است و مردان حق ندارند آن را تغییر دهند .

لاتخرجهنّ من بیوتهنّ

14 - ارتکاب عمل بسیار زشت و آشکار از سوی زنان مطلقه ، موجب سلب حق مسکن آنان از عهده همسران است .

و لایخرجنّ إلاّ أن یأتین بفحشه مبینه

ص: 317

1 - احکام طلاق و عده زنان مطلقه و ادای حقوق آنان (همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إذا طلقتم النساء فطلقوهنَّ لعدتهنَّ .. ذلك أمر الله أنزله إليكم

1 - مسکن زنان مطلقه در ایام عده ، برعهده همسرانشان است .

أسكنوهنَّ

2 - مسکن زنان مطلقه ، باید در بخشی از همان محل سکونت و منزل همسرانشان باشد ؛ نه در منزل و محل دیگر .

أسكنوهنَّ من حيث سكنتم

گفتنی است «من» در «من حيث سكنتم» برای تبعیض است؛ یعنی، در بخشی از منزل مسکونی خویش، همسران را اسکان دهید.

3 - مسکن زنان مطلقه از نظر کمیت و کیفیت ، باید به مقدار دارایی و توانایی همسرانشان باشد ؛ نه کمتر از آن .

أسكنوهنَّ من حيث سكنتم من وجدكم

«وجد»، به معنای وسع و طاقت (توانایی) است.

17 - «عن أبي عبد الله (ع) قال : لا يضر الرجل امرأته إذا طلقها فيضيِّق عليها حتَّى تنتقل قبل أن تنقضي عدتها ، فإنَّ الله عزَّ وجلَّ قد نهى عن ذلك فقال : « ولا تضارَّوهنَّ لتضيِّقوا عليهنَّ » ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلقه خود ضرر برساند و او را [از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا [مجبور شود] قبل از تمام شدن عده، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: و لا تضارَّوهنَّ لتضيِّقوا عليهنَّ».

31- مسؤولیت شوهران مطلقه

11 - مسؤولیت نگهداری نوزادان زنان مطلقه و گرفتن دایه برای آنان و هزینه آن ، برعهده مردان است .

و این تعاسرتم فسترضع له آخری

ص: 318

32- مسؤولیت مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 12

12 - زنان مطلقه ، حق ندارند در ایام عدّه از خانه هایشان بیرون بروند .

و لایخرجن

33- منشأ تکفیر گناه مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 5 - 6

6 - رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلقه ، موجب زدایش بدی ها و گذشت خطاهایشان از جانب خداوند

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . وَ مِنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ

34- نفقه مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 24

24 - « عن سعدبن ابی خَلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عزّوجلّ يقول : « لا تخرجهنّ من بيوتهنّ و لا يخرجن » قال : فقال إنّما عنى بذلك الّتي تطلقّ تطيقه بعد تطليقه فتلك الّتي لا تُخرُج و لا تُخرُج حتّى تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه الّتي يطلقّ ها الرجل تطليقه ثمّ يدع ها حتّى يخلوا أجل ها فهذا أيضاً يقعد في منزل زوج ها و ل ها النفقه و السكنى حتّى تتقضى عدّت ها ;

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم. . . [و] گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ نفرموده: «لا تخرجهنّ و لایخرجن» حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - احکام طلاق و عده زنان مطلقه و ادای حقوق آنان (همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ . . . ذَلِكُمْ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ

ص: 319

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 7 - 4, 3, 2, 1

1 - مردان متمکن و توانگر ، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان - افزون بر پرداخت اجرت شیردادن - بپردازند .

لینفق ذو سعه من سعته

در این که حکم انفاق در این آیه، اختصاص به دوران شیردادن زنان مطلقه به نوزادشان دارد و یا شامل دوران عدّه نیز می شود، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

2 - مردان متمکن و توانا ، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه خود را در دوران عدّه بپردازند .

لینفق ذو سعه من سعته

3 - مردان تنگ دست ، باید به مقدار توانایی خویش هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان - افزون بر پرداخت اجرت شیردادن - بپردازند .

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

4 - مردان تنگ دست ، باید به میزان توانایی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه را در ایام عدّه بپردازند .

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

مطلقه

35- ازدواج مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 49 - 5

5 - علقه ازدواج زانی که بدون آمیزش ، طلاق داده شده اند ، بلافاصله پس از طلاق ، قطع می شود و آزادند تا ازدواج کنند .

إذا نکحتم .. ثمّ طلقتموهنّ من قبل أن تمسوهنّ فما لکم علیهنّ من عدّه

36- حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- بر مردان لازم است که در صورت طلاق دادن همسران شان، آنان را با خوش رفتاری و خیر، رها کنند.

ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ .. وَ سَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

«سرح» در لغت، به معنای «رها کردن شتر برای چریدن» است (مفردات راغب) و در آیه، استعاره برای رها کردن است.

ص: 320

37- خوش رفتاری با مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 49 - 9

9- بر مردان لازم است که در صورت طلاق دادن همسران شان، آنان را با خوش رفتاری و خیر، رها کنند.

ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ .. وَ سَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

«سرح» در لغت، به معنای «رها کردن شتر برای چریدن» است (مفردات راغب) و در آیه، استعاره برای رها کردن است.

ص: 321

1- مطیعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 70 - 6

6 - کفایت علم خداوند برای تشخیص مطیعان و شایستگان تفضّل او

ذلک الفضل من اللّٰه و کفی باللّٰه علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 115 - 6

6- آنان که بر اطاعت فرمان های خدا صبوری کنند ، از محسنانند .

واصبر فإن الله لا یضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 10

10- یوسف (ع) از بندگان مطیع خدا و از خالص شدگان برای او بود .

إنه من عبادنا المخلصین

مراد از «مخلصین» (خالص شدگان) این است که غیر خدا در آنان نصیبی ندارد و کاملاً در اختیار خداوند و اوامر او هستند. نه شیطان بر ایشان فرمان روایی می کند و نه اسیر هواهای نفسانی اند.

2- بشارت به مطیعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 322

11 - بشارت (مژده به مطيعان) و انذار (ترساندن گناهكاران) ، روح رسالت پيامبران الهی (ع) و شیوه تبليغ آنان

فقد جاءكم بشير و نذير

3- پاداش اخروی مطيعان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - انفطار - 82 - 13 - 1

1 - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطيع خداوند ، به پاداش كردار خویش ، در میان انبوه نعمت های آخرت جای خواهند گرفت

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

از جمله معانی ذکر شده برای «بر» ، صلاح و درست کاری ، اطاعت و صداقت است (لسان العرب). «نعيم»؛ يعنى ، نعمت فراوان (مفردات راغب) نکره بودن «نعيم» ، گویای عظمت آن است.

4- پاداش مطيعان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 58 - 17

17 - اطاعت کنندگان دستورات خدا - در صورت نیکوکار بودن - از پاداشی افزونتر از دیگران ، بهره مند خواهند شد .

و سنزید المحسنين

5- فرجام مطيعان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 14 - 7

7 - بهره مندی مطيعان از بهشت و گرفتاری عصيانگران در آتش ، به اراده و خواست خداست .

و من يطع الله . . . يدخله جنات ... و من يعص الله ... يدخله ناراً

6- نعمتهای اخروی مطيعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفنین - 83 - 22 - 1

ص: 323

1 - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، در انبوه نعمت های وصف ناپذیر آخرت جای خواهند گرفت .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

از جمله معانی بیان شده برای «برّ»، «صلاح و درست کاری»، «اطاعت» و «صداقت» است (لسان العرب). «نعیم»؛ یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب). نکره بودن آن، دلالت دارد که وصف نعمت ها امکان پذیر نیست. مراد از آن - به قرینه آیات بعد - نعمت های آخرت است.

ص: 324

16- مظلوم

1- ابزار حمایت از مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 8

8 - هنر شعر ، از ابزار کارآمد مبارزه با ظلم و ستمگران و حمایت از مظلومان

و انتصروا من بعد ما ظلموا

2- استمداد مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 148 - 14

14 - خداوند ، آگاه به ستمگران و ستمدیدگان و آگاه به دادخواهی مظلومان است .

لايحب الله .. إلا من ظلم و كان الله سمياً عليماً

متعلق علم، می تواند مطالبی باشد که در آیه مطرح شده است، همانند ظالم، مظلوم و مقدار ستمی که شده و ...

3- انتقام در حضور مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 50 - 12

12 - انتقام از ستمگران در حضور ستمدیدگان ، امری است شایسته و نیکو

و أغرقنا آل فرعون و أنتم تنظرون

ص: 325

4- اهمیت حقوق مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 33 - 6

6- خداوند ولی کسی را که به ناحق و مظلومانه کشته شود، بر قاتل او، سلطه بخشیده است.

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیه سلطناً

5- اهمیت حمایت از مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 33 - 5

5- احکام الهی، در جهت اجرای حق و عدل و حمایت از مظلوم است.

ولا تقتلوا... إلا بالحقّ و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیه سلطناً

6- اهمیت دفاع از مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 10

10- لزوم به کارگیری دانش ها و ابتکارات، در راستای دفاع از منافع انسان های مظلوم و مورد تجاوز دشمن

و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

لام در «لکم» برای انتفاع و در «لتحصنکم» برای علت است و علت، می تواند تعمیم دهنده حکم باشد. در این صورت می توان گفت: هر چه در جهت منافع مردم باشد و انسان را از تجاوز دیگران مصون دارد - چه تولید سلاح باشد و چه چیز دیگر - امری لازم و بایسته است.

7- پاداش مسلمانان مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 41 - 1

1- خداوند، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر

در آخرت عطا می کند .

و الذين هاجروا في الله من بعد ما ظلموا لنبؤتهم في الدنيا حسنة و لأجر الآخرة أ

ص: 326

«فی» در «فی الله» به معنای «لام» و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت «هجرت برای کسب رضای خداوند» است.

8- تشویق مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 10

10 - خداوند با حفظ حق انتقام برای ستمدیدگان ، آنان را به عفو و گذشت تشویق کرده است .

لايحب الله الجهر بالسوء .. أو تعفوا عن سوء فإن الله كان عفواً قديراً

جمله «ان تبدوا .. او تعفوا»، می تواند تکمیل و توضیح «الا من ظلم» باشد. یعنی در عین اینکه برای مظلوم جایز است تا ماهیت ظالم را افشا کند، ولی بهتر است آبروی او را حفظ کند.

9- توصیه به مسلمانان مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 60 - 6

6 - خداوند به فرد مسلمان مورد تجاوز مشرکان ، توصیه کرد که در گرفتن انتقام ، از دشمنانش در گذرد و آنان را مورد آمرزش قرار دهد .

و من عاقب .. لينصرته الله إن الله لعفو غفور

10- حامی مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 14 - 2

2- خداوند از جبهه مظلومان حق طلب در برابر سرکشی ظالمان حق ستیز ، دفاع و حمایت می کند .

وقال الذين كفروا .. لنخرجنكم من أرضنا... فأوحى إليهم ربهم لنهلكن الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 77 - 6

6 - بندگان مظلوم و تحت شکنجه حکومت های ظالم ، مورد عنایت و لطف خداوند

یادکردن از بنی اسرائیل به عنوان «عبادی» در حالی که تحت ستم و شکنجه های فرعون قرار داشتند؛ دلالت بر این نکته دارد که بندگان تحت شکنجه ظالمان (در صورتی که خواستار رهایی باشند) مورد نظر و عنایت خداوند قرار دارند.

11- حقوق مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 148 - 5,6

5 - مظلوم، مجاز به دشنام دادن ظالم و افشاگری علیه اوست .

لايحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

6 - مظلوم، مجاز به هتک حرمت ظالم و آشکار ساختن خصلت های ظالمانه وی، برای مردم

لايحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

مناسبت حکم و موضوع اقتضا می کند که گفته شود مراد از اظهار عیوب ظالم گفتاری است که مظلوم به وسیله آن ستمگری ظالم را نسبت به خودش بیان کند، بنابراین مظلوم حق ندارد بدیهای ظالم را که هیچ رابطه ای با وی ندارد، افشا کند.

12- حمایت از مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 148 - 7

7 - نظام حقوقی و اخلاقی اسلام، مدافع مظلومان و ستمدیدگان است .

لايحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

مظلومان در آیه شریفه از حکم تحریم (بدگویی دیگران) استثنا شده و اجازه یافته اند تا برای رساندن ندای مظلومیتشان به افشاگری علیه ظالمان پردازند و این بیانگر دفاع نظام حقوقی اسلام از ستمدیدگان است.

13- حمایت از مقتول مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 33 - 17

17- حمایت از کشته شده به ظلم، امری عقلی و فطری در میان جوامع بشری

و من قتل مظلومًا .. إنه کان منصورًا

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که «یاری شدن مقتول» (منصوراً) از سوی خداوند نباشد؛ بلکه اصلی باشد که در نزد همه مردم رایج

است. و جمله «إِنَّهٗ كَانَ مَنْصُورًا»، خبر از یک واقعیت عینی و اجتماعی می دهد.

ص: 328

14- دفاع از مظلوم در شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 7

7 - شعر ارزشمند ، پیامدار یاد خدا و دفاع از مظلوم

و ذكروا الله كثيرا و انتصروا من بعد ما ظلموا

15- زن مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 5

5 - مردان ، زنان و کودکان مانده در ستم ، از مصادیق مستضعفان

و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه ال

16- سنت امداد به مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 33 - 15

15- سنت الهی بر حمایت ، نصرت و طرفداری از مظلوم است .

و من قتل مظلومًا . . . إنه كان منصورًا

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «إنه» به مقتول مظلوم برگردد و اسمیه بودن جمله «إنه. . .» و نیز آمدن فعل «کان» در آن جمله - که برای استمرار و دیرینه بودن است - می تواند بیانگر این نکته باشد که حمایت از مقتول مظلوم، کار همیشگی و دیرینه خداوند است.

17- ظلم به مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 182 - 12

12 - مجازات نکردن ستمگران ، ظلم بر ستمدیدگان است .

ذوقوا عذاب الحريق . . . ذلك بما قدّمت ايديكم وانّ الله ليس بظلام للعبيد

برداشت فوق مبتنی است بر احتمال اول (عطف «انّ الله . . . » بر «ما قدّمت»)، است.

ص: 329

18- عفو مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 15، 16

15- گذشت مظلوم از ظالم کافی در آمرزش او نیست و به مغفرت و رحمت الهی نیز منوط است .

لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

از اینکه یوسف(ع) پس از گذشتن از حق خویش و بخشودن برادرانش از خداوند می خواهد گناه آنان را ببامرزد ، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

16- گذشت ستم دیدگان از ستم پیشگان ، زمینه ساز شمول مغفرت الهی بر ستمکاران است .

لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

19- عقلانیت حمایت از مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 33 - 17

17- حمایت از کشته شده به ظلم ، امری عقلی و فطری در میان جوامع بشری

و من قتل مظلوماً .. إنه کان منصوراً

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که «یاری شدن مقتول» (منصوراً) از سوی خداوند نباشد؛ بلکه اصلی باشد که در نزد همه مردم رایج است. و جمله «إنه کان منصوراً»، خبر از یک واقعیت عینی و اجتماعی می دهد.

20- فضیلت نجات مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 10

10 - نجات مظلومان از یوغ ستم و بردگی و رهایی آنان از سلطه نظام های غیر توحیدی ، مطلوب خداوند و همسو با اهداف رسولان الهی است .

اذهباً .. فأرسل معنا بنی إسرئیل

21- فطريت حمايت از مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - اسراء - 17 - 33 - 17

17- حمايت از كشته شده به ظلم ، امرى عقلى و فطرى در ميان جوامع بشرى

ص: 330

و من قتل مظلوماً .. إنه كان منصوراً

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که «یاری شدن مقتول» (منصوراً) از سوی خداوند نباشد؛ بلکه اصلی باشد که در نزد همه مردم رایج است. و جمله «إنه كان منصوراً»، خبر از یک واقعیت عینی و اجتماعی می دهد.

22- کودک مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 5

5 - مردان ، زنان و کودکان مانده در ستم ، از مصادیق مستضعفان

و المستضعفين من الرجال والنساء والولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه ال

23- مرد مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 5

5 - مردان ، زنان و کودکان مانده در ستم ، از مصادیق مستضعفان

و المستضعفين من الرجال والنساء والولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه ال

24- مستضعفان مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 11

11 - مسؤوليت بين المللي جامعه اسلامي در برابر مستضعفان خداپرست تحت ستم

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله والمستضعفين .. الذين يقولون ربنا اخرجنا م

مظلومان

25- استمداد مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- یاری خواستن ستمدیده، برای انتقام از ستمگر، حق مشروع او است.

ولمن انتصر بعد ظلمه

ص: 331

گروهی از مفسران «إنتصار» را به معنای یاری طلبیدن گرفته اند.

26- امداد به مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 40 - 2

2- انسان ، در مسیر یاری مؤمنان و مظلومان ، نباید از جاده عدالت و اعتدال خارج شود .

و الذین إذا أصابهم البغی هم ینتصرون . و جزؤا سیئه سیئه مثلها

27- انتقام مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 41 - 2,3,4

2- مظلومانی که از حق مشروع مقابله به مثل نمی گذرند ، سزاوار ملامت و سرزنش نیستند .

ولمن انتصر . . . ما علیهم من سبیل

3- ستمدیدگان ، به خاطر گرفتن انتقام خود از ستمگران ، در قیامت عقوبت نخواهند دید .

فأولئك ما علیهم من سبیل

جمله «فأولئك ما علیهم من سبیل» به قرینه ذیل آیه بعد (أولئك لهم عذاب أليم)، می تواند اشاره به برداشت بالا داشته باشد.

4- یاری خواستن ستمدیده ، برای انتقام از ستمگر ، حق مشروع او است .

ولمن انتصر بعد ظلمه

گروهی از مفسران «إنتصار» را به معنای یاری طلبیدن گرفته اند.

28- اهمیت نجات مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 13 - 3

3- نجات ستمدیدگان از بیدادگری بیدادگران ، هدف خداوند از بعثت پیامبران در طول تاریخ

لما ظلموا و جاءتهم رسلهم بالبينت

ذکر جمله «جاءتهم رسلهم» بعد از «لما ظلموا» حکایت از این حقیقت دارد که بعثت پیامبران در پی گسترش ظلم و بیدادگری و به منظور رهایی مظلومان از شرّ ظالمان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 332

11 - بعثت پیامبران الهی، در راستای نجات مظلومان از ستم بیدادگران

كذلك كذب الذين من قبلهم فانظر كيف كان عقبه الظلمين

رویارویی بیدادگران با رسولان الهی در طول تاریخ، بیانگر برداشت فوق است.

29- توصیه به مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 43 - 3

3 - خویشتن داری و گذشت به جای انتقام جویی و مقابله به مثل، توصیه اکید خداوند به دادخواهان ستمدیده است.

ولمن انتصر بعد ظلمه... ولمن صبر و غفر إن ذلك لمن عزم الأمور

لام در «لن صبر» لام قسم و در «لن عزم الأمور» لام تأکید است که در هر دو نمایانگر اهمیت توصیه الهی به عفو و گذشت است.

30- حامی مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 60 - 5

5 - خداوند، حامی و پشتیبان ستمدیدگان و دشمن ستمگران و متجاوزان است.

و من عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغى عليه لينصرته الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 61 - 1

1 - توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدیدگان در انتقام گرفتن آنان از ستمگران.

ذلك بأن الله يولج الليل في النهار... وأن الله سميع بصير

در آیه پیش، خداوند به آن مسلمانی که مورد ستم و تجاوز مشرکان قرار گرفته بود، وعده قطعی داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقامش را از متجاوزان بازستاند در این آیه، برای این که کسی در توانایی خدا بر تحقق بخشیدن به وعده‌هایش و در حمایت و پشتیبانی از ستم دیدگان

تردیدی نکند، گوشه ای از قدرت نهایت خود را بیان کرده است.

ص: 333

31- حقوق مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 39 - 3

3 - پیکار با دشمن مهاجم و ستم پیشه ، حق مشروع ستمدیدگان

أذن للذين يقتلون بأنهم ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 3

3 - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أذن للذين يقتلون .. الذين أخرجوا من ديارهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 41 - 4، 2، 1

1 - انتقام گرفتن از متجاوزان و ستمگران ، حق مشروع و مسلم انسان های ستمدیده است .

و لمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل

2 - مظلومانی که از حق مشروع مقابله به مثل نمی گذرند ، سزاوار ملامت و سرزنش نیستند .

و لمن انتصر .. ما عليهم من سبيل

4 - یاری خواستن ستمدیده ، برای انتقام از ستمگر ، حق مشروع او است .

و لمن انتصر بعد ظلمه

گروهی از مفسران «إنتصار» را به معنای یاری طلبیدن گرفته اند.

32- مظلومان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - ستمدیدگان ، به خاطر گرفتن انتقام خود از ستمگران ، در قیامت عقوبت نخواهند دید .

فأولئك ما عليهم من سبيل

جمله «فأولئك ما عليهم من سبيل» به قرینه ذیل آیه بعد (أولئك لهم عذاب أليم)، می تواند اشاره به برداشت بالا داشته باشد.

33- نصرت مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 334

11 - حج - 22 - 39 - 7

7 - خدا، توانا بر نصرت و یاری رساندن به مؤمنان مورد تهاجم و مظلوم

وإنّ الله على نصرهم لقدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 60 - 4

4 - خداوند، به مسلمان مورد ستم، وعده قطعی داد که او را نصرت و یاری خواهد داد تا انتقام خود را از ستمگران بازستاند.

و من عاقب... ثم بغى عليه لينصرته الله

ص: 335

1- اهمیت دفاع از معابد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 22

22 - لزوم دفاع از معابد و مراکز دینی و شعائر الهی در برابر تهاجم دشمنان

و لولا دفع الله... صومع و بیع... و مسجد

2- تاریخ معابد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 16

16 - معابد ، مظهر حضور شریعت در جوامع و مورد تهاجم جبهه باطل در طول تاریخ

و لولا دفع الله... لهدمت صومع... و مسجد

3- دشمنی با معابد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 16

16 - معابد ، مظهر حضور شریعت در جوامع و مورد تهاجم جبهه باطل در طول تاریخ

و لولا دفع الله... لهدمت صومع... و مسجد

4- فلسفه قداست معابد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 18

18 - یاد خدا، اساس حرمت و قداست معابد دینی

لهدمت صومع ... و مسجد یذکر فیها اسم الله کثیرا

5- محافظت از معابد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 10

10 - حفاظت و پاسداری از معابد و مراکز دینی (صومعه ها، کلیساها، کنیسه ها و مساجد) فلسفه جهاد و دفاع

و لولا دفع الله .. لهدمت صومع و بیع ... و مسجد

«صومع» جمع «صومعه» و «بیع» جمع «بیعه» و «صلوات» جمع «صلاه یا صلوة» است. «صومعه» - مرداف «دیر» - جایی است که راهبان در آن به ریاضت می پردازند. «بیعه» به کلیسای نصارا گفته می شود. «صلاه یا صلوة» کنیسه یهودیان است؛ یعنی، اگر خدا برخی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها، کلیساها، کنیسه ها و مساجدی که در آن بسیار ذکر خدا می شود، تخریب می شدند.

6- موانع تخریب معابد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 12

12 - اگر خداوند حکم جهاد را تشریح نمی کرد، تمامی معابد و مراکز دینی توسط کافران و دین ستیزان تخریب و منهدم می شد.

و لولا دفع الله .. لهدمت صومع ... و مسجد

7- نقش معابد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 16

16 - معابد، مظهر حضور شریعت در جوامع و مورد تهاجم جبهه باطل در طول تاریخ

ولولا دفع الله... لهدمت صومع... ومسجد

ص: 337

1- معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 245 - 14

14 - خداوند ، مبدأ همه انسانهاست و بازگشت آنان تنها به سوی اوست .

و الیه ترجعون

«رجوع»، یعنی بازگشت شخص به آنجا که بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 55 - 17

17 - مبدأ انسان ها ، خداوند است و بازگشتشان تنها به سوی اوست .

ثمّ الّی مرجعکم

با توجه به معنای «رجوع» که بازگشت به جایی است که در سابق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 83 - 12

12 - بازگشت قهری تمامی موجودات به سوی خداوند

و الیه یرجعون

2- آثار استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 339

4- بعید شمردن حیات دوباره انسانها ، دلیل انکار سرای آخرت از سوی کافران به قیامت

أءذا كُنتا تراباً ءءنا لفى خلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 66 - 3

3- استبعاد و انکار معاد ، از زمینه های گریز از عبادت و اطاعت خدای یگانه

واصطبر لعبده . . . و يقول الإنسن أءذا ما متّ لسوف أُخرج حیاً

از جمله وجوهی که در بیان ارتباط این آیه با آیات پیشین می توان ارائه کرد، این است که: پس از فرمان به عبادت و صبر بر آن، گویا این آیه، سؤال مقدری را مطرح کرده و پاسخ گفته است. سؤال مقدر این است کهک: عبادت و اطاعت خداوند چه نتیجه ای دارد؟ ما که پس از مرگ حیاتی نداریم تا حالات و اعمال ما در دنیا در آن تفاوتی ایجاد کند! این آیه و آیات بعد این سؤال را پاسخ داده و عبادت را ضروری شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 17 - 3

3 - بعید شمردن حیات دوباره انسان هایی که در گذشته دور مرده و به خاک و استخوان تبدیل شده اند ، عامل انکار معاد از سوی مشرکان

ءءنا لمبعوثون . أو ءاباؤنا الأوّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 6 - 3

3 - استبعاد معاد ، دلیل درخواست عذاب از سوی کافران حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع . . . إنهم یرونه بعیداً

برداشت یاد شده، بر این نکته مبتنی است که جمله «إنهم...»، تعلیل برای جمله «سأل سائل بعذاب...» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 5، 4

4 - جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دل بستگی به خانواده و خاندان است .

إِنَّهٗ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا . إِنَّهٗ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

حرف «إِنَّ» در «إِنَّهٗ ظَنَّ» ، برای بیان علت سُروری است که در «كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا» بیان شده است.

5 - اعطای نامه عمل از پشت سر ، فریاد هلاکت خواهی در قیامت و گرفتاری به آتش جهنم ، برخاسته از استبعاد معاد است .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ . . . إِنَّهٗ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

این آیه، می تواند بیانگر علت برای مطالب قبل باشد که از جمله آنها «أُوتِيَ كِتَابَهُ وِرَاءَ ظَهْرِهِ» بود.

ص: 340

3- آثار استکبار مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 10

10 - درخواست نزول ملائکه برای خویش و رؤیت خداوند از سوی منکران معاد، برخاسته از روحیه استکباری و خود برتری آنان

لولا أنزل علينا الملائكة أو نرى ربنا لقد استكبروا في أنفسهم

4- آثار استهزای معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 33 - 4

4 - گرفتار آمدن منکران معاد، در قیامت به عذابی که آن را به استهزا می گرفتند و انکار می کردند .

و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

5- آثار امیدواری به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 110 - 13

13- باور به معاد، حتی در حدّ گمان و امید، اهرمی کارآمد در گرایش به عمل صالح و به دور از شرک و ریا است .

فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً ولا يشرك بعبادة ربه أحداً

6- آثار ایمان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 4

4 - آخرت، سرایی خوب برای کسانی که معاد را تکذیب نکرده و در انجام تکالیف کوتاهی نمی کنند.

و للدار الآخرة خير للذين يتقون

بنابراین که «خیر» صفت مشبهه باشد. «یتقون» در این آیه، به قرینه تقابلی که با آیه قبل دارد و در آن آیه بحث از تکذیب لقاء الله و تقریط در

دین و تکالیف الهی بود، به معنای تکذیب نکردن معاد و انجام تکالیف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 125 - 6

6 - باور به معاد و بازگشت به خدا پس از مرگ ، عامل نهرا سیدن ساحران مؤمن از مجازات ها و شکنجه های فرعون

ص: 341

إنا إلی ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 110 - 13

13- باور به معاد ، حتی در حدّ گمان و امید ، اهرمی کارآمد در گرایش به عمل صالح و به دور از شرک و ریا است .

فمن كان یرجوا لقاء ربّه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرك بعباده ربّه أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 2 - 8

8- زندگی بدون ایمان به وحی و معاد ، بازیچه و بی هدف است .

ما یأتیهم من ذکر . . . و هم یلعبون

برداشت یاد شده مبتنی براین احتمال است که «یلعبون» ناظر به زندگی طبیعی و روز مرّه مشرکان باشد؛ یعنی، آنان به وقت نزول وحی به همان زندگی بی هدف و بازیچه مشغولند. بنابراین کسانی که مبدأ و معاد را انکار کنند (مانند مشرکان) به لعب و بازیچه در زندگی گرفتار می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 54 - 5

5- باور به معاد و توجه به آن ، دارای نقش اساسی در حق پذیری انسان

سنریمهء ایتنا فی الأفاق . . . ألا إنهم فی مریه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 9 - 5

5- ایمان به معاد و کیفر اعمال ، بازدارنده انسان از نافرمانی خداوند است .

ما غرک . . . کلاب تکذبون بالدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - باور داشتن معاد و معارف قرآن و انجام دادن کار های صالح ، نجات بخش انسان از عذاب دردناک است .

فبشرهم بعذاب أليم . إلا الذين آمنوا وعملوا الصلحت

متعلق «آمنوا» - به قرینه آیات پیشین - معاد و قرآن است و «الصلحات» - که جمع با حرف «ال» است - دلالت بر عموم می کند. در این موارد، مراد عموم عرفی است؛ یعنی، تمام صالحاتی که امکان پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 5

5 - ایمان به معاد ، زمینه ساز از بین رفتن خصلت های ناروا است .

ص: 342

لكنود .. أفلا يعلم إذا بعثر ما فى القبور

7- آثار پندارهای مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 23 - 1

1 - منکران معاد، بر اثر پندارهایی انباشته در ذهن خود، قرآن را تکذیب می کنند .

بل الذین کفروا یکذبون . و الله أعلم بما یوعون

«وعاء»؛ یعنی، ظرف و «أوعیت الزاد و المتاع» زمانی گفته می شود که آن را در «وعاء» قرار دهی (لسان العرب). ظرف مورد نظر، ممکن است ذهن و قلب منکران معاد باشد که جایگاه باورهای آنان است.

8- آثار تبلیغ معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 7 - 1

1 - استهزای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی کافران، به خاطر تبلیغ آن حضرت از معاد

وقال الذین کفروا

تعبیر «رجل ینبئکم إذا مرّتم کلّ ممزّق» قرینه است بر این که استفهام در این آیه، برای استهزا و تمسخر است و حقیقی نیست.

9- آثار ترس اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 4

4 - آثار ترس و دلهره، آشکار در چهره ستمکاران و منکران معاد، در قیامت

تری الظلمین مشفقین

واژه «تری» اشعار به مطلب یاد شده دارد.

10- آثار تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 9

9 - عذاب قیامت، پیامد مداومت در کفر و انکار معاد در دنیا است.

ص: 343

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 15، 11

11 - پیامدهای کفر و انکار معاد، باری سنگین و طاقتفرسا بر دوش انسان است.

و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

15 - انکار معاد، گناه و باری شوم بر دوش منکران معاد در قیامت است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .. ألا ساء ما یزرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 39 - 12

12 - انکار معاد، کفر است .

و لیعلم الذین کفروا أنهم کانوا کذبین

مراد از «الذین کفروا» کسانی اند که رستاخیز را مورد انکار قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 37 - 2

2 - انکار معاد و تردید در آن و مغرور شدن به زندگی دنیا، اندیشه و بینشی کفرآمیز است .

و ما أظنّ الساعه قائمه .. قال له صاحبه وهو یحاوره أكفرت بالذی خلقک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 48 - 16

16 - انکار معاد، نکوهیده تر از دل بستگی به زندگانی دنیا و دارای نقشی مؤثرتر در آن در پیدایش شرک

لقد جئتمونا کما خلقناکم أول مرّه بل زعمتم أنّ نجعل لکم موعداً

حرف «بل» برای اضراب و نشان نابرابر بودن مابعد و ماقبل آن است. در این برداشت، تشبیه در «کما خلقناکم»، ناظر به مال و فرزند

نداشتن انسان در آغاز خلقت و هنگام اعاده آن، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 9

9- بی اعتقادی به معاد ، از عوامل مهم و ریشه های عمده انجام دادن گناه است .

و عرضوا علی ربّک . . . و وضع الکتب ... فتری المجرمین

«وضع الکتب» عطف است بر «عرضوا» در آیه قبل و ارتباط دو آیه گویای این است که مصداق مورد نظر از مجرمان در این آیه، همان منکران معاد هستند که در آیه قبل مطرح بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 344

5- اعمال آدمی، در نتیجه کفر به آیات پروردگار و انکار معاد، تباه شده و در قیامت سودی نخواهد بخشید.

الذین کفروا بآیت ربهم و لقائه فحبطت أعمالهم

«حبط» به معنای «هدر رفتن و تباه شدن و فساد عمل» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 66 - 3

3- استبعاد و انکار معاد، از زمینه های گریز از عبادت و اطاعت خدای یگانه

واصطبر لعبدته .. و يقول الإنسن أءذا ما متّ لسوف أُخرج حیّاً

از جمله وجوهی که در بیان ارتباط این آیه با آیات پیشین می توان ارائه کرد، این است که: پس از فرمان به عبادت و صبر بر آن، گویا این آیه، سؤال مقدری را مطرح کرده و پاسخ گفته است. سؤال مقدر این است کهک: عبادت و اطاعت خداوند چه نتیجه ای دارد؟ ما که پس از مرگ حیاتی نداریم تا حالات و اعمال ما در دنیا در آن تفاوتی ایجاد کند! این آیه و آیات بعد این سؤال را پاسخ داده و عبادت را ضروری شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 4

4 - انکار معاد، مستلزم بیهوده شمردن آفرینش انسان

أتما خلقنکم عبثاً و أنکم إلینا لاترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 116 - 1

1 - انکار معاد و بیهوده شمردن آفرینش انسان، اهانت به ساحت آفریننده جهان (خدا) است.

أفحسبتم أتما خلقنکم عبثاً .. لاترجعون . فتعلی اللّه

«تعالی» (مصدر «تعالی») به معنای والایی و بلندمرتبگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - انکار معاد و عقیده به نبودن مجازات الهی برای انسان ، مانع پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و عقیده به توحید از سوی مشرکان

وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملكة أو نرى ربنا

توصیف مشرکان به منکران «لقاء الله» در آغاز کلام، می تواند گویای این حقیقت باشد که اگر مشرکان خواستار نزول فرشتگان وحی بر خود و رؤیت خدا بودند، این خواسته ناشی از حقیقت خواهی آنان نبود؛ بلکه به خاطر عقیده مند نبودن آنان به معاد و انکار مجازات الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- کفر و انکار معاد ، موجب حبط و بی ثمر شدن عمل آدمی

وقال الذین لایرجون لقاءنا و قد منّا الی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثوراً

«هباء» به معنای ذرات بسیار ریزی است که در حال عادی دیده نمی شود و تنها به وقت تابش نور آفتاب، از روزنه ای به داخل مکان تاریک مشاهده می گردد و «منثوراً» اسم مفعول از ماده «نثر» و به معنای پراکنده شده است. این تعبیر، حاکی از بی ارزش بودن اعمال مجرمان است که چون گرد و غبار پراکنده، هیچ ارزش و خاصیتی نداشته و حبط خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 39 - 5

5- بی ایمانی به جهان آخرت ، ریشه سرکشی و بی عدالتی انسان ها است .

و استکبر هو . . . و ظنّوا أنّهم إلینا لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 23 - 6

6- کافران به آیات خدا و معاد ، عذابی دردناک خواهند داشت .

والذین کفروا بآیت اللّٰه و لقاءه . . . و أولئک لهم عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 18 - 3

3- انکار لجوجانه معاد و روح حق ناپذیر ، موجب خواری و ذلت آدمی در قیامت است .

و أنتم دخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 20 - 2

2- انکار معاد ، موجب تأسف و اندوه انسان در قیامت

وقالوا یویلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 56 - 4

4 - کفر و انکار معاد ، موجب نابودی و سقوط انسان

قال تالله إن کدت لتردين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 27 - 7

7 - انکار معاد و روز حسابی ، مستلزم باطل و بی هدف دانستن آفرینش جهان است .

بما نسوا يوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

ص: 346

یادآوری این نکته که ما جهان را بی هدف نیافریده ایم - پس از طرح مسأله فراموشی روز حساب - می رساند که نسیان و انکار معاد با هدف مندی و حق مداری جهان، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 7 - 9

9- دنیاطلبی و انکار معاد، عامل بازدارنده از انفاق و زکات

لایوتون الزکوه و هم بالأخره هم کفرون

چنانچه جمله «هم بالأخره...» حالیه باشد می توان از ارتباط «هم بالأخره هم کفرون» با جمله قبل، مطلب بالا را برداشت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 6

6- انکار معاد، مستلزم پوچ انگاشتن آفرینش و تنزل دادن آن در حد سرگرمی و تقنن

إن هی إلا موتتنا الأولى . . . و ما خلقنا السموت ... لعین

با توجه به این که آیات پیشین نظر به مشرکان منکر معاد داشت، این آیه می تواند ردی بر اندیشه آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 27 - 10

10 - انکار معاد، عامل خسران و زیان انسان

قالوا ائتوا بابائنا إن كنتم صدقین . . . یومئذ یخسر المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 33 - 4

4- گرفتار آمدن منکران معاد، در قیامت به عذابی که آن را به استهزا می گرفتند و انکار می کردند .

و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- ناباوری نسبت به معاد و قیامت ، از عوامل مهم بی تعهدی فرزند در قبال والدین *

والذی قال لولدیہ اُفّ لکما اُتعداننی اُن اُخرج

رابطه دو بخش آیه («قال لوالدیہ اُفّ» و «اُتعداننی اُن اُخرج») می تواند اشاره به این داشته باشد که میان گستاخی و بی تعهدی فرزند و عقیده کفرآلود وی به معاد، ارتباط و پیوستگی هست.

15- انسان بد رفتار با پدر و مادر و ناباور به وعده های الهی ، فاقد رشد و کمال *

اُنک الذین نتقبّل . . . و الذی قال لولدیہ اُفّ . . . ما هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

با توجه به مقابله «والذی قال . . .» با «اُولئک الذین نتقبّل . . .»، به دست می آید که بد رفتاران با والدین و ناباوران به دین، در حقیقت از رشد و خرد بی بهره اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 20 - 5

5- بی اعتقادی به معاد ، گرایش دهنده انسان به لذت جویی هر چه بیشتر از امکانات دنیایی

الذین کفروا .. اذهبتم طیبکم ... و استمتعتم بها

مخاطب قرار گرفتن لذت جویان با عنوان کفر، می نمایاند که این وصف در گرایش کافران به لذت جویی و حرص بر لذت های دنیایی نقشی اساسی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 9 - 1

1 - موضع گیری ناباورانه در برابر مسأله معاد و روز جزا ، نشان کم عقلی و سطحی نگری است .

إِثْمًا تُوْعَدُونَ لِمَا كُفِرْتُمْ بِهِ .. يَوْمَئِذٍ عَنْهُمْ نُصْرَةٌ لَا يَكْفُلُهَا اللَّهُ

«أفك» (مصدر مجهول «يؤفك») به معنای برگردانده شدن است. ضمیر در «عنه» به «ما توعدون» یا به «الدین» باز می گردد. «من أفك» معادل «مأفوك» است و آن بر انسان کم خرد و ضعیف الرأی اطلاق می شود؛ یعنی، کسی که از نعمت عقل و خرد بهره چندانی ندارد، از وعده های قرآن یا روز جزا روی گردان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 14 - 2

2- عذاب آتش دوزخ ، دستاورد خود کافران و منکران معاد

ذوقوا فتنتکم

اضافه «فتنه» به «کم»، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 9 - 7

7- ناباوری قوم نوح ، نسبت به معاد و قیامت ، زمینه موضع گیری خصمانه آنان در قبال نوح (ع)

كذبت قبلهم قوم نوح فكذبوا عبدنا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از «کذّبت» - به قرینه آیات پیشین - تکذیب قیامت باشد. که در این صورت «فای تفریح» در «فکذّبوا عبدنا» می رساند که تکذیب پیامبران، ریشه در تکذیب معاد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 47 - 1

1 - عذاب اخروی اصحاب شمال ، ره آورد موضع گیری ناباورانه آنان نسبت به معاد

و أصحاب الشمال .. . فی سموم ... و كانوا یقولون ... أءآآ لمبعوثون

استفهام انکاری در عبارت «أءآ متنا .. و أءآ لمبعوثون»، بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 348

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 44 - 7

7 - تکذیب قرآن و معاد ، از عوامل و زمینه های سقوط تدریجی جوامع بشری

سنستدر جهنم من حیث لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 4 - 5

5 - انکار معاد ، زمینه ساز گرفتاری به عذاب الهی در آخرت است .

کلاً سیعلمون

لحن تهدید گونه «کلاً سیعلمون»، بیانگر مواجه شدن منکران معاد با مجازات الهی و عملی دیدن وعده های عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 27 - 5

5 - انکار معاد و حسابرسی قیامت ، عامل طغیان گری و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

للطّـغین . . . إنهم كانوا لا يرجون حساباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 28 - 5

5 - باور نداشتن معاد ، زمینه ساز انکار تعالیم الهی و آموزه های دینی است .

لا يرجون حساباً . و کذبوا بآیتنا کذباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 30 - 2

2 - عذاب جهنم و افزایش آن ، نتیجه انکار معاد و تکذیب آیات الهی و عقوبتی متناسب با آن گناهان است .

فذوقوا فلن نزیدکم

«فاء» در «فذوقوا» و «فلن نزيدكم» دلالت می کند که چشیدن عذاب فزاینده پیامدی مناسب برای گناهان بیان شده در آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشفاق - 84 - 24 - 1

1 - انکار معاد و تکذیب قرآن ، در پی دارنده عذابی دردناک است .

فبشرهم بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 3 - 2

ص: 349

2- انکار معاد ، مایه سردی روابط انسان ها با یکدیگر

الذی یکذب . . . يدع الیتیم . و لایحض علی طعام المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 5 - 5

5- انکار معاد ، بر روابط انسان با خلق و خالق ، تأثیر منفی گذارده و مایه بی اعتنایی وی به آنها می گردد .

الذی یکذب . . . يدع الیتیم . . . و لایحض . . . الذین هم عن صلاتهم ساهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 7 - 2

2- بی اعتقادی به معاد و پاداش و کیفر الهی ، مایه بی تفاوتی انسان در برابر ضروریات زندگی مردم

أریت الذی یکذب بالذین . . . و یمنعون الماعون

11- آثار توجه به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 15

15 - توجه به معاد، پشتوانه رعایت قسط و اخلاص در دین

أمر ربی بالقسط . . . مخلصین له الذین کما بدأکم تعدون

12- آثار ذکر انحطاط مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 2 - 5

5- توجه به سقوط اخلاقی منکران معاد ، تا حد خشونت با یتیمان ، مایه پرهیز از تکذیب آخرت است .

فذلک الذی يدع الیتیم

13- آثار ذکر معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 29 - 13

13 - خوف از خداوند و یا معاد ، مانع ظلم و گناه و گرفتار آمدن به عذاب دوزخ

ص: 350

انی اخف الله رب العلمین. انی ارید ان تبوا بائمی ... فتکون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 5

5 - تقوا و در اندیشه معاد بودن، راه رسیدن به زندگی برتر و نیکو در آخرت

و للدار الآخرة خیر للذین یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 19 - 8

8 - توجه به معاد و سرنوشت تکذیب کنندگان پیامبران بازدارنده انسان از مخالفت با دعوت فرستادگان الهی است .

و یوم یحشر أعداء الله إلى النار

با توجه به تقدیر «ذکرهم» یا «أندرهم» و امثال آن به عنوان عامل «یوم»، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 54 - 5

5 - باور به معاد و توجه به آن ، دارای نقش اساسی در حق پذیری انسان

سنریهم ۱ ایتنا فی الأفاق .. ألا إیّهم فی مریه من لقاء ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 14 - 7

7 - یاد معاد هنگام تسخیر امکانات و برخورداری از نعمت ها ، زمینه ساز زدایش غرور و غفلت

ثم تذکروا نعمه ربکم إذا استویتم علیه و تقولوا .. و إنّنا إلی ربّنا لمنقلبون

توصیه به یادآوری معاد پس از برخورداری از نعمت های خداوند، می تواند اشاره به تأثیر آن در زدایش غرور و غفلت باشد.

14- آثار شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- انكار معاد و تردید در آن و مغرور شدن به زندگی دنیا، اندیشه و بینشی کفرآمیز است .

و ما أظنّ الساعة قائمه .. قال له صاحبه وهو يحاوره أكفرت بالذي خلقك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 15 - 6

6- شك در امکان معاد، شك در قدرت خداوند است .

ص: 351

أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 8

8 - تردید و ناباوری نسبت به مبانی اسلام (توحید ، معاد ، نبوت ، قرآن و ...) ، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قالوا بلی و لکنکم ... ارتبتم

15- آثار طغیانگری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 11

11 - درخواست نزول ملائکه برای خویش و رؤیت خداوند از سوی منکران معاد ، برخاسته از روح طغیان و سرکشی در وجود آنان

وقال الذین لایرجون لقاءنا لولاً أنزل علینا الملائکه أو نرى ربنا لقد استکبروا ف

16- آثار عدم درک معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 7

7- ایمان نیاوردن مشرکان به معاد ، معلول عدم درک حقیقت معاد و استبعاد آن بوده است .

لایؤمنون بالأخره .. وقالوا أءذا کنا عظماء و رفئاً أءنا لمبعوثون خلئاً جد

17- آثار عقیده به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 36 - 8

8- عقیده به معاد ، ناسازگار با دنیاپرستی و غیرقابل پذیرش برای دنیاپرستان است .

أنا أكثر منک مالاً .. و ما أظنّ الساعه قائمه

مرد ثروت مند، در پی غرور و افتخار به مال و منال و پندار جاودانه بودن آن، به انکار قیامت پرداخت. به نظر می رسد که ارتباط این دو

قسمت، به صورت زمینه و نتیجه باشد؛ یعنی، آنچه که فرد را به موضع انکار قیامت کشاند، دنیاپرستی و فریفته شدن بدان بود. فعل مجهول «زُددت» (برگردانده شوم) - که حاکی از اجبار شدن است - نیز گویای نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 352

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 5

5- اندیشه معاد و حیات اخروی، برهم زننده آرامش اشراف و مورد تکذیب اُکید آنان

وقال الملائ من قومه... ايعدكم... انكم مخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 60 - 9

9- توحید و معاد، دو عقیده محوری و انسان ساز

ان الذين هم من خشية ربهم مشفقون... انهم إلى ربهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 50 - 6,7

6- عقیده به معاد و بازگشت انسان به سوی خدا پس از مرگ، عامل نهراستیدن ساحران مؤمن از مجازات مرگ

قال... لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف... قالوا لاضیر إنا إلى ربنا منقلبون

7- عقیده به معاد، عاملی نیرومند در پابندی انسان به ارزش ها و تحمل دشواری های ناشی از تعهد به آنها

قالوا لاضیر إنا إلى ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 15 - 33

33- اعتقاد به توحید و معاد، محور مشترک برای وحدت و همبستگی پیروان ادیان آسمانی

اللّٰه ربّنا وربّکم... اللّٰه یجمع بیننا و بینکم

بنابراین که مخاطبان پیامبر(صلی الله علیه و آله) اهل کتاب باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 8

8- نقش مثبت و سازنده اعتقاد به معاد، در تربیت آدمیان و اصلاح آنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده از تذکر به آتش دوزخ - به جای موعظه و توصیه به تقوا و خودسازی و اصلاح خانواده - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 4 - 3

3 - اعتقاد به معاد ، حتی در حد گمان ، بازدارنده انسان از خیانت در سنجش کالای دیگران

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

ص: 353

18- آثار غفلت از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 34 - 3

3 - محرومیت کافران در قیامت از لطف و توجه حق ، نتیجه بی توجهی آنان به معاد است .

وقیل الیوم ننسیکم کما نسیتم لقاء یومکم هذا

برداشت بالا، بر این مبنا است که «کما» در «کما نسیتم» برای تعلیل باشد.

19- آثار فهم معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 65 - 10

10 - درک معارف الهی (توحید ، معاد و . . .) و ایمان به آنها ، عاملی اساسی در ایجاد توان فوق العاده در رزمندگان مؤمن

بأنهم قوم لایفقهون

20- آثار کفر به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 18 - 2

2- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، در پی دارنده کیفری حتمی

فیقول ما هذا إلا أسطیر الأولین . أولئک الذین حقّ علیهم القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 27 - 4

4 - ناباوری به معاد ، زمینه ساز پیدایش و رشد عقاید خرافی و انحرافی در دین

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره لیسّمون الملئکه تسمیه الأنثی

از این که عدم ایمان به آخرت، موضوع برای عقاید انحرافی و خرافی مشرکان قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

21- آثار معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 36 - 2

2 - معاد و برپایی قیامت ، نمودی از تدبیر خداوند هستی و شایسته حمد و ستایش

ص: 354

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ... وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِيكُمْ... فَالْيَوْمَ لَا يَخْرُجُونَ... فَلِلَّهِ الْحَمْدُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 5 - 3

3 - با وقوع معاد در آینده ای نزدیک ، حقایق برای کافران کشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیہ مختلفون .. ثم کلاً سيعلمون

22- آغاز معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 101 - 1

1 - آغاز رستاخیز و زنده شدن دوباره انسان ها با نفخ صور

فإذا نفخ فی الصور فلا أنساب بینهم

23- اثبات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 21، 17، 15

15 - مرگ صد ساله عزیر و حیات وی پس از آن ، شاهد و نشانه ای است برای همگان بر زنده شدن مردگان در رستاخیز

قال انی یحیی هذه الله .. ولنجعلک ایه للناس

17 - زنده شدن الاغ عزیر پس از جمع آوری استخوان های آن و پوشاندن گوشت بر آنها ، پاسخی به پرسش وی از کیفیت و امکان حیات مردگان

وانظر الی العظام کیف ننشزها ثم نکسوها لحمًا

مراد از «العظام» به قرینه «وانظر الی حمارک»، استخوانهای همان الاغ است ؛ چون صرف نگاه به حمار، نشانه ای برای احیای مردگان نیست.

21 - مشاهده زنده شدن مردگان ، موجب شناخت قدرت مطلق خداوند

فلما تبین له قال اعلم ان الله علی کل شیء قدیر

24- اجتناب از تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 355

12- باید از انکار معاد و سرکشی در برابر خداوند ، پرهیز کرد .

أولاً يذكر الإنسن . . . أيهم أشدّ على الرحمن عتياً . . . ثمّ ننجى الذين اتقوا

در این مجموعه آیات، آنچه مطرح است مسائل عقیدتی و فکری، به خصوص در زمینه معاد است. احتمالاً مقصود از «تقوا» در «اتقوا» - به قرینه آیات قبل - همان باور به معاد و پرهیز از خیره سری و گردن کشی در برابر خداوند باشد.

25- احتضار مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 2

2 - منکران معاد ، هنگام مرگ ملائکه را مشاهده خواهند کرد .

قال الذین لا يرجون لقاءنا . . . یوم یرون الملائکه لا بشری یومئذ للمجرمین

مراد از «یوم» در آیه شریفه، هم می تواند هنگام مرگ باشد و هم می تواند روز قیامت. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

26- اختلاف در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 3 - 2، 1

1 - منکران معاد در عصر بعثت ، درباره وضعیت انسان پس از مرگ ، تحلیل های گوناگون و متناقضی ارائه می کردند .

الذی هم فیه مختلفون

2 - اختلاف نظر کافران درباره معاد ، دلیل نابه جا بودن موضع گیری استهزاآمیز آنان است .

عمّ یتساءلون . . . الذی هم فیه مختلفون

توصیف منکران معاد به کسانی که با هم اختلاف نظر دارند، اشاره به این است که نباید آنان درباره چیزی که خود درباره آن آرای گوناگون دارند، موضع انکارآمیز برگزینند؛ بلکه باید آن را محتمل دانسته و از استهزای معتقدان به آن دست بردارند.

27- اختلاف درباره معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- مسأله معاد ، از محور های اختلاف مشرکان مکه با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّ هَؤُلَاءَ لَيَقُولُونَ . إِن هِيَ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَى

ص: 356

28- اختلاف مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 3 - 3، 1

1 - منکران معاد در عصر بعثت، درباره وضعیت انسان پس از مرگ، تحلیل های گوناگون و متناقضی ارائه می کردند.

الذی هم فیه مختلفون

3 - منکران معاد، در خودداری از پذیرش آن بر هیچ شیوه و دستاوردی، اتفاق نظر ندارند.

الذی هم فیه مختلفون

اختلاف منکران معاد، ممکن است در انگیزه ها و روش ها باشد؛ به این که برخی با تردید و دسته ای با استبعاد، موضع گیری می کنند و جمعی عناد ورزیده و گروهی محال بودن آن را معتقداند.

29- ادعای روشنفکری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 17

17 - منکران معاد، توجیه کنندگان کفر خویش، با روشنفکر مآبی و اتهام ارتجاع به دین

فیقول ما هذا إلا أسطیر الأولین

آیه بعد، گوینده «ما هذا إلا...» را وعده به عذاب داده است. از این نکته استفاده می شود که نسبت دادن «أسطیر الأولین» به وعده های حق، نه از سر جهل و نادانی؛ بلکه به دلیل کفر و گستاخی بوده است و با این تعبیر، کافران توجیه گر کفر خویش بوده اند.

30- استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 5 - 3

3 - منکران قیامت، زنده شدن مردگان خاک گشته را امری بس بعید می شمردند.

أءذا کنا تراباً أءنا لفی خلق جدید

استفهام در جمله «أءذا...» استفهام انکاری است و تکرار آن دلالت بر شدت انکار و استبعاد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 3,5,8

ص: 357

3- مشرکان ، مرگ را به منزله نیستی و نابودی پنداشته و حیات پس از آن را مستبعد می شمردند .

أَذَا كُنَّا عِظْمًا وَرَفْتًا أَمْ لَمْبَعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

5- مشرکان ، معاد جسمانی را امری مستبعد و غیر ممکن می دانستند .

وَقَالُوا أَأَذَا كُنَّا عِظْمًا وَرَفْتًا أَمْ لَمْبَعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

از اینکه برای مشرکان، بازسازی استخوانهای خرد شده انسان امری مستبعد و ناممکن می نمود، به دست می آید که آنان، معاد جسمانی را غیر ممکن می دانستند.

8- مشرکان در انکار معاد ، فاقد استدلال و دلیل قطعی و تنها متکی بر استبعاد هستند .

أَذَا كُنَّا عِظْمًا وَرَفْتًا أَمْ لَمْبَعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

از اینکه مشرکان، در انکار معاد تنها به استبعاد پرداختند، نشان می دهد که آنان دلیلی برای تکذیب خود نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 14

14- منکران معاد ، علی رغم دریافت پاسخ شبهات خویش درباره معاد ، با تکان دادن سر همچنان آن را مستبعد می شمردند .

فَسِينَعِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ

تکان دادن سر از سوی مشرکان، پس از دریافت پاسخ شبهات خویش درباره معاد، می تواند به منظور استبعاد معاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 98 - 4

4- انکار معاد از سوی مشرکان ، صرفاً متکی بر استبعاد بود نه مبتنی بر دلیل و برهان

وَقَالُوا أَأَذَا كُنَّا عِظْمًا وَرَفْتًا أَمْ لَمْبَعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 66 - 2,4

2- استبعاد ، از مهم ترین پایه های باور و اندیشه منکران معاد

أءذا ما متّ لسوف أخرج حياً

مبنای قرآن در نقل سخنان دیگران، گزیده گویی است. نقل این سخن از منکران معاد، نشانگر این نکته است که مهم ترین اساس بینش منکران معاد، همین استبعاد است.

4- عكس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند، انكار و استبعاد معاد است .

جئت عدن التي وعد الرحمن . . . و يقول الإنسن أءذا ما متّ

چنانچه دو آیه قبل (« و ما ننزل . . . سمياً») جملاتی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 6

6 - منکران معاد ، متکی به صرف استبعاد و فاقد هرگونه دلیل عقلی و یقینی

ص: 358

أفلاتتعقلون .. قالوا أءذا متنا و كئنا ترابًا و عظمًا أءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 67 - 3، 2، 1

1 - تبدیل ذرات خاک به بدن انسانی زنده ، امری شگفت و باور نکردنی در نظر کافران عصر پیامبر

و قال الذین کفروا أءذا کئنا ترابًا .. أئنا لمخرجون

کافران می دیدند که پیکر مرده انسان در خاک پوسیده و پس از روزگاری تبدیل به ذرات خاک می شود. پذیرش این مطلب (تبدیل دوباره ذرات و عناصر خاکی به بدن انسانی زنده) برای آنان غیر قابل باور بود و از آن اظهار شگفتی می کردند.

2 - کافران ، ناتوان از رد علمی و یقینی معاد و تنها بعید شمارنده آن

بل ادرك علمهم فی الآخره .. و قال الذین کفروا... أئنا لمخرجون

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و بسنده کردن کافران به اظهار شگفتی و ناباوری (به جای اقامه دلیل و برهان) مطلب یاد شده به دست می آید.

3 - زنده شدن دوباره نسل های گذشته تاریخ با همه قدمت آنها ، غیر قابل پذیرش در نظر کافران

أءذا کئنا ترابًا و ءاباؤنا أئنا لمخرجون

آمدن کلمه «آباؤنا» در ضمن استبعاد کافران، ممکن است بدین جهت باشد که به نظر آنان زنده شدن نیاکان به جهت قدمت زمانی، امری دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 10 - 5، 6، 7، 9، 1

1 - کافران در حیات دوباره انسان ، پس از ناپدید شدن اجزای او در خاک ، تشکیک کردند .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض أءنا لفی خلق جدید

5 - از نظر کافران ، پیوستن اجزای پراکنده بدن مردگان ، در قیامت ، امری مستبعد است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض أءنا لفی خلق جدید

«ضللنا» دو معنا دارد: یکی دفن شدن در قبر و دیگری، تبدیل به خاک شدن به گونه ای که از دیگر اجزای خاک نتوان تمیز داد. طبق معنای

دوم، اجزای بدن انسان از هم جدا شده و در میان خاک ها پراکنده خواهد شد. بازآفرینی چنین حالتی، برای کافران، مستبعد بوده است.

6- کافران، در انکار معاد، تنها متکی بر استبعادند.

أَتَأْتِ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

7- انکار لقای پروردگار و نفی هرگونه مسؤلیت از انسان، انگیزه اصلی کافران در محال شمردن معاد است.

وَقَالُوا أَءِذَا .. بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَفُرُونَ

9- کافران، نه تنها در معاد تردید دارند بلکه منکر صریح آن اند.

وَقَالُوا أَءِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَءَتَأْتِ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَفُرُونَ

احتمال دارد که «بل هم بقاء ربهم کافرون» ترقی از «أءذا ضللنا ..» به جزم در نفی معاد باشد. لازم به ذکر است که مراد از «لقاء رب» در صورتی که معادل با معاد باشد، نکته یاد شده را می رساند.

ص: 359

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 28 - 8

8 - کافران ، درباره لحظه وقوع قیامت ، ناباور بودند و آن را محال می دانستند . *

و يقولون متى هذا الفتح إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 7 - 3,2

2 - کافران ، به خاطر استبعاد معاد ، منکر آن بودند .

وقال الذین كفروا .. إذا مَرَّ قَمَّ كَلِّ مَمَّرَقِ إِنْ كَم لَفِي خَلْقِ جَدِيدِ

از تعبیر «رجل ینبئکم إذا مَرَّ قَمَّ كَلِّ مَمَّرَقِ ..» استفاده می شود که آنان از طرح مسأله معاد شگفت داشتند و چنین امری آنان را به انکار معاد واداشته بود.

3 - بازآفرینی انسان ها پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن اجزای بدنشان ، امری ناشدنی در دیدگاه کافران

وقال الذین كفروا .. إذا مَرَّ قَمَّ كَلِّ مَمَّرَقِ إِنْ كَم لَفِي خَلْقِ جَدِيدِ

«مَرَّقِ» در لغت به معنای پاره پاره شدن و قطعه گردیدن است (العین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 8 - 4,6

4 - کافران ، بازآفرینی انسان ها را - پس از قطعه قطعه شدن - از سوی خداوند ، امری ناشدنی می دانستند .

هل ندلکم علی رجل ینبئکم إذا مَرَّ قَمَّ كَلِّ مَمَّرَقِ إِنْ كَم .. أفتری علی اللّٰه

کافران مدعی بودند که امر بازآفرینی انسان ها در قیامت - که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مطرح می کند - افترا به خداوند است. احتمال دارد از این جهت باشد که آنان این امر را حتی برای خدا ناشدنی می دانستند. از این رو می گفتند اسناد چنین امری به خدا، دروغ بستن به او است.

6 - کافران ، امکان بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن ، امری عقلانی نمی دانستند .

وقال الذین كفروا .. إذا مَرَّ قَمَّ كَلِّ مَمَّرَقِ إِنْ كَم لَفِي خَلْقِ جَدِيدِ . أفتری علی اللّٰه

این که کافران به خاطر اظهار امکان تجدید حیات انسان ها پس از مرگ، به آن حضرت نسبت جنون دادند؛ به دست می آید که احتمالاً آنان چنین اظهاراتی را اصلاً عاقلانه نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 11 - 5

5 - مشرکان آفرینش مجدد انسان ها را در قیامت ، امری بعید و غیرممکن و بسیار سخت می دانستند .

فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 16 - 3

3 - برپایی قیامت و حیات دوباره انسان ها پس از متلاشی شدن بدن ، امری غیرممکن و بس بعید در نظر مشرکان

ص: 360

أءذا متنا و كُنا ترابًا و عظمًا أءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 17 - 1

1 - مشركان ، تجديد حیات نياكانشان را پس از مرگ و تبديل شدن آنان را به خاك و استخوان ، امری بسيار بعید و غير قابل قبول می دانستند .

أءنا لمبعوثون . أو اباؤنا الأولون

«اباؤنا» مبتدا و خبر آن - به قرينه خبر موجود در آیه قبل (لمبعوثون) - حذف شده است. این جمله (مبتدا و خبر) عطف بر جمله قبل (إنا لمبعوثون) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 53 - 1

1 - اظهار تردید کردن كافران در زنده شدن انسان ها پس از مرگ ، هنگام رو به رو شدن با مؤمنان

إني كان لي قرين . . . أءذا متنا و كُنا ترابًا و عظمًا أءنا لمدينون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 5

5- انكار معاد از سوی كافران ، متكى بر استبعاد و نه مستند به دلايل متقن

أتعداني أن أخرج و قد خلت القرون من قبلي

آنچه در آیه به عنوان دليل انكار معاد از قول فرد كافر، بیان شده، تنها پرسشی است آمیخته با انكار و استبعاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 3 - 2

2- انكار معاد از سوی كافران ، متكى بر استبعاد و نه دليل قطعی

أءذا متنا و كُنا ترابًا ذلک رجع بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 48 - 3

3 - کافران ، برای انکار قیامت فاقد برهان اند و جز استبعاد و شگفت آور بودن برپایی آن ، دلیلی ندارند .

أءتآ لمبعوثون . أوءابؤنآ الأؤلون

برداشت یاد شده از آن جا است که دو آیه مورد بحث - که درصدد بیان دلایل انکار معاد از سوی کافران است - مطلبی از آنان جز استبعاد و شگفتی آنان یاد نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 4

ص: 361

4 - استبعاد و تردید در توانایی خداوند ، مشکل و بهانه کافران در پذیرش مسأله معاد و احیای مردگان

أليس ذلك بقدر علی أن يحيی الموتی

طرح مسأله توانایی خداوند بر احیای مردگان به صورت سؤال، نشان دهنده حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 10 - 3،4

2 - منکران معاد ، زنده شدن اهل قبور را شگفت آور خواننده و آن را بعید می شمارند .

يقولون أءنَّا لمردودون فی الحافره

یکی از معانی «حافره» قبر است (مفردات راغب). قید «فی الحافره» حال و مفاد جمله «أءنَّا...» این است که آیا ما در حالی که در قبر هستیم، به زندگی بازگردانده خواهیم شد؟!

3 - استبعاد ، تنها واکنش منکران معاد

يقولون أءنَّا لمردودون فی الحافره

4 - «عن أبی جعفر (ع) فی قوله : «أءنَّا لمردودون فی الحافره» يقول : فی الخلق الجدید ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «أءنَّا لمردودون فی الحافره» روایت شده که فرمود: خدا می فرماید: [مشرکان می گویند: آیا ما] در آفرینش مجدد [باز می گردیم؟!]

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 11 - 3،1

1 - انسان در دیدگاه منکران معاد ; پس از مرگ نابود شده و از او چیزی جز استخوان های پوسیده باقی نمی ماند .

أءذا کنا عظماً نخره

«نخیر»؛ یعنی، صدای بینی و «نخره» به استخوان کهنه و پوسیده ای گفته می شود که با اندک تماسی از هم بپاشد و چنانچه قدری از آن باقی باشد - به گونه ای که با وزش باد به صدا درآید - به آن «ناخر» می گویند. (لسان العرب)

3 - استبعاد تنها واکنش منکران معاد ، در برابر هشدار های الهی نسبت به حوادث پس از مرگ

أءذا کنا عظماً نخره

31- استبعاد معاد جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 98 - 3

3- کفران ، حیات دوباره انسان را پس از تبدیل شدن به خاک و استخوان پراکنده ، بعید می شمردند .

وقالوا أءذا كُنَّا عِظْمًا ورفثًا أءنَّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 7 - 7

ص: 362

7 - منکران وقوع قیامت ، در صدد بودند تا با طرح عدم امکان بازآفرینی اجساد قطعه قطعه شده انسان ها پس از مرگ ، عقیده خود را توجیه کنند .

وقال الذین کفروا لاتأتینا الساعه .. وقال الذین کفروا هل ندلّکم علی رجل ینبئ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 78 - 3

3 - زنده شدن انسان ها پس از تبدیل شدن به استخوان کهنه و پوسیده ، امری شگفت آور و ناممکن در دیدگاه کافران

قال من یحیی العظم و هی رمیم

«من» در آیه شریفه برای استفهام انکاری و تعجیبی است و «رمیم» به معنای کهنه و پوسیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 3 - 1,5

1- زنده شدن دوباره انسان ، پس از مردن و خاک شدن ، امری بعید از نظر کافران

أءذا متنا و کنا ترابًا ذلک رجع بعید

5- متلاشی شدن اجزای بدن در خاک ، محور اشکال کافران در مسأله معاد

و کنا ترابًا ذلک رجع بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 47 - 3

3 - کافران ، زنده شدن انسان را پس از تبدیل شدن وی به خاک و استخوان ، غیرقابل باور می پنداشتند .

و کانوا یقولون أئذا متنا و کنا ترابًا و عظمًا أءنا لمبعوثون

32- استکبار مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 9

9- منکران معاد، گرفتار خود بزرگ بینی و استکبار در درون جان خویش

وقال الذین لایرجون لقاءنا .. لقد استکبروا فی أنفسهم

33- استمهال مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 1

ص: 363

1 - مهلت دادن به کافران تکذیب‌گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدرجهم ... و اُملی لهم

34- استهزاگران معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 6 - 3

3- وعده معاد ، مورد استهزا و ریشخند کافران عصر بعثت

فسیأتیهم أنبؤا ما كانوا به یتستهزءون

موضوع مورد استهزا به قرینه آیه بعد - که استدلال برای امکان معاد است - مسأله رستاخیز می باشد.

35- استهزاهای مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 19

19- منکران معاد ، پس از مشاهده ناکامی خویش در انکار معاد ، آن را به استهزا گرفتند .

فسینغضون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

این احتمال که سر تکان دادن آنان (فسینغضون إلیک رءوسهم) از روی استهزا بوده، استفاده می شود که آنان درصدد استهزای معاد برآمده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 12 - 1

1 - تمسخر و ریشخند ، برخورد منکران معاد در برابر گزارش های رستاخیز

قالوا تلک إذا کره خاسره

فعل «قالوا» ممکن است از صدور این گفتار در قیامت خبر دهد که ماضی بودن آن، برای بیان قطعی بودن آن است و نیز می تواند حاکی از گفته کافران در دنیا باشد. برداشت یاد شده، براساس دومین احتمال است. «تلک» - که اشاره به بعید است - مؤید این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- منکران معاد، آیات مربوط به آن را، عاری از حقیقت پنداشته و شوخی قلمداد می کردند .

و ما هو بالهزل

هدف از توصیف قرآن به دوری از مزخرفات و مهملات، بیان اوصاف قرآن نیست؛ زیرا در توصیف چیزی، به بیان حداقل کمال آن

ص: 364

بسندہ نمی شود. بنابراین مراد، نفی پندار مخالفان است.

36- استهزای اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 23 - 5

5- استهزا شدن، از عذاب های روحی مشرکان و منکران معاد در عرصه قیامت

فاهدوهم إلى صراط الجحيم

به کار رفتن واژه «هدایت» - که برای راهنمایی به امر خیر و مرغوب است - درباره راندن به دوزخ، از باب تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 25 - 2

2- سرزنش و استهزا، از عذاب های روحی منکران معاد و مشرکان در موقف و بر سر راه دوزخ

ما لکم لاتتصرون

برداشت یاد شده از «ما»ی استفهامیه در «ما لکم» - که درصدد توییخ و تهکم است - به دست می آید.

37- استهزای معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 19

19- منکران معاد، پس از مشاهده ناکامی خویش در انکار معاد، آن را به استهزا گرفتند.

فسينغصون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

این احتمال که سر تکان دادن آنان (فسینغصون إلیک رءوسهم) از روی استهزا بوده، استفاده می شود که آنان درصدد استهزای معاد برآمده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 1

1 - حیات مجدد انسان ها و بیرون آوردن آنان از گورهایشان در روز رستاخیز ، مورد انکار و استهزای اشراف کافر جامعه پس از نوح

أیعدکم ... أنکم مخرجون

استفهام در «أیعدکم» برای تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 365

3 - وعده معاد ، مورد استهزا و ریشخند کافران در طول تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأولون .. لقد وعدنا ... هذا من قبل إن هذا إلا أسطير

با توجه به، به کارگیری کلمه «هذا»، که برای اشاره به نزدیک و بیانگر نوعی تحقیر نسبت به موضوع بسیار مهمی چون معاد است، برداشت قوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - مشرکان - به رغم مشاهده عظمت آفرینش و آیات الهی در طبیعت - تعالیم قرآن (معاد و احیای مجدد انسان ها و توحید ربوبی و ..) را به تمسخر می گرفتند .

إنّ إلهکم لوحد .. فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً... بل عجبت و یسخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - پندارگرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا *

الخرصون . الذین هم فی غمره ساهون . یسئلون آیاں یوم الدین

از ارتباط «یسئلون ..» با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و دنیازدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - خبر زنده شدن دوباره انسان در روز رستاخیز ، مورد استهزا و ریشخند کافران

و کانوا یقولون أنذا متنا .. أءنا لمبعوثون

برداشت بالا، بدان احتمال است که استفهام در آیه شریفه، برای استهزا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - کافران عصر بعثت ، وعده معاد را ، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ یتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله «سیعلمون» - در آیات بعد - این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود؛ بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - اختلاف نظر کافران درباره معاد ، دلیل نابه جا بودن موضع گیری استهزاآمیز آنان است .

ص: 366

عمّ يتساءلون .. الذی هم فيه مختلفون

توصیف منکران معاد به کسانی که با هم اختلاف نظر دارند، اشاره به این است که نباید آنان درباره چیزی که خود درباره آن آرای گوناگون دارند، موضع انکارآمیز برگزینند؛ بلکه باید آن را محتمل دانسته و از استهزای معتقدان به آن دست بردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 12 - 1

1 - تمسخر و ریشخند ، برخورد منکران معاد در برابر گزارش های رستاخیز

قالوا تلک إذا کره خاسره

فعل «قالوا» ممکن است از صدور این گفتار در قیامت خبر دهد که ماضی بودن آن، برای بیان قطعی بودن آن است و نیز می تواند حاکی از گفته کافران در دنیا باشد. برداشت یاد شده، براساس دومین احتمال است. «تلک» - که اشاره به بعید است - مؤید این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 14 - 2

2 - منکران معاد ، آیات مربوط به آن را ، عاری از حقیقت پنداشته و شوخی قلمداد می کردند .

و ما هو بالهزل

هدف از توصیف قرآن به دوری از مزخرفات و مهملات، بیان اوصاف قرآن نیست؛ زیرا در توصیف چیزی، به بیان حداقل کمال آن بسنده نمی شود. بنابراین مراد، نقی پندار مخالفان است.

38- استهزای مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 71 - 3

3 - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا.. و يقولون متی هذا الوعد

مراد از «الوعد» به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

39- اضطراب اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 27 - 2

2- ناراحتی و اضطراب شدید کافران و منکران معاد ، در لحظه دیدن عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سيئت وجوه الذين كفروا

ص: 367

زشت و کربه شدن کافران، به هنگام مشاهده قیامت، بیانگر ناراحتی و اضطراب شدید آنان در آن هنگام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 8 - 2

2 - صحنه برپایی قیامت برای منکران معاد، صحنه ای هراس انگیز و اضطراب آور خواهد بود.

قلوب یومئذ واجفه

مراد از «قلوب» - به قرینه «یقولون أعتا لمرودون فی الحافره» در آیات بعد - قلب منکران معاد است.

40- افسانه بودن معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 68 - 4

4 - در پندار کافران، عقیده به معاد، باوری ارتجاعی و افسانه ای ساخته و پرداخته پیشینیان است.

وقال الذین کفروا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

«أسطوره» (مفرد «أساطیر») معادل افسانه است و آن عبارت از هر حکایت و قصه بی اصل و دروغ است که به قصد اخلاقی یا سرگرم کردن ساخته می شود.

41- اقرار به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 4

4 - منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

ولو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق قالوا بلی وربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 14 - 1

1 - انسان های متذکر و متوجه به نعمت های الهی و تدبیر خداوندی، معترف به معاد و رستاخیز

و تقولوا سبحن الذى سخر لنا هذا .. و انا الى ربنا لمنقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - جائيه - 45 - 32 - 8

8 - منكران قيامت ، ناتوان از ارائه دليلى قطعى بر نفى معاد و معترف به امكان وقوع آن

قلتم ما ندرى ما الساعه .. و ما نحن بمستيقنين

ص: 368

از آیه شریفه استفاده می شود که منکران معاد، با ادعای «ما ندری» و «إن نظنّ...» درصدد انکار معاداند؛ لیکن براین دعوی هیچ دلیل اثباتی و قطعی ندارند؛ بلکه به گونه ضمنی امکان آن را معترف اند (و ما نحن بمستیقین).

42- اقرار مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 4

4 - منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق قالوا بلی وربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 32 - 8

8 - منکران قیامت ، ناتوان از ارائه دلیلی قطعی بر نفی معاد و معترف به امکان وقوع آن

قلتّم ما ندری ما الساعه . . . و ما نحن بمستیقین

از آیه شریفه استفاده می شود که منکران معاد، با ادعای «ما ندری» و «إن نظنّ...» درصدد انکار معاداند؛ لیکن براین دعوی هیچ دلیل اثباتی و قطعی ندارند؛ بلکه به گونه ضمنی امکان آن را معترف اند (و ما نحن بمستیقین).

43- اقسام معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 8

8 - معاد (رستاخیز انسان و جهان) مادی و جسمانی است .

إنه یبدؤا الخلق ثم یعیده

«اعاده» به معنای بازگرداندن خود شیء است. اعاده خود جهان آفرینش و انسان در روز رستاخیز، بیانگر برداشت فوق است.

44- اقوام پیشین و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 68 - 2

2- کافران عصر بعثت ، مطلع از وجود مسأله ای به عنوان قیامت و معاد در میان نسل های پیشین

لقد وعدنا هذا نحن وءاباؤنا

ص: 369

45- امکان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 12

12- امکان وقوع رستاخیز و نیز وجود نیرویی قادر به انجام آن ، دو موضوع زیربنایی در اثبات معاد است .

قل کونوا حجاره .. فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم

در آیه پیش، سؤال از امکان تبدیل شدن استخوانهای خرد شده به انسان مطرح شد و با فرض امکان آن، در این آیه، قدرتی که قادر به تحقق آن باشد مطرح گردیده است.

46- انحطاط تدریجی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 44 - 5

5 - خداوند ، تکذیب کنندگان قرآن و معاد را به تدریج به ورطه سقوط می کشاند .

سنستدر جهم

«استدرج» (مصدر «سنستدرج») در اصل به معنای نزدیک کردن کسی به سوی چیزی است و مقصود از آن در این آیه، بردن و نزدیک کردن کافران به ورطه سقوط و هلاکت است؛ به گونه ای که خود متوجه آن نشوند (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 2

2- مهلت دادن به تکذیب گران ، در راستای سقوط تدریجی آنان است ؛ نه در جهت منافع آنان

سنستدر جهم .. و أُملی لهم

عبارت «أُملی لهم» تأکید و بیان دیگری برای مسأله سقوط تدریجی کافران است؛ یعنی، ما به آنان مهلت دادیم تا سقوط تدریجی آنان تحقق یابد.

47- انذار از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- انذار پیوسته مردم به معاد، از سوی پیامبر جامعه پس از نوح

هیئات هیئات لما توعدون

به کارگیری فعل مضارع، بیانگر این نکته است که پیامبران جامعه پس از نوح، مردم را مستمراً نسبت به مسأله قیامت و معاد، بیم

ص: 370

می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 83 - 2

2- وعده رستاخیز و هشدار مردمان به آن ، رسالت مشترک همه پیامبران

وعدنا نحن وءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 15 - 3

3- بی تأثیر ساختن هشدار های قرآن درباره معاد ، محور نیرنگ های کافران

إِنَّه لَقَوْلُ فَصْلٍ . . . إِنَّهَمْ بِكَيْدُونِ كِيدًا

به قرینه آیات پیشین، مصداق بارز کید و مکر کافران، توطئه برای جدی نگرفتن هشدارهای قرآن به معاد است.

48- انذار از معاد جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 3 - 6

6- معاد مورد انذار پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، معادی جسمانی و نه صرفاً روحانی

جاءهم منذر . . . أءذا متنا و كئنا ترابًا ذلك رجوع بعید

گفتنی است که اشکال کافران در زمینه معاد جسمانی بوده و پذیرش گرد آمدن دوباره اجزای بدن بر ایشان دشوار بوده است. این نشان می دهد که آنان، از انذار پیامبر (صلی الله علیه و آله)، معاد جسمانی را فهمیده اند. آیه شریفه هم اصل فهم ایشان را رد نکرده است.

49- انذار مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 7،9

7- تهدید شدن منکران معاد از سوی خداوند ، به فرو بردن در زمین

إن نشأ نخسف بهم الأرض

9- تهدید شدن منکران معاد ، به سقوط قطعه هایی از آسمان بر سرشان

إن نشأ .. أو نسقط عليهم كسفاً من السماء

ص: 371

50- اهداف معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 9 - 5

5 - حسابرسی نهان کاری های انسان و چشیدن کیفر آن ، از اهداف معاد است .

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ . يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ

«یوم» ظرف برای «رجعه» و بیانگر آن است که ارجاع دوباره انسان، روزی به وقوع خواهد پیوست که از مشخصات آن، محاسبه اعمال پنهانی و نیت های انسان برای تشخیص میزان کیفر او است.

51- اهمیت انذار از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 3 - 3

3- معاد ، از مهم ترین انذار های پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آدمیان

جاءهم منذر .. أءذا متنا ... ذلک رجع بعید

از ارتباط «أءذا متنا» - که در مورد قیامت است - با تعبیر «منذر» در آیه قبل، استفاده می شود که یکی از محورهای عمده انذارهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) مسأله معاد بوده است.

52- اهمیت ایمان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 4

4- ایمان به رستاخیز و معاد ، از تعالیم مهم دین و آموزه های قرآن است .

و قالوا أءذا .. لمبعوثون خلقًا جدیدًا

ذکر مسأله معاد پس از بیان موضوع قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از میان سایر تعالیم دین، حکایت از جایگاه ویژه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 13

13- یقین به حقیقت وعده های خداوند و باور به معاد ، تکلیفی الهی و معرفتی ارجمند است .

أَعْرَضْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 105 - 14

14- ایمان به معاد و لقای پروردگار ، در مجموعه اصول عقیدتی ، دارای اهمیت خاصی است .

ص: 372

كفروا بأيت ربهم ولقائه... فلانقيم لهم يوم القيمه وزناً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 15 - 11

11 - آشنا شدن مردم با معاد و باور داشتن آن ، از اهداف نزول وحی

يلقى الروح... لينذر يوم التلاق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - واقعه - 56 - 95 - 2

2 - ايمان آوردن به معاد و دست برداشتن از انكار و تكذيب آن ، توصيه أكيد الهی به همه كافران و تكذيب گران

و أما إن كان من المكذبين... إن هذا لهو حق اليقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - مطففين - 83 - 4 - 4

4 - ضرورت تلاش برای بالا بردن آگاهی های خویش درباره معاد و تقويت ايمان به آن

ألا يظن أولئك أنهم مبعوثون

53- اهمیت پاسخ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - اسراء - 17 - 50 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا كنا عظمًا... قل كونوا حجاره أو حديدًا

54- اهمیت ذکر معاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - مطففين - 83 - 7 - 1

1 - لزوم توجه به معاد و غفلت نداشتن از قیامت و زمان حضور در پیشگاه خداوند

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ... كَلَّا

حرف «کَلَّا» برای ردع است و مخاطب را از رویه ای که جملات پیشین بر آن دلالت داشت، باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 373

1 - لزوم توجه به معاد و غفلت نداشتن از قیامت

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ... كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ... كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ

حرف «کلا» در این آیه، مفاد «کلا» در آیه مربوط به فاجران را تأکید می کند. مقابله «أبرار» با «فجار» بیانگر این ارتباط است.

55- اهمیت عقیده به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 53 - 5

5 - عقیده به معاد، رکن رکن دین و دارای جایگاه بلند در میان اصول اعتقادی

أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعْنَا لِمَدِينُونَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته که بهشتیان از میان اصول و مبانی دینی، تنها به مسأله معاد پرداخته و انکار آن را از جانب کافران مطرح می سازند.

56- اهمیت علم به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 4 - 4

4 - ضرورت تلاش برای بالا بردن آگاهی های خویش درباره معاد و تقویت ایمان به آن

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

57- اهمیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 77 - 8

8- معاد و قیامت، از مهم ترین موضوعات معرفت دینی پس از توحید*

و ما أمر الساعة إلا كلمح البصر

برداشت فوق، با استفاده از ارتباط آیات و اینکه در آیات گذشته، محور اصلی موضوع توحید و پرهیز از شرک بود و در این آیه سخن از برپایی قیامت می باشد به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 2

ص: 374

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا كنا عظمًا .. قل كونوا حجاره أو حديدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 3

3- خلقت آسمان ها و زمین ، به مراتب مهمتر از حیات دوباره انسان پس از مرگ است .

أو لم يروا أن الله الذي خلق السموت و الأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 98 - 16

16- توجه به مبدأ و معاد دو اصل عمده در بینش توحیدی است .

ما مکتی فیہ ربی خیر .. و کان وعد ربی حقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 5

5- زندگی دنیوی ، در پرتو وجود معاد و حیات اخروی ، ارزشمند و هدفدار می شود .

أفحسبتم أنما خلقنکم عبثًا و أنکم إلینا لاترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 6 - 4

4 - معاد ، موضوعی بس مهم و در خور توجه

أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

واژه «نبأ» به خبر و حادثه ای اطلاق می شود که مهم و شایان توجه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 88 - 13

13 - توحید و معاد ، دورکن اساسی تعلیمات پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لا تدع مع الله . . . و إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 81 - 6

6 - آفرینش آسمان ها و زمین ، بسی مهم تر و با عظمت تر از آفرینش مجدد انسان ها است .

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

شگفت آور بودن انکار معاد از سوی کافران - علی رغم مشاهده قدرت خدا بر خلق جهان طبیعت - می تواند ناشی از این حقیقت باشد که آفرینش جهان طبیعت، بسی مهم تر و با عظمت تر از خلق مجدد یکی از پدیده های طبیعت (یعنی انسان) است.

ص: 375

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 11 - 7

7 - مسأله معاد و فهم چگونگی و امکان آن ، از دل مشغولی های مهم بشر

کذلک تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 85 - 8

8 - مسأله معاد ، مهم ترین عقیده پس از توحید و یگانه پرستی

له ملك السموت و الأرض . . . و عنده علم الساعه و إليه ترجعون

طرح مسأله قیامت و معاد، پس از تبیین فرمانروایی یگانه خداوند، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 35 - 4

4- معاد و اعتقاد به حیات اخروی ، از نخستین تعالیم پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّ هَؤُلَاءَ لَيَقُولُونَ . إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَنَا الْأُولَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 2

2- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إِنَّ هَؤُلَاءَ لَيَقُولُونَ . . . و ما خلقنا السموت ... لعین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 9

9- لازمه حقانیت آفرینش، وجود معاد و عالمی دیگر، غیر از جهان مادی دنیوی

خلقنا .. إلا بالحقِّ و أجل مسمی و الذین کفروا عمّا أنذروا معرضون

چنانچه زندگی انسان، محدود به حیات دنیوی وی باشد، بسیاری از نابرابری ها و بی عدالتی ها جبران نشده و حق حاکم نمی گردد. از این بیان می توان استفاده کرد که لازمه حق بودن آفرینش، وجود جهان دیگری پس از این جهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 5 - 6

6- تلاش پیگیر و مستمر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، برای متوجه ساختن مردم به مسأله معاد

إنّما توعدون لصادق

ص: 376

فعل مضارع «توعدون» - که مفید استمرار است - نشان می دهد که مسأله قیامت، یکی از مسائل مهم است و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صورت پیوسته مردم را به آن تذکر می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 47 - 4

4 - بیان توحید و ضرورت معاد ، از تعالیم مشترک کتاب های آسمانی

أَمْ لَمْ يَنْبَأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى . وَإِبْرَاهِيمَ ... وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ... وَأَنَّ عَلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 8

8 - انسان و احیای مجدد او در روز رستاخیز ، از مباحث اساسی و محوری قرآن در دوره نخستین رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لَا أَقْسَمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ . . . أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنَّ نَجْمَ عِظَامِهِ ... أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتَر

برداشت یاد شده، به این سبب است که این سوره - که از سوره های مکی و نازل شده در مرحله نخستین رسالت است - از آغاز تا پایان، درباره دو موضوع انسان و قیامت بحث کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 2 - 1, 2

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در سال های نخست رسالت ، معاد و حوادث جهان آخرت را به مردم مکه ابلاغ کرده بود .

عن النبأ العظيم

اطلاق «نبأ» بر معاد، گویای این حقیقت است که حوادث آن، برای مردم گزارش شده بود و از نازل شدن این سوره در مکه، دانسته می شود که خبر معاد، در نخستین سال های رسالت ابلاغ شده بود.

2 - معاد و جهان آخرت ، رخدادی با عظمت در نظام هستی است .

عن النبأ العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 12 - 4

4- بهره مند ساختن ساکنان زمین از آسمان های محکم و استوار ، دلیل قدرت خداوند و ضرورت معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ . . . أَلَمْ نَجْعَلْ . . . وَبَنِينَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شَدَادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 10

10 - معادِ انسان ها ، جلوه ربوبیت خداوند بر آنان است .

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ

ص: 377

ایمان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 245 - 15

15 - ایمان به بازگشت و رجعت آدمی به سوی خداوند ، برانگیزاننده انسان ها به پیکار در راه او و انفاق

و قاتلوا فی سبیل اللّٰه .. من ذا الذی یقرض اللّٰه ... و الیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 6،12

6 - ایمان ابراهیم (ع) به اصل معاد و احیای مردگان

قال اولم تؤمن قال بلی

12 - دانایی به چگونگی احیای مردگان از جانب خداوند ، شرط ایمان به اصل معاد نیست .

ربّ ارنی کیف تحیی الموتی قال اولم تؤمن قال بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 114 - 13

13 - قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات او ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ،

حبیل الهی است . *

ضربت علیهم الذّٰله .. الا بحبل من اللّٰه ... لیسوا سواء من اهل الکتب ... یؤمن

به نظر می رسد صفات مذکور، بیانگر «حبل اللّٰه» است؛ چون دارندگان این صفات، قطعاً از ذلت به دور هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 29 - 10

10 - هابیل ، معتقد به معاد و معارف دین و دارای یقین به بهشت و دوزخ و آگاه به کیفر و پاداش اعمال

انی اخاف اللّٰه رب العلمین .. تبوأ باثمی و اثمک فتکون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 60 - 3

3 - ایمان به یگانگی خداوند و لزوم پرستش او و باور به معاد ، پندارهایی باطل و واهی در دیدگاه اشراف قوم نوح

قال المأ من قومه إنا لنرىك فى ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 65 - 10

10 - درک معارف الهی (توحید ، معاد و . . .) و ایمان به آنها ، عاملی اساسی در ایجاد توان فوق العاده در رزمندگان مؤمن

بأنهم قوم لا یفقهون

ص: 378

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 45 - 9

9- تکذیب و انکار معاد، ضلالت و گمراهی؛ و ایمان و اعتراف به آن، هدایت است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله و ما کانوا مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 18

18- اعتقاد و باور جزمی انسان ها به معاد و لقای خداوند، از هدف های قرآن در بیان نشانه های قدرت و تدبیر خدا و سلطه او بر هستی است.

یفصلّ الأیت لعلمکم بقاء ربکم توقنون

برداشت فوق، ناظر به این معناست که مراد از «الآیات» آیات قرآنی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 5 - 8

8- باور به ربوبیت خدا بر انسان ها، وادار کننده انسان به پذیرش قیامت و زنده شدن مردگان برای حضور در صحنه آخرت

أولئک الذین کفروا بربههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 110 - 21، 15

15- در بینش الهی، ایمان به مبدأ و معاد، از عمل صالح تفکیک ناپذیر است.

إلهکم إله وحد فمن کان یرجو لقاء ربّه فلیعمل عملاً صالحاً

ارتباط جملات این آیه به هم با حرف «فاء» - که معنای تقریر دارد - بر این معنا شاهد است که هر یک از این مراحل، لازمه انفکاک ناپذیر مرحله قبل است؛ یعنی، موحد باید به لقای پروردگار امیدوار باشد و کسی که این چنین است، بایستی عمل صالح پیشه کند.

21- ایمان به توحید و نبوت و معاد و دعوت به انجام دادن عمل صالح، چکیده دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

قل إنّما أنا بشر . . . و لا یشرک بعباده ربّه أحدًا

جمله «یوحى إلیّ . . .» نبوت و «أثمّا إلهکم...» توحید و «یرجو لقاء...» معاد و «عملاً صالحاً» عمل صالح را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 74 - 2

2 - ایمان به معاد و روز جزا، از شاخصه های اندیشه اعتقادی ادیان آسمانی

و إنّ الذین لا یؤمنون بالأخره عن الصرط لَنکبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 52 - 2

ص: 379

2 - تصدیق و باور داشتن قیامت و زنده شدن انسان ها ، از ویژگی های بهشتیان و بندگان مخلص خدا در دنیا است .

يقول أءنك لمن المصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 36 - 1

1- مشركان برای پذیرش درستی معاد ، زنده شدن نیاکانشان را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار شدند .

فأتوا بآبائنا إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 51 - 4

4- ساحت تقوایبشگان ، به دور از گناه و تردید در معاد و حقایق اخروی

إن هذا ما كنتم به تمترون . إن المتقين

از مقابله میان متقین و گروه پیشین - که با وصف «الأثیم» و «کنتم به تمترون» یاد شده اند - مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 4

4 - توجه به آفرینش زمین و ویژگی های آن ، مایه پی بردن به قدرت خداوند و زمینه ساز پذیرش معاد است .

عن النبأ العظيم . . . ألم نجعل الأرض مهذاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 4

4 - اندیشیدن درباره ماهیت شب و ویژگی های آن ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عمّ يتساءلون . . . وجعلنا الليل لباساً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 11 - 5

5- توجه به آسان سازی امور زندگانی انسان با آفرینش روز و ویژگی های آن ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 13 - 3

3- مطالعه در ویژگی های خورشید و فواید آن برای انسان ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا

ص: 380

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 14 - 6

6 - توجّه به نزول باران و هدفدار بودن باران زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمَعْصَرِ مَاءً ثَجَّاجًا

توجّه به نعمت باران، می تواند انسان را به این نکته رهنمون سازد که این نعمت ها، به گزاف در اختیار انسان قرار داده نشده و هدف از آن، جز با معاد تحقق نیافتنی است. هم چنین می تواند بیانگر این باشد که حیات زمین مرده به وسیله باران، نمونه بارزی برای زنده شدن مردگان است و استبعاد معاد وجهی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 3

3 - توجّه به مراحل پیدایش زمین و تحوّل آن به جایگاهی قابل استفاده جانداران ، مایه پی بردن انسان به قدرت خداوند و زمینه باور داشتن معاد

ءَأَنْتُمْ أَشْدُّ ... وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 18 - 2

2 - توجّه به ماده اولیه خلقت انسان و سیر پیدایش وی ، مانع کفر به خداوند و قدرت او و زمینه ساز باور به معاد

قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ . مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 19 - 4

4 - توجّه انسان به پیدایش او از نطفه ای ناچیز ، بازدارنده وی از کفرورزی به خداوند و قدرت او و مایه باور به معاد است .

مَا أَكْفَرَهُ .. مِنْ نَظْفَةٍ خَلَقَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 23 - 6

6- پذیرش معاد و ترک کفر ، فرمان خداوند به همه انسان ها است .

ما أكفروه .. ثم إذا شاء أنشره ... ما أمره

از مصادیق بارز «ما أمره» - به قرینه آیات پیشین - کنار نهادن کفر و پذیرش معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 18 - 2

2- بررسی قوانین حاکم بر آسمان و فضای بالا ، زمینه ساز باور به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

وإلى السماء كيف رفعت

ص: 381

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 8 - 5

5 - توجه به حکمت برتر خداوند ، زمینه ساز پذیرش معاد

فما یکذبک بعد بالدين . أليس الله بأحکم الحکمین

ایمان به معاد در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 19

19- برخی از ساکنان شهر مسکونی اصحاب کهف ، به هنگام بیدار شدن آنان ، به حقانیت معاد معتقد بودند .

أعثرنا علیهم . . . إذ یتزعون بینهم أمرهم

58- بهانه جویی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 18

18- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد ، روی آوردند .

و یقولون متی هو

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعیتی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

59- بی اعتنائی به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 15 - 4

4- جدی نگرفتن هشدار های قرآن به معاد و شوخی قلمداد کردن آن ، دسیسه کافران در مقابله با آیین الهی

و ما هو بالهزل . إنهم یکیدون کیداً

60- بی ایمانی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 22 - 3

3 - منکران معاد ، نه تنها به هشدار های قرآن ایمان نیاورده و در برابر آن فروتنی نمی کنند ؛ بلکه پا را فراتر نهاده و قرآن را تکذیب می کنند .

بل . . . یکذبون

61- بی منطقی استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 36 - 6

6- نفی معاد ، مبتنی بر تردید و استبعاد و فاقد هرگونه دلیل قطعی است .

و ما أظنّ الساعة قائمه

بیان نفی قیامت با فعل «ما أظنّ» می تواند اشاره به این نکته باشد که انکارِ معاد، بر مبنای استبعاد است نه این که منکران به آن قطع داشته باشند.

62- بی منطقی تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 36 - 6

6- نفی معاد ، مبتنی بر تردید و استبعاد و فاقد هرگونه دلیل قطعی است .

و ما أظنّ الساعة قائمه

بیان نفی قیامت با فعل «ما أظنّ» می تواند اشاره به این نکته باشد که انکارِ معاد، بر مبنای استبعاد است نه این که منکران به آن قطع داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 12

12- منکران معاد، با مشاهده حضور خود در صحنه قیامت، به عمق نادرستی پندار خویش پی می برند.

بل زعمتم ألن نجعل لکم موعداً

تعبیر «بل زعمتم..» در حقیقت، بازگو کننده حال کسی است که علی رغم باور خویش، خود را در صحنه قیامت می بیند و از این جهت شرمسار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 383

17 - جائیه - 45 - 24 - 10

10 - تکذیب معاد ، امری غیر مستند و فاقد دلیل

ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا . . . و ما لهم بذلک من علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 5

5- انکار معاد از سوی کافران ، متکی بر استبعاد و نه مستند به دلایل متقن

أتعداننی أن أُخرج و قد خلت القرون من قبلی

آنچه در آیه به عنوان دلیل انکار معاد از قول فرد کافر، بیان شده، تنها پرسشی است آمیخته با انکار و استبعاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 10 - 2

2 - انکار معاد ، متکی بر گمان و فاقد دلیل یقینی

قتل الخرزّون

«خرص» به معنای سخنی است که مبتنی بر ظن و گمان و فاقد پایه علمی است. از آن جایی که قبل و بعد این آیه، در مورد روز جزا است، استفاده می شود که موضوع یاوه سرایی اینان، مسأله انکار معاد بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 4

4 - انکار معاد ، با وجود هشدار های قرآن ، نکوهیده ، شگفت آور و فاقد برهان است .

فما لهم لایؤمنون

«ما» اسم استفهام است و مراد از استفهام در این موارد، تعجب همراه با توییح است. تغییر سیاق کلام از خطاب در «لترکبن» به غایب در «لهم»، بر نکوهش افزوده است.

63- بی منطقی رد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 11

11- نفی معاد، مبتنی بر پندار و فاقد اساسی علمی و یقینی است.

بل زعمتم أنّ نجعل لكم موعداً

«زعم» عقیده و گفتاری است که مبتنی بر گمان باشد. «موعد» اسم زمان به معنای زمان وعده است. در این آیه، منظور از موعد، قیامت است.

ص: 384

64- بی منطقی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 8

8- مشرکان در انکار معاد ، فاقد استدلال و دلیل قطعی و تنها متکی بر استبعاد هستند .

أَءَا كُنَّا عَظْمًا وَرَفْتًا أَمْ لَمْ نَكُنْ خَلْقًا جَدِيدًا

از اینکه مشرکان، در انکار معاد تنها به استبعاد پرداختند، نشان می دهد که آنان دلیلی برای تکذیب خود نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 98 - 4

4- انکار معاد از سوی مشرکان ، صرفاً متکی بر استبعاد بود نه مبتنی بر دلیل و برهان

وَقَالُوا أَءَا كُنَّا عَظْمًا وَرَفْتًا أَمْ لَمْ نَكُنْ خَلْقًا جَدِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 6

6 - منکران معاد ، متکی به صرف استبعاد و فاقد هرگونه دلیل عقلی و یقینی

أَفَلَا تَعْقِلُونَ . . . قَالُوا أَءَا كُنَّا عَظْمًا أَمْ لَمْ نَكُنْ خَلْقًا جَدِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 48 - 3

3- کافران ، برای انکار قیامت فاقد برهان اند و جز استبعاد و شگفت آور بودن برپایی آن ، دلیلی ندارند .

أَمْ لَمْ نَكُنْ خَلْقًا جَدِيدًا . أَوْ أَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که دو آیه مورد بحث - که درصدد بیان دلایل انکار معاد از سوی کافران است - مطلبی از آنان جز

استبعاد و شگفتی آنان یاد نکرده است.

65- بی یاوری اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 34 - 1

1 - منکران معاد ، محروم از رحمت حق و وانهاده به خویش در اوج گرفتاری های قیامت

وقیل الیوم ننسیکم

نسیان در آیه شریفه، کنایه از روی گردانی خداوند از کافران و وانهادن آنان به حال خودشان است.

ص: 385

66- بینه باطل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 11 - 1

1 - انسان در دیدگاه منکران معاد؛ پس از مرگ نابود شده و از او چیزی جز استخوان های پوسیده باقی نمی ماند .

أءذا کتّا عظمًا نخره

«نخره»؛ یعنی، صدای بینی و «نخره» به استخوان کهنه و پوسیده ای گفته می شود که با اندک تماسی از هم بپاشد و چنانچه قدری از آن باقی باشد - به گونه ای که با وزش باد به صدا درآید - به آن «ناخر» می گویند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 12 - 2

2 - منکران معاد ، حیات دوباره انسان ها را پس از مرگ ، حیاتی بی ثمر و سراسر زیان وانمود می کنند .

قالوا تلک إذا کرّه خاسره

«کرّه»؛ یعنی، رجوع. نسبت دادن زیان کاری به رجوع - نه رجوع کنندگان - مبالغه در ترسیم زیان کاری است.

67- بینه مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 2

2 - منکران معاد دارای بینهی سطحی و مادی هستند.

وقالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 6

6- منکران معاد ، بر این پندار بودند که خداوند خود ، انسان های مرده را زنده نمی کند .

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 4

4 - در نظر منکران معاد، انسان موجودی صرفاً مادی و جسمانی است.

أیعدکم . . . و کنتم تراباً و عظماً أنکم مخرجون

از این که اشراف، خاک و استخوان شدن را به خود انسان نسبت داده اند نه به جسم او (یعنی نگفتند «و کان جسمکم تراباً. . .») استفاده می شود که آنان برای انسان، هویتی بیرون از کالبد و جسم او معتقد نبودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 386

14- وعده الهی به معاد ، اسطوره ای کهنه و بی اساس ، در نگاه نسل کافر عصیانگر

و الذی قال لولدیہ اُفّ لکما اُتعداننی أن أُخرج . . . فیقول ما هذا إلاّ أسطیر الأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 10 - 3،2

2 - منکران معاد ، زنده شدن اهل قبور را شگفت آور خوانده و آن را بعید می شمارند .

یقولون أءنّا لمردودون فی الحافره

یکی از معانی «حافره» قبر است (مفردات راغب). قید «فی الحافره» حال و مفاد جمله «أءنّا...» این است که آیا ما در حالی که در قبر

هستیم، به زندگی بازگردانده خواهیم شد؟!

3 - استبعاد ، تنها واکنش منکران معاد

یقولون أءنّا لمردودون فی الحافره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 11 - 3،2

2 - از هم پاشیده شدن اجزای بدن انسان پس از مرگ ، مایه استبعاد معاد در دیدگاه منکران آن

أءذا کنا عظماً نخره

3 - استبعاد تنها واکنش منکران معاد ، در برابر هشدار های الهی نسبت به حوادث پس از مرگ

أءذا کنا عظماً نخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 14 - 2

2 - منکران معاد ، آیات مربوط به آن را ، عاری از حقیقت پنداشته و شوخی قلمداد می کردند .

و ما هو بالهزل

هدف از توصیف قرآن به دوری از مزخرفات و مهملات، بیان اوصاف قرآن نیست؛ زیرا در توصیف چیزی، به بیان حداقل کمال آن بسنده نمی شود. بنابراین مراد، نفی پندار مخالفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 6 - 3

3 - مصرف ثروت برای رفع نیازمندی های مردم، در دیدگاه منکران معاد، خسارتی سنگین و جبران ناپذیر است .

أهلکت مالاً لبدًا

انتخاب تعبیر «أهلکت» و پرهیز از گفتن «أنفقت» و نظایر آن، بیانگر این است که گوینده، مال های مصرف شده را «هلاک شده» می پندارد. این بیش ممکن است برخاسته از انکار پاداش انفاق، بر اثر انکار معاد باشد.

ص: 387

68- پاسخ به شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 7

7- پاسخگویی خداوند به شبهه ایجاد شده در ذهن افراد درباره معاد و تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، بر اساس آگاهی او است .

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده إنّ الله سمیع بصیر

ذکر «إنّ الله سمیع ..» در پایان آیه، به جای اعلام قدرت مندی خداوند، می تواند این نکته را برساند که چون خداوند، از شبهه ایجاد شده در ذهن ها خبر داشته، اقدام به پاسخگویی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 49 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنّا لمبعوثون .. قل إنّ الأوّلین و الآخرین

69- پاسخ به شبهات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 26 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد ، در باور های دینی مردم و آگاهی دادن به آنان

و یقولون متی هذا الوعد .. قل إنّما العلم عند الله

70- پاسخ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 2، 1

1- خداوند ، شیوه پاسخ گویی به شبهات منکران معاد را ، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخت .

قل کونوا حجاره أو حديدًا

2- پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ)، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا كنا عظمًا .. قل كونوا حجاره أو حديدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 13

ص: 388

13- پاسخ قرآن به پرسش های انسان در زمینه معاد ، متکی بر استدلال است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذی فطرکم أول مرّه

از اینکه خداوند در پاسخ شبهات منکران معاد، به جای بسنده کردن به تعبد، توجه آنان را به مبدأ آفرینش معطوف می کند و آن را دلیل امکان تحقق معاد برمی شمارد، نکته یاد شده به دست می آید.

71- پاسخ شبهات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 18، 15، 5

5- خداوند ، پیشاپیش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسيقولون من يعيدنا

15- منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد ، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند .

فسينغصون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

18- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد ، روی آوردند .

و یقولون متی هو

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 79 - 2

2- پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پاسخ گویی به شبهات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من یحی العظم و هی رمیم . قل یحییها الذی أنشأها أول مرّه

72- پرسش از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 18، 15

15- منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد ، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند .

ص: 389

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

18- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد، روی آوردند.

و یقولون متی هو

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعیتی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 1

1 - منکران معاد در عصر بعثت، با پرسش از یکدیگر، در پی تصور زوایای آن بودند.

عمّ یتساءلون

«عمّ» در اصل «عن ما» بوده و «ما» برای استفهام است. «تساؤل» (مصدر «یتساءلون»); یعنی، سؤال از یکدیگر. آیات بعد - که درباره مظاهر قدرت خداوند و اوصاف قیامت است - و نیز وعده حتمی به آگاه شدن - در جمله «سیعلمون» - جملگی گویای آن است که مورد پرسش، مسائل مربوط به جهان آخرت است و نشان می دهد که پرسش کنندگان، معاد را باور نداشتند و با سؤالات خود - چنانچه به انگیزه کشف حقیقت باشد - درصدد آگاهی به کیفیت معاد بوده اند.

73- پرسش مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 15، 5

5- خداوند، پیشاپیش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعلام کرد که منکران معاد، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد.

فسیقولون من یعیدنا

15- منکران معاد، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند.

فسينغضون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 71 - 3

3 - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

ص: 390

لقد وعدنا هذا.. و يقولون متى هذا الوعد

مراد از «الوعد» به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

74- پرسشهای مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 1

1 - منکران معاد در عصر بعثت، با پرسش از یکدیگر، در پی تصور زوایای آن بودند.

عمّ يتساءلون

«عمّ» در اصل «عن ما» بوده و «ما» برای استفهام است. «تساؤل» (مصدر «یتسائلون»); یعنی، سؤال از یکدیگر. آیات بعد - که درباره مظاهر قدرت خداوند و اوصاف قیامت است - و نیز وعده حتمی به آگاه شدن - در جمله «سیعلمون» - جملگی گویای آن است که مورد پرسش، مسائل مربوط به جهان آخرت است و نشان می دهد که پرسش کنندگان، معاد را باور نداشتند و با سؤالات خود - چنانچه به انگیزه کشف حقیقت باشد - درصدد آگاهی به کیفیت معاد بوده اند.

75- پندار استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 3

3 - جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران، بر پایه گمان است؛ نه برهان و یقین.

إنّه ظنّ

76- پندار مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 3

3 - جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران، بر پایه گمان است؛ نه برهان و یقین.

إنّه ظنّ

77- پیروی از مکذبان معاد

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 13

ص: 391

13 - مؤمنان نباید در افکار و اعمال و سنتها از مشرکان و منکران معاد تقلید کنند.

ولا تتبع أهواء الذين... و هم بريهم يعدلون

78- تاریخ تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 3

3- انکار معاد ، دارای دیرینه ای عمیق در طول تاریخ کفر و شرک

بل قالوا مثل ما قال الأولون . قالوا أءذا متنا... أءنا لمبعوثون

79- تبلیغ معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 81 - 4

4- توحید و معاد ، دو اصل به هم پیوسته و انفکاک ناپذیر در تعلیمات ابراهیم

فإنهم عدوٌ لى إلا رب العلمين... و الذى يميتنى ثم يحيين

برداشت یاد شده از آن جا است که حضرت ابراهیم(ع) در تعلیمات خویش، ابتدا به نفی شرک و اثبات توحید می پرداخت؛ سپس به مسأله مرگ و حیات مجدد انسان اشاره می کرد. و به این دو مسأله بسنده می نمود.

80- تحقیر اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 18 - 2

2- مشرکان و منکران قیامت ، با وضعیتی ذلت بار و تحقیر شده در روز قیامت زنده خواهند شد .

وأنتم دخرون

«داخر» (مفرد «داخرون») به معنای «صغیر» و «ذلیل» است و جمله «أنتم داخرون» حال برای فاعل فعل مقدر (تبعثون) می باشد.

81- تحیر مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 5 - 4

ص: 392

4- تکذیب کنندگان حق - قرآن ، پیامبر و معاد - گرفتار سردرگمی و پریشان گویی

بل کذبوا بالحق لما جاءهم و هم فی امر مریج

یکی از نمودهای پریشان گویی تکذیب گران معاد این است که می گویند چون بدن انسان در خاک متلاشی می شود پس چگونه می تواند از خاک دوباره برآید؛ این در حالی است که خود می دانند انسان برای نخستین بار نیز از همین خاک برآمده است.

82- تذکر به مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 26 - 2

2- یادآوری آخرین لحظات زندگی انسان (هنگام احتضار و حالات تکان دهنده محتضر) ، از سوی خداوند به کافران و منکران معاد ، برای بیدار کردن آنان از غفلت و مستی

کلاً إذا بلغت التراقی

83- تذکر ذلت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 25 - 3

3- یادآوری ناتوانی و ذلت مشرکان و منکران معاد و نیز بطلان عقاید آنها در موقف و پیش از ورود به دوزخ ، از عذاب های دیگر روحی آنان

ما لکم لاتنصرون

84- تذکر عجز اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 25 - 3

3- یادآوری ناتوانی و ذلت مشرکان و منکران معاد و نیز بطلان عقاید آنها در موقف و پیش از ورود به دوزخ ، از عذاب های دیگر روحی آنان

ما لکم لاتنصرون

85- تذکر معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 393

3- وجود معاد پس از مرگ و محدود نبودن زندگی به دنیا، تذکر دیگر ابراهیم (ع) به قوم بت پرست خویش

والذی یمیتنی ثم یحیین

86- ترس اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 8 - 2

2 - صحنه برپایی قیامت برای منکران معاد، صحنه ای هراس انگیز و اضطراب آور خواهد بود.

قلوب یومئذ واجفه

مراد از «قلوب» - به قرینه «یقولون أئنا لمرودون فی الحافره» در آیات بعد - قلب منکران معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 9 - 1, 2

1 - منکران معاد، با چشمانی فروافتاده و در نهایت خواری و ذلت، در صحنه قیامت ظاهر خواهند شد.

أبصرها خشعه

«خاشع» به شخصی گفته می شود که به زمین چشم دوخته باشد (لسان العرب). توصیف «أبصار القلوب» به آن، مجاز و حاکی از شدت ضعف و ذلت شخص است؛ تا آنجا که گویا قلب او که موجودی مستقل فرض شده است، دارای چشمانی است که خشوع و فروتنی، در آن جایگیر شده است.

2 - قیامت، حادثه ای سنگین و با عظمت و صحنه سایه افکندن نگرانی و ترس بر منکران معاد

أبصرها خشعه

فروتنی و ذلت منکران معاد در صحنه قیامت، حاکی از عظمت و هول آور بودن آن است.

87- ترک تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 5 - 2

2- لزوم پرهیز از انکار معاد و تشکیک و شبهه افکنی درباره آن

ثم کلاً

ص: 394

88- ترک شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 5 - 2

2 - لزوم پرهیز از انکار معاد و تشکیک و شبهه افکنی درباره آن

ثم کلا

89- تشبیه معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 11

11- مرگ و رستاخیز ، پدیده ای مانند خواب و بیداری است .

لیعلموا.. انّ الساعه لاریب فیها

به خواب رفتن اصحاب كهف و بیداری آنان پس از چند قرن و استشهاد قرآن به این واقعه برای بیان حقانیت معاد، گواه این مدعا است که مرگ، مانند خواب، و رستاخیز قیامت، بسان بیداری از خواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 7

7- انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جنتمونا كما خلقنکم اول مرّه

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به زمان تولد آنان، ممکن است از جهت همراه نداشتن امکانات مادی و خالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 5

5- خروج مجدد انسان از زمین و حیات تازه او ، همانند آفرینش نخستین او از زمین خواهد بود .

و منها نخرجکم تاره آخری

«تاره آخری»؛ یعنی، بار دیگر گفتنی است که مرتبه اول بیرون آمدن انسان از خاک، همان خلقت اولیه او از نطفه است و بار دوم زمانی است که پس از مرگ مجدداً از زمین برانگیخته خواهد شد. «تاره آخری» اشاره به همین تشابه دارد تا استبعادها را نیز تلویحاً رد کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 1

1 - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تن است .

ما خلقکم و لابعثکم إلیٰ کنفس وحده

ص: 395

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 9 - 35 - 9

9 - احیای انسان ها در قیامت همچون احیای زمین از راه یک سلسله عوامل و زمینه های حیات آفرین خواهد بود .

فأحيينا به الأرض بعد موتها كذلك النشور

برداشت یاد شده از تشبیه به کار رفته در آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 18 - 5

5 - چگونگی زنده شدن انسان ها در قیامت ، همچون رویدن نباتات است .

والله أنبتكم من الأرض نباتاً .. ويخرجكم إخراجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 15 - 6

6 - معاد انسان ، شبیه رویش گیاهان از زمین است .

لنخرج به حبّاً و نباتاً

یاد آوری اخراج دانه و گیاه از زمین - در آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده - گویای تشابه معاد با رویش گیاهان است.

90- تشویق مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 58 - 4

4 - تشویق منکران معاد از سوی خداوند ، به مطالعه در فرایند پیدایش انسان از منی

أفرئتم ما تمنون

91- تعجب اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- بهت زدگی مشرکان و منکران معاد، پس از زنده شدن آنان در روز رستاخیز

فإذا هم ينظرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که نگاه کردن منکران قیامت، از نوع نظاره انسان بهت زده باشد؛ زیرا منکران معاد هرگز

ص: 396

روزی را پیش بینی نمی کردند که ناگهان زنده شوند و به مجازات برسند.

92- تعجب از تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 12 - 1

1 - تعجب پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مواضع انکارآمیز مشرکان نسبت به معاد و یگانگی خداوند؛ علی رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خداوند در جهان

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ... فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً... بل عجب

به قرینه آیات پیشین به دست می آید که آنچه موجب شگفتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) گردیده بود، انکار توحید ربوبی و معاد از سوی مشرکان - به رغم مشاهده آیات الهی در طبیعت و عظمت آفرینش - بود.

93- تعدد آیات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 28 - 3

3 - بسیاری از آیات قرآن، هشدار دهنده مردم درباره معاد و حسابرسی در قیامت است.

لا يرجون حساباً. و كذبوا بآيتنا كذباً

جمع بودن «آیات» بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه «حساباً» - در آیه قبل - موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

94- تعدد دلایل معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 25 - 2

2 - معاد، دارای دلایل روشن و متعدد

ءآيتنا بينت

95- تعقل در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 19

ص: 397

19 - شناخت خردورزانه مبدأ و منت های آفرینش (خدا و معاد) ، فلسفه خلقت انسان

هو الذی خلقکم من تراب . . . لعلکم تعقلون

برداشت بالا به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در صدد شناساندن خدا به عنوان مبدأ آفرینش انسان و مسأله معاد است که در آیه بعد از آن سخن به میان خواهد آمد (هو الذی یحیی و یمیت . . .).

96- تفریط مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 8

8 - منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

مرجع ضمیر در «فرطنا فیها» می تواند «الساعة» باشد. و مراد از «الساعة» ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود «یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامة».

97- تکبر مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 22 - 3

3 - منکران معاد ، نه تنها به هشدار های قرآن ایمان نیاورده و در برابر آن فروتنی نمی کنند؛ بلکه پا را فراتر نهاده و قرآن را تکذیب می کنند

بل . . . یکذبون

98- تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 42 - 2

2 - شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا . . . یومئذ یؤدّ الذین کفروا . . . لو تسوؤی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 64 - 1

ص: 398

1- اکثریت عمده قوم نوح (ع) وی را تکذیب کردند و یگانگی خداوند، معاد و رسالت را باورهای دروغین پنداشتند.

فکذبوه

از اینکه خداوند تکذیب نوح(ع) را به همگان نسبت داده (فکذبوه)، در حالی که عده ای از آنان، یعنی همراهانش در کشتی، رسالت وی را تصدیق کردند، معلوم می شود نسبت مؤمنان به کافران بسیار اندک بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 45 - 9

9- تکذیب و انکار معاد، ضلالت و گمراهی؛ و ایمان و اعتراف به آن، هدایت است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله و ما کانوا مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 6 - 11

11- انکار معاد، انکار ربوبیت خدا و استهزای عذاب های موعود الهی، از مصادیق ظلم است.

وإن ربک لذو مغفره للناس علی ظلمهم

از مصداقهای مورد نظر برای «ظلمهم» به قرینه «یستعجلونک» - که گویای استهزاست - و به قرینه آیه قبل - که درباره انکار معاد و ربوبیت خدا بود - مواردی است که در برداشت ذکر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 39 - 9

9- باور نداشتن قیامت و غفلت از حسرت باربودن آن ستم گری است.

لکن الظلمون... هم فی غفله و هم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 66 - 4

4- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند، انکار و استبعاد معاد است.

جَنَّتْ عَدْنُ التِّي وَعَدَّ الرَّحْمَنُ . . . و يَقُولُ الْإِنْسَنُ أءِذَا مَا مَتَّ

چنانچه دو آیه قبل (« و ما نَنْزَلُ . . . سَمِيًّا ») جملاتی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 8 - 1

1 - کافران ، اظهارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درباره تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، افترای او بر خدا می دانستند .

و قال الذين كفروا هل ندلكم على رجل يبتئكم . . . أفتري على الله كذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 399

3- تکذیب معاد ، تکذیب حقیقتی گریزناپذیر

بل کذبوا بالحقّ لما جاءهم

بنابراین که مراد از «الحقّ» معاد و وعده به آن باشد، مفاد آیه این می شود که ما حقانیت معاد را با دلایل بیان کردیم و بر فرض که کافران آن را نپذیرند، حقی را نپذیرفته اند که خواه ناخواه صورت خواهد گرفت و انکار آنان حقیقت را تغییر نخواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 8 - 3

3 - تناقض گویی کافران مکه ، در انکار معاد و کیفر کردار

إنکم لفی قول مختلف

با توجه به این که آیات پیشین در مورد معاد و جزای کردار و آیات بعد در زمینه روز جزا است، ممکن است «قول مختلف» نظر به همین موضوع (معاد) داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 14 - 4

4 - انکار معاد ، عمده ترین محور مخالفت کافران با پیام دین

هذه النار الّتی کنتم بها تکذبون

از سرزنش شدن کافران، به خاطر تکذیب دوزخ و حقیقت قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

99- تکذیبگری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 22 - 3

3 - منکران معاد ، نه تنها به هشدار های قرآن ایمان نیاورده و در برابر آن فروتنی نمی کنند ؛ بلکه پا را فراتر نهاده و قرآن را تکذیب می کنند

بل ... یکذبون

100- تناقض گویی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 5 - 4

4- تکذیب کنندگان حق - قرآن ، پیامبر و معاد - گرفتار سردرگمی و پریشان گویی

بل کذبوا بالحق لما جاءهم وهم في أمر مریج

ص: 400

یکی از نمودهای پریشان‌گویی تکذیب‌گران معاد این است که می‌گویند چون بدن انسان در خاک متلاشی می‌شود پس چگونه می‌تواند از خاک دوباره برآید؛ این در حالی است که خود می‌دانند انسان برای نخستین بار نیز از همین خاک برآمده است.

101- توجیه گری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 17

17- منکران معاد، توجیه‌کنندگان کفر خویش، با روشنفکر مآبی و اتهام ارتجاع به دین

فيقول ما هذا إلا أساطير الأولين

آیه بعد، گوینده «ما هذا إلا...» را وعده به عذاب داده است. از این نکته استفاده می‌شود که نسبت دادن «أساطير الأولين» به وعده‌های حق، نه از سر جهل و نادانی؛ بلکه به دلیل کفر و گستاخی بوده است و با این تعبیر، کافران توجیه‌گر کفر خویش بوده‌اند.

102- توصیه به مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 63 - 4

4- توصیه منکران معاد از سوی خداوند، به مطالعه در چگونگی رشد و نمو دانه‌های پاشیده شده در زمین به‌وسیله کشاورزان، برای پی بردن به قدرت الهی و پذیرش امکان معاد

أفرءيتم ما تحرثون

103- تهدید شبهه افکنان در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 17 - 6

6- صحنه داوری در قیامت، تهدیدی گریزناپذیر برای منکران معاد و شبهه افکنان در حقانیت آن

عمّ يتساءلون... إن يوم الفصل كان ميقتاً

104- تهدید مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - تهدید شدن منکران قیامت و جرم پیشگان ، به عذاب قهر الهی در قیامت

الذین لایرجون لقاءنا .. لابیشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 51 - 3

3 - تهدید منکران معاد از سوی خداوند ، به عذاب سخت اخروی

ثم إنکم أیها الضالون المکذّبون

خبر «إن» - که در آیه بعد آمده - بیانگر عذاب هولناک منکران رستاخیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 44 - 1

1 - تکذیب کنندگان قرآن و معاد ، از سوی خداوند به عذاب تهدید شدند .

فذرنی و من یکذب بهذا الحدیث

مقصود از «حدیث» یا قرآن است و یا مسأله معاد که در آیه پیش مطرح شده است. گفتنی است که تعبیر «فذرنی و من یکذب» و مانند آن، در مورد تهدید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 17 - 6

6 - صحنه داوری در قیامت ، تهدیدی گریزناپذیر برای منکران معاد و شبهه افکنان در حقانیت آن

عمّ یتساءلون .. إنّ یوم الفصل کان میقتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 3

3 - خداوند ، با توییح کسانی که به تفریحات خانوادگی سرگرم شده و معاد را بعید شمردند ، آنان را به مؤاخذه اخروی تهدید کرد .

بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

خبر از آگاهی خداوند به کارها و خصلت های منکران معاد، تهدید آنان به مؤاخذه با تعبیری توییح آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 23 - 7

7 - خداوند ، منکران معاد و تکذیب کنندگان قرآن را ، به مؤاخذه افکار و کردارشان تهدید کرده است .

و الله أعلم بما یوعون

مقصود از بیان آگاهی خداوند، به افکار انباشته در ظرف ذهن و کردار موجود در نامه عمل، تهدید به مؤاخذه است.

ص: 402

105- تهمت افسانه به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 14

14- وعده الهی به معاد ، اسطوره ای کهنه و بی اساس ، در نگاه نسل کافر عصیانگر

و الذی قال لولدیہ اُتّ لکما اُتعداننی أن أُخرج . . . فیقول ما هذا إلاّ أسطیر الأ

106- تهمت‌های مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 17

17- منکران معاد ، توجیه کنندگان کفر خویش ، با روشنفکر مآبی و اتهام ارتجاع به دین

فیقول ما هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

آیه بعد، گوینده «ما هذا إلاّ...» را وعده به عذاب داده است. از این نکته استفاده می شود که نسبت دادن «أسطیر الأوّلین» به وعده های حق، نه از سر جهل و نادانی؛ بلکه به دلیل کفر و گستاخی بوده است و با این تعبیر، کافران توجیه گر کفر خویش بوده اند.

107- جادوگران فرعون و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 125 - 3

3- ساحران مؤمن به موسی (ع) ، معتقد به معاد و بازگشت به خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

إنا إلی ربنا منقلبون

108- جاهلان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 10، 9

9- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بلی وعداً علیه حقّاً و لکنّ اکثر الناس لا یعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع - که انکار و اثبات معاد است - متعلق «لا یعلمون» قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

10- اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

ص: 403

بلی وعداً علیه حقّاً و لکنّ أكثر الناس لا یعلمون

برداشت فوق، بر اساس این نکته است که «ال» در «الناس» عهد ذکری بوده و مراد از آن مشرکانی باشند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

13- اکثریت انسان ها، درباره حقیقت معاد چیزی نمی دانند .

و لکنّ أكثر الناس لا یعلمون

احتمال دارد مفعول به «لا یعلمون»، «شیئاً» محذوف باشد و بنابراین نکته یاد شده قابل استفاده است.

109- چشمهای مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 9 - 1

1 - منکران معاد، با چشمانی فروافتاده و در نهایت خواری و ذلّت، در صحنه قیامت ظاهر خواهند شد .

أبصرها خشعه

«خاشع» به شخصی گفته می شود که به زمین چشم دوخته باشد (لسان العرب). توصیف «أبصار القلوب» به آن، مجاز و حاکی از شدت ضعف و ذلّت شخص است؛ تا آنجا که گویا قلب او که موجودی مستقل فرض شده است، دارای چشمانی است که خشوع و فروتنی، در آن جایگیر شده است.

110- حتمیت حشر مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 1

1- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش، بر ختمی بودن احضار منکران معاد و شیاطین به گردآوری آنان در قیامت تأکید کرده است .

فوربک لنحشرنهم و الشیطین

ضمیر مفعولی در «لنحشرنهم» به «انسان» در آیه قبل بازمی گردد و مراد منکران معاد است که زنده شدن دوباره را بعید شمرده بودند. «حشر»؛ یعنی، جمع کردن و برخی آن را جمع کردنی که افراد را به محل اجتماع سوق دهند، معنا نموده اند (مصباح).

111- حتمیت عذاب مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 33 - 6

6 - نبودن کمترین گریزگاه در قیامت برای منکران معاد

ص: 404

و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

مفاد «حاق بهم» (نزول و احاطه بر کافران) می تواند کنایه از این باشد که آنچه در قیامت بر کافران اتفاق می افتد گریزناپذیر است.

112- حتمیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 12

12 - معاد و حیات دوباره، امری حتمی برای تمامی انسانها

کما بدأکم تعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 6,7

6 - معاد (رستاخیز) سرنوشت حتمی تمامی انسانهاست .

إنه یبدؤا الخلق ثم یعیده

7 - معاد (رستاخیز) سرنوشت قطعی تمامی پدیده های جهان آفرینش

إنه یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 4 - 5

5- قدرت مطلق خدا، پشتوانه تحقق معاد و برپایی روز قیامت است .

فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر. إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 8

8- وعده قطعی و تخلف ناپذیر خداوند به حیات مجدد انسان ها پس از مرگ

لا یبعث الله .. بلی وعداً علیہ حقاً

«وعداً» و «حقاً» مفعول مطلق برای فعلهای محذوف می باشند و دلالت بر تأکید می کنند. بنابراین معنای «بلی وعداً علیه حقاً» چنین می شود: آری خبر رستاخیز انسانها، وعده ای است حق و باطل در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 1

1- تبدیل انسان به سخت ترین اجسام و ماده بسیار دور از حیات، پس از مرگ، مانع رستاخیز و حیات دوباره او نیست.

قل کونوا حجاره أو حديدًا. أو خلقتما ممّا یکبر فی صدورکم

ص: 405

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 7

7- آفرینش دوباره انسان ها در قیامت ، حتمی و دارای زمان و برنامه ای از پیش تعیین شده

و جعل لهم أجلاً لاریب فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 108 - 8

8- معاد و حیات مجدد انسان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند در بینش عالمان *

يقولون .. إن كان وعد ربنا لمفعولاً

احتمال دارد که مراد از «وعد» - به قرینه آیات 97 و 98 همین سوره - مسأله حیات مجدد انسانها و معاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 16

16- معاد و برپایی قیامت ، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی است .

ليعلموا أنّ وعد الله حقّ وأنّ الساعة لاریب فيها

عبارت «انّ الساعة ..» ممکن است تفسیر کننده «انّ وعد الله حقّ» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 98 - 10

10- ذوالقرنین ، پس از پایان کار سد ، حقیقت معاد و حتمیت برپایی آن را یادآور شد .

قال .. فإذا جاء وعد ربّي جعله دكّاء و كان وعد ربّي حقّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 5 - 10

10 - « عن علی بن ابی طالب (ع) فی قوله تعالی « من كان یرجوا لقاء الله فإنّ أجل الله لأت » یعنی : من كان یؤمن بالله مبعوث ، فإنّ

وعد الله لأت ، من الثواب و العقاب . فاللقاء هاهنا ليس بالرؤية و اللقاء هو البعث . . . ؛

از حضرت علی(ع) درباره این سخن خدای تعالی «من كان يرجوا لقاء الله فإنَّ أجل الله لأت» روایت شده که فرمود: مقصود، این است که هر کس ایمان دارد به این که (در قیامت) زنده می شود، (بداند) که وعده خدا که عبارت از ثواب و عقاب است، آمدنی است. پس لقای خدا، در این آیه، به معنای دیدن او نیست، بلکه لقاء همان زنده شدن (در قیامت) است...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 12

12 - معاد و بازگشت انسان به سوی خداوند ، امری قهری و خارج از اختیار و انتخاب آدمی است .

وإليه ترجعون

ص: 406

برداشت یاد شده از مجهول آمدن فعل «ترجعون» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 9

9- رستاخیز مردگان، امری حتمی و غیر قابل تردید است.

إِنَّ الذی أحيأها لمحي الموتی

از کلمه «إِنَّ» و «لام» در «لمحي» حتمی بودن احیای مردگان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 13

13- کافران، گریزان از هشدارهای الهی نسبت به زوال پذیری دنیا و وجود معاد

و الذین کفروا عمّا أنذروا معرضون

در این آیه، پیش از مسأله انذار، موضوع حقانیت هستی و محدود بودن حیات دنیوی مطرح شده است. با توجه به این مطلب می توان گفت: یکی از موضوعات مورد انذار، ناپایداری حیات دنیا و وجود رستاخیز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 11

11- معاد و خروج مردگان از خاک، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی

أتعداننی أن أخرج . . . إنّ وعد الله حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 5 - 3

3- تکذیب معاد، تکذیب حقیقتی گریزناپذیر

بل کذبوا بالحقّ لما جاءهم

بنابراین که مراد از «الحقّ» معاد و وعده به آن باشد، مفاد آیه این می شود که ما حقانیت معاد را با دلایل بیان کردیم و بر فرض که کافران آن

را نپذیرند، حقی را نپذیرفته اند که خواه ناخواه صورت خواهد گرفت و انکار آنان حقیقت را تغییر نخواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 22 - 1

1 - زنده شدن مردگان در قیامت ، حتمی است .

ثم إذا شاء أنشره

«إنشار» (مصدر «أنشر») به معنای احیا است (لسان العرب). حرف شرط «إذا» در مواردی به کار می رود که وقوع کار، مسلم گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 407

1 - بازگشت دوباره انسان به حیات در آخرت حتمی است .

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ . بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - گفتار خداوند درباره معاد و توان او بر احیای دوباره انسان ، گفتار نهایی و فیصله دهنده تمام گفتوگوها است .

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ

ضمیر «إِنَّهُ» چه به قرآن برگردد و چه به محتوای آیات پیشین - که درباره قدرت خداوند بر معاد بود - برداشت یاد شده استفاده می شود. «قول فصل» ، به کلامی گفته می شود که «فصل الخطاب» باشد و به گفتوگوها خاتمه دهد.

113- حسابرسی اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بصیر بودن خداوند به ویژگی های منکران معاد ، دلیل لزوم محشور ساختن آنان و حسابرسی از آنها است .

ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ . بلی إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

114- حسابرسی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

وقدمنا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه هباءً منثورًا

فعل «قدمنا» در آیه شریفه - طبق نظر مفسران - به معنای «قصدنا» «عمدنا» (قصد آهنگ [کاری] کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

115- حسرت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 20 - 1

1 - اظهار تأسف و حسرت منکران معاد بر حال زار خود ، پس از برانگیخته شدن در قیامت

ص: 408

فإذا هم ينظرون . وقالوا يويلنا

«ویل» واژه ای است که برای اظهار تأسف و حسرت به کار می رود و ضمیر متکلم مع الغیر (نا) برای تأکید و اهتمام به این امر است.

116- حسرت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 8

8 - منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها

مرجع ضمیر در «فرطنا فیها» می تواند «الساعة» باشد. و مراد از «الساعة» ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود «یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه».

117- حشر اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 2

2 - بصیر بودن خداوند به ویژگی های منکران معاد ، دلیل لزوم محشور ساختن آنان و حسابرسی از آنها است .

ظنّ أن لن یحور . بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

118- حشر مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 5

5- برانگیختن منکران معاد و مجازات آنها ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

فوربک لنحشرنّهم .. حول جهنّم

119- حق ناپذیری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - تسلی و دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در برابر حق ناپذیری منکران معاد

ص: 409

وقالوا ما هي إلا حياتنا الدنيا .. و ترى كل أمه جائيه

120- حقانیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 28 - 3

3 - مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما كانوا يخفون من قبل

مراد از «ما يخفون»، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 53 - 4

4 - منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

يوم يأتي تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسلنا بالحق

ضمیر مفعولی در «نسوه» می تواند به «کتب» در آیه قبل برگردد. بر این مبنا «ال» در «الحق» جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به «يوم يأتي تأويله»، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت «ال» در «الحق» عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 16

16- معاد و برپایی قیامت ، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی است .

ليعلموا أنّ وعد الله حقّ وأنّ الساعة لا ريب فيها

عبارت «أنّ الساعة..» ممکن است تفسیر کننده «أنّ وعد الله حقّ» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 12 - 17

17 - مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا .. إنا موقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 25 - 3

3 - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

وقالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا .. وإذا تتلى علیهم آیتنا بیئت

ص: 410

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 4 - 3

3 - منکران معاد ، در قیامت به خطای خود واقف شده و حقانیت معاد را در خواهند یافت .

کَلَّا سِیَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 5 - 4

4 - منکران معاد ، در آخرت به حقانیت آن پی خواهند برد .

عَمَّ یَتَسَاءَلُونَ . . . ثُمَّ کَلَّا سِیَعْلَمُونَ

121- حقیقت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 6

6- رستاخیز و معاد انسان ، آفرینشی نو و جدید است .

أَءَنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 98 - 6

6- حیات پس از مرگ ، خلقتی جدید و تازه برای انسان است .

أَءَنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 7

7 - معاد ، بازگشت انسان به خدا و حضور در محضر او است .

وَأَنْتُمْ إِلَیْنَا لَاتَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 15 - 7

7- معاد، آفرینش جدید

بل هم فی لبس من خلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 411

6 - معاد ، حضور موجودات در پیشگاه آفریننده مرگ و زندگی است .

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 9 - 6

6 - مرگ و معاد انسان ، شبیه خواب و بیداری است .

و جعلنا نومكم سباتاً

یاد کردن از خواب در میان آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده؛ ممکن است به جهت تشابهی باشد که بین خواب و مرگ و نیز بیداری و معاد وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 10 - 1

1 - معاد ، بازگشت دوباره انسان به زندگی است .

لمردودون فی الحافره

«حافره» به معنای خلقت نخستین است (لسان العرب). هم چنین در بیان حالت کسانی که به همان راهی بازگردانده شوند که از آن آمده اند، «مردودون فی الحافره» گویند (مفردات راغب). در این معنا، «حافره» به معنای «ذات حفر» یا «محفوره» و منطبق بر اثر پای رونده است.

122- حیات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 3

3 - واقعیت زندگی منکران معاد، جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله... و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

گر چه وجهه غالب دنیا لهو و لعب است، در عین حال می دانیم که همین دنیا سبب ارتقای رتبه ها و کسب درجات است. لذا می توان

گفت این آیه ناظر به آیات قبل است که درباره منکران معاد بود. یعنی زندگی دنیا برای آنان جز لعب و لهو معنای دیگری ندارد.

123- خالقیت و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 36 - 79 - 3

ص: 412

3- توانایی بر آفرینش هر چیزی ، دلیل و شاهد امکان آفرینش مجدد آن است .

قل يحييها الذي أنشأها أول مره

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در پاسخ به کسانی که احیای مجدد انسان ها را غیر ممکن می دانستند، مسأله آفرینش آغازین را مطرح کرده است. بنابراین از این پاسخ می توان قانون کلی یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 81 - 8

8- خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من يحي العظم و هي رميم . . . أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقدر على أن ي

124- ختم قلب جاهلان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 59 - 4

4- بر قلب بی خبران از روز معاد ، مهرخورده و غیرقابل نفوذ است .

فهذا يوم البعث و لکنکم کنتم لاتعلمون . . . كذلك يطبع الله على قلوب الذين لايعل

احتمال دارد که مراد از «الذين لايعلمون» به قرینه آیه پنجاه و ششم، بی خبران از معاد و قیامت باشد.

125- خدا و مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 23 - 4

4- آگاهی خداوند از نیت ها و حالات درونی منکران معاد ، برخاسته از علم غیب اوست .

فالذين لا يؤمنون بالأخرة قلوبهم منكرة . . . لاجرم أن الله يعلم ما يسرون

126- خواسته های اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- منکران معاد، با مشاهده ملائکه در قیامت، از آنان درخواست خواهند کرد که متعرض ایشان نشده و اقدامی علیه آنان انجام ندهند.

ص: 413

یوم بیرون الملائکه لابیشری . . . و یقولون حجراً محجوراً

«حجراً محجوراً» سخنی است که عرب به هنگام رویه رو شدن با دشمن و یا هجوم بلا و حوادث هولناک می گوید و مقصود اصلی در این کلام، امان خواستن و پناه بردن است.

127- خواسته های مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 1

1 - منکران ملاقات با خدا (معاد) ، در صدر اسلام ، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند .

و قال الذین لایرجون لقاءنا لولاً أنزل علینا الملائکه

«رجاء» در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله «لایرجون لقاءنا» کنایه از انکار قیامت و رویه رو شدن با جزای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 27 - 4

4 - کافران و منکران معاد ، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد . . . و قیل هذا الذی کنتم به تدعون

«تدعون» می تواند از ماده «دعا» باشد. در این صورت به معنای «تطلبون» (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

128- دروغگویی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 90 - 7

7 - منکران معاد ، اشخاصی دروغگویند .

بل أتینهم بالحق و إنهم لکذبون

129- دعوت از مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- دعوت از منکران معاد ، به مطالعه در آب نوشیدنی و کیفیت قرار گرفتن آن در دسترس آنان برای پی بردن به قدرت الهی

أفءیتم الماء الذی تشربون

ص: 414

خطاب در این بخش از آیات، متوجه کافران و منکران معاد است. دعوت از آنان برای مطالعه در نقش آب شرب در زندگی بشر، بدان منظور است که آنان پی به قدرت الهی ببرند و بدین وسیله از انکار رستخیز - که از غفلت کردن از قدرت الهی نشأت می گیرد - دست بردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 71 - 3

3 - دعوت از کافران و منکران معاد به مطالعه در چوب آتش زنه ، برای پی بردن به قدرت خداوند و توانایی او بر احیای مردگان

أفرءیتم النار التی تورون

با توجه به این که روی سخن در این آیات با منکران معاد است، توجه دادن به مسأله کیفیت افروختن آتش و روشن کردن آن با عمل ساییدن، گویای برداشت یاد شده است.

130- دعوت به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 184 - 1

1 - کفرپیشگان عصر بعثت ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به سبب دعوت به توحید و معاد ، فردی مجنون می پنداشتند .

أولم یتفکروا ما بصاحبهم من جنه

«جنه» به معنای دیوانگی است. به دلیل آیات بعد که مسأله قیامت و توحید مطرح شده است، می توان گفت این دو مسأله در بین معارف الهی بیشترین نقش را در متهم کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جنون داشته است.

131- دلایل سهولت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 7 - 8

8 - آفریدن جهان و آگاهی از پدیده های آن و اسرار نهفته در دل آدمیان ، نشانه آسان بودن آفرینش مجدد انسان ها از جانب خداوند

خلق السموت . . . و الله علیم بذات الصدور . . . و ربی لتبعثنّ . . . و ذلک علی الله

مطلب یاد شده، از ذکر آفرینش جهان به قدرت خداوند و آگاهی همه جانبه او در آغاز و سپس یاد کردن آسانی برپایی قیامت برای او، به دست می آید.

132- دلایل عقلی معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 25 - 5

5 - مشرکان ، بی اعتقاد نسبت به دلایل عقلی و روشن معاد و خواهان مشاهده حسی امور

و ما یهلکنا إلاّ الدهر .. ما کان حجّتهم إلاّ أن قالوا انتوا بابائنا

درخواست زنده شدن پدران، در حقیقت ناشی از روحیه حسّ گرای مشرکان است. مفاد آیه قبل (مایهلکنا إلاّ الدهر) نیز تأیید و گواهی بر این مدعا است.

133- دلایل معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 14، 13

13 - شباهت و همگونی معاد انسانها با آغاز آفرینش آنان

کما بدأکم تعودون

14 - آفرینش نخستین انسان دلیلی بر امکان معاد

کما بدأکم تعودون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 57 - 11

11 - زنده شدن گیاهان مرده ، دلیل امکان معاد و زنده شدن مردگان

کذلک نخرج الموتی لعلکم تذكرون

تشبیه زنده کردن مردگان به چگونگی رویش گیاهان و تبدیل دانه های بی جان به موجوداتی زنده، استدلالی است بر امکان معاد و زنده شدن مردگان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 9

9- توانایی خدا بر پدید آوردن جهان و انسان ، نشانه توانمندی او بر ایجاد رستاخیز است .

إنه يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 5 - 2، 1

1- انسان ها پس از مردن و به خاک تبدیل شدن - برای حضور در صحنه قیامت - دوباره زنده می شوند و آفرینشی جدید می یابند .

أءذا كُنتا ترابًا أءنا لفي خلق جديد

ص: 416

2- آدمی پس از مردن و خاک گشتن ، در مسیر آفرینشی جدید برای حضور در صحنه قیامت قرار می گیرد .

أءنا لفي خلق جديد

کلمه «فی» در «أءنا لفي خلق جديد» می رساند که پدیده جدید پس از خاک شدن شروع می شود و در مسیر آفرینش جدید قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 12

12- آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت خداوند بر احیای مردگان در قیامت (معاد) است . *

ألم تر أن الله خلق السموت والأرض بالحق إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد

این برداشت مبتنی بر این احتمال است که آیه در صدد طرح مسأله معاد و اثبات قدرت خداوند بر آن است و آیات قبل، که کیفر اخروی کافران و حبط عمل آنها را مطرح کرد، می تواند قرینه ای بر ادعای فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 8،9،10،12

8- حقیقت قادری که بار نخست انسان را آفرید ، قادر و توانا بر آفرینش مجدد اوست .

من يعيدنا قل الذی فطرکم أول مرّه

9- حیات نخستین انسان ، خود گویاترین دلیل بر امکان حیات دوباره اوست .

فسيقولون من يعيدنا قل الذی فطرکم أول مرّه

10- از نیستی به هستی آوردن ، خود بهترین دلیل قدرت خدا بر هستی دوباره است .

من يعيدنا قل الذی فطرکم أول مرّه

با توجه به معنای «فطر» - که پدید آوردن از نیستی به هستی است - برداشت فوق استفاده می شود.

12- امکان وقوع رستاخیز و نیز وجود نیرویی قادر به انجام آن ، دو موضوع زیربنایی در اثبات معاد است .

قل کونوا حجاره .. فسيقولون من يعيدنا قل الذی فطرکم

در آیه پیش، سؤال از امکان تبدیل شدن استخوانهای خرد شده به انسان مطرح شد و با فرض امکان آن، در این آیه، قدرتی که قادر به تحقق

آن باشد مطرح گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 9

9- سرگذشت اصحاب كهف ، دليل حقايت معاد و از ميان برنده زمينه هاي ترديد در آن

و كذلك اَعثرنا عليهم ليعلموا .. انَّ الساعه لاريب فيها

«ساعه» يعنى «پاره اى از وقت» و اين كه از قيامت به «ساعه» تعبير مى شود، به خاطر شباهت آن به پاره اى از وقت است؛ زيرا، حساب رسى در آن، به سرعت انجام مى پذيرد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 37 - 9

ص: 417

9- آفرینش انسان از خاک و نطفه و معتدل ساختن او، دلایلی روشن بر امکان برپایی معاد و کافی در رفع استبعاد قیامت است.

و ما أظنّ الساعة قائمه . . . أكفرت بالذی خلقک من تراب

پاسخ مرد مؤمن به ثروت مند مغرور، با جمله «اکفرت بالذی. . .» حکایت از آن دارد که انکار معاد از جانب او که با جمله «و ما أظنّ. . .» بیان شده بود، به جهت استبعاد تجدید حیات آدمی پس از مرگ بوده است، لذا مرد مؤمن، با یادآوری قدرت خداوند و بیان سابقه خاک و نطفه بودن آدمی، به رفع این استبعاد و بیان قدرت خداوند پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 48 - 8

8- آفرینش نخستین انسان ها به دست خداوند ، دلیل قدرت الهی بر آفرینش دوباره آنان پس از مرگ است .

لقد جنتمونا کما خلقنکم أول مرّه

تشبیه حضور آدمیان در قیامت به تولدشان در دنیا، ممکن است در جهت رفع استبعاد معاد و نیز توییح مشرکان به جهت انکار معاد باشد؛ یعنی، آن خلقت نخست، آیا دلیل وافی و کافی برای پذیرش معاد و قدرت خداوند بر محقق ساختن آن نبود؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 67 - 2،4

2- تردید انسان در معاد ، با وجود توانایی هر انسان به شناخت خلقت نخستین خویش از عدم ، امری شگفت آور و سزاوار توییح است .

أولا یذکر الإنسن أنّا خلقنه من قبل ولم یک شیئاً

همزه در «أولا یذکر» برای انکار توییحی و متضمن معنای تعجب است. تکرار لفظ «انسان» در این آیه - با آن که آوردن ضمیر ممکن بود - اشعار به این نکته دارد که لازمه انسان بودن ، دقت و تفکر است.

4- پدیدار ساختن انسان در صحنه هستی و آوردن او از عدم به وجود ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد او و معاد

أولا یذکر الإنسن . . . ولم یک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 10

10- آفرینش انسان از عناصر بی جانی چون : خاک ، نطفه ، علقه و مضغه ، جلوه روشنی از توانایی خدا بر احیای مجدد انسان در روز رستاخیز است .

فَاتَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ . . . لَنْبِيِّنَ لَكُمْ

«لَنْبِيِّنَ لَكُمْ» مَفْعُولٌ لَهُ بِرَأْيِ «خَلَقْنَاكُمْ» وَبِهِ تَقْدِيرُ «لَنْبِيِّنَ لَكُمْ اِنَّ اللّٰهَ قَادِرٌ عَلٰى اَنْ يَّحْيِيَ الْمَوْتٰى» اِسْتِثْنَاءٌ يَعْنِيْ، مَا شَمَا رَا اَزْ خَاكٍ وَ سِيسِ اَزْ نَطْفَهٗ وَ سِيسِ . . . اَفْرِيْدِيْمُ تَا رُوْشَنَ سَازِيْمُ كِهٖ خَدَا، بَرِ اَحْيَايِ دُوْبَارَهٗ شَمَا تَوَاْنَا اِسْتِ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 6 - 4

4 - اَفْرِيْشِ اِنْسَانٍ وَ اَنْوَاعِ گِيَاهَانِ اَزْ بَسْتَرِ خَاكِ مَرْدَهٗ وَ بِيِ جَانِ، نَمَايِشِيْ اِسْتِ اَزْ قَدْرِ تَمْنَدِيِ وَ تَوَاْنَايِيِ خَدَاوْنَدِ بَرِ اَحْيَايِ هَمَمَهٗ مَرْدِگَانِ دَرِ رُوْزِ رَسْتَاخِيْزِ .

ص: 418

فإنّا خلقناكم من تراب.. و ترى الأرض هامده... و أنّه يحيى الموتى

جمله «و أنّه يحيى..» عطف بر «أنّ الله هو الحقّ» و به تقدیر «و ذلك بأنّ الله يحيى الموتى» می باشد؛ یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 7 - 8

8 - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنّا خلقناكم... و ترى الأرض هامده... و أنّ الله يبعث من فى القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 2

2 - گوناگونی نباتات، از زمینه های مطالعه برای پی بردن به امکان معاد و قدرت خدا بر احیای مردگان

فسياًتهم أنبؤا... يستهزون. أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها

در این جا روی سخن با کسانی است که منکر معاد بوده و پذیرفتن آن برای آنان دشوار می نمود. آیه یاد شده برای برطرف کردن استبعاد کافران و ارائه نشانه های امکان معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 8 - 1

1 - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان.

أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا... إن فى ذلك لآیه

واژه «ذلك» اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیه پیش گفته شد، این آیات درصدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 3

3 - آفرینش ابتدایی انسان، خود گواه امکان معاد و احیای مجدد وی

أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُوه

سخن گفتن خداوند درباره «بدء» و پدید آوردن خلق در کنار مسأله معاد، می تواند از آن جهت باشد که به انسان یادآوری کند که اعاده حیات برای پدیدآورنده آن، کاری دشوار و نشدنی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 14، 13

13 - هدف داری اجزا و مظاهر طبیعت، گواه وجود معاد و بی فرجام نبودن مجموعه نظام حیات

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ . . . إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

آیه فوق، می تواند درآمدی باشد بر آیه بعد که درباره معاد است؛ یعنی، خداوندی که پدیده هایی چون شب و روز را مهمل و بی

ص: 419

هدف قرار نداده، چگونه ممکن است که مجموعه حیات را بی فرجام بگذارد و مرگ انسان را به معاد پیوند نزنند؟

14 - آمدن روز از پی شب، گواه امکان آمدن رستاخیز از پی مرگ *

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ

یکی از آیاتی که از تعاقب شب و روز می توان استفاده کرد، روشنی پس از تاریکی، حیات پس از مرگ و حرکت پس از سکون است و این نشان می دهد که خدای توانا بر آوردن روز از پی شب، قادر است که حیات را دوباره از پی مرگ پدید آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 19 - 5

5 - نظام حیات و مرگ در جهان هستی، دلیلی آشکار بر امکان معاد و احیای مجدد انسان ها است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ . . . وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 6

6 - پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ . وَ مِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با «و کذالک تخرجون» پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 25 - 9

9 - احیای زمین موات با نزول باران، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها در قیامت است .

و مِنْ ءَايَاتِهِ . . . وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا . . . ثُمَّ إِذَا دَعَاكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 12

12 - رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان ، نشانه توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها در قیامت است . *

اللّٰه الذی خلقکم .. یخلق ما یشاء

عبارت «یخلق ما یشاء» به قرینه آیه پنجاه - که در آن، بر توان مندی خداوند بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود - و نیز آیه پنجاه و پنج - که درباره برپایی قیامت است - می تواند درباره معاد و باز آفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 3 - 15

15 - احاطه علمی خداوند به ذرات پراکنده در زمین ، پشتوانه تحقق معاد و حیات مجدد انسان ها

یعلم ما یلج فی الأرض .. وقال الذین کفروا لاتأتینا الساعه قل بلی وربی لتأتین

ص: 420

توجه دادن به این حقیقت که خداوند از اجزای پراکنده اطلاع دارد، اشعار به امکان تحقق معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 6، 1

1 - احاطه قدرتمندانه خداوند بر جهان هستی ، دلیل توانایی او بر تحقق معاد

هل ندلّکم علی رجل ینبئکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم لفی خلق جدید .. أفلم یروا

6 - تشویق خداوند به دقت نظر در افق های آسمان و زمین ، جهت آگاهی یافتن از قدرت خدا بر تجدید حیات مردگان

رجل ینبئکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم لفی خلق جدید .. أفلم یروا إلی ما بین أید

«أفلم یروا» تشویق و تحریک بر اندیشیدن در آسمان ها و زمین است و این که انسان ها در احاطه آنها هستند و هیچ راه گریزی از آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 9 - 8

8 - احیای زمین مرده و فاقد حیات و پدید آوردن موجودات زنده در این کره ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز رستاخیز

والله الذی أرسل الریح .. فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 15

15 - آفرینش انسان در قالب زن و مرد و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی ، نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و احیای مجدد انسان ها

والله خلقکم من تراب ثمّ من نطفه .. إنّ ذلک علی الله یسیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله آیاتی قرار دارد که در صدد اثبات قدرت مطلق خدا و نیز توانایی او بر احیای مردگان می باشد؛ مانند آیه «والله الذی أرسل الریح .. فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشور»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - بازگشت انسان به حالت طفولیت - پس از دوران پیری - از نظر قوای جسمی و عقلی ، نشانگر توانایی خداوند بر عذاب کافران و بازگرداندن آنان به روز رستاخیز است .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم . . . و من نعمره ننکسه فی الخلق

برداشت یاد شده براین اساس استوار است که عبارت «من نعمره . . .» عطف بر «و لو نشاء لطمسنا...» - از باب عطف علت بر معلول - باشد؛ یعنی، آیه شریفه درصدد ارائه شاهی بر توانایی خداوند بر مسخ و زمین گیر کردن انسان و بازگرداندن وی به روز رستاخیز برای محاکمه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 421

5 - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أولم ير الإنسان آتًا خلقه من نطفه

با توجه به آیات بعدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام «عاصب بنوائل» (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البيان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آفرینش نخستین انسان ها ، دلیل و شاهد امکان برپایی قیامت و توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها

قل يحييها الذي أنشأها أول مره

7 - آگاهی خداوند بر آفرینش و پدید آوردن هر چیزی ، دلیل و نشانه امکان برپایی قیامت و توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها

و هو بكلّ خلقٍ علیم

جمله «و هو بكلّ خلقٍ علیم» ادامه استدلال برای امکان معاد و رد شبهه منکران قیامت است؛ یعنی، بعید شمردن برپایی قیامت، ممکن است ناشی از این شبهه باشد که چگونه اجزای پوسیده و پراکنده بشر، شناسایی و جمع خواهد شد. خداوند در پاسخ آن، مسأله علم مطلق خویش بر آفرینش جهان هستی را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آتشزا بودن درخت سبز و مرطوب ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

الذی جعل لکم من الشجر الأخصر نارًا

برداشت یاد شده با توجه به آیات پیشین است که درصدد بیان جلوه های قدرت خداوند برای اثبات معاد و رستاخیز انسان ها است؛ یعنی، خداوندی که قادر است از درخت سبز آتش را پدید آورد و از آب، آتش را بیافریند؛ هموقادر است مرده را نیز زنده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أوليس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

8 - خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من یحیی العظم و هی رمیم . . . أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن ی

10 - آفرینش انبوه پدیده های جهان و آگاهی همه جانبه از احوال آنها ، دلیل و شاهد توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلل - ق العلیم

ص: 422

یادآوری آفرینش و علم گسترده خداوند، در پایان آیه و در شرایطی که آیه شریفه در مقام بیان توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است؛ می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 83 - 6

6 - حاکمیت و مالکیت خداوند بر همه چیز و بازگشت همه انسان ها به سوی او ، دلیل و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت و احیای مجدد انسان ها

فسبحن الذی بیده ملکوت کل شیء و إلیه ترجعون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات قیامت و ارائه جلوه های قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 11 - 7، 4

4 - آفرینش جهانی سخت تر از آفرینش انسان ، (آسمان ها ، زمین و فرشتگان) گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت و آسان و ممکن بودن آن برای او است .

فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

برداشت یاد شده از آن جا است که روی سخن آیه شریفه مشرکان اند؛ آنان که منکر معاد بوده و آفرینش مجدد انسان ها را از خاک، امری بعید و بسیار سخت و ناممکن می شمردند و «أءذا متنا و کنا ترابا و عظاما أءنا لمبعوثون»، (آیه 16 همین سوره).

7 - آفرینش انسان از گل چسبنده ، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إنا خلقنهم من طین لازب

برداشت فوق از آن جا است که جمله «إنا خلقناهم من طین لازب» تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 15

15 - مرگ و نزول باران حیات آفرین (رویش کشت ها و خشک و خرد شدن آنها) ، نشانه قدرت خداوند بر حیات بخشیدن دوباره انسان

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. ثم يخرج به زرعاً ... ثم يجعله حطماً

طبق نظر برخی از مفسران از آن جایی که آیه شریفه پس از آیات مربوط به معاد و بهشت و جهنم آمده است، می تواند در صدد اثبات قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 3

3 - آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

ص: 423

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد ورد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 7

7- آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَهُ .. اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 15

15 - خالقیت خداوند ، نمایانگر قدرت او بر معاد و آفرینش دوباره آدمیان در قیامت

و هو خالقكم أول مرّه و إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 7، 14

7- آن کس که حیات دهنده زمین است ، حیات دهنده مردگان نیز خواهد بود .

إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمَحْيِ الْمَوْتِي

14 - احیای زمین خشکیده و افسرده به وسیله خداوند ، دلیل آشکار بر امکان رستاخیز مردگان و وقوع معاد است .

إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا .. عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 11 - 6

6 - بهار طبیعت و سرسبزی زمین پس از مرگ و پژمردگی ، دلیلی محسوس و روشن بر امکان معاد

فأشرفنا به بلده ميتاً كذلك تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - زخرف - 43 - 61 - 1

1 - معجزه عيسى (ع) در احياى مردگان ، دليلى آشكار بر امکان معاد

وإنه لعلم للساعة

ضمير در «إنه» به عيسى (ع) بر مى گردد. آن حضرت از آن جهت دليل بر امکان معاد است كه مى توانسته مردگان را زنده كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 424

3- حقانیت آفرینش جهان ، مستلزم وجود معاد

إن هی إلاّ موتتنا الأولى . . . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

از این که حقانیت آفرینش در مقام رد اندیشه منکران معاد مطرح شده، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 25 - 8، 4، 1

1 - ارائه دلایل آشکار ، بر حقانیت معاد از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا . . . وإذا تتلی علیهم آیتنا بیّت

4 - بهانه جویی مشرکان ، در قبال دلایل روشن وحی بر معاد

و إذا تتلی علیهم آیتنا بیّت ما کان حجّتهم إلاّ أن قالوا اتّوا

8 - حقانیت معاد از نظر مشرکان ، منوط به زنده شدن پدران آنان در برابر دیدگانشان

قالوا اتّوا بابائنا إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 26 - 3

3 - حیات نخستین آدمیان ، خود برترین دلیل بر حقانیت معاد

قل الله یحییکم ثمّ یمیتکم ثمّ یجمعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 4

4- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

الله الذی خلق . . . ولم یعی بخلقهنّ بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آفرینش شگفت ، زیبا و متقن آسمان ، نشانی از قدرت خداوند بر احیای مجدد مردگان

ذلک رجع بعید . . . أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم کیف بنینها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رویش گیاهان زنده از دل مرده زمین ، نمودی از رستاخیز دوباره انسان از درون خاک

ذلک رجع بعید . . . وأنبتنا فیها من کل زوج بهیج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- پیدایش حیات به وسیله باران ، آیتی الهی و دلیلی بر امکان معاد

و أحياناً به بلده میتاً كذلك الخروج

8- رویش دوباره گیاهان در پی خزان ، نمودی از حیات دوباره انسان ها پس از مرگ

و أحياناً به بلده میتاً كذلك الخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آفرینش هر موجود ، خود گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد آن ، پس از مرگ و نابودی

أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ

3- نخستین وجود هر موجود ، برهان امکان معاد

أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ

تعبیر «أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ» کافران را به وجود فعلی موجودات توجه می دهد و همین توجه را برای پی بردن به امکان معاد کافی می شمارد؛ زیرا آن کس که قادر بر خلق باشد، مرتبه نخست و مرتبه دوم برایش یکسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - حقانیت معاد ، دارای نشانه هایی در زمین و پهنه طبیعت *

و فی الأرض آیت للموقنین

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در رابطه با معاد و حیات اخروی بود - احتمال می رود که کلمه «آیات»، اشاره به نشانه های امکان معاد و حقانیت آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 44 - 3

3 - یگانه قدرت حاکم بر نظام مرگ و حیات ، قادر به برپایی صحنه معاد

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ .. وَأَنَّ هُوَ أُمَمَاتٌ وَ أَحْيَا

در صورتی که آیه «إلى ربك المنتهى» نظر به فرجام زندگی و پایان حیات داشته باشد، ارتباط میان آن و آیه «وَأَنَّ هُوَ أُمَمَاتٌ وَ أَحْيَا»، بیانگر مطلب بالا است.

ص: 426

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 63 - 3

3 - رویش و رشد دانه ها در بستر خاک ، نمودی از قدرت الهی و نشانی روشن از امکان معاد

أفرئتم ما تحرثون

روی سخن در این آیه، با منکران معاد است. تشویق آنان به مطالعه در چگونگی رشد گیاهان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 24 - 6

6 - آفرینش بشر و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه توانایی خداوند بر رستاخیز و حیات دوباره انسان ها در قیامت

قل هو الذی ذرأکم . . . وإلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 41 - 5

5 - ربوبیت خداوند نسبت به مشرق و مغرب عالم ، دلیل توانایی او بر احیای مجدد انسان ها است .

بربّ المشرق و المغرب إنا لقدرون . علی أن نبذل خیراً منهم و ما نحن بمسبوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 5

5 - مطالعه در مبدأ و مراحل آفرینش انسان ، از راه های شناخت معاد و پی بردن به احیای مردگان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی . . . فخلق فسوی . . . ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 11

11 - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل قدرت خداوند بر آفرینش مجدد او در روز رستاخیز

هل أتى علی الإنسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً . إنا خلقنا الإنسان من نطف

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است، موضوع آیه 5 این سوره تا پایان آن، درباره مسائل قیامت (مانند بهشت و جهنم و جایگاه کافران و خوبان و ..) است. ضمن آن که آیه پایانی سوره پیش - که درباره اثبات توانایی خداوند بر احیای مردگان بود - تأییدکننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 23 - 7

7 - آفرینش انسان ، از مایعی ناچیز و سیر متوازن و تکاملی وی در رحم ، نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم نخلقكم من ماء .. فقد رنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیات تا آخر سوره، درصدد اثبات برپایی قیامت باشد.

ص: 427

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 4

4 - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلِ ... وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 9 - 5

5 - قدرت خداوند بر ایجاد حالت خواب در انسان ، دلیل امکان معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. وَ جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سَبَاتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 12 - 4

4 - بهره مند ساختن ساکنان زمین از آسمان های محکم و استوار ، دلیل قدرت خداوند و ضرورت معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلِ ... وَ بَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شَدَادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 15 - 4

4 - پیدایش محصولات کشاورزی و رویدن گیاه در زمین ، دلیل امکان معاد و حیات دوباره انسان است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلِ ... لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا و نَبَاتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 16 - 3

3 - باغ ها و جنگل های پوشیده از درخت ، نشان دهنده قدرت خداوند و امکان پذیر بودن معاد

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ . . . أَلَمْ نَجْعَلْ ... جَنَّاتٍ أَلْفَافًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 27 - 2

2- آفرینش آسمان با وجود صلابت بیشتر آن نسبت به پیکر انسان ، برهانی آشکار بر امکان معاد و قدرت خداوند بر زنده کردن دوباره انسان ها

ءَأَنْتُمْ أَشَدَّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنِيهَا

«أنتم» خطاب به منکران معاد است که آیات قبل سخنان آنان را نقل کرده بود. جمله «بناها» مستأنفه و مفاد آن این است که آسمان با آن که محکم تر است، خداوند آن را ساخت؛ چگونه آفرینش دوباره خود را محال می پندارید؟

ص: 428

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 28 - 4

4 - برافراشتن آسمان و تعدیل آن ، دلیل قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم أشدّ . . . رفع سمکها فسویها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 29 - 3

3 - توانمندی خداوند بر ایجاد شب و روز ، نشانه قدرت او بر احیای دوباره انسان است .

ءأنتم أشدّ . . . و أغطش لیلها و أخرج ضحیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 31 - 3

3 - بیرون آوردن آب و گیاه از دل زمین ، نشانه قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم أشدّ خلقًا . . . أخرج منها ماءها و مرعیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 32 - 2

2 - آفرینش کوه های پایدار و تزلزل ناپذیر ، نشان قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم . . . و الجبال أرسیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 22 - 7

7 - قدرت خداوند بر آفرینش انسان ها ، تنظیم توانمندی های آنان ، هدایت تکوینی و نیز میراندن و به گور افکندن آنها ، دلیل قدرت او بر زنده ساختن آنان در قیامت است .

خلقه فقدّره . ثمّ السبیل یسّره . ثمّ أماته فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 7

7 - آگاهی دقیق خداوند به حقیقت انسان ، دلیل سامان دادن معاد در مراحل هستی او است .

بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

جمله «انّ ربّه..» در مقام تعلیل است و بصیرت خداوند به انسان را دلیل معاد قرار داده است؛ یعنی، انسان موجودی است که باید معاد داشته باشد و چون خداوند، به طور کامل به حقیقت انسان آگاهی دارد، برای او معاد قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 429

6 - آغاز خلقت ، دلیل امکان پذیر بودن معاد است . *

إِنَّهُ هُوَ بِيَدِيَّ و يعيد

استفاده برداشت یاد شده از آیه شریفه، با توجه به آغاز سوره است که از «یوم موعود» سخن گفته بود. وجود مشابه این عبارت در آیات دیگر مربوط به معاد، این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 7 - 5

5 - خروج جنین از رحم ، امری شگفت و نشانه امکان معاد است . *

يُخْرِجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ

ضمیر فاعلی «یخرج»، ممکن است به «الانسان» در دو آیه قبل برگردد، در این احتمال مراد از «ماء دافق» نطفه مرد و مراد از جمله «یخرج. . .»، تولّد نوزاد خواهد بود و «من بین الصلب و الترائب»، اشاره به جایگاه رحم است که بین قسمت های جلو و پشت مادر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 8 - 2

2 - آفرینش انسان از منی ، برهان قدرت خداوند بر معاد و تجدید حیات انسان است .

خَلَقَ مِنْ مَاءٍ . . . يَخْرِجُ . . . إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 20 - 2

2 - هموار بودن زمین ، نشانه ای آشکار بر قدرت خداوند و دلیل امکان معاد

وإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 5 - 9

9- آفرینش نخست انسان ، دلیل قدرت خداوند بر اعاده حیات او است .

لقد خلقنا الإنسان .. أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

چنانچه در این آیه، سخن از قدرت خداوند بر معاد باشد، تعبیر «لقد خلقنا» در آیه قبل، برای رفع استبعاد معاد خواهد بود.

134- دلایل معاد جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 78 - 6

ص: 430

6 - پیدایش انسان های نخستین ، دلیل و شاهد امکان زنده شدن مجدد آنان پس از مرگ و خاکستر شدن بدن ها

و ضرب لنا مثلاً ونسی خلقه قال من يحي العظم و هي رميم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 57 - 3

3 - آفرینش نخستین انسان ها ، دلیل امکان حیات مجدد و رستاخیز دوباره آنان از سوی خداوند است .

نحن خلقنكم فلولا تصدقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 68 - 3

3 - مطالعه در نقش آب شرب در حیات بشر ، راه را برای پذیرش قدرت الهی بر احیای مردگان در رستاخیز آسان می سازد .

أفرءيتم الماء الذي تشربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 71 - 3

3 - دعوت از کافران و منکران معاد به مطالعه در چوب آتش زنه ، برای پی بردن به قدرت خداوند و توانایی او بر احیای مردگان

أفرءيتم النار التي تورون

با توجه به این که روی سخن در این آیات با منکران معاد است، توجه دادن به مسأله کیفیت افروختن آتش و روشن کردن آن با عمل ساییدن، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 72 - 3

3 - آفرینش چوب آتش زنه ، نشانه ای از توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها و برپایی قیامت

ءأنتم أنشأتم شجرتها أم نحن المنشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- رویش نباتات در زمین و سپس خشک شدن و تبدیل شدن آنها به خاک ، نشانه قدرت خداوند بر احیای مردگان در قیامت

والله أنبتکم من الأرض نباتاً .. و یخرجکم إخراجاً

135- دلایل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 5 - 4

ص: 431

4- بعید شمردن حیات دوباره انسانها ، دلیل انکار سرای آخرت از سوی کافران به قیامت

أءذا كُنتا ترَبًّا ءءنا لفي خلق جديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 66 - 2

2- استبعاد ، از مهم ترین پایه های باور و اندیشه منکران معاد

أءذا ما متّ لسوف أُخرج حيًّا

مبنای قرآن در نقل سخنان دیگران، گزیده گویی است. نقل این سخن از منکران معاد، نشانگر این نکته است که مهم ترین اساس بینش منکران معاد، همین استبعاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 78 - 4

4 - تبدیل شدن انسان ها به استخوان کهنه و پوسیده ، دلیل و شاهد مثال کافران برای دور شمردن برپایی قیامت و زنده شدن مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلاً .. قال من يحي العظم و هي رميم

برداشت یاد شده با توجه به این مطلب است که جمله «قال من يحيي..» استتفای بیانی است؛ یعنی، بیان برای جمله «ضرب لنا مثلاً» است.

136- دنیاطلبان و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 36 - 8

8- عقیده به معاد ، ناسازگار با دنیاپرستی و غیرقابل پذیرش برای دنیاپرستان است .

أنا أكثر منك مالاً .. و ما أظنّ الساعة قائمه

مرد ثروت مند، در پی غرور و افتخار به مال و منال و پندار جاودانه بودن آن، به انکار قیامت پرداخت. به نظر می رسد که ارتباط این دو قسمت، به صورت زمینه و نتیجه باشد؛ یعنی، آنچه که فرد را به موضع انکار قیامت کشاند، دنیاپرستی و فریفته شدن بدان بود. فعل مجهول «رُددت» (برگردانده شوم) - که حاکی از اجبار شدن است - نیز گویای نکته یاد شده است.

137- ذکر معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 6 - 4

4 - معاد ، موضوعی بس مهم و در خور توجه

ص: 432

أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

واژه «نبا» به خیر و حادثه ای اطلاق می شود که مهم و شایان توجه باشد.

138- ذلت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 7

7- خداوند، شیاطین و منکران معاد را در قیامت، خوار و ذلیل، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد.

ثم لنحضرنهم حول جهنم جثيًا

«جثيًا» (جمع «جاثی») حال است و «جاثی» به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی «جثی» را جمع «جثوه» دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 18 - 2

2 - مشرکان و منکران قیامت، با وضعیتی ذلت بار و تحقیر شده در روز قیامت زنده خواهند شد.

و أنتم دخرون

«داخر» (مفرد «داخرون») به معنای «صغیر» و «ذلیل» است و جمله «أنتم داخرون» حال برای فاعل فعل مقدر (تبعثون) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 9 - 1

1 - منکران معاد، با چشمانی فروافتاده و در نهایت خواری و ذلت، در صحنه قیامت ظاهر خواهند شد.

أبصرها خشعه

«خاشع» به شخصی گفته می شود که به زمین چشم دوخته باشد (لسان العرب). توصیف «أبصار القلوب» به آن، مجاز و حاکی از شدت ضعف و ذلت شخص است؛ تا آنجا که گویا قلب او که موجودی مستقل فرض شده است، دارای چشمانی است که خشوع و فروتنی، در آن جایگیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 433

5 - انعام - 6 - 30 - 1

1 - آوردن ذلتبار منکران به پیشگاه پروردگار در قیامت، صحنه ای عجیب و دهشتنا

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم

140- رازهای مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 23 - 4

4- آگاهی خداوند از نیت ها و حالات درونی منکران معاد ، برخاسته از علم غیب اوست .

فالدین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره . . . لاجرم أن الله یعلم ما یسرّون

141- رد استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 15

15 - تصور صحیح از خداوند ، از بین برنده هرگونه تردید و استبعاد در حقانیت معاد است .

فانظر إلی ءاثر رحمت اللّٰه کیف یحی . . . و هو علی کلّ شیء قدير

142- رد عقیده مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 4 - 1

1 - رد پندار منکران معاد (پندار عدم توانایی خدا بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها) از سوی خداوند

أیحسب الإنسن . . . بلی قدرین

143- رضایت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 113 - 6

6- رضایت درونی منکران آخرت و قیامت، از اهداف تبلیغات فریبنده شیاطین است.

زخرف القول غرورا... و لیرضوه و لیقترفوا ما هم مقترفون

«لیرضوه» عطف بر «غرورا» است؛ در نتیجه عامل آن فعل «یوحی» است؛ یعنی: «یوحی بعضهم إلى بعض زخرف القول

ص: 434

144- رفع استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 20 - 4

4- فراخوانی به مطالعه طبیعت ، برای پی بردن به قدرت خداوند ، و در نتیجه ، رفع تردید در امکان معاد ، روش هدایتی قرآن است .

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

145- رفع شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 16 - 5

5- توجه به چگونگی خلقت نخستین انسان ، زداینده هر گونه تردید در امکان معاد و توانایی خدا بر احیای مجدد مردگان

ولقد خلقنا الإنسان .. ثم إنکم یوم القیمه تبعثون

146- روش برخورد مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 66 - 4

4- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جنّت عدن التي وعد الرحمن .. و یقول الإنسان أءذا ما متّ

چنانچه دو آیه قبل (« و ما تنتزّل .. سمیاً») جملاتی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 16

16- اهانت به پدر و مادر ، در شأن منکران معاد و نه معتقدان به حقانیت وعده های خداوند *

الذی قال لولدیہ أفّ لکما أتعداننی أن أخرج . . ما هذا إلا أسطیر الأولین

آیات پیشین، حاوی سفارش خداوند در زمینه احسان به والدین بود و در مقابل، در این آیه به دو صفت ناشایست اشاره شده است: 1- بی احترامی به والدین، 2- انکار معاد. از قرین آمدن این دو نکته می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

ص: 435

147- روش پاسخ به مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 26 - 1

1 - خداوند ، شیوه پاسخ گویی به منکران معاد را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخت .

قالوا... قل

148- زشتی صورت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 27 - 1

1 - زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد ، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

واژه «سوء» مرادف «قبیح» و «سیئه» مقابل «حسنه» است.

149- زمینه استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 5

5 - انبوهی شمار انسان ها ، فراهم آورنده زمینه تشکیک در معاد است .

ما خلقکم و لابعثکم إلا کنفس وحده

به قرینه این که فرموده است، خلقت نخستین شما و خلق مجددتان، برای خداوند همانند خلق یک نفر است، می توان استفاده کرد که چه بسا تشکیک در معاد، مربوط به فراوانی انسان ها و در هم آمیختگی آنها پس از مرگ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 10 - 4

4 - تردید در امکان معاد ، به رغم مشاهده قدرت خدا در آفرینش هستی ، برخاسته از بهره نگرفتن از ابزار شناخت و تعقل است .

جعل لكم السمع و... وقالوا اذا ضللنا في الأرض اءنا لفي خلق جديد

ذکر «وقالوا اءذا..» پس از بیان ناسپاسی انسان ها و یا کم سپاسی آنان در برابر نعمت قوای ادراکی اعطا شده از جانب خداوند، می تواند بیان کننده این نکته باشد که انسان ها از نعمت قوای ادراکی، بهره نگرفتند. (ناسپاسی) و در نتیجه در مسأله معاد تردید روا داشتند. لازم به ذکر است که شکر نعمت قوای ادراکی به تناسب موضوع، به کاربردن آنها در راه شایسته و تعیین شده است.

ص: 436

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 11 - 2

2- از هم پاشیده شدن اجزای بدن انسان پس از مرگ ، مایه استبعاد معاد در دیدگاه منکران آن

أءذا كُنَّا عِظْمًا نَخْرَه

150- زمینه ایمان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 9 - 3

3- اعتقاد به عزت و شکست ناپذیری خدا ، هموار کننده راه ایمان به رستاخیز و توانایی خدا بر احیای مردگان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز

با توجه به مفاد آیات پیش (انکار معاد از سوی کافران و ارائه نشانه های قدرت خدا بر برپا ساختن رستاخیز و پایان بخشیدن موضوع یاد شده با ذکر عزت خدا) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 77 - 9

9- توجه انسان به مبدأ پیدایش خود ، زمینه ساز ممکن دانستن معاد و تصدیق به آن

أولم ير الإنسن أنا خلقنه من نطفه فإذا هو خصيم مبين

یادآوری مبدأ پیدایش انسان در شرایطی که آیه شریفه و آیات بعد، درصدد اثبات معاد و رد شبهه منکران قیامت است، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 58 - 2

2- توجه به کیفیت پیدایش انسان از منی در رحم ، آسان کننده مسأله پذیرش معاد و توانایی خداوند بر احیای مجدد مردگان

أفرءیتم ما تمنون

روی سخن در آیه شریفه با منکران معاد است و مفاد آن چنین می باشد: اگر شما به کیفیت پیدایش انسان از نطفه - که در رحم می ریزید - توجه می کردید، در قدرت و توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان تردید نمی کردید و به انکار معاد نمی پرداختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 62 - 5

5 - ترغیب کافران صدر اسلام از سوی خداوند به توجه و تأمل در نشأه نخستین (جهان فعلی) ، برای هموار شدن راه پذیرش مسأله معاد

و لقد علمتم النشأه الأولى فلولا تذکرون

ص: 437

واژه «لولا» در «لولا تذکرون»، برای تحضیض و ترغیب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 63 - 4

4 - توصیه منکران معاد از سوی خداوند ، به مطالعه در چگونگی رشد و نمو دانه های پاشیده شده در زمین بهوسیله کشاورزان ، برای پی بردن به قدرت الهی و پذیرش امکان معاد

أفرئتم ما تحرثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 18 - 7

7 - مطالعه در آفرینش و رویش مداوم نباتات ، راهبر انسان ها به مسأله معاد و آسان کننده درک و ایمان به آن است .

والله أنبتکم من الأرض نباتاً .. و یخرجکم إخراجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 23 - 8

8 - مطالعه و تأمل در آفرینش انسان و مبدأ پیدایش و سیر تکاملی آن ، موجب شناخت معاد و اثبات توانایی خداوند بر آن است .

ألم نخلقکم من ماء .. فقد رنا فنعم القدرون

از این که ماجرای خلقت انسان با استفهام تقریری (ألم نخلقکم ..) آغاز شده، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 8 - 4

4 - توجه به آفرینش انسان و تداوم نسل او در زمین ، زمینه ساز پذیرش معاد است .

عمّ یتساءلون .. و خلقنکم أزواجاً

در آیه دو چیز به عنوان دلیل بر معاد ذکر شده است؛ خلقت انسان ها و زوجیت آنان؛ یعنی، چنین آفریده ای نمی تواند معاد نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و توجه به عنصر اولیه جسم وی ، زمینه ساز باور به امکان احیای دوباره او است .

فلینظر الإنسن ممّ خلق

جمله «إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» - در آیات بعد - بیانگر آن است که آنچه از این آیه به بعد مطرح شده، آماده سازنده ذهن انسان برای باور به امکان معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - خروج نطفه از فاصله بین ستون فقرات و قفسه سینه ، امری شگفت آور و مایه رفع استبعاد از « معاد » است .

يخرج من بين الصلب و التراث

ارتباط این آیه با آیه بعد، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 11 - 2

2 - توجه به تأثیر آسمان در تداوم بازگشت بعضی از پدیده ها ، زمینه ساز باور به معاد

و السماء ذات الرجوع

ارتباط این سوگند با قبل و بعد آن - به ویژه آیه «إِنَّهٗ عَلٰى رَجْعِهٖ لِقَادِرٌ» که کلمه «رجع» در آن نیز آمده است - بیانگر برداشت یاد شده است.

151- زمینه پاسخ به شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 11

11- شناخت معاد و حل شبهات آن ، متکی بر شناخت صحیح مبدأ آفرینش است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذی فطرکم أول مره

خداوند، برای پاسخ گویی به شبهات انسان در زمینه معاد، مسأله مبدأ آفرینش انسان را مطرح کرد و این بیانگر آن است که شناخت مبدأ آفرینش، موجب شناخت معاد و حل شبهات آن می شود.

152- زمینه تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 69 - 8

8 - جرم و تبه کاری ، زمینه مخالفت ورزیدن با پیامبران الهی و انکار معاد

إن هذا إلا أسطیر الأولین . . . فانظروا کیف کان عقبه المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- گناه پیشگی و هواپرستی ، دارای پیوند با بی اعتقادی به حیات اخروی

اجترحو السیئات . . . اتخذ إلهه هویه ... وقالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 439

8 - فریفته شدن به ثروت و قدرت ، زمینه ساز انکار معاد

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

مفاد آیه شریفه، ممکن است این باشد که فرد قدرتمند، نباید گمان کند که کسی قادر بر زنده ساختن و محاسبه و عذاب او نیست. هم چنین به قرینه آیه بعد، فرد ثروتمند را از فریفته شدن به ثروت خویش و پندار رهایی از حساب و نظارت خداوند، برحذر داشته شده است.

153- زمینه درک معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 6

6 - نقش تعیین کننده انسان شناسی ، در درک معارف الهی (معاد و ...)

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . ألم یک نطفه ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، برای اثبات توانایی خویش بر احیای مردگان و برپایی قیامت، مسأله هدفمند بودن زندگی انسان و سیر آفرینش او را مطرح ساخته است.

154- زمینه ذکر معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 5 - 6

6 - توجه به روییدن و خشکیدن گیاهان ، زمینه ساز یاد معاد

أخرج المرعی . فجعله غطاء حوی

ارتباط آیات آغاز سوره، با جمله هایی نظیر «یصلی النار الكبرى» و «والآخره خیر و أبقى» (در ادامه سوره) بیانگر آن است که این آیات، زمینه توجه به مفاد آیات مربوط به معاد را فراهم می سازد.

155- زمینه رفع شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 9، 18

9- سرگذشت اصحاب کهف ، دلیل حقاقت معاد و از میان برنده زمينه های تردید در آن

و كذلك أَعْرَضْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا .. أَنَّ السَّاعَةَ لَأَرِيبٌ فِيهَا

«ساعه» یعنی «پاره ای از وقت» و این که از قیامت به «ساعه» تعبیر می شود، به خاطر شباهت آن به پاره ای از وقت است؛

ص: 440

زیرا، حساب رسی در آن، به سرعت انجام می پذیرد (مفردات راغب).

18- خداوند، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد، اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد.

أعثرنا عليهم . . . إذ يتنزعون بينهم أمرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 4 - 4

4- توجه به علم گسترده الهی، زداینده شبهات انسان در امکان معاد

ذلک رجع بعید . قد علمنا ما تنقص الأرض منهم

از این که خداوند، در قبال شبهه کافران نسبت به معاد، علم ازلی خود را یاد آور شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 11

11- توجه به علم و قدرت الهی و نمود های رستاخیز در طبیعت، زداینده هر شک در امکان معاد

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم . . . أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم كيف بنینها ... و

خداوند در پاسخ به شبهات منکران معاد، در این آیات به سه نکته اشاره کرده است: 1- علم، 2- قدرت، 3 نمودهای رستاخیز در طبیعت.

156- زمینه غفلت از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 6

6- ناسپاسی دشمنان دین، در برابر نعمت های خداوند و دل بستگی شدید آنها به دارایی خویش، نشان بی توجهی آنان به معاد

إنّ الإنسان لربّه لکنود . . . أفلا یعلم إذا بعثر ما فی القبور

157- زمینه معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 5 - 7

7- ربوبیت خدا بر انسانها، مقتضی تشکیل دادن قیامت و آفرینش مجدد انسان ها پس از مرگ است .

أولئك الذين كفروا بربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 9

ص: 441

9- کارایی و تأثیر وسایط طبیعی ، در تحقق معاد و حیات مجدد انسان ها *

و أحيينا به بلده ميتاً كذلك الخروج

از این که در «مشبه به» تعبیر «به» آمده است - که واسطه بودن باران در حیات زمین را می رساند - این احتمال جان می گیرد که در «مشبه» نیز وسایط مؤثر باشند؛ یعنی، معاد انسان ها نیز، در نتیجه تحولاتی طبیعی به تدبیر و اراده خداوند صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 23 - 3

3- معاد وزنده شدن دوباره انسان ها ، در گرو انجام پذیرفتن تمام خواسته های تکوینی خداوند از انسان ها است .

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ

مفاد «كَلَّا» ممکن است ردع و زجر از چیزی باشد که مخاطب با شنیدن «ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ» آن را توهم می کند. به این بیان که نباید در محسور شدن انسان ها تعجیل داشت؛ زیرا آنان هنوز خود را به پایان کاری که برایشان مقرر شده است، نرسانده اند.

158- زمینه معاد شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 11

11- شناخت معاد و حل شبهات آن ، متکی بر شناخت صحیح مبدأ آفرینش است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطرکم أول مره

خداوند، برای پاسخ گویی به شبهات انسان در زمینه معاد، مسأله مبدأ آفرینش انسان را مطرح کرد و این بیانگر آن است که شناخت مبدأ آفرینش، موجب شناخت معاد و حل شبهات آن می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 2، 1

1- توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أولم يروا أن الله .. قادر على أن يخلق مثلهم

2- تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش آسمان ها و زمین ، جهت درک تحقق معاد

أولم يروا أن الله الذي خلق السموت والأرض قادر على أن يخلق مثلهم

159- زندگی و معاد

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 6

ص: 442

6 - حیات بشر، غیر قابل انفکاک از معاد است .

بلیٰ اِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهِۦ بَصِيْرًا

در آیه شریفه، بصیر بودن خداوند به انسان، دلیل معاد گرفته شده است؛ یعنی، هر کس با ویژگی های این مخلوق آشنا باشد، معاد را برای او ضروری خواهد دید.

160- زیان اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 45 - 6

6 - مردمی که بر انکار معاد پای فشردند و از این گمراهی دست برنداشتند، در قیامت مردمی زیانکار و ورشکسته خواهند بود .

و یوم یحشرهم .. قد خسر الذین کذبوا بقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 12 - 3

3 - منکران معاد در قیامت، زیان کاری خود را مشاهده کرده و به یکدیگر بازگو خواهند کرد .

قالوا تلک اِذَا کَرِهَ خاسره

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منکران معاد در قیامت است.

161- زیان در بیش مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 6 - 3

3 - مصرف ثروت برای رفع نیازمندی های مردم، در دیدگاه منکران معاد، خسارتی سنگین و جبران ناپذیر است .

أهلکت مالاً لبداً

انتخاب تعبیر «أهلکت» و پرهیز از گفتن «أنفقت» و نظایر آن، بیانگر این است که گوینده، مال های مصرف شده را «هلاک شده» می پندارد. این بیش ممکن است برخاسته از انکار پاداش انفاق، بر اثر انکار معاد باشد.

162- زیانکاری اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 27 - 5

5 - روز قیامت ، هنگامه خسران و زیان دیدن باطل گرایان و منکران معاد

ص: 443

و يوم تقوم الساعة يومئذ يخسر المبطلون

«مبطلون»، به معنای واردشوندگان در باطل است.

163- زیانکاری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 1,5

1 - تکذیب کنندگان معاد و حضور در پیشگاه خداوند بی تردید زیانکارند.

قد خسر الذين كذبوا بقاء الله

5 - کسانی که تا قبل از مرگ منکر ملاقات خدا و معاد هستند، بدون تردید زیانکارند.

قد خسر الذين كذبوا بقاء الله حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة

مراد از «الساعة» می تواند مرگ و یا قیامت باشد. در برداشت فوق «الساعة» به معنی مرگ گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 18 - 10

10 - زندگی منکران معاد، سراسر زیان کاری است.

إنهم كانوا خسرين

تعبیر «كانوا خاسرين»، دال بر استمرار و فراگیری خسران نسبت به سراسر زندگی منکران معاد است.

164- سخت ترین روزگار مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 1

1 - روزی که خواسته مشرکان مجرم و منکران معاد مبنی بر نزول فرشتگان بر ایشان، تحقق یابد، روزی تلخ و ناخوشایند برای آنان خواهد بود.

وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملكة .. يوم يرون الملكة لابس

165- سرزنش اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 21 - 5,6

5 - منکران معاد، به وقت زنده شدن شان در عرصه قیامت، مورد سرزنش قرار خواهند گرفت.

ص: 444

هذا يوم الفصل الذی کنتم به تکذبون

جمله «هذا يوم الفصل» در مقام توبیخ و تقریر است.

6- سرزنش شدن ، نخستین عذاب روحی منکران معاد به وقت زنده شدن شان در عرصه قیامت

هذا يوم الفصل الذی کنتم به تکذبون

برداشت یاد شده از آن جا است که پیش از طرح هرگونه عذابی برای منکران معاد، آنان مورد سرزنش الهی قرار خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 25 - 2

2- سرزنش و استهزا ، از عذاب های روحی منکران معاد و مشرکان در موقف و بر سر راه دوزخ

ما لکم لاتناصرون

برداشت یاد شده از «ما»ی استفهامیه در «ما لکم» - که در صدد توبیخ و تهکم است - به دست می آید.

166- سرزنش تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 48 - 16

16- انکار معاد ، نکوهیده تر از دل بستگی به زندگانی دنیا و دارای نقشی مؤثرتر در آن در پیدایش شرک

لقد جئتمونا کما خلقناکم اول مرّه بل زعمتم الّن نجعل لکم موعداً

حرف «بل» برای اضراب و نشان نابرابر بودن مابعد و ماقبل آن است. در این برداشت، تشبیه در «کما خلقناکم»، ناظر به مال و فرزند نداشتن انسان در آغاز خلقت و هنگام اعاده آن، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 57 - 4

4- انکار معاد ، به رغم اعتقاد به خالقیت خداوند ، موضع گیری نابخردانه و شایسته سرزنش

نحن خلقناکم فلولا تصدّقون

سرزنش در آیه شریفه، متوجه کسانی است که با وجود اعتقاد به خالقیت خداوند، در برابر موضوع معاد موضع گیری ناباورانه داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 4

4 - انکار معاد، با وجود هشدار های قرآن، نکوهیده، شگفت آور و فاقد برهان است.

فما لهم لایؤمنون

«ما» اسم استفهام است و مراد از استفهام در این موارد، تعجب همراه با توییح است. تغییر سیاق کلام از خطاب در «لترکبن» به غایب در «لهم»، بر نکوهش افزوده است.

ص: 445

167- سرزنش شبهه افکنی معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 2

2- شبهه اندازی درباره معاد و پیامبری رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، عملی زشت و نکوهیده است.

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت... و ما أرسلنا من قبلك إلا رجا

«سینات» (جمع سینّه) به معنای هر عمل زشت است و مراد از «السینات» در آیه - به قرینه «فأصابهم سینات ما عملوا» - می تواند شبهاتی باشد که در آیات قبل از سوی مشرکان مطرح شده بود.

168- سرزنش شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 67 - 2

2- تردید انسان در معاد، با وجود توانایی هر انسان به شناخت خلقت نخستین خویش از عدم، امری شگفت آور و سزاوار توبیخ است.

أولا يذكر الإنسن أنا خلقنه من قبل ولم يك شيئاً

همزه در «أولا يذكر» برای انکار توبیخی و متضمن معنای تعجب است. تکرار لفظ «انسان» در این آیه - با آن که آوردن ضمیر ممکن بود - اشعار به این نکته دارد که لازمه انسان بودن، دقت و تفکر است.

169- سرزنش غفلت از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 7

7 - لزوم شناخت ویژگی های معاد و غافل نبودن از خطر های آن

أفلا يعلم

استفهام در آیه شریفه، «انکار تعجبی» است و بر اظهار شگفتی از جهل انسان، دلالت دارد.

170- سرزنش مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - مردم انطاکیه به علت کفر به خدا و انکار معاد ، مورد انتقاد و سرزنش مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) قرار گرفتند .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی و إلیه ترجعون

بیشتر مفسران بر آنند که آیه شریفه، در مقام تعریض و سرزنش مردم کافر انطاکیه می باشد و آمدن آن در قالب «و ما لی لا أعبد» به جای «و ما لکم لا تعبدون» برای تأکید بیشتر است. گفتنی است آمدن جمله «ترجعون» به صیغه مخاطب، مؤید این حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 81 - 8

8 - منکران معاد ، شایسته نکوهش و سرزنش اند .

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

در صورتی که مراد از «هذا الحدیث» خبر قیامت باشد؛ نکوهش الهی نسبت به منکران آن، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 27 - 3

3 - سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

وقیل هذا الذی کنتم به تدعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت «وقیل هذا الذی..» به انگیزه توییح به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 3

3 - خداوند ، با توییح کسانی که به تقریحات خانوادگی سرگرم شده و معاد را بعید شمردند ، آنان را به مؤاخذه اخروی تهدید کرد .

بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

خبر از آگاهی خداوند به کارها و خصلت های منکران معاد، تهدید آنان به مؤاخذه با تعبیری توییح آمیز است.

171- سرعت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- زنده شدن انسان ها در قیامت ، بسیار سریع و ناگهانی خواهد بود .

فائما هی زجره وحده

از این که انسان ها تنها با یک صیحه، زنده خواهند شد، برداشت یاد شده به دست می آید.

ص: 447

172- سوگند مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 4

4 - منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق قالوا بلی وربنا

173- سهولت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 52 - 4

4- آفرینش دوباره انسان ها در قیامت ، امری سهل و آسان است .

قالوا أءذا كنا .. قل کونوا حجاره ... فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أول مرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 14، 3

3- بازآفرینی انسان ها (معاد) در قیامت برای خداوند بسی سهل و آسان است .

ثمّ یعیده و هو أهون علیه

مرجع ضمیر «هو» مصدر فعل «یعید» و مرجع ضمیر مجرور «علیه» خداوند است که از «هو الذی» مستفاد است. لازم به ذکر است که افعال تفضیل «أهون» به معنای «هین» است. افعال تفضیل آوردن آن، احتمالاً، برای تقریب به ذهن مخاطبان است.

14 - عالی ترین صفات را داشتن ، دلیل توانایی خداوند بر بازآفرینی آسان انسان هادر قیامت است .

ثمّ یعیده و هو أهون علیه و له المثل الأعلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 1

1 - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تن است .

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 4

4 - گردش شب و روز به قدرت خداوند ، دلیل توان مندی او بر آسان زنده کردن مجدد انسان ها پس از مرگ است .

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده . . . ألم تر أنّ الله یولج الّیل فی النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 82 - 5

ص: 448

5- آفرینش مجدد انسان ها برای خداوند ، بسیار سهل و آسان است .

قال من يحيى العظم .. . قل يحييها الذى أنشأها أول مره... و هو الخلل-ق العليم .

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در ردیف آیاتی قرار گرفته که درصدد اثبات معاد و امکان حیات مجدد انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 11 - 4

4- آفرینش جهانی سخت تر از آفرینش انسان ، (آسمان ها ، زمین و فرشتگان) گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت و آسان و ممکن بودن آن برای او است .

فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

برداشت یاد شده از آن جا است که روی سخن آیه شریفه مشرکان اند؛ آنان که منکر معاد بوده و آفرینش مجدد انسان ها را از خاک، امری بعید و بسیار سخت و ناممکن می شمردند و «أءذا میتنا و کنا ترابا و عظاما أءنا لمبعوثون»، (آیه 16 همین سوره).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 19 - 3

3- زنده شدن انسان ها پس از مرگ شان در قیامت ، امری آسان برای خداوند

فإنما هی زجره وحده

زنده شدن انسان ها تنها با یک صیحه، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 4

4- آفرینش مجدد انسان ها در قیامت ، برای خداوند آسان تر از آفرینش آغازین جهان و انسان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 68 - 7

7 - آفرینش مجدد انسان ها برای خداوند ، بسیار سهل و آسان است .

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَهُ لَارِيْبٌ فِيهَا . .. هُوَ الَّذِي يَحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف آیاتی قرار گرفته که درصدد اثبات معاد و حیات مجدد انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 13 - 2

2 - معاد وزنده ساختن دوباره انسان ها برای خداوند آسان است .

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ

جمله «فإنَّما..» پاسخی به استبعاد منکران معاد است؛ یعنی، تمام آنچه که آن را سخت و دشوار می پندارید، برای خداوند، تنها ایجاد یک خروج و بانگ حیات بخش است و بس.

ص: 449

174- شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 1

1 - خداوند ، هدایت کننده مؤمنان ، از ظلمت شبهات معاد به نور علم و یقین

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ .. او کالذی مرّ ... فلمّ

داستان مورد بحث در آیه، مثال و ارائه نمونه ای برای ولایت الهی و نتیجه آن است؛ یعنی هدایت مؤمنان به نور پس از خارج ساختن آنان از ظلمت و تاریکی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 4

4- انبوهی مردگان نسل های پیشین و زنده نشدن آنان با گذشت عصر ها ، دلیل کافران بر انکار معاد و واقعیت نداشتن حیات دوباره انسان

أتعدانی أن أُخرج وقد خلت القرون من قبلی

مفاد «وقد خلت القرون ..» این است که: نسل های فراوانی پیش از من مرده اند و برای آنان معادی صورت نگرفته است؛ حال چگونه می توان باور کرد که برای من معادی باشد؟!.

175- شبهات معاد در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 17، 18

17- کاشفان جایگاه اصحاب کهف ، به جدال و کشمکش درباره رستاخیز گرفتار بودند .

أعثرنا علیهم .. إذ یتزعون بینهم أمرهم

«إذ» ظرف است برای «أعثرنا» لذا مفاد آیه این است که مردم، هنگامی بر اصحاب کهف دست یافتند که درباره امری از امور مربوط به خویش، اختلاف داشتند. مراد از آن امر، به قرینه «أن الساعة لاریب فیها» برپایی قیامت است و مراد از ضمیر در «أمرهم» همان مردمی هستند که بر اصحاب کهف آگاهی یافتند.

18- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد .

أعثرنا عليهم .. إذ يتزعجون بينهم أمرهم

ص: 450

176- شبهه افکنان معاد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 5 - 5

5 - شبهه افکنان در مورد معاد ، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت .

یتساءلون . . . ثم کلاً سیعلمون

177- شبهه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 9

9- ایجاد شبهه در ذهن مردم درباره خدا ، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از راه کار های بسیار زشت مشرکان جهت بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدف خویش

قالوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و أقسموا بالله ... لایبعث الله من

این برداشت بنابر صفت بودن «سیئات» برای مصدر محذوفی که مفعول مطلق فعل «مکروا» بوده، می باشد. بنابراین مراد از مکرهای بد و سوء همین نکته هایی است که از سوی مشرکان در باره خدا، معاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 2

2- کافران عصر بعثت ، وعده معاد را ، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ یتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله «سیعلمون» - در آیات بعد - این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود؛ بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

178- شرایط ایمان مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 5

5- رؤیت پروردگار ، شرط دیگر مشرکان و منکران معاد برای ایمان آوردن به خدای یکتا و پذیرش نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقال الذین لایرجون لقاءنا .. أو نرى ربنا

ص: 451

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 6

6- مشرکان ، به وجود نیرویی که قادر به احیای دوباره جسد انسان باشد ، در ناباوری و تردید بودند .

قل کونوا حجاره .. فسیقولون من یعدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 1

1 - اظهار تردید کافران در زنده شدن دوباره انسان ، پس از مرگ

قالوا أءذا متنا .. أءتآ لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 13

13 - تردید مشرکان عصر بعثت ، در امکان قیامت و رستاخیز مردگان

إنّ الذی أحيأها لمحی الموتی إنّہ علی کلّ شیء قدير

تأکید جمله «إنّ الذی أحيأها لمحی الموتی» با حروف «إنّ» و «لام»، بیانگر تردید مشرکان عصر بعثت در امکان معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 26 - 7

7- معاد ، مورد جهل و تردید بیشتر مردم در طول تاریخ

ولكنّ أكثر الناس لا یعلمون

از این که به جای ارجاع ضمیر به مشرکان مکه، واژه «الناس» به کار رفته - که دارای مفهومی عام و گسترده است - مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- تردید مشرکان ، در امکان معاد ، در عین اعتقاد به وجود آفریدگار *

أولم يروا أنّ الله الذي خلق .. . بقدر على أن يحيى الموتى

با توجه به این که مخاطب آیه شریفه، مشرکان است و اصل وجود خداوند مسلم شمرده شده و صرفاً برای امکان معاد، برهان آمده است؛
مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 15 - 5

5- شک در امکان معاد ، در عین مشاهده آفرینش خداوند ، نمودی از گیچی و سردرگمی کافران

فهم في أمر مريج .. . أفعينا بالخلق الأول بل هم في لبس من خلق جديد

ص: 452

بیان تناقض گویی کافران در این آیه، می تواند در مقام ارائه نمونه ای از سرگردانی کافران باشد که در آیات پیشین خداوند به آن اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 7

7 - منافقان، گرفتار شک و تردید نسبت به مبانی اسلام (توحید، نبوت، معاد، قرآن و...) .

قالوا بلی و لکنکم . . . ارتبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 5

5 - معاد، مورد شک و تردید کافران عصر بعثت بود .

عمّ یتساءلون

180- شک مشرکان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 2

2- تردید و ناباوری مشرکان به معاد، نمونه بارزی از گمراهی آنان است .

فضلوا . . . وقالوا أذا كنا ... أعتنا لمبعوثون خلقاً جدیداً

181- شک مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 32

32- برخی از منکران معاد - به دلیل پی نبردن به زوایای سرگذشت اصحاب كهف - آن را نشانه امکان معاد نیافتند و بر تردید سابق خویش باقی ماندند .

لیعلموا . . . أن الساعة لاریب فیها ... ربهم أعلم بهم

چنان چه مشاهده اصحاب كهف برای همه بازدیدکنندگان، مایه تقویت ایمان به معاد شده بود، مناسبتی نداشت که بگویند: «ربهم» بلکه

می بایست تعبیر «رَبَّنَا» را جایگزین آن سازند و نسبت به موضوع اصحاب کهف اظهار بی اطلاعی نکنند.

ص: 453

182- شگفتی پرشی از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 3

3 - پرسش های تردیدآمیز درباره معاد ، شگفت آور و دور از انتظار است .

عمّ يتساءلون

«ما» در «عمّ» برای استفهام تعجبی است و دلالت بر غیر منتظره بودن سؤال از معاد دارد.

183- شگفتی تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 66 - 1

1- برخورد انسان با مسأله معاد و حیات پس از مرگ ، همراه با انکار و شگفتی است .

و يقول الإنسن أءذا ما متّ لسوف أخرج حياً

کلمه «يقول» فعل مضارعی است که در مقام بیان حالت انسان ها به کار می رود چنین افعالی بر استمرار در هر سه زمان دلالت دارند.
«ال» در «الإنسان» برای جنس است که در مورد فراوانی افراد هم به کار می رود .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 5

5 - شگفت آور بودن انکار معاد و عالم آخرت ، با توجه به مخلوق خدا بودن آسمان و زمین

الذین لایؤمنون بالأخره . . أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

استفهام در «أفلم» تعجیبی است و دلالت می کند بر این که کفر به آخرت و انکار معاد، با توجه به این که آسمان و زمین در احاطه خدا قرار دارند، امر شگفت آوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 77 - 4

4 - انکار معاد و ممکن ندانستن آن در عین آگاهی از مبدأ پیدایش انسان ، امری شگفت آور است .

أولم ير الإنسان أنا خلقته من نطفه

برداشت یاد شده از آن جا است که همزه در «أولم ير ..» برای استفهام انکاری و تعجیبی است. گفتنی است مخاطب آیه شریفه - به قرینه آیات بعد - منکران قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 81 - 5

5 - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقدر على أن يخلق مثلهم

ص: 454

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در «أولیس . . .» استفهام انکاری و تعجیبی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 12 - 2

2- انکار توحید ربوبی و احیای مجدد انسان ها - به رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خدا در جهان - امری شگفت آور است .

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ . . . فَاسْتَفْتِهِمْ أَهَمْ أَسَدٌ خَلْقًا . . . بل عجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 4

4- انکار معاد ، با وجود هشدار های قرآن ، نکوهیده ، شگفت آور و فاقد برهان است .

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

«ما» اسم استفهام است و مراد از استفهام در این موارد، تعجب همراه با توبیخ است. تغییر سیاق کلام از خطاب در «لترکبن» به غایب در «لهم»، بر نکوهش افزوده است.

184- شگفتی شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 67 - 2

2- تردید انسان در معاد ، با وجود توانایی هر انسان به شناخت خلقت نخستین خویش از عدم ، امری شگفت آور و سزاوار توبیخ است .

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكْ شَيْئًا

همزه در «أولا يذکر» برای انکار توبیخی و متضمن معنای تعجب است. تکرار لفظ «انسان» در این آیه - با آن که آوردن ضمیر ممکن بود - اشعار به این نکته دارد که لازمه انسان بودن ، دقت و تفکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 3

3- پرسش های تردیدآمیز درباره معاد ، شگفت آور و دور از انتظار است .

عمّ يتساءلون

«ما» در «عمّ» برای استفهام تعجّبی است و دلالت بر غیر منتظره بودن سؤال از معاد دارد.

185- شگفتی کم فروشی مؤمنان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 455

5- کم فروشی، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شگفتی است.

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ مَبْعُوثُونَ

186- شگفتی معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 66 - 1

1- برخورد انسان با مسأله معاد و حیات پس از مرگ، همراه با انکار و شگفتی است.

و يقول الإنسن أءذا ما متّ لسوف أُخرج حياءً

کلمه «يقول» فعل مضارعی است که در مقام بیان حالت انسان ها به کار می رود چنین افعالی بر استمرار در هر سه زمان دلالت دارند. «ال» در «الإنسان» برای جنس است که در مورد فراوانی افراد هم به کار می رود.

187- شناخت ویژگیهای معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 7

7- لزوم شناخت ویژگی های معاد و غافل نبودن از خطر های آن

أفلا یعلم

استفهام در آیه شریفه، «انکار تعجبی» است و بر اظهار شگفتی از جهل انسان، دلالت دارد.

188- صفات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 9

9- منکران معاد، گرفتار خود بزرگ بینی و استکبار در درون جان خویش

وقال الذین لایرجون لقاءنا .. لقد استکبروا فی أنفسهم

189- صورت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 61 - 6

ص: 456

6 - کافران و منکران معاد ، در رستاخیز تغییر شکل یافته و به صورت هایی غیر از صورت انسانی محشور خواهند شد . *

علی أن نبذل أمثلکم

برخی از مفسران، احتمال داده اند که «أمثال» در آیه شریفه جمع «مَثَل» و به معنای اوصاف است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: «ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم؛ برای این که در آینده، اوصاف شما را دگرگون کرده و در شکل و صورتی که نمی دانید ایجادتان کنیم». گفتنی است که روی سخن در این آیات، با کافران و منکران رستاخیز است.

190- ضرورت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 14

14 - ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزاها و پاداش های اعمال *

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جمله «و هم لا یظلمون» (عدالت الهی)، پس از جمله «توفّی کلّ نفس ما کسبت»، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد؛ و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

191- ضعف علمی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 66 - 3

3 - منکران معاد ، ناتوان از رد علمی و یقینی آن

بل ادّرك علمهم فی الآخره

ضمیر «علیهم» به منکران معاد بازمی گردد. بنابراین خداوند در رد آنان می فرماید: انکار آنها، انکار علمی و مبتنی بر پایه برهان نیست و با همه دلایلی که به خیال خود می آورند، باز هم یقین به عدم قیامت پیدا نخواهند کرد.

192- طغیانگری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 12

12 - منکران معاد، مردمانی سخت سرکش و طغیانگراند .

وقال الذین لایرجون لقاءنا . . . وعتو عتوًّا کبیرًا

ص: 457

193- ظلم تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 10

10- انکار معاد و نادیده گرفتن قدرت عظیم الهی در آفرینش جهان ، عملی ظالمانه است .

أولم یروا .. فأبى الظلمون إلا کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 22 - 3

3 - شرک و تکذیب معاد ظلم است و مشرکان و تکذیب گران معاد ، ظالم اند .

هذا يوم الفصل الذی کنتم به تکذبون . احشروا الذین ظلموا

برداشت یاد شده از ستم پیشه خواندن مشرکان و تکذیب کنندگان معاد، به دست می آید.

194- ظلم مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 72 - 7

7- منکران معاد ، در زمره ستم کاراند .

و يقول الإنسن .. و نذر الظلمین فیها جثيًا

از منکران معاد به عنوان «ظالم» یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 22 - 3

3 - شرک و تکذیب معاد ظلم است و مشرکان و تکذیب گران معاد ، ظالم اند .

هذا يوم الفصل الذی کنتم به تکذبون . احشروا الذین ظلموا

برداشت یاد شده از ستم پیشه خواندن مشرکان و تکذیب کنندگان معاد، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 26 - 5

5 - شکست نهایی فرعون در مبارزه با موسی (ع) ، درس عبرتی برای مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و منکران معاد

إنّ فی ذلك لعبره لمن یخشی

نقل داستان موسی(ع) و فرعون - پس از بیان شبهات منکران معاد و نیز خطاب به پیامبر(صلی الله علیه و آله) با جمله «هل أتاک..» -
بیانگر این

ص: 458

است که مراد از توصیف داستان مزبور به عبرت، تهدید منکران معاد و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که چه بسا آنان نیز در نهایت، همچون فرعون به عذاب الهی گرفتار شوند.

196- عبرت ناپذیری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 26 - 9

9- منکران معاد و فرعون صفتان عصر بعثت، محروم از خشیت الهی و بی تفاوت در برابر عبرت های تاریخ

يقولون أئنا... هل أتیک... إنَّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

تصریح به «من یخشی» برای اشاره به نبود خشیت در وجود منکران معاد است.

197- عجز از تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 32 - 8

8 - منکران قیامت، ناتوان از ارائه دلیلی قطعی بر نفی معاد و معترف به امکان وقوع آن

قلتم ما ندری ما الساعه... و ما نحن بمستیقنین

از آیه شریفه استفاده می شود که منکران معاد، با ادعای «ما ندری» و «إن نظنّ...» درصدد انکار معاداند؛ لیکن براین دعوی هیچ دلیل اثباتی و قطعی ندارند؛ بلکه به گونه ضمنی امکان آن را معترف اند (و ما نحن بمستیقنین).

198- عجز مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 66 - 3

3- منکران معاد، ناتوان از رد علمی و یقینی آن

بل ادّرك علمهم فی الآخره

ضمیر «علیهم» به منکران معاد بازمی گردد. بنابراین خداوند در رد آنان می فرماید: انکار آنها، انکار علمی و مبتنی بر پایه برهان نیست و با همه دلایلی که به خیال خود می آورند، باز هم یقین به عدم قیامت پیدا نخواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 44 - 8

8 - کافران تکذیب گر ، ناتوان از رهانیدن خود از سقوط و مبارزه با عوامل آن

ص: 459

سنستدر جهم من حیث لایعلمون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چون عوامل و زمینه های سقوط، برای کافران ناشناخته و غافل گیرانه است؛ قهراً رهایی از آن نیز برای آنان ناممکن خواهد بود.

199- عذاب اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 8

8 - تهدید شدن منکران قیامت و جرم پیشگان ، به عذاب قهر الهی در قیامت

الذین لایرجون لقاءنا .. لابیشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 21 - 6

6 - سرزنش شدن ، نخستین عذاب روحی منکران معاد به وقت زنده شدن شان در عرصه قیامت

هذا یوم الفصل الذی کنتم به تکذبون

برداشت یاد شده از آن جا است که پیش از طرح هرگونه عذابی برای منکران معاد، آنان مورد سرزنش الهی قرار خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 23 - 5

5 - استهزا شدن ، از عذاب های روحی مشرکان و منکران معاد در عرصه قیامت

فاهدوهم إلی صراط الجحیم

به کار رفتن واژه «هدایت» - که برای راهنمایی به امر خیر و مرغوب است - درباره راندن به دوزخ، از باب تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 25 - 2,3

2 - سرزنش و استهزا ، از عذاب های روحی منکران معاد و مشرکان در موقف و بر سر راه دوزخ

ما لکم لاتناصرون

برداشت یاد شده از «ما»ی استفهامیه در «ما لکم» - که درصدد توییخ و تهکم است - به دست می آید.

3 - یادآوری ناتوانی و ذلت مشرکان و منکران معاد و نیز بطلان عقاید آنها در موقف و پیش از ورود به دوزخ ، از عذاب های دیگر روحی آنان

ما لکم لاتناصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 14 - 4

ص: 460

4 - منکران معاد ، مورد شکنجه روحی و جسمی در قیامت

علی النار یفتنون . ذوقوا فتنکم

تعبیر «یفتنون» ناظر به عذاب بدنی و عبارت های «ذوقوا» و «کنتم به تستعجلون»، دربردارنده سرزنش هایی است که عذاب روحی کافران را به دنبال دارد.

200- عذاب جسمانی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 14 - 4

4 - منکران معاد ، مورد شکنجه روحی و جسمی در قیامت

علی النار یفتنون . ذوقوا فتنکم

تعبیر «یفتنون» ناظر به عذاب بدنی و عبارت های «ذوقوا» و «کنتم به تستعجلون»، دربردارنده سرزنش هایی است که عذاب روحی کافران را به دنبال دارد.

201- عذاب روحی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 21 - 6

6 - سرزنش شدن ، نخستین عذاب روحی منکران معاد به وقت زنده شدن شان در عرصه قیامت

هذا یوم الفصل الذی کنتم به تکذبون

برداشت یاد شده از آن جا است که پیش از طرح هرگونه عذابی برای منکران معاد، آنان مورد سرزنش الهی قرار خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 23 - 5

5 - استهزا شدن ، از عذاب های روحی مشرکان و منکران معاد در عرصه قیامت

فاهدوهم إلی صراط الجحیم

به کار رفتن واژه «هدایت» - که برای راهنمایی به امر خیر و مرغوب است - درباره راندن به دوزخ، از باب تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 25 - 3

2 - سرزنش و استهزا، از عذاب های روحی منکران معاد و مشرکان در موقف و بر سر راه دوزخ

ما لکم لاتناصرون

برداشت یاد شده از «ما»ی استفهامیه در «ما لکم» - که در صدد توییح و تهکم است - به دست می آید.

ص: 461

3 - یادآوری ناتوانی و ذلت مشرکان و منکران معاد و نیز بطلان عقاید آنها در موقف و پیش از ورود به دوزخ ، از عذاب های دیگر روحی آنان

ما لکم لاتناصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 14 - 4

4 - منکران معاد ، مورد شکنجه روحی و جسمی در قیامت

علی النار یفتنون . ذوقوا فتنتکم

تعبیر «یفتنون» ناظر به عذاب بدنی و عبارت های «ذوقوا» و «کنتم به تستعجلون»، در بردارنده سرزنش هایی است که عذاب روحی کافران را به دنبال دارد.

202- عذاب مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 10

10 - عذاب منکران معاد (کافران) به فرمان مستقیم خداوند در قیامت صورت می گیرد.

قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 69 - 4

4 - کیفر منکران معاد و ختم فرجام ایشان با عذابی مرگبار ، از سنت های خداوند است .

فانظروا کیف کان عقبه المجرمین

تعبیر «فانظروا» در بردارنده معنای عبرت گیری و درس آموزی است و عبرت گرفتن در صورتی معنا دارد که حکم جاری بر مجرمان پیشین، درباره نسل های بعد نیز استمرار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 10

10 - سقوط قطعه هایی از آسمان بر سر منکران معاد ، بسته به خواست و مشیت خدا است .

إن نشأ .. أو نسقط عليهم كسفاً من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 33 - 4

4 - گرفتار آمدن منکران معاد ، در قیامت به عذابی که آن را به استهزا می گرفتند و انکار می کردند .

و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

ص: 462

203- عظمت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 2 - 2

2 - معاد و جهان آخرت ، رخدادی با عظمت در نظام هستی است .

عن النبأ العظيم

204- عقلانیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 8 - 6

6 - کافران ، امکان بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن ، امری عقلانی نمی دانستند .

وقال الذين كفروا .. إذا مَرَّكُمْ كَلٌّ مِمَّا لَكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ . أفتری علی الله

این که کافران به خاطر اظهار امکان تجدید حیات انسان ها پس از مرگ، به آن حضرت نسبت جنون دادند؛ به دست می آید که احتمالاً آنان چنین اظهاراتی را اصلاً عاقلانه نمی دانستند.

205- عقیده باطل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 3

3 - منکران معاد ، فرو رفته در کفر و در اوج پافشاری بر پندار باطل خویش

ما أكفروه

از آیات بعد - که توجّه به مبدأ خلقت انسان را مقدمه توجّه به معاد در «ثمّ إذا شاء أنشره» قرار داده است - استفاده می شود که آیه شریفه بر منکران معاد نیز قابل تطبیق است. مفاد جمله «ما أكفروه»، تعجب از رسوخ کفر در کافران است تا آن حد که به هیچ نحو زایل نمی شود. این تعبیر ممکن است، صیغه تعجب و یا استفهام باشد.

206- عقیده به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - ساحران مؤمن به موسی (ع)، معتقد به معاد و بازگشت به خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

ص: 463

إنا إلی ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 87 - 7

7- ذوالقرنین ، به معاد و وجود کیفر سخت اخروی برای ظالمان ، معتقد بود .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه عذاباً نکرّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 50 - 4

4- توجه و اعتقاد ساحران گرویده به موسی (ع) ، نسبت به معاد هم پای عقیده به پروردگار یگانه هستی

قالوا ءامنا ربّ العلمین .. . إنا إلی ربّنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 68 - 4

4- در پندار کافران ، عقیده به معاد ، باوری ارتجاعی و افسانه ای ساخته و پرداخته پیشینیان است .

وقال الذین کفروا .. . إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

«أسطوره» (مفرد «أسطیر») معادل افسانه است و آن عبارت از هر حکایت و قصه بی اصل و دروغ است که به قصد اخلاقی یا سرگرم کردن ساخته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 19

19- نفی بت پرستی ، توحید عبادی ، توحید افعالی ، شکر پروردگار ، عقیده به معاد ، بازگشت نهایی انسان ها به سوی خدا ، از تعالیم حضرت ابراهیم (ع)

و ابرهیم إذ قال لقومه .. . إنّما تعبدون من دون الله اوثناً ... فابتغوا عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعتقاد به معاد و حیات دوباره انسان ها پس از متلاشی شدن جسم آدمی ، عقیده ای مسخره آمیز و سحرگونه در نظر مشرکان

و إذا رأوا آية يستسخرون . وقالوا إن هذا إلا سحر مبين . أءذا متنا و كُنَّا تراب

برداشت یاد شده با توجه به ارتباط این آیه و آیات گذشته است که در آنها، از تمسخر مشرکان نسبت به مسأله معاد و سحرآمیز بودن چنین تعالیمی سخن به میان رفته است. سخن مشرکان در آیه شریفه، در واقع بیان سحر و مسخره آمیز بودن این تعالیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 85 - 8

ص: 464

8 - مسأله معاد ، مهم ترین عقیده پس از توحید و یگانه پرستی

له ملك السموت و الأرض . . . و عنده علم الساعه و إليه ترجعون

طرح مسأله قیامت و معاد، پس از تبیین فرمانروایی یگانه خداوند، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 35 - 4

4- معاد و اعتقاد به حیات اخروی ، از نخستین تعالیم پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ . إِن هِيَ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَى

207- عقیده مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 27 - 5

5 - منکران معاد در عصر بعثت ، آسمان را آفریده خداوند می دانستند .

أم السماء بنیها

استدلال آیه شریفه بر امکان معاد، بدون پذیرش آفریدگاری خداوند برای آسمان، ناتمام است.

208- علم به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 14

14 - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا . . . و هو خلقکم أول مرّه و إليه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله «و هو خلقکم . . .» ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 8 - 1

1 - آگاهی از دلایل روشن الهی بر اثبات حقانیت تعالیم دین (همچون معاد و جزای انسان ها در آن روز) ، مقتضی ایمان به خدا ، رسول او و قرآن است .

فامنوا بالله ورسوله و النور الذی أنزلنا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه به منزله نتیجه برای مطالب یاد شده در آیات پیشین است. آن مطالب عبارت است از ارائه دلایل روشن بر حقانیت تعالیم الهی و نیز اثبات معاد و... .

ص: 465

209- عمل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 23 - 6

6 - خداوند ، به افکار و کردار منکران معاد و تکذیب کنندگان قرآن ، دانایتر از هر کس دیگر است .

والله أعلم بما یوعون

210- عوامل استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 3

3- استبعاد معاد پس از متلاشی شدن جسد انسان ، معلول غفلت از قدرت نامحدود خداست .

قل کونوا حجاره أو حدیداً . أو خلقاً ممّا یکبر فی صدورکم

تذکر جمله «کونوا حجاره .. . أو خلقاً ممّا یکبر ...» - که اشاره به نامحدود بودن قدرت خدا دارد - برای بیرون آوردن مشرکان از غفلتی است که سبب تردید آنان درباره زنده شدن استخوانهای خرد شده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 78 - 1

1 - فراموشی و بی توجهی به مبدأ پیدایش انسان ، عامل دور شمردن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت «و نسی خلقه» حال برای فاعل «ضرب» است؛ یعنی، در حالی که آفرینش خود را فراموش کرد، مثلی در رد عقیده به قیامت برای ما آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 7

7- بعید شمردن تجدید حیات مردگان ، ناشی از سطحی نگری انسان به هستی و خالق آن است .

أولم یروا أنّ الله خلق .. . بقدر علی أن یحیی الموتی

تعبیر «أولم یروا...» بیانگر نوعی سرزنش است؛ یعنی، منکران معاد، بدون تأمل و اندیشه در نظام هستی، به انکار آن پرداخته اند؛ در حالی که اگر به دقت می نگرستند، قدرت خداوند را بر حیات مردگان به وضوح درمی یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 48 - 2

2 - گذشت زمان بر مردگان، تأثیرگذار در غیر ممکن شدن احیای مجدد آنان در پندار کافران منکر معاد

ص: 466

أءنآ لمبعوثون . أوءاباؤنا الأؤلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 7 - 9

9- استبعاد معاد از سوی کافران ، ناشی از ناآگاهی آنان از قدرت مطلقه خداوند است .

خلق السموت . . . زعم الذین کفروا أن لن یبعثوا قل بلی و ربی لتبعثنّ . . . و ذلک عل

211- عوامل اضطراب مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 5

5- اندیشه معاد و حیات اخروی ، برهم زننده آرامش اشراف و مورد تکذیب اکید آنان

وقال الملاء من قومه . . . أیعدکم . . . أنکم مخرجون

212- عوامل ایمان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 57 - 12

12- مطالعه عوامل طبیعی در حیاتبخشی به گیاهان ، موجب پذیرش معاد و پی بردن به قدرت خداوند است .

هو الذی یرسل الریح . . . فاخرجنا به من کل الثمرت کذلک نخرج الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 4 - 6

6- توجه و باور به قدرت مطلق خدا ، زداینده هرگونه شبهه درباره معاد و برپایی قیامت

إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قذیر

هدف از بیان قدرت خداوند ، پس از طرح مسأله معاد و روز قیامت ، این است که انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا کند تا مبدا در تحقق یافتن قیامت - که پذیرش آن برای نوع انسانها مشکل است - تردید نکنند.

4- توجه به پیدایش انسان و آفریده شدن وی از عناصری بی جان (خاک ، نطفه ، علقه و مضغه) ، زدااینده هر گونه تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر بخشیدن حیات دوباره به مردگان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنٰكُمْ . . . ثُمَّ مِّنْ مَّضْغَةٍ

30 - مطالعه در چگونگی رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، زایل کننده هر گونه شک و تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر احیای دوباره مردگان

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ . . . وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً . . . مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 16 - 5

5 - توجه به چگونگی خلقت نخستین انسان ، زداینده هر گونه تردید در امکان معاد و توانایی خدا بر احیای مجدد مردگان

و لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ . . . ثُمَّ إِنْكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تَبْعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 78 - 2

2 - دقت و اندیشه در چگونگی پیدایش انسان ، زمینه ساز ممکن دانستن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانَ . . . وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسَى خَلْقَهُ

213- عوامل تقویت مؤمنان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 40

40- كشف ماجرای اصحاب كهف ، عامل تقویت موضع موحدان و معتقدان به معاد بود .

إِذِ يْتَنَزَعُونَ . . . قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ

در بیان آنچه مورد نزاع و اختلاف مردم بود، دو احتمال بیان شد: اگر «إذ يتنازعون..» نظر به اختلاف آنان در باره معاد داشته باشد، «الذين غلبوا...» آن دسته از مردم خواهند بود که معاد را پذیرا بودند و با بیداری اصحاب كهف، به دلیلی محکم و ملموس، در برابر خصم خود، دست یافته بودند.

214- عوامل تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 7

7- ایمان نیاوردن مشرکان به معاد ، معلول عدم درک حقیقت معاد و استبعاد آن بوده است .

لا یؤمنون بالأخره . . . وقالوا أءذا کنا عظماً ورفئاً ءنا لمبعوثون خلقاً جد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 4

ص: 468

4- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أولم يروا أن الله الذي خلق السموت والأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 19 - 11

11 - بی خبری از قدرت خداوند ، مایه انکار معاد است .

أولم يروا كيف يبدئ الله الخلق . . . إن ذلك على الله يسير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 11

11 - نیندیشیدن در حقانیت و هدف داری جهان هستی ، موجب انکار معاد است .

أولم يتفكروا . . . وإن كثيرا من الناس بلقاء ربهم لكفرون

تذکر به حقانیت و هدف داری جهان و نیز پایان پذیری آن، گویای این حقیقت است که عالم به پایان می رسد و معاد برپا می شود. یادآوری این نکته که بیشتر مردم منکر معادند، پس از توبیخ عدم تفکر در حقانیت جهان، به این معنا است که تفکر نکردن در جهان آفرینش، موجب انکار معاد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 16 - 4

4 - بعید شمردن حیات دوباره انسان ها پس از مرگ ، عامل انکار معاد از سوی مشرکان

أءذا متنا وكتنا ترابا و عظاما أءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 17 - 3

3 - بعید شمردن حیات دوباره انسان هایی که در گذشته دور مرده و به خاک و استخوان تبدیل شده اند ، عامل انکار معاد از سوی مشرکان

أءنا لمبعوثون . أوءاباؤنا الأولون

4- بی دانشی نسبت به حقانیت هستی و اهداف ارزشی آفرینش ، عامل انکار معاد

إن هی إلاّ موتتنا الأولى . . . و لكنّ أكثرهم لایعلمون

از ارتباط میان «إنّ هؤلاء لیقولون» با «و لكنّ أكثرهم لایعلمون» استفاده می شود که انکار معاد، ریشه در جهل نسبت به حقانیت آفرینش دارد.

عوامل حسرت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 20 - 4

4 - نظام کيفر و پاداش الهی در روز رستاخيز ، موجب تأسف و حسرت شديد منکران معاد خواهد شد .

و قالوا يويلنا هذا يوم الدين

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «هذا يوم الدين» استثنایه و در مقام تعلیل برای مفاد جمله قبل است.

215- عوامل رد استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 67 - 3

3- توجه انسان به آفرینش و آمدن او از عدم به صحنه وجود ، زمینه استبعاد معاد و انکار آن را از بین می برد .

أولاً يذكر الإنسن أنا خلقنه من قبل و لم یک شيئاً

مقصود از عدم و نیستی، الزاماً عدم مطلق نیست؛ بلکه می تواند عدم نسبی باشد؛ یعنی، انسان قبلاً نبوده و الآن وجود دارد، گرچه مواد و عناصر او در قالب موجوداتی دیگر از قبل نیز وجود داشته باشد. این احتمال نیز هست که جمله «لم یک شيئاً» ناظر به دورانی باشد که عناصر انسان، در قالب هیچ موجودی آفریده نشده بود.

216- عوامل رفع استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 19 - 8

8 - ژرف نگری درباره چرخه حیات و مرگ موجودات ، برطرف کننده استبعاد معاد است .

أولم يروا كيف يبدئ الله الخلق ثم يعيده

دعوت از کافران به تعمق و مطالعه در کیفیت پیدایش موجودات و بازگشت آنها به حالت نخست شان، به منظور راه یافتن به قدرت خداست و این که خداوندی که بر پدید آوردن و میراندن موجودات، قادر است، توانایی دارد که معاد را تحقق بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - سیاحت در زمین و تأمل در پیدایش موجودات ، بر طرف کننده تردید انسان در امکان تحقّق معاد است .

سَيُرَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ

10 - پی بردن به قدرت و توانایی خداوند ، بر طرف کننده استبعاد در وقوع معاد است .

سَيُرَوْنَ... فَانظُرُوا... ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ص: 470

217- عوامل رفع شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 5

5 - توجه به آفرینش انسان و استمرار مرگ و حیات در زمین ، زداینده هر گونه تردید و دو دلی نسبت به معاد و حیات مجدد انسان

و هو الذی أنشأ لكم السمع . . . و هو الذی یحی و یمیت . . . أفلا تعقلون ... قالوا أءذا

218- عوامل زوال شبهه در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 13

13 - باور به علم مطلق خدا و قدرت گسترده و همه جانبه او ، زایل کننده هر گونه شبهه در راستی و درستی تحقق معاد و زنده شدن مردگان

ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون. هو الذی خلق ... و هو بکل شیء علیم

جمله «هو الذی . . . سبع سماوات» اشاره به قدرت بی انتهای خداوند دارد و جمله «و هو بکل شیء علیم» حاکی از علم مطلق الهی است. از هدفهای بیان قدرت و علم همه جانبه خداوند - پس از بیان معاد و زنده کردن مردگان (ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون) - بر طرف کردن هرگونه شبهه در راستی و درستی آن می باشد.

219- عوامل غفلت از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 36 - 3

3- غفلت از معاد و تردید در آن ، معلول دل بستگی شدید به دنیا است .

أنا أكثر منک مالاً . . . قال ما أظنّ أن تبید هذه أبداً . و ما أظنّ الساعة قائمه

220- عوامل مؤثر در تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 36 - 6

6- پوچ انگاری خلقت انسان و بی هدف دانستن زندگی او ، تأثیرگذار در انکار کردن معاد و ایمان نیاوردن به روز قیامت

أیحسب الإنسان أن یترک سدی

ص: 471

آیه شریفه در سلسله آیات مربوط به تکذیب معاد از سوی کافران قرار دارد. از این رو می تواند درصدد بیان علل تکذیب روز قیامت باشد؛ هم چنان که می تواند بیانگر نشانه های تحقق چنین روزی باشد.

221- عوامل یقین به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 21

21- شناخت خداوند و صفات او، موجب یقین آدمی به معاد است .

الله الذی . . . لعلکم بلقاء ربکم توقنون

222- غافلگیری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 19 - 4

4 - مشرکان و منکران معاد ، خود را به طور ناگهانی در قیامت یافته و بر حال زار خود نظاره گر خواهندبود .

فإذا هم ينظرون

«إذا» برای مفاجات است که حاکی از ناگهانی انجام شدن مفاد آن است.

223- فرجام شوم مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 5 - 1

1 - فرجامی بسیار سخت ، در انتظار منکران معاد

ثمّ کلاً سیعلمون

«ثمّ» برای تراخی است و مراد از آن در آیه شریفه، تراخی رتبی است؛ یعنی، آینده منکران معاد، مرحله‌ای دارد که یکی از دیگری دشوارتر خواهد بود.

224- فرجام مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - انکار معاد، گناه و باری شوم بر دوش منکران معاد در قیامت است.

ص: 472

قد خسر الذين كذبوا بقاء الله .. ألا ساء ما يزرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 69 - 4

4 - کیفر منکران معاد و ختم فرجام ایشان با عذابی مرگبار ، از سنت های خداوند است .

فانظروا كيف كان عقبه المجرمين

تعبیر «فانظروا» دربردارنده معنای عبرت گیری و درس آموزی است و عبرت گرفتن در صورتی معنا دارد که حکم جاری بر مجرمان پیشین، درباره نسل های بعد نیز استمرار داشته باشد.

225- فلسفه تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 10 - 7

7 - انکار لقای پروردگار و نفی هرگونه مسؤولیت از انسان ، انگیزه اصلی کافران در محال شمردن معاد است .

وقالوا أءذا .. بل هم بلبقاء ربهم كفرون

226- فلسفه معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 10

10 - دستیابی مؤمنان به پاداش و ایمان و اعمال شایسته خویش و گرفتاری کافران به کیفر کفر و بزهکاری خود ، فلسفه اساسی معاد و برپایی رستاخیز است .

ثم يعيده ليجزي الذين ءامنوا .. و الذين كفروا لهم شراب من حميم و عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 39 - 8، 2، 1

1- خداوند ، انسان ها را پس از مرگ زنده می کند تا حقایق را برای آنان تبیین نماید .

بلى وعدًا عليه حقًا .. لبيّن لهم الذی یختلفون فيه

2- ظهور حقیقت امور اختلافی، از دلایل زنده شدن انسان ها در قیامت است .

بلی وعداً علیه حقاً . . لیبّین لهم الذی یختلفون فیه

8- آگاهی یافتن کافران بر دروغ گویی خویش، از جمله دلایل احیای مجدد انسان ها در قیامت

بلی وعداً علیه حقاً . . و لیعلم الذین کفروا أنهم کانوا کذبین

ص: 473

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 16

16 - هدف داری نظام هستی و بی پایان نبودن عمران آن ، از دلایل معاد است .

أولم يتفكروا .. ما خلق الله ... إلا بالحقّ وأجل مسمّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 23 - 15

15 - آگاهی یافتن بر اعمال دنیوی و دیدن نتایج آن ، از اهداف معاد است .

إلینا مرجعهم فننبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 14 - 3

3 - معاد و بازگشت به سوی خداوند ، لازمه ربوبیت مدبرانه او نسبت به انسان و جهان

وإنا إلى ربنا لمنقلبون

از آیه قبل استفاده شد که هماهنگی طبیعت با نیازهای انسان یک اتفاق نیست؛ بلکه براساس تدبیر و ربوبیت خاص و عالمانه شکل یافته است. اکنون در این آیه نتیجه می گیرد که وجود همان ربوبیت حسابگر و آگاه، مستلزم آن است که حرکت انسان در طبیعت، بی فرجام نباشد و از حیطة تدبیر و ربوبیت خداوند خارج نشود؛ بلکه به سوی او بازگردد و در حلقه فرمان الهی تداوم یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 15 - 12، 11

11 - فلسفه معاد ، تحقق عدالت الهی و رسیدن انسان به نتیجه عملکرد خود

ثمّ إلى ربکم ترجعون

مسأله قیامت - که از «إلى ربکم ترجعون» استفاده می شود - پس از اصل بازیابی نتایج اعمال، یاد شده است. از این مطلب فهمیده می شود که برپایی قیامت نیز در راستای اجرای عدالت است.

12 - معاد ، نویدی به مؤمنان صالح و هشدار به کافران بدکردار

من عمل صلحاً فلنفسه و من أساء فعليها ثمّ إلى ربّكم ترجعون

پیام آیه شریفه، نوید به نیکوکاران و هشدار به بدکاران است. تعبیر «ثمّ إلى ربّکم...» نیز - که اشاره به معاد دارد - در راستای همین معنا آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 19 - 9

9- برخورداری هر فرد، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لكلّ درجت مّمّا عملوا و لیوفّیهم أعمالهم و هم لا یظلمون

لام در «لیوفّیهم»، بیانگر غایت و هدف است و این که با «واو» آمده است (و لیوفّیهم) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج

ص: 474

اعمال است.

227- فلسفه مهلت به مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 2

2- مهلت دادن به تکذیب گران، در راستای سقوط تدریجی آنان است؛ نه در جهت منافع آنان

سنستدرجهم.. و اُملی لهم

عبارت «اُملی لهم» تأکید و بیان دیگری برای مسأله سقوط تدریجی کافران است؛ یعنی، ما به آنان مهلت دادیم تا سقوط تدریجی آنان تحقق یابد.

228- قانونمندی معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 7

7- آفرینش دوباره انسان ها در قیامت، حتمی و دارای زمان و برنامه ای از پیش تعیین شده

و جعل لهم أجلاً لاریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 4 - 7

7- نظام هستی و برنامه حیات و معاد، دارای قوانینی دقیق و تخلف ناپذیر *

و عندنا کتب حفیظ

برداشت بالا بدان احتمال است که واژه «کتاب»، اشاره به قوانین تنظیم شده از سوی خداوند، داشته باشد. گفتنی است که نظام هستی براساس آن قوانین، به گونه ای دقیق راه خود را می پیماید؛ یعنی، با همان قانونی که نخستین بار آمده اند، دوباره گردآوری می شوند.

229- قدرت بر معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 4

4- دو چیز ، معیار استحقاق معبودیت و سزاوار پرستش بودن است : « توانایی بر پدید آوردن جهان » و « قدرت بر برپا کردن دوباره آن »

ص: 475

قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - اسراء - 17 - 51 - 12

12- امکان وقوع رستاخيز و نيز وجود نیروی قادر به انجام آن ، دو موضوع زیربنایی در اثبات معاد است .

قل كونوا حجاره .. فسيقولون من يعيدنا قل الذی فطرکم

در آیه پیش، سؤال از امکان تبدیل شدن استخوانهای خرد شده به انسان مطرح شد و با فرض امکان آن، در این آیه، قدرتی که قادر به تحقق آن باشد مطرح گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - غاشيه - 88 - 19 - 2

2 - تحقیق و تدبیر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

وإلى الجبال كيف نصبت

230- کافران و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 39 - 10، 9

9- دروغ پردازی دائمی کافران درباره معاد

و أقسموا بالله .. لا يبعث الله من يموت بلى وعداً عليه ... و ليعلم الذين كفروا أ

10- بی اطلاعی کافران در دنیا ، از دروغ گویی خویش درباره رستاخيز

و أقسموا بالله .. لا يبعث الله من يموت بلى وعداً عليه ... و ليعلم الذين كفروا أ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - سجده - 32 - 10 - 5، 6، 7، 9، 1

1 - کافران در حیات دوباره انسان ، پس از ناپدید شدن اجزای او در خاک ، تشکیک کردند .

وقالوا أءذا ضللنا فى الأرض أءتآ لفى خلق جديد

5- از نظر کافران ، پیوستن اجزای پراکنده بدن مردگان ، در قیامت ، امری مستبعد است .

وقالوا أءذا ضللنا فى الأرض أءتآ لفى خلق جديد

«ضللنا» دو معنا دارد: یکی دفن شدن در قبر و دیگری، تبدیل به خاک شدن به گونه ای که از دیگر اجزای خاک نتوان تمیز داد. طبق معنای دوم، اجزای بدن انسان از هم جدا شده و در میان خاک ها پراکنده خواهد شد. بازآفرینی چنین حالتی، برای کافران، مستبعد بوده است.

6- کافران ، در انکار معاد ، تنها متکی بر استبعادند .

أءتآ لفى خلق جديد

ص: 476

7- انکار لقای پروردگار و نفی هرگونه مسؤولیت از انسان، انگیزه اصلی کافران در محال شمردن معاد است.

وقالوا أءذا.. بل هم بلقاء ربهم كفرون

9- کافران، نه تنها در معاد تردید دارند بلکه منکر صریح آن اند.

وقالوا أءذا ضللنا فی الأرض أءتآ لفی خلق جدید بل هم بلقاء ربهم كفرون

احتمال دارد که «بل هم بلقاء ربهم کافرون» ترقی از «أءذا ضللنا..» به جزم در نفی معاد باشد. لازم به ذکر است که مراد از «لقاء رب» در صورتی که معادل با معاد باشد، نکته یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 32 - 7

7- کافران، مدعی کافی نبودن دلایل وحی برای اثبات معاد و اعتقاد به آن

و إذا قیل.. و الساعه لاریب فیها قلتما ندری ما الساعه إن نظنّ إلا ظنّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 6

6- پندار و تصویر نادرست کافران، از مسأله معاد و چگونگی آن

أن أخرج و قد خلت القرون من قبلی

تعبیر «و قد خلت القرون من قبلی» - که به عنوان علت برای انکار معاد از سوی کافر مطرح شده - نشانگر آن است که معاد در پندار آنان، بازگشت به دنیا در زمانی است که هنوز نسل های بعد در زمین زندگی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 14 - 4

4- انکار معاد، عمده ترین محور مخالفت کافران با پیام دین

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

از سرزنش شدن کافران، به خاطر تکذیب دوزخ و حقیقت قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 12 - 19

19 - کافران به معاد و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسلاً... کتب علی نفسه الرحمه... الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

با توجه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 477

5 - انعام - 6 - 30 - 8

8 - مؤاخذه کافران به توحید، نبوت و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشر هم جمعياً .. و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق

«این شرکاؤکم» (در آیه 22) مؤاخذه درباره توحید، «لا تکذب بآیات ربنا» (در آیه 27) مؤاخذه درباره نبوت، «ألیس هذا بالحق» (در آیه 30) مؤاخذه درباره قیامت است.

232- کفر تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 12

12 - انکار معاد کفرورزی است.

ألیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

233- کفر مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 3

3 - منکران معاد، فرو رفته در کفر و در اوج پافشاری بر پندار باطل خویش

ما أکفره

از آیات بعد - که توجّه به مبدأ خلقت انسان را مقدمه توجّه به معاد در «ثمّ إذا شاء أنشره» قرار داده است - استفاده می شود که آیه شریفه بر منکران معاد نیز قابل تطبیق است. مفاد جمله «ما أکفره»، تعجب از رسوخ کفر در کافران است تا آن حد که به هیچ نحو زایل نمی شود. این تعبیر ممکن است، صیغه تعجب و یا استفهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 22 - 2

2 - منکران معاد، کافراند .

لترکبنّ طبقاً عن طبق .. بل الذین کفروا یکذبون

234- کم فروشی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 4 - 5

ص: 478

5- کم فروشی ، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شگفتی است .

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ مَبْعُوثُونَ

235- کیفر تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 37 - 8

8- انکار معاد ، جرمی مستحق هلاکت

إن هی إلاّ موتتنا .. إنهم كانوا مجرمین

این آیه، همگونی مشرکان با اقوام هلاک شده پیشین در مجرم بودن را اثبات می کند و آنچه در آیات پیشین به عنوان نقطه منفی یاد شده، انکار معاد است.

236- کیفر مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 7

7 - محاکمه و مجازات منکران معاد، جلوه ای از ربوبیت خداوند است.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم .. قالوا بلی وربنا قال فذوقوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 5 - 12

12- منکران قیامت ، به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 106 - 1

1- دوزخ ، جزای کافران به آیات الهی و منکران معاد است .

ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا

مراد از كفر، به قرينه آيه قبل، كفر به آيات خدا و معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 5

5- برانگیختن منکران معاد و مجازات آنها، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

ص: 479

فوربک لنحشرنهم .. حول جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 69 - 4

4 - کیفر منکران معاد و ختم فرجام ایشان با عذابی مرگبار ، از سنت های خداوند است .

فانظروا کیف کان عقبه المجرمین

تعبیر «فانظروا» دربردارنده معنای عبرت گیری و درس آموزی است و عبرت گرفتن در صورتی معنا دارد که حکم جاری بر مجرمان پیشین، درباره نسل های بعد نیز استمرار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 23 - 6

6 - کافران به آیات خدا و معاد ، عذابی دردناک خواهند داشت .

و الذین کفروا بآیت اللّٰه و لقاءه .. و أولئک لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 19 - 9

9 - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لفی ضلل بعید . اللّٰه لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

با توجه به معنای «لطیف» - که حکایت از رحمت و لطف دارد - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 27 - 4

4 - محرومیت دوزخیان از هوای مطبوع و آب ، عقوبتی مناسب با انکار معاد

لا یدوقون فیها برداً و لا شراباً .. إنهم کانوا لایرجون حساباً

کیفر دوزخیان در آیات پیشین، به دو صورت نفی و اثبات بیان شده است؛ آنان از هوای سرد و نوشیدنی، محروم اند(نفی) و به نوشیدن

«حمیم» و «غساق» مجبور خواهند بود (اثبات). «جزاء وفاقاً» آن را کیفری مناسب با کردار آنان - که آن هم به صورت نفی و اثبات بوده - بیان کرده است؛ آنها معاد را باور نداشتند (نفی) و آیات خدا را تکذیب می کردند (اثبات). آیه «جزاء وفاقاً» دلالت دارد که محرومیت، کیفری مناسب با بی اعتقادی است و نوشیدن مایع داغ و چرکین، کیفر مناسب تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 29 - 8

8 - مجازات الهی، در انتظار منکران معاد و تکذیب کنندگان آیات او است.

إِثْمَ كَانُوا... وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا

جمله «وكلّ شیء...»، - پس از بیان انکار معاد و تکذیب آیات از سوی طغیانگران - تهدید آنان به مجازات در آخرت است.

ص: 480

237- کیفیت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 5 - 11

11- منکران معاد و ربوبیت خدا در روز قیامت به غل ها و زنجیرهایی که بر گردنشان آویخته می شود، گرفتار خواهند شد .

أولئك الأغلال في أعناقهم

238- کیفیت حشر مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 7

7- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثم لنحضرنهم حول جهنم جثيًا

«جثيًا» (جمع «جاثی») حال است و «جاثی» به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی «جثی» را جمع «جثوه» دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

239- کیفیت معاد جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 61 - 5

5 - چگونگی خلقت انسان در جهان آخرت ، تنها در قلمرو علم خداوند

و ننشئکم فی ما لاتعلمون

برداشت یاد شده بر این اساس است که «ما» در «فیما» کنایه از خلق و آفرینش باشد؛ یعنی، شما را در خلقتی ایجاد می کنیم که نمی توانید به آن دانش پیدا کنید.

240- گفتگوی مکذبان معاد

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

20 - نازعات - 79 - 12 - 3

ص: 481

3 - منکران معاد در قیامت ، زیان کاری خود را مشاهده کرده و به یکدیگر بازگو خواهند کرد .

قالوا تلک إذا کره خاسره

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منکران معاد در قیامت است.

241- گمراهی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 51 - 4

4 - تکذیب گران معاد ، عناصری گمراه

ثم إنکم أیها الضالون المکذبون

242- گناه تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 15

15 - انکار معاد، گناه و باری شوم بر دوش منکران معاد در قیامت است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله . . . ألا ساء ما یزرون

243- گناه شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 12 - 2

2 - تردید در معاد و انکار لقای پروردگار ، عملی مجرمانه است .

بلقاء ربهم کفرون . . . إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم

«ال» در «المجرمون» عهد است و به «هم بقاء ربهم کفرون» بر می گردد.

244- گناه مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - منکران معاد در قیامت با بار سنگین گناهان خویش حضور می یابند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء اللّٰه . . . و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

ص: 482

«أوزار»، جمع «وزر»، به معنی سنگینی است و مقصود از «أوزار» در آیه سنگینی گناهان است.

245- گناهکاری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 4

4 - منکران معاد ، مردمانی تبه کار و مجرم

الذین لایرجون لقاءنا .. یوم یرون الملائکه لابیشری یومئذ للمجرمین

246- گواهان حقانیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 28 - 2

2 - عمق وجدان مشرکان در دنیا گواه بر حقانیت توحید و معاد می دهد.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

247- لجاجت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 16، 14

14- منکران معاد ، علی رغم دریافت پاسخ شبهات خویش درباره معاد ، با تکان دادن سر همچنان آن را مستبعد می شمردند .

فسینغضون إلیک رءوسهم

تکان دادن سر از سوی مشرکان، پس از دریافت پاسخ شبهات خویش درباره معاد، می تواند به منظور استبعاد معاد باشد.

16- منکران معاد ، علی رغم دریافت پاسخ شبهات خود درباره معاد ، همچنان بر حفظ ذهنیت خود پای می فشردند .

فسینغضون إلیک رءوسهم

از اینکه منکران معاد، پس از دریافت پاسخ تمامی شبهات خود درباره معاد، با تکان دادن سر آن را به استهزا گرفته و انکار می کردند، نشان

می دهد که آنان، در پی حفظ ذهنیت دیرینه خود درباره معاد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 6

6- خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عنایت و لطف خاص داشته و او در قبال انکارکنندگان معاد، دلجویی کرده است .

فوربک لنحشرنهم والشیطن

ص: 483

ضمیر «فوربک» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. عنایت به آن حضرت هنگام قسم خوردن خداوند به نام مقدس خویش، نوعی اظهار لطف و دلجویی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قبال خیره سری های کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 3

3 - منکران معاد، فرو رفته در کفر و در اوج پافشاری بر پندار باطل خویش

ما اکفره

از آیات بعد - که توجه به مبدأ خلقت انسان را مقدمه توجه به معاد در «ثم إذا شاء أنشره» قرار داده است - استفاده می شود که آیه شریفه بر منکران معاد نیز قابل تطبیق است. مفاد جمله «ما اکفره»، تعجب از رسوخ کفر در کافران است تا آن حد که به هیچ نحو زایل نمی شود. این تعبیر ممکن است، صیغه تعجب و یا استفهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 3

3 - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند.

إن ربّه کان به بصیراً... فما لهم لا یؤمنون

متعلق «لا یؤمنون»، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد؛ از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و ...

248- مادیگرایی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 2

2 - منکران معاد دارای بینشی سطحی و مادی هستند.

وقالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 4

4- در نظر منکران معاد ، انسان موجودی صرفاً مادی و جسمانی است .

أیعدکم .. و کنتم تراباً و عظاماً أنکم مخرجون

از این که اشراف، خاک و استخوان شدن را به خود انسان نسبت داده اند نه به جسم او (یعنی نگفتند «و کان جسمکم تراباً..») استفاده می شود که آنان برای انسان، هویتی بیرون از کالبد و جسم او معتقد نبودند.

ص: 484

249- مبلغان تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 3

3- شیطان، ترویج کننده کفر و انکار معاد

و يقول الإنس(ن... لنحشرتهم والشیطين

یادکردن از شیطان در این آیه به عنوان همراه و هم دوش کافران در صحنه قیامت، گویای نقش شیطان در کفرورزی ها و سردمداری او در این صحنه ها است.

250- مجادله در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 36 - 2

2- مجادله مشرکان مکه با مؤمنان، در مسأله معاد

فأتوا بابائنا إن كنتم صدقین

تعبیر «فأتوا» (با صیغه جمع) می رساند که مخاطب مشرکان، تنها پیامبر(صلی الله علیه و آله) نبوده؛ بلکه مؤمنان نیز مورد خطاب آنان بودند.

251- محاکمه مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 3,7

3 - خداوند در قیامت از منکران معاد بازخواست می کند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین. و لو تری إذ... ألیس هذا بالبح

7 - محاکمه و مجازات منکران معاد، جلوه ای از ربوبیت خداوند است.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم... قالوا بلی و ربنا قال فذوقوا العذاب

252- محرومیت اخروی مکذبان معاد

7 - ملائکه هنگام رویه رو شدن با منکران معاد در قیامت ، به آنان خواهند گفت که شما از غفران الهی و بهشت محرومید .

يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذ للمجرمين و يقولون حجراً محجوراً

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که فاعل «يقولون» ملائکه باشد و «حجراً محجوراً» نیز مقول قول ایشان باشد. گفتنی است

که در این صورت، مقصود از این کلام، اعلام محرومیت و ممنوعیت منکران معاد از غفران الهی و بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 34 - 1

1 - منکران معاد، محروم از رحمت حق و وانهاده به خویش در اوج گرفتاری های قیامت

و قیل الیوم نسیکم

نسیان در آیه شریفه، کنایه از روی گردانی خداوند از کافران و وانهادن آنان به حال خودشان است.

253- محرومیت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 23 - 4

4 - کافران به آیات خدا و معاد، حظی از رحمت خداوند، نخواهند داشت.

و الذین کفروا بآیت اللّٰه و لقاءه أولئک ینسوا من رحمتی

«ینسوا من رحمتی» می تواند جمله خبری باشد و می تواند کنایه از قضای الهی مبنی بر مشمول رحمت قرار نگرفتن افراد یاد شده باشد. برداشت بالا بنا بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 26 - 9

9 - منکران معاد و فرعون صفتان عصر بعثت، محروم از خشیت الهی و بی تفاوت در برابر عبرت های تاریخ

یقولون أءنّا... هل أتیک... إنّ فی ذلک لعبره لمن ینحسی

تصریح به «من ینحسی» برای اشاره به نبود خشیت در وجود منکران معاد است.

254- محمد (صلی الله علیه و آله) و مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 26 - 1

1 - خداوند ، شیوه پاسخ گویی به منکران معاد را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخت .

قالوا .. قل

ص: 486

255- مشرکان صدر اسلام و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 1

1- انکار معاد و رستاخیز ، از ناحیه شرک پیشگان عصر بعثت

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 83 - 4

4- اطلاع مشرکان عصر بعثت ، از طرح مسأله معاد به وسیله رسولان الهی و در طول تاریخ

لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 84 - 4

4- درک ماهیت تعلق و نیاز زمین و موجودات روی آن به خداوند ، تنها در توان اهل دانش و خرد است .

قُلْ لِمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 81 - 7

7- مسأله معاد و رستاخیز مردگان در قیامت ، موضوعی نو و بی سابقه در فرهنگ مشرکان صدر اسلام

أَفْبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ

در صورتی که مراد از «هذا الحديث» مسأله معاد باشد، جدید خوانده شدن خبر قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

256- مشرکان و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 28 - 2,3

2 - عمق وجدان مشرکان در دنیا گواه بر حقانیت توحید و معاد می دهد.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

3 - مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از «ما یخفون»، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 487

7 - یونس - 10 - 45 - 8

8 - مشرکان ، منکر معاد بودند .

قد خسر الذین کذبوا بقاء اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 40 - 10

10 - مشرکان ، خداوند را قادر به احیای مجدد انسان ها پس از مرگ نمی دانستند .

و أقسموا باللّٰه .. لا یبعث اللّٰه من یموت بلی وعداً علیہ ... إنما قولنا لشیء إذا أ

ذکر «إنما قولنا لشیء..» - که برای اثبات قدرت مطلق خداوند است - پس از بیان دیدگاه مشرکان درباره عدم احیای دوباره انسانها می تواند تعریض به مشرکان باشد؛ چون آنان دارای چنین دیدگاهی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 3

3 - مشرکان ، مرگ را به منزله نیستی و نابودی پنداشته و حیات پس از آن را مستبعد می شمردند .

أءذا کنا عظماً و رفئاً أءنا لمبعوثون خلقاً جدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 25 - 4،8

4 - بهانه جویی مشرکان ، در قبال دلایل روشن وحی بر معاد

و إذا تتلی علیهم آیتنا بینت ما کان حجّتهم إلا أن قالوا اتوا

8 - حقانیت معاد از نظر مشرکان ، منوط به زنده شدن پدران آنان در برابر دیدگانشان

قالوا اتوا بابائنا إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 44 - 4

4- معاد و رستاخیز مردگان ، موضوعی نو و بی سابقه در فرهنگ مشرکان

فذرنی و من یكذب بهذا الحدیث

257- مشکلات اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 34 - 1

1 - منکران معاد ، محروم از رحمت حق و وانهاده به خویش در اوج گرفتاری های قیامت

وقیل الیوم ننسیکم

ص: 488

نسیان در آیه شریفه، کنایه از روی گردانی خداوند از کافران و وانهادن آنان به حال خودشان است.

258- معاد انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 3,4

3 - آدمیان ، پس از مرگ ، بار دیگر از دل خاک خارج خواهند شد .

و منها نخرجکم

4 - مرگ و معاد ، سرنوشت همه انسان ها است .

و فیها نعیدکم و منها نخرجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 11 - 3,5

3 - آفرینش نخستین انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی وی در عالم آخرت است .

اللّٰهُ یَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیْدُهُ ثُمَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ

این آیه، به قرینه آیه بعد - که درباره برپایی قیامت است - درصدد اثبات معاد از طریق توجه دادن به خلقتِ نخستین انسان ها است.

5 - انسان ها ، پس از باز آفرینی در عالم آخرت ، به سوی خداوند باز می گردند .

اللّٰهُ یَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیْدُهُ ثُمَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 16 - 5

5 - انسان ها ، در عالم آخرت ، حیات مجدد پیدا می کنند .

الذّٰیْنَ كَفَرُوْا وَ كَذَّبُوْا بِآیٰتِنَا وَ لِقَاۤیِ الْاٰخِرَةِ

مراد از «لقاء الآخرة» می تواند تحقق لقای انسان ها با خدا در عالم آخرت باشد که در این صورت، مستلزم حیات مجدد آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - فاصله افتادن میان خلقت نخستین انسان و زنده کردن مجدد او پس از مرگ ، تأثیری در آن خلقت ندارد .

ما خلقکم و لابعثکم إلیٰ کنفس وحده

چنان چه مفسران گفته اند، مشرکان با تعجب سؤال می کردند که «چگونه امکان دارد که انسانی پس از سال ها مردن، مجدداً زنده شود؟». آیه در صدد پاسخ به آن پرسش است و تشریح می کند که خلقت نخستین و دوباره، همانند آفریدن یک تن است و فاصله ایجاد شده، تأثیری ندارد.

4 - انسان ها ، پس از مرگ ، از جانب خداوند مجدداً زنده خواهند شد .

ص: 489

ما خلقکم و لابعثکم إلا کنفس وحده

7- پاسخگویی خداوند به شبهه ایجاد شده در ذهن افراد درباره معاد و تجدید حیات انسان ها پس از مرگ، بر اساس آگاهی او است.

ما خلقکم و لابعثکم إلا کنفس وحده إنَّ اللّٰه سمیع بصیر

ذکر «إنَّ اللّٰه سمیع ..» در پایان آیه، به جای اعلام قدرت مندی خداوند، می تواند این نکته را برساند که چون خداوند، از شبهه ایجاد شده در ذهن ها خبر داشته، اقدام به پاسخگویی کرده است.

259- معاد جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 2,3,4,5,15,17,18,20

2 - عبور فردی (عزیز) در ضمن سفر از قریه ویران شده ای که دیوار های آن روی سقفهایش فروریخته و مشاهده مردگان و پرسش وی از خداوند درباره چگونگی زنده شدن آنان

او کالذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسیاری از مفسران برآنند که داستان ذکر شده درباره عزیز پیامبر است؛ گر چه برخی آن را به ارمیا نسبت داده اند. گفتنی است که جمله «خاویه علی عروشها» را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

3 - پیچیدگی کیفیت زنده شدن مردگان

قال انّی یحیی هذه اللّٰه بعد موتها

«انّی»، متضمّن معنای کَیْف و اَیْن است؛ یعنی چگونه و کجا. ولی به قرینه این که در جواب وی تنها به چگونگی زنده شدن مردگان اشاره شده است، می توان گفت که در این آیه «انّی» تنها به معنای کَیْف استعمال شده است.

4 - آگاهی عزیز به اصل زنده شدن مردگان در رستخیز و پرسش وی از چگونگی زنده شدن آنان

قال انّی یحیی هذه اللّٰه بعد موتها

«انّی یحیی» که استفهام است، دلالت دارد بر اینکه عزیز، اصل احیا را اذعان داشته و از کیفیت آن پرسش کرده است.

5 - خداوند، عزیز را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال انّی .. فاماته اللّٰه مائه عام ثمّ بعثه

15 - مرگ صد ساله عزیر و حیات وی پس از آن ، شاهد و نشانه ای است برای همگان بر زنده شدن مردگان در رستاخیز

قال اَنّی یحیی هذه اللّهُ . . . ولنجعلک ایهً للنّاس

17 - زنده شدن الاغ عزیر پس از جمع آوری استخوان های آن و پوشاندن گوشت بر آنها ، پاسخی به پرسش وی از کیفیت و امکان حیات مردگان

وانظر الی العظام کیف نمنّنها ثمّ نکسوها لحمًا

مراد از «العظام» به قرینه «وانظر الی حمارک»، استخوانهای همان الاغ است ؛ چون صرف نگاه به حمار، نشانه ای برای احیای مردگان نیست.

18 - جسمانی بودن معاد

قال اَنّی یحیی هذه اللّهُ بعد موتها . . . ثم نکسوها لحمًا

ص: 490

20 - درک عزیر از چگونگی معاد و توانایی خدا بر احیای مردگان ، پس از مشاهده زنده شدن خویش و عدم فساد طعام و نوشیدنی ها و زنده شدن الاغ

قال اَنّی یحیی . . . قال اعلم انّ اللّٰه علی کلّ شیء قَدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 17،20

17 - بازگشت آدمیان به هنگامه رستاخیز ، با همان جسم دنیایی

کیف تحیی الموتی . . . ثم ادعهنّ یأتینک سعياً

20 - خداوند ، جمع کننده اجزای پراکنده شده قبلی مردگان ، و زنده کننده آنان در هنگامه رستاخیز

قال فخذ اربعه من الطیر . . . ثم ادعهنّ یأتینک سعياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 16

16 - معاد ، جسمانی است .

سیطوَقون ما بخلوا به یوم القیمه

برداشت فوق بر این مبناست که معنای ظاهری «سیطوَقون . . .» مراد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 56 - 7

7 - معاد ، جسمانی است .

کلّما نصجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 8

8 - معاد (رستاخیز انسان و جهان) مادی و جسمانی است .

إنه يبدؤا الخلق ثم يعيده

«اعاده» به معنای بازگرداندن خود شیء است. اعاده خود جهان آفرینش و انسان در روز رستاخیز، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 10

10 - معاد ، جسمانی است .

قل الله يبدؤا الخلق ثم يعيده

ضمیر در «یعیده» به «الخلق» بر می گردد و معنای حقیقی «اعاده»، برگرداندن خود شیء است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 491

9 - ابراهیم - 14 - 43 - 5

5- حضور انسان در قیامت با جسم و روح است .

لیوم تشخیص فیہ الأبصر . مهطعین مقنعی رءوسهم لایرتدّ إلیهم طرفهم و أفندتهم هوآء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 50 - 5

5- انسان ها در قیامت با جسم و روح حضور خواهند یافت .

مقرّنین فی الأصفاد . سرایلهم من قطران و تغشی وجوههم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 47 - 4

4- حضور انسان ها در بهشت ، جسمانی است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ إخواناً علی سرر متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 4

4- خداوند ، قادر بر زنده ساختن مجدد انسان ها ، حتی اگر به سنگ و آهن مبدل شوند .

قل کونوا حجاره أو حدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 2،4

2- برای خداوند ، احیای مجدد انسان از خاک ، سنگ ، آهن و یا ماده سخت تر از این ها ، یکسان است .

قل کونوا حجاره أو حدیداً . أو خلّقاً ممّا یکبر فی صدورکم

از حرف «أو» که برای تخییر است و حکایت از تساوی معطوف و معطوف علیه در نزد متکلم دارد، استفاده می شود که: سنگ شدن یا آهن شدن انسان، باعث نمی شود که خداوند در برخی موارد، نیاز به اعمال قدرت افزون تری داشته باشد.

4- معاد انسان ، جسمانی است .

قالوا أءذا كنا عظامًا ورفثًا أءنا لمبعوثون خلقًا جديدًا . قل كونوا حجارة أو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 97 - 9

9- حشر انسان در قیامت ، حشری جسمانی است .

و نحشرهم يوم القيمة على وجوههم عمياء و بكما و صمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 6

ص: 492

6- حیات انسان ها در قیامت ، با جسمی همانند جسم دنیایی خواهد بود .

قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 29 - 23

23- معاد ، جسمانی است و انسان ، با بدنی مادّی ، در قیامت حضور خواهد یافت .

یغاثوا بماء .. یشوی الوجوه بئس الشراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 8

8- معاد و حیات آدمی در سرای آخرت ، جسمانی و مادّی است .

یحلّون ... ویلبسون ... متکئین فیها علی الأرائک

سخن از لباس و انواع آن و ترسیم حجله ها و تخت ها و نیز نهرهای جاری از زیر درختان، جملگی، گویای جسمانی بودن معاد و وجود حیات مادّی در سرای آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 9

9- معادِ انسان ، معاد جسمانی و دارای خصوصیات بدن دنیوی وی است . *

لقد جئتمونا كما خلقنکم أوّل مرّة

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به خلقت آغازین آن ها در دنیا، این اقتضا را دارد که در خصوصیات عمده، با مانند جسمانی بودن، با هم مشابهت داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 99 - 6

6- قیامت ، با دمیده شدن دوباره روح ها در اجساد و صورت های پیشین ، برپا می شود . *

و نَفَخَ فِي الصُّورِ فِجْمَعَنَّهُمْ جَمْعًا

برداشت بالا، بدان احتمال است که «صور» جمع «صوره» باشد؛ یعنی: در «صورت‌ها (اجساد) روح، دمیده می‌شود.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 66 - 5,6

5- انسان‌ها پس از مرگ و فرارسیدن قیامت، دوباره زنده شده و از زمین بیرون آورده خواهند شد.

أَءِذَا مَا مِتَّ لَسَوْفَ أُخْرَجَ حَيًّا

مراد از خروج در «اخراج» - به قرینه ذهنیت متکلم از معاد مورد قبول پیامبران - خروج از خاک و اجزای زمین است؛ یعنی، «اخراج من الارض».

6- معاد انسان‌ها، جسمانی و تخلف‌ناپذیر است.

ص: 493

«أخرج» مجهول است و دلالت دارد که اخراج قهری است. اسناد آن به انسانی که گوینده سخن است، گویای مشابهت کامل وضع کنونی او از نظر جسم بودن و... با زمان خروج وی است. جمله «أذا متّ...» گرچه کلام منکران معاد است؛ ولی نقل آن بدون رد و ایراد، دلیل صحت گفتاری است که مورد تعجب قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 9

9 - معاد، جسمانی است .

و منها نخر جکم تاره آخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 11، 12

11 - در دیدگاه حاضران صحنه قیامت بدن انسان در آن جا، باید با بدنی دنیایی او هماهنگ باشد .

لم حشرتنی أعمی و قد كنت بصیراً

12 - برانگیختن انسان ها در قیامت، با ویژگی های جسمانی است .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی و قد كنت بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 22 - 5

5 - معاد انسان ها، معادی است جسمانی .

یصبّ من فوق رءوسهم الحمیم ... بطونهم و الجلود ... مقمع من حدید... ذوقوا عذاب ا

از به کارگیری کلماتی مانند: «رؤوس»، «حمیم»، «بطون»، «جلود» و «مقمع من حدید» می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 101 - 2

2- برپایی قیامت، بادمیده شدن دوباره روح ها در اجساد و صورت های پیشین

فإذا نفخ فی الصور

برداشت فوق، بدان احتمال است که «صور» جمع صورت باشد؛ یعنی، «آن گاه که در صورت ها (اجساد) دمیده شود..».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 104 - 4

4 - معاد انسان در قیامت، معادی جسمانی است .

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

ص: 494

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 12 - 5

5 - معاد ، جسمانی است .

إذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظًا وزفيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 90 - 11

11 - برانگیختن انسان در قیامت با بدن و حالات جسمانی او است .

فكبت وجوههم في النار

تعبیر «وجوه» و تهدید آنان به آتش، نشان می دهد که صورت بشر در قیامت همانند صورت دنیایی وی، در برابر آتش سخت آسیب پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 11 - 6

6 - معاد انسان ها ، جسمانی است .

اللّٰهُ يبدؤا الخلق ثمّ يعيده ثمّ اليه ترجعون

مرجع ضمیر «بعیده»، واژه «الخلق» (انسان ها) است. الخلق، در لغت، به معنای مخلوقی است که دارای صورت، شکل و هیبت قابل رؤیت باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 25 - 8

8 - معاد و حشر انسان ها در قیامت ، جسمانی است .

إذا دعاكم دعوة من الأرض إذا أنتم تخرجون

«من الأرض» متعلق به «دعاکم» است، در نتیجه آنچه در دل زمین قرار دارد و بیرون می آید، امری جسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 5

5 - معاد انسان ها ، جسمانی است .

يبدؤا الخلق ثم يعيده

مرجع ضمیر «يعيده» «الخلق» است و منظور از آن انسان است و انسان، عرفاً به کسی اطلاق می شود که دارای جسم و روح باشد. لازم به ذکر است که «خلق»، در لغت، به پدیده ای اطلاق می شود که دارای هیئت و شکل و صورت قابل مشاهده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 12 - 6

6 - حضور انسان در صحنه قیامت ، حضوری جسمانی است .

ص: 495

و لو تری . . . ناکسوارءوسهم

از سر به زیر انداختن - که علامت شرمساری است - استفاده می شود که انسان ها در قیامت، با بدن مادی حضور پیدا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 7 - 6

6 - سخن گفتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از بازآفرینی انسان ها در قیامت

رجل یتبتکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم لفی خلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 7

7 - معاد انسان و بهشت ، جسمانی است .

یحلّون فیها من أساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فیها حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 57 - 5

5 - معاد ، جسمانی است .

إن أصحاب الجنّة . . . فکھون . . . فی ظلل علی الأرائک متکئون . لهم فیها فکھه و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 65 - 7

7 - انسان ها به روز قیامت ، در قالب جسمانی (همانند جسم دنیایی محشور) وزنده خواهند شد .

الیوم نختم علی أفوههم و تکلمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

باز ایستادن از سخن گفتن و گواهی دادن دست و پا بر کردارهای انسان، دلیل جسمانی بودن معاد، همانند جسم دنیایی است که دارای دهان، دست و پا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - معاد انسان ، در قالب جسم دارای استخوان می باشد .

قال من يحي العظم و هي رميم . قل يحييها الذي أنشأها أول مره

برداشت یاد شده از آن جا است که ضمیر مؤنث «یحييها» به «عظام» باز می گردد و خداوند، احیای مجدد انسان را، به احیای استخوان های او و حیات دار شدن آنها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - معاد انسان در روز قیامت در قالبی کاملاً مشابه قالب دنیا خواهد بود .

ص: 496

أوليس الذي خلق السموت والأرض بقدر على أن يخلق مثلهم

8 - خداوندِ خالقِ آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من يحي العظم و هي رميم . . . أوليس الذي خلق السموت والأرض بقدر على أن ي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 16 - 1

1 - انسان ها پس از مردن و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، دوباره زنده شده و آفرینشی جدید خواهند یافت .

أءذا متنا و كئنا ترابًا و عظمًا أءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 18 - 1

1 - تمامی انسان ها ، پس از مرگ و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، دوباره زنده شده و آفرینشی جدید خواهند یافت .

أءذا متنا و كئنا ترابًا و عظمًا أءنا لمبعوثون . . . قل نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 49 - 4

4 - معاد انسان ها ، جسمانی است و آنان در قالب جسم زنده خواهند شد .

فوكه . . . فی جنّـت ... علی سرر ... بكأس من معین... و عندهم قصرت الطرف عین . كأن

از ظاهر تعبیرات به کار رفته در آیات گذشته (چون میوه ها، بوستان ها، تخت ها، شراب و زنان زیبا) مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 68 - 4

4 - جسمانی بودن معاد و رستاخیز انسان ها

أم شجرة الزقوم . . . فإتھم لأكلون منها . . . علیها لشوبًا من حمیم . ثم إنّ مرجعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 8

8 - معاد انسان ها ، جسمانی است .

متكئين فيها يدعون فيها بفقهه كثيره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب

تکيه کردن بر تخت، درخواست انواع میوه ها و نوشیدنی ها و وجود زنان زیبا و جذاب، همگی حاکی از جسمانی بودن معاد انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 497

4 - معاد انسان ، جسمانی است .

فلیذوقوه حمیم و غسّاق . وء اخر من شكله أزوح

خوراندن انواع نوشابه ها و غذاهای ناگوار و مشمئزکننده به دوزخیان، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 16 - 6

6 - معاد ، جسمانی است .

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 9

9 - معاد ، جسمانی است .

لهم غرف . . . تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 44 - 9

9 - انسان ها با مرگ از بین نمی روند ؛ بلکه دوباره زنده خواهند شد .

ثمّ إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 68 - 7

7 - موجودات آسمان ها و زمین ، پس از مرگ با دمیده شدن دوباره در صور ، زنده خواهند شد .

ثمّ نفخ فیہ أخری فإذا هم قیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- معاد، جسمانی بوده و انسان ها در قیامت با همان اعضا و جوارح دنیوی مبعوث و محشور خواهند شد.

شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 8

8 - معاد انسان در قیامت، جسمانی است.

و تریهم... ینظرون من طرف خفیّ

از عبارت «ینظرون من طرف خفیّ» می توان استفاده کرد که معاد جسمانی است.

ص: 498

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 73 - 3

3 - معاد ، جسمانی است .

ادخلوا الجنة .. منها تأكلون

مجموعه آیات گذشته، ظهور در جسمانی بودن معاد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 45 - 2

2- معاد انسان در قیامت ، معادی جسمانی است .

كالمهل يغلى في البطن

توصیف های یاد شده در آیه شریفه، مستلزم جسمانی بودن معاد انسان است و حمل این تعابیر بر فرآیندهای ادراکی و احساسی صرف، با ظاهر الفاظ آن نمی سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 20 - 2

2- حیات مجدد انسان ها در قیامت ، با دمیده شدن در صورت های آنان *

ونفخ فی الصور

«صور» در احتمالی ضعیف به معنای صورت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 42 - 5

5 - خروج جسم انسان ها از زمین در قیامت

ذلک یوم الخروج .. یوم تشقق الأرض عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - انسان ، دارای معاد جسمانی

یوم تشقّق الأرض عنهم سراً

نقش داشتن زمین و شکافتن آن در رستاخیز انسان و خروج وی به سوی محشر؛ می رساند که انسان از بستر خاک برمی خیزد و این معنا با معاد جسمانی همساز است؛ زیرا روح در دل زمین، محبوس نیست تا با شکافتن آن آزاد شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 5

5 - معاد آدمیان در آخرت ، معادی جسمانی

ص: 499

كلوا و اشربوا .. متكفين على سرر مصفوفه و زوجنهم بحور عين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - قمر - 54 - 7 - 3

3 - معاد آدميان در رستاخيز ، معادی جسمانی است .

يخرجون من الأجداث

آنچه در قبرها نهان شده، جسم آدميان است. پس خروج از قبر، بيرون آمدن اجسام ايشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - قمر - 54 - 48 - 5

5 - معاد آدميان در قيامت ، معادی جسمانی

يوم يسحبون في النار على وجوههم ذوقوا مسّ سقر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - واقعه - 56 - 61 - 3

3 - مرگ ، در پي دارنده حيات مجدد است ؛ نه فنا و نابودی .

نحن قَدَرنا بينكم الموت .. و ننشكم في ما لاتعلمون

«و ننشکم» - مانند «أن نبذل» - مربوط به «نحن قَدَرنا ..» در آيه پيش است؛ يعنی، مرگ را بر اين اساس مقدر کردیم که شما را در آینده، در آفرينش مجدد ايجاد کنیم؛ آفرينشی که شما از آن آگاهی نداريد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - حاقه - 69 - 24 - 6

6 - معاد انسان ، جسمانی است .

فأما من أوتي كتبه يمينه .. كلوا و اشربوا هنيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - حاقه - 69 - 32 - 3

3 - معاد انسان ، جسمانی است .

خزوه فغلّوه. .. ثمّ فی سلسله ... فاسلكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 37 - 3

3 - معاد انسان ، جسمانی است .

اليوم ههنا حميم . و لا طعام إلاّ من غسلين . لا يأكله إلاّ الخطون

ص: 500

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 41 - 4

4- انسان ها در قیامت ، در جسم و جانی برتر از دنیا و مناسب حیات اخروی ، محشور خواهند شد . *

علی أن تبدل خیراً منهم . و ما نحن بمسبوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 43 - 4

4- زنده شدن انسان ها در قیامت ، در قالب جسمانی است .

یوم یخرجون من الأجداث سراعاً كأنهم إلی نصب یوفضون

بیرون آمدن از قبرها و با سرعت دویدن به نقطه ای مشخص، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 18 - 5,4,3,2

2- زنده شدن انسان پس از مرگ در قیامت ، با همان عناصر نخستین آفرینش خود

و یخرجکم إخراجاً

3- بازگشت انسان ها پس از مرگ ، به عناصر نخستین آفرینش خود و زنده شدن مجدد آنان از همان عناصر ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

ما لکم لا ترجون لله وقاراً .. ثمّ یعیدکم فیها و یخرجکم إخراجاً

4- معاد انسان ، جسمانی است .

ثمّ یعیدکم فیها و یخرجکم إخراجاً

5- چگونگی زنده شدن انسان ها در قیامت ، همچون رویدن نباتات است .

والله أنبتکم من الأرض نباتاً .. و یخرجکم إخراجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 29 - 2

2 - معاد انسان ، جسمانی است .

سأصلیه سقر . . . لواحہ للبشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامہ - 75 - 4 - 4

4 - برانگیخته شدن انسان ها در قیامت ، در قالب جسمی همانند جسم دنیایی آنان

قدرین علی أن نسوی بنانه

تصریح به درست کردن انگشتان، می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 501

19 - انسان - 76 - 4 - 5

5 - معاد انسان ، جسمانی است .

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلْسَلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 6 - 6

6 - معاد انسان ، جسمانی است .

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا . عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 4

4 - معاد انسان و زندگی اخروی او ، جسمانی است .

و جزيهم بما صبروا جنّه و حريراً . مَتَكْتَبِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ ... دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّلَةٌ

از مجموع پاداش هایی که برای ابرار در خلال یازده آیه گذشته بیان شده، استفاده می شود که معاد انسان و حیات اخروی او جسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 4

4 - معاد انسان ، جسمانی است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعَيْون . و فوكه ممّا يشتهون . كلوا و اشربوا هنيئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 22 - 8

8 - معاد ، جسمانی است .

مرجع ضمیر مفعولی در «أنشده»، همان چیزی است که ضمیر «أما ته فأقبره» به آن بازمی‌گردد. بنابراین آنچه محشور می‌شود، از نوع همان چیزی است که در قبر نهاده می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 4

4 - معاد ، جسمانی است .

وجوه یومئذ مسفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 40 - 3

ص: 502

3 - معاد، جسمانی است .

و وجوه یومئذ علیها غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 4 - 5

5 - معاد، جسمانی است .

و إذا القبور بعثرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 7 - 4

4 - معاد، جسمانی است .

لایسمن

چاقی و لاغری، تنها در مورد اجسام تصور دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 16 - 3

3 - معاد، جسمانی است .

فیها سرر... و نمارق... و زرابی مبثوثة

استفاده از پستی، فرش و تختخواب، نشانگر آن است که استفاده کننده، دارای جسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 8

8 - معاد جسمانی است .

بعثر ما فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - حالت انسان در آخرت ، تجسّمی از وضع او در دنیا است .

حمّاله الحطب

شأن نزول آیه شریفه - که از همیزم کشی و خار ریختن ام جمیل سر راه پیامبر (صلی الله علیه و آله) حکایت دارد - بیانگر این است که آنچه در این آیه از حالت او در آخرت بیان شده، تجسّم وضع دنیای او است.

ص: 503

260- معاد جسمانی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 15 - 5

5- قیامت و عذاب آن برای جن ، جسمانی است .

و أمّا القسطنون فکانوا لجهنّم حطبًا

261- معاد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 18 - 6

6- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن «جن» در کنار «انس»، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است؛ زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معاداند؛ زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

262- معاد در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 20 - 8

8 - معاد انسان ها در عالم آخرت ، تحقق پیدا خواهد کرد .

کیف بدأ الخلق ثمّ الله ینشی النشاء الآخره

263- معاد در ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 18

18- وعده ادیان الهی به معاد ، وعده ای پیشینه دار و پرسابقه در تاریخ بشر

أتعدانني أن أخرج . . . فيقول ما هذا إلا أسطير الأولين

تعبير «الأولين»، نشان می دهد که مسأله معاد در میان جوامع بشری، از دیر زمان مطرح بوده است.

ص: 504

264- معاد روحانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 43 - 5

5- حضور انسان در قیامت با جسم و روح است .

لیوم تشخص فيه الأبصر . مهطعين مقنعي رءوسهم لا یرتد إلیهم طرفهم و أفندتهم هوآء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 50 - 5

5- انسان ها در قیامت با جسم و روح حضور خواهند یافت .

مقرنین فی الأصفاد . سرایلهم من قطران و تغشی وجوههم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 41 - 4

4- انسان ها در قیامت ، در جسم و جانی برتر از دنیا و مناسب حیات اخروی ، محشور خواهند شد . *

علی أن نبذل خیراً منهم . و ما نحن بمسبوقین

265- معاد شناسی در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 19 - 2

2- تحقیق و تدبیر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلی الجبال کیف نصبت

266- معاد قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 8

8- تحقق نیافتن معاد انسان قبل از قیامت ، معلول حاکمیت نظم و برنامه در کار آفرینش است نه ناشی از عدم قدرت خداوند

قادر علی أن یخلق مثلهم و جعل لهم أجلاً

تذکر «جعل لهم أجلاً» پس از «قادر علی أن یخلق مثلهم» در واقع پاسخ گویی این سؤال مقدر است که اگر خدا قادر بر خلقت دوباره انسانهاست، پس چرا از هم اکنون این کار را نمی کند.

ص: 505

267- معاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 55 - 5

5 - کافران ، زنده شدن خود را در قیامت ، معلول فاصله زیاد نداشتن مرگ شان تا روز قیامت می دانند . *

و یوم . . . یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

احتمال دارد قسم خوردن کافران بر طولانی نبودن حضورشان در برزخ و نیز جواب صاحبان علم و ایمان به آنان، برای طولانی بودن آن مدت، به خاطر ذکر این نکته باشد که کافران، با چنین ادعایی، در پی اثبات این امر باشند که بدن شان، هنوز آمادگی حیات داشته است.

268- مکان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 20 - 8

8 - معاد انسان ها در عالم آخرت ، تحقق پیدا خواهد کرد .

كيف بدأ الخلق ثم الله ينشئ النشأه الآخره

269- مکذبان آیات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 28 - 2

2 - آیات معاد در دیدگاه طغیان گران ، دروغ و به دور از واقعیت است .

و کذبوا بآیتنا کذاباً

مراد از «آیاتنا» - به قرینه «لایرجون حساباً» در آیه قبل - آیاتی است که معاد را مطرح کرده بود.

270- مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 45 - 8

8 - مشركان ، منكر معاد بودند .

قد خسر الذين كذبوا بقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 506

4- جد و جهد مشرکان برای مورد انکار قرار دادن احیای مجدد انسان ها پس از مرگ

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لایبعث الله من یموت

«جهد» مفعول مطلق نوعی برای فعل محذوف است که برای تأکید انجام فعل می باشد. و نیز جمع آورده شدن «ایمان» (سوگندها) می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 10، 1

1- مشرکان مکه، ناباوری و بی اعتقادی خود را به امکان حیات مجدد پس از تبدیل شدن به استخوان خُرد و ریز ریز شده، اعلام داشتند.

وقالوا أءذا كنا عظامًا ورفثًا أءنا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

«رفث» از ریشه «رَفَث» به معنای شکستن و خُرد و ریز شدن است (مفردات راغب).

10- « جاء أُبّی بن خلف فأخذ عظاماً بالياً من حائط ففثّه ، ثمّ قال : یا محمد « إذا کتّا عظاماً ورفثاً أءنا لمبعوثون خلقاً جدیداً . . . » ;

اُبّی بن خلف استخوان پوسیده ای را از دیواری برداشت [و خدمت رسول خدا(صلی الله علیه و آله)] آمد و با دستش آن را خرد کرد، سپس گفت: ای محمد! إذا کتّا عظاماً ورفثاً أءنا لمبعوثون خلقاً جدیداً. . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 1

1- انکار معاد و رستاخیز، از ناحیه شرک پیشگان عصر بعثت

یاأیها الناس إن کنتم فی ریب من البعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 4

4- کفر ورزی و انکار معاد، دو مشخصه عمده اشراف جامعه پس از نوح

وقال الملاء من قومه الذین کفروا و کذبوا بقاء الأخره

1 - حیات مجدد انسان ها و بیرون آوردن آنان از گورهایشان در روز رستاخیز ، مورد انکار و استهزای اشراف کافر جامعه پس از نوح

أیعدکم .. أنکم مخرجون

استفهام در «أیعدکم» برای تهکم و استهزا است.

2 - تبدیل دوباره خاک و استخوان به شکل انسان و دمیده شدن حیات در آن ، امری غیر قابل قبول برای اشراف کفر پیشه

أیعدکم .. أنکم مخرجون

ص: 507

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 36 - 1

1 - تبلیغ شدید اشراف جامعه پس از نوح ، علیه وعده رستاخیز

هیئات هیئات لما توعدون

«هیئات» اسم فعل است به معنای «بُعد» (دور است) و برای استبعاد به کار می رود. تکرار «هیئات» برای مبالغه در استبعاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 37 - 2

2 - انکار صریح معاد ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

إن هی إلاّ حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 2

2 - تبدیل دوباره استخوان های پوسیده مردگان به انسانی کامل ، امری ناممکن در نظر کافران

قالوا أءذا متنا . . . أءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 83 - 1

1 - معاد ، وعده ای بی اساس و افسانه ای کهن ، در نظر کافران و مشرکان

بل قالوا مثل ما قال الأؤلون . . . لقد وعدنا . . . إن هذا إلاّ أسطیر الأؤلین

«اسطوره» (مفرد «أسطیر») به معنای افسانه است. بنابراین «أسطیر الأؤلین»؛ یعنی، افسانه هایی که پیشینیان ساخته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 19 - 3

3 - کافران مکه ، منکر تحقق معاد بودند .

أولم يروا كيف يبدئ الله الخلق ثم يعيده

آیه بعد، قرینه است بر این که این آیه، در صدد اثبات تحقق معاد است. دعوت از کافران برای ژرف نگری در قدرت خدا، نشان از انکار معاد از سوی آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 9

9 - بسیاری از مردم، منکر معاد و لقاء الله اند .

وإن كثيرا من الناس بلقاي ربهم لكفرون

ص: 508

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 10 - 9

9 - کافران ، نه تنها در معاد تردید دارند بلکه منکر صریح آن اند .

وقالوا أءذا ضللنا فى الأرض أءتأ لفى خلق جدید بل هم بقاء ربهم كفرون

احتمال دارد که «بل هم بقاء ربهم كفرون» ترقی از «أءذا ضللنا ..» به جزم در نفی معاد باشد. لازم به ذکر است که مراد از «لقاء ربّ» در صورتی که معادل با معاد باشد، نکته یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 7 - 2

2 - کافران ، به خاطر استبعاد معاد ، منکر آن بودند .

وقال الذین كفروا .. إذا مرّتم كلّ ممزّق لفى خلق جدید

از تعبیر «رجل ینبئکم إذا مرّتم كلّ ممزّق ..» استفاده می شود که آنان از طرح مسأله معاد شگفت داشتند و چنین امری آنان را به انکار معاد واداشته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 8 - 3,5

3 - اظهار تعجب کافران از اظهارات پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره تحقق قطعی معاد

ینبئکم إذا مرّتم كلّ ممزّق لفى خلق جدید . أفترى على الله

همزه «أفترى» برای استفهام تعجیبی است و حکایت از اظهار شگفتی کافران از اظهار نظر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره معاد می کند.

5 - کافران ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به خاطر اظهار امکان بازآفرینی انسان ها در قیامت ، متهم به جنون می کردند .

وقال الذین كفروا هل ندلّکم على رجل .. أم به جتّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 53 - 3

3 - مشرکان به حشر و معاد، کفر ورزیده و منکر آن بودند .

و لو تری إذ فرعوا .. وقالوا ءامنا به ... وقد كفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 81 - 7

7 - مشرکان و کافران در عصر بعثت - علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها - به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أولیس الذی خلق السموت والأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

ص: 509

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 52 - 1

1 - کافران ، منکر قیامت و زنده شدن انسان ها هستند .

يقول أءنك لمن المصدّقين

برداشت یاد شده از آن جا است که گوینده، فرد کافر بوده و استفهام او از باب انکار می باشد. گفتنی است که مقصود از تصدیق - به قرینه آیه بعد که مربوط به قیامت است - تصدیق به قیامت و رستاخیز انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 16 - 2

2 - سران کفر و شرک ، در اوج غرور و ناباوری نسبت به معاد و حسابرسی الهی به سر می بردند .

وقالوا ربّنا عجلّ لنا قطننا قبل يوم الحساب

از استهزای معاد به وسیله کافران و درخواست شتاب در نزول عذاب قیامت، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 18 - 2

2 - مشرکان عصر بعثت ، بی اعتقاد نسبت به معاد و جهان آخرت

يستعجل بها الذين لا يؤمنون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 34 - 2، 1

1- موضع گیری انکار آمیز مشرکان صدر اسلام در برابر مسأله معاد

إنّ هؤلاء ليقولون

«إنّ هؤلاء..» جمله مستأنفه و «هؤلاء» اشاره به مشرکان مکه است. گفته انکار آمیز آنان (مفعول «يقولون») در آیه بعد آمده است.

2- مشرکان مکه بر موضع انکار آمیز خود در باره معاد پافشاری کرده و بر آن اصرار میورزیدند .

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ

به کارگیری فعل مضارع (یقولون) - که مفید استمرار است - بیانگر مطلب فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 6

6- وجود عناصری آگاه اما لجوج و حق ناپذیر ، در میان مشرکان و منکران معاد

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ . . . وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

بنابراین که ضمیر «هم» به مشرکان مکه بازگردد؛ از مفهوم «اکثرهم» استفاده می شود که اقلیتی آگاه در میان مشرکان حضور داشتند که به رغم درک حقایق معاد، به انکار آن می پرداختند.

ص: 510

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 24 - 1

1 - مشرکان (دهریون) ، حیات را منحصر در زندگی دنیا دانسته و منکر معاداند .

و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا

به قرینه آیه بعد، فاعل «قالوا» مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 12 - 2

2 - پندارگرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا*

الخرصون . الذین هم فی غمره ساهون . یسئلون آیاں یوم الدین

از ارتباط «یسئلون ..» با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و نیازدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 51 - 2

2 - تکذیب و انکار معاد ، از سوی کافران صدر اسلام

ثمّ إنکم آیها الضالّون المکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 2

2 - دوزخیان ، در دنیا در این گمان به سر می برند که هرگز پس از مرگ ، حیات دوباره نخواهند یافت .

إنّه ظنّ أن لن یحور

«حَوْر» ، تعبیری دیگر از «حشر» است و به هلاکت یا نقص و انحطاطی نظر دارد که در آخرت، نصیب منکران معاد خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - تکذیب قرآن از سوی کافران ، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

والله أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکذیب می کردند؛ ولی خداوند بهتر می داند که در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 15 - 2

2 - خداوند ، با بیان پافشاری کافران عصر بعثت بر کفر و انکار معاد ، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایده خواند و توطئه گری آنها

ص: 511

را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گوشزد کرد .

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا

271- مکذبان معاد اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 7

7- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثُمَّ لَنَحْضُرْتَهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

«جِثِيًّا» (جمع «جاثی») حال است و «جاثی» به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی «جِثِيًّا» را جمع «جثوه» دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

272- مکذبان معاد جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 5

5- مشرکان ، معاد جسمانی را امری مستبعد و غیر ممکن می دانستند .

وَقَالُوا أَءِذَا كُنَّا عِظْمًا وَرَفْتًا أَءَنَّا لَمُبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

از اینکه برای مشرکان، بازسازی استخوانهای خرد شده انسان امری مستبعد و ناممکن می نمود، به دست می آید که آنان، معاد جسمانی را غیر ممکن می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 53 - 2

2- تبدیل خاک ها و استخوان های مردگان به انسانی کامل ، امری ناممکن در نظر کافران

يقول . . . أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَءَنَّا لَمَدِينُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 48 - 1

1 - احیای مجدد گذشتگان تاریخ، موضوعی انکارآمیزتر در پندار کافران

أءاباؤنا الأؤلون

ص: 512

آیه بالا تأکیدی بر آیه پیش است؛ یعنی، بر فرض بپذیریم که ما پس از مرگ زنده می شویم؛ زنده شدن نیاکان ما - که روزگاری دراز از مرگ آنان گذشته است - به هیچ وجه باور کردنی نیست.

273- مکذبان معاد در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 5 - 12

12- منکران قیامت، به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد.

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

274- مکذبان معاد در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 1

1 - منکران معاد در عصر بعثت، با پرسش از یکدیگر، در پی تصور زوایای آن بودند.

عمّ يتساءلون

«عمّ» در اصل «عن ما» بوده و «ما» برای استفهام است. «تساؤل» (مصدر «یتساءلون»); یعنی، سؤال از یکدیگر. آیات بعد - که درباره مظاهر قدرت خداوند و اوصاف قیامت است - و نیز وعده حتمی به آگاه شدن - در جمله «سيعلمون» - جملگی گویای آن است که مورد پرسش، مسائل مربوط به جهان آخرت است و نشان می دهد که پرسش کنندگان، معاد را باور نداشتند و با سؤالات خود - چنانچه به انگیزه کشف حقیقت باشد - درصدد آگاهی به کیفیت معاد بوده اند.

275- مکذبان معاد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 30 - 4, 1

1 - آوردن ذلتبار منکران به پیشگاه پروردگار در قیامت، صحنه ای عجیب و دهشتنا

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم

4 - منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

ولو ترى إذ وقفوا على ربهم قال أليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 12، 8، 6

ص: 513

6 - قیامت، هنگامه ظهور زینکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد «نداء» قرار می گیرد.

8 - منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

مرجع ضمیر در «فرطنا فیها» می تواند «الساعة» باشد. و مراد از «الساعة» ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود «یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه».

12 - منکران معاد در قیامت با بار سنگین گناهان خویش حضور می یابند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله... و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

«أوزار»، جمع «وزر»، به معنی سنگینی است و مقصود از «أوزار» در آیه سنگینی گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 12

12 - منکران معاد، با مشاهده حضور خود در صحنه قیامت، به عمق نادرستی پندار خویش پی می برند.

بل زعمتم ألن نجعل لكم موعدًا

تعبیر «بل زعمتم...» در حقیقت، بازگو کننده حال کسی است که علی رغم باور خویش، خود را در صحنه قیامت می بیند و از این جهت شرمسار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 2

2 - منکران معاد، با شیاطین در صحنه قیامت، همراه و هم دوش خواهند بود.

لنحشرنهم والشیطین ثم لنحضرنهم

واو در «والشیطین» می تواند عاطفه و یا به معنای «مع» باشد. در هر دو صورت برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 3

3 - منکران معاد ، در روز رستاخیز ملائکه را مشاهده خواهند کرد .

وقال الذين لا يرجون لقاءنا .. يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذ للمجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 19 - 4

4 - مشرکان و منکران معاد ، خود را به طور ناگهانی در قیامت یافته و بر حال زار خود نظاره گر خواهندبود .

فإذا هم ينظرون

«إذا» برای مفاجات است که حاکی از ناگهانی انجام شدن مفاد آن است.

ص: 514

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 20 - 5

5- منکران معاد، پیش از برپایی قیامت و رویه رو شدن با مجازات الهی، درباره آن آگاهی و سابقه ذهنی دارند.

و قالوا یویلنا هذا یوم الدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که جمله «هذا یوم الدین» ادامه سخنان منکران معاد باشد. در این صورت سخن گفتن از روز جزا با اسم اشاره «هذا»، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 40 - 1

1- روز قیامت، میعاد و وعده گاه تمامی مجرمان و منکران معاد

إِنَّ یومَ الْفِصْلِ مِیْقَاتِهِمْ أَجْمَعِیْنَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مرجع ضمیر در «مِیْقَاتِهِمْ» مجرمان و منکران معاد باشد؛ همچون قوم «تَبِع» که در آیات پیشین به آنها اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 27 - 3، 2

2- ناراحتی و اضطراب شدید کافران و منکران معاد، در لحظه دیدن عذاب قیامت

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

زشت و کریه شدن کافران، به هنگام مشاهده قیامت، بیانگر ناراحتی و اضطراب شدید آنان در آن هنگام است.

3- سرزنش شدن کافران و منکران معاد، به هنگام برپایی قیامت

و قیلَ هَذَا الَّذِی كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت «و قیلَ هَذَا الَّذِی...» به انگیزه توییح به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 4 - 3

3 - منکران معاد، در قیامت به خطای خود واقف شده و حقانیت معاد را در خواهند یافت .

کلاً سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 5 - 4

4 - منکران معاد، در آخرت به حقانیت آن پی خواهند برد .

عمّ یتساءلون . . . ثمّ کلاً سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 9 - 1

ص: 515

1 - منکران معاد ، با چشمانی فروافتاده و در نهایت خواری و ذلت ، در صحنه قیامت ظاهر خواهند شد .

أبصرها خشعه

«خاشع» به شخصی گفته می شود که به زمین چشم دوخته باشد (لسان العرب). توصیف «أبصار القلوب» به آن، مجاز و حاکی از شدت ضعف و ذلت شخص است؛ تا آنجا که گویا قلب او که موجودی مستقل فرض شده است، دارای چشمانی است که خشوع و فروتنی، در آن جایگیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 12 - 3

3 - منکران معاد در قیامت ، زیان کاری خود را مشاهده کرده و به یکدیگر بازگو خواهند کرد .

قالوا تلک إذا کرّه خاسره

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منکران معاد در قیامت است.

276- مکذبان معاد و انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 6 - 3

3 - مصرف ثروت برای رفع نیازمندی های مردم ، در دیدگاه منکران معاد ، خسارتی سنگین و جبران ناپذیر است .

أهلکت مالاً لبدًا

انتخاب تعبیر «أهلکت» و پرهیز از گفتن «أنفقت» و نظایر آن، بیانگر این است که گوینده، مال های مصرف شده را «هلاک شده» می پندارد. این بیش ممکن است برخاسته از انکار پاداش انفاق، بر اثر انکار معاد باشد.

277- مکذبان معاد و رویت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 5، 2

2 - منکران معاد ، هنگام مرگ ملائکه را مشاهده خواهند کرد .

قال الذین لایرجون لقاءنا . . . یوم یرون الملائکه لایبشری یومئذ للمجرمین

مراد از «یوم» در آیه شریفه، هم می تواند هنگام مرگ باشد و هم می تواند روز قیامت. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

5- منکران معاد، با مشاهده ملائکه در قیامت، از آنان درخواست خواهند کرد که متعرض ایشان نشده و اقدامی علیه آنان انجام ندهند.

یوم یرون الملائکه لابیشری . . . و یقولون حجراً محجوراً

«حجراً محجوراً» سخنی است که عرب به هنگام رویه رو شدن با دشمن و یا هجوم بلا و حوادث هولناک می گوید و مقصود اصلی

ص: 516

در این کلام، امان خواستن و پناه بردن است.

278- مکذبان معاد و کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 20 - 5

5- منکران معاد، پیش از برپایی قیامت و رویه رو شدن با مجازات الهی، درباره آن آگاهی و سابقه ذهنی دارند.

و قالوا یویلنا هذا یوم الدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که جمله «هذا یوم الدین» ادامه سخنان منکران معاد باشد. در این صورت سخن گفتن از روز جزا با اسم اشاره «هذا»، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

279- مکذبان معاد و محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 30 - 6

6- خداوند تسلی بخش پیامبر(صلی الله علیه و آله) در برابر کارشکنیها و مخالفتهای مشرکان و منکران معاد

و قالوا این هی إلا حیاتنا دنیا .. و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بال

مخاطب مستقیم فعل «تری»، پیامبر(صلی الله علیه و آله) است، و این گونه خطا متضمن نوعی تسلیت و دلجویی از آن حضرت در برابر انکارها و مخالفتهای کافران است.

280- مکذبان معاد و نزول ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 1

1- روزی که خواسته مشرکان مجرم و منکران معاد مبنی بر نزول فرشتگان بر ایشان، تحقق یابد، روزی تلخ و ناخوشایند برای آنان خواهد بود.

و قال الذین لایرجون لقاءنا لولا أنزل علینا الملائکه .. یوم یرون الملائکه لایبش

281- منشأ استهزای معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 7

ص: 517

7- استهزا و ریشخند کردن مسأله معاد از سوی کافران ، معلول سطحی نگری آنان به مظاهر با ارزش حیات

أنبؤا ما كانوا به يستهزون . أولم يروا إلى الأرض

282- منشأ انحطاط مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 44 - 5

5- خداوند ، تکذیب کنندگان قرآن و معاد را به تدریج به ورطه سقوط می کشاند .

سنستدرجهم

«استدرج» (مصدر «سنستدرج») در اصل به معنای نزدیک کردن کسی به سوی چیزی است و مقصود از آن در این آیه، بردن و نزدیک کردن کافران به ورطه سقوط و هلاکت است؛ به گونه ای که خود متوجه آن نشوند (برگرفته از لسان العرب).

283- منشأ تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 38 - 11

11- انکار رستاخیز و معاد ، برخاسته از جهل و ناآگاهی است .

بلی وعدًا علیه حقًا و لکنّ أكثر الناس لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 16 - 4

4- انکار معاد ، ناشی از وسوسه های مرموز نفس و نه نارسایی برهان آن *

بل هم فی لبس من خلق جدید . . . و نعلم ما توسوس به نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 5 - 3

3- منشأ انکار معاد ، تمایل انسان به فسق و فجور است ؛ نه وجود شبهه ای علمی .

أیحسب الإنسان أنن نجتمع عظامه . . . بل یرید الإنسان لیفجر أمامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 2

2- انکار معاد ، برخاسته از ترک اندیشه و بررسی درباره آفریده های خداوند است .

أفلاینظرون

ص: 518

به قرینه آغاز و پایان این سوره، آیات مورد بحث درباره معاد و اثبات قدرت خداوند بر آن است.

284- منشأ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 16 - 7

7- هواهای نفسانی، ریشه اشکال تراشی در عقیده به معاد و مجازات های الهی در آخرت است.

فلا یصدنک عنها من... اتبع هو یه

285- منشأ شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 2

2- غفلت از قدرت نامحدود خدا، منشأ شک و تردید مشرکان عصر بعثت در امکان معاد و حیات دوباره انسان

یأیها الناس إن کنتم فی ریب من البعث فإنا خلقنکم

جواب شرط در جمله «إن کنتم فی ریب من البعث» حذف شده است و تقدیر آن چنین می باشد: «إن کنتم فی ریب من البعث فانظروا إلی بدء خلقکم؛ اگر در امکان برپایی رستاخیز تردید دارید، به آغاز پیدایش خود بنگرید». مقصود از جمله یاد شده این است که: همان طور که خداوند توانست انسان ها را در این نشأه بیافریند مسلماً قدرت آن را دارد که دوباره و در نشأه دیگر آنان را زنده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 4

4- سطحی نگری و غفلت از قدرت بی انت های خداوند، منشأ تردید و استبعاد کافران نسبت به مسأله رستاخیز

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون. و هو الذی یحی و یمیت... أفلا تعقلون... قا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 26 - 8

8- تردید در امکان و تحقق معاد، ناشی از جهل آدمیان است؛ نه معقول نبودن آن.

لاریب فیه و لکنّ أكثر الناس لا یعلمون

جمله «و لکنّ اکثر الناس لا یعلمون» می تواند جواب سؤال مقدر باشد؛ به این که اگر معاد، تردید را بر نمی تابد، پس انکار آن از چه رو است؟ قرآن پاسخ می دهد: بیشتر مردم جاهل اند و جهلشان آنان را به تمسک واداشته است؛ نه پیچدگی مسأله معاد.

ص: 519

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 36 - 7

7 - خداوند مردگان را در قیامت بر خواهد انگیزد.

و الموتی یبعثهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 5,7

5- خداوند ، پیشاپیش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسیقولون من یعیدنا

7- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به پاسخ گویی به مشرکان ، درباره پدید آورنده رستاخیز است .

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم اول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 6

6 - آفرینش انسان از زمین و بازگشت دوباره او به آن و نیز رستاخیز و معاد او ، به اراده و خواست خداوند است .

خلقنکم . . . نعیدکم . . . نخرجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 19 - 8,10

8 - حیات مجدد انسان ها در عالم آخرت ، به دست خداوند بوده و خارج از اختیار انسان ها است .

و كذلك تخرجون

مجهول آورده شدن فعل «تخرجون» می تواند اشاره به اختیاری نبودن بعث اخروی انسان ها داشته باشد و فعل های «یخرج الحی من»

«..» و «و یخرج المیت...» قرینه است بر این که فاعل فعل محذوف «تخرجون» خداوند است.

10 - پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان و موجود بی جان از جان دار ، نشانه قدرت مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

یخرج الحی من المیت . . . و كذلك تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 26 - 7

7 - مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل توانایی وی بر حشر انسان ها در قیامت است .

ثم إذا دعاكم دعوه . . . إذا أنتم تخرجون . و له من فی السموت و الأرض

«و له من فی السماوات و ..» می تواند به منزله دلیلی برای «ثم إذا دعاكم ... تخرجون» در آیه قبلی باشد.

ص: 520

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 13، 4، 2

2 - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

و هو الذی بیدؤا الخلق ثمّ یعیده

«ال» در «الخلق» به قرینه «تخرجون»، در آیات قبل، می تواند عهد باشد و منظور از آن انسان است.

4 - آفرینش نخست انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی او در عالم آخرت است .

و هو الذی بیدؤا الخلق ثمّ یعیده

13 - آفرینش نخست انسان ها و بازآفرینی آنان پس از مرگ ، مقتضای حکمت و عزت خداوند است .

و هو الذی بیدؤا الخلق ثمّ یعیده . . . و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 3

3 - مرگ انسان ها و حیات مجدد آنها ، به دست خداوند است .

ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 19، 12، 8

8 - احیای مجدد زمین مرده با باران ، نشانه ای گویا بر توان مندی خداوند در بازآفرینی انسان ها ، در قیامت است .

یحی الأرض بعد موتها إنّ ذلک لمحی الموتی

12 - بازآفرینی انسان ها در قیامت ، ناشی از رحمت خداوند است .

إلی ءاثر رحمت اللّٰه کیف یحی الأرض بعد موتها إنّ ذلک لمحی الموتی

19 - بازآفرینی انسان ها در قیامت ، برخاسته از قدرت مطلق خداوند است .

إنّ ذلک لمحی الموتی و هو علی کلّ شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 4

4 - انسان ها ، پس از مرگ ، از جانب خداوند مجدداً زنده خواهند شد .

ما خلقکم و لابعثکم إلیٰ کنفس وحده

287- منشأ معاد انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 11 - 1

1 - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

ص: 521

اللّٰهُ يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيْدُهُ

«ال» در «الخلق» عهد است و مراد از آن به قرینه «ترجعون» انسان هایند.

288- موانع تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 57 - 2

2 - اعتقاد به خالقیت خداوند ، ناسازگار با تکذیب معاد

نحن خلقنکم فلولا تصدّقون

آیه شریفه درصدد اثبات معاد است. به این صورت که اگر قبول دارید که ما شما را آفریده ایم، پس باید بپذیرید که می توانیم بار دیگر پس از مرگ شما را زنده کنیم. بنابراین راهی برای تکذیب رستاخیز - که پیامبران ما از آن خبر داده اند - ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 26 - 6

6 - ترس از خداوند و نگرانی از فرجام خویش ، پرهیز دهنده انسان از انکار معاد و باز دارنده او از طغیان گری و رویارویی با پیامبران

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

عبرت گرفتن از داستان فرعون، به معنای دوری از رفتار و عقاید او است که در آیات قبل نمونه های آن بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 5 - 7

7 - توجه به عجز انسان در برابر قدرت خداوند ، مانع انکار معاد

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

جمله «أهلکت مالاً لبدأً» (در آیه بعد)، می تواند حاکی از آن باشد که گوینده آن، به این دلیل انفاق ها را اتلاف مال می داند که منکر پاداش پس از مرگ است. در این صورت آیه شریفه، ریشه آن پندار را می زند و می گوید: مگر انسان گمان می کند که کسی قادر نیست او را حیات بخشیده و به او پاداش دهد که می گوید: انفاق هایم مایه اتلاف اموالم شد؟ آری خداوند بر اعاده او قدرتمند است؛ گرچه انفاق های چنین شخصی در آن روز پاداشی نخواهد داشت.

289- موانع شک در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 27 - 4

4- شناخت حاکمیت مطلق خداوند بر هستی و توجه به آن ، زداینده هرگونه شک و تردید درباره امکان معاد

ص: 522

لاریب فیه و لکنّ أكثر الناس لا یعلمون . و لله ملک السموت و الأرض و یوم تقوم ال

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند - پس از بیان «أكثر الناس لا یعلمون» - می تواند در مقام آگاه ساختن انسان و ارائه طریق درک حقیقت به او باشد.

290- مؤمنان به معاد در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 19

19- برخی از ساکنان شهر مسکونی اصحاب کهف ، به هنگام بیدار شدن آنان ، به حقانیت معاد معتقد بودند .

أعثرنا علیهم . . . إذ یتزعون بینهم أمرهم

291- مهلت به مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 5

5 - مهلت دادن به تکذیب گران ، جلوه کید و تدبیر خداوند علیه آنان است .

إنّ کیدی متین

جمله «إنّ کیدی متین» در مقام تعلیل برای «أملی لهم» است؛ یعنی، مهلت دادن ما به کافران، چنین است که ما کید و تدبیری متین و استوار درباره آنان اندیشیده ایم و این مهلت، جلوه همین تدبیر است.

292- میعاد اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 40 - 1

1- روز قیامت ، میعاد و وعده گاه تمامی مجرمان و منکران معاد

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مرجع ضمیر در «میقاتهم» مجرمان و منکران معاد باشد؛ همچون قوم «تبع» که در آیات پیشین به آنها اشاره شد.

293- نامه عمل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 523

4 - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بمایعون

به قرینه آیات پیشین - که درباره نامه های اعمال بود - می توان گفت: مراد از «وعاء» در «یوعون»، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

294- نزدیکی معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 4 - 4

4 - معاد و بر پایی جهان آخرت ، نزدیک است .

کلاً سیعلمون

295- نشانه های معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 11

11- توجه به علم و قدرت الهی و نمود های رستاخیز در طبیعت ، زدااینده هر شک در امکان معاد

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم .. أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم كيف بنینها ... و

خداوند در پاسخ به شبهات منکران معاد، در این آیات به سه نکته اشاره کرده است: 1- علم، 2- قدرت، 3 نمودهای رستاخیز در طبیعت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 5

5 - بازگشت های مکرر نزولات آسمانی و رویش گیاهان از دل زمین ، از نشانه های امکان معاد است .

ذات الرجوع .. ذات الصدع

توصیف آسمان و زمین به اوصاف یاد شده - در سیاق آیات معاد - به همسانی آن اوصاف، با اعاده انسان در آخرت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 7

7 - آفرینش شتر ، با ویژگی های برجسته آن ، نشان قدرت خداوند بر اعاده انسان ها است .

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

با توجه به این که آغاز سوره با یاد قیامت شروع شده، این آیات نیز ناظر به معاد و امکان آن خواهد بود.

ص: 524

296- نقش معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 116 - 4

4 - وجود معاد ، لازمه فرمان روایی مطلق و حاکمیت به حق خدا

أفحسبتم .. و أنکم إلینا لاترجعون . فتعلی اللّٰه الملک الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 10 - 11

11 - معاد ، عرصه رجوع و حضور در محضر خدا است .

أءنّآ لفی خلق جدید بل هم بلقاء ربّهم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 8 - 6

6 - رسیدن انسان به هدف آفرینش خود ، در گرو معاد او است .

عن النبأ العظیم .. و خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 4

4 - معاد ، تهدیدی برای مال دوستان و ناسپاسان

لکنود .. لحبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم إذا بعث ما فی القبور

297- نقش مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 23 - 4

4 - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

به قرینه آیات پیشین - که درباره نامه های اعمال بود - می توان گفت: مراد از «وعاء» در «یوعون»، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

298- نگرانی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 9 - 2

2- قیامت ، حادثه ای سنگین و با عظمت و صحنه سایه افکندن نگرانی و ترس بر منکران معاد

أبصرها خشعه

فروتنی و ذلت منکران معاد در صحنه قیامت، حاکی از عظمت و هول آور بودن آن است.

299- نهی از استهزای معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 4 - 2

2- خداوند ، منکران معاد را از شبیه افکنی و استهزا بر حذر ساخته است .

یتساءلون . . . مختلفون . کلاً سیعلمون

300- نهی از شبیه افکنی در معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 4 - 2

2- خداوند ، منکران معاد را از شبیه افکنی و استهزا بر حذر ساخته است .

یتساءلون . . . مختلفون . کلاً سیعلمون

301- نیات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 23 - 4

4- آگاهی خداوند از نیت ها و حالات درونی منکران معاد ، برخاسته از علم غیب اوست .

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره . . . لاجرم أن الله یعلم ما یسرّون

302- وسعت قدرت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 526

9 - خداوند ، بر انجام هر چیزی ، قادر است .

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

303- وضوح حتمیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 1 - 4

4 - حتمی بودن معاد ، امری روشن و باور کردن آن بی نیاز از تحقیق و بررسی است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 4 - 1

1 - معاد ، حقیقتی انکارناپذیر و غیر قابل تشکیک و تردید

كَلَّا

«کلا» برای ردع است و اندیشه یا گفتاری را که پیش از آن آمده، تخطئه می کند، این کلمه در آیه شریفه بر ناروا بودن تشکیک و اختلاف درباره معاد دلالت دارد.

304- وضوح دلایل معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 7 - 7

7 - دلایل و نشانه های معاد و رستاخیز ، چنان روشن و گویا است که هیچ تردیدی در آن باقی نمی گذارد .

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّارِيبٍ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 25 - 2

2- معاد، دارای دلایل روشن و متعدد

ءابتنا بیئت

ص: 527

305- وعده معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 2

2 - معاد و بازگشت انسان ها به سوی خدا ، وعده الهی است .

إلیه مرجعکم جمیعاً وعد اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 35 - 3

3 - وعده معاد و حیات دوباره انسان ها در قیامت ، یکی دیگر از مهم ترین پیام های پیامبر جامعه پس از نوح

أیعدکم . . . و کنتم تراباً و عظماً انکم مخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 18

18 - وعده ادیان الهی به معاد ، وعده ای پیشینه دار و پرسابقه در تاریخ بشر

أتعداننی أن أخرج . . . فیقول ما هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

تعبیر «الأولین»، نشان می دهد که مسأله معاد در میان جوامع بشری، از دیر زمان مطرح بوده است.

306- ویژگیهای معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 9

9- معاد انسان ، معاد جسمانی و دارای خصوصیات بدن دنیوی وی است . *

لقد جنّتمونا کما خلقنکم أوّل مرّه

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به خلقت آغازین آن ها در دنیا، این اقتضا را دارد که در خصوصیات عمده، با مانند جسمانی بودن، با هم مشابهت داشته باشند.

307- ویژگیهای مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 2

2 - بصیر بودن خداوند به ویژگی های منکران معاد ، دلیل لزوم محشور ساختن آنان و حسابرسی از آنها است .

ظنّ أن لن یحور . بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

ص: 528

308- هشدار به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 28 - 3

3 - بسیاری از آیات قرآن، هشدار دهنده مردم درباره معاد و حسابرسی در قیامت است.

لایرجون حساباً . و کذبوا بایتنا کذاباً

جمع بودن «آیات» بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه «حساباً» - در آیه قبل - موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

309- هشدار به مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 69 - 1

1 - عبرت گرفتن از سرنوشت مجرمان گذشته تاریخ، هشدار خداوند به منکران معاد

وقال الذین کفروا. .. إن هذا إلا أسطیر الأولین . قل سیروا فی الأرض فانظروا ک

310- هلاکت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 4

4 - آفریدگار جهان، قادر بر نابود ساختن کافران و منکران معاد *

و کم أهلکنا . . . ولقد خلقنا السموت و الأرض

بنابراین که تذکر به خالقیت خداوند، در ادامه آیات تهدیدی (کم أهلکنا قبلهم من قرن) باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

معادشناسی

311- زمینه معادشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- توجه به مبدأ پیدایش بشر و سیر تکوین او، راهنمای انسان‌ها به مسأله معاد

إِنَّا خَلَقْنَهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ

مطلب یاد شده، از یادآوری مسأله پیدایش بشر برای منکران قیامت استفاده می‌شود.

ص: 529

312- معادشناسی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 14 - 3

3 - ابلیس، آگاه به پیدایش نسلهایی از آدم و وجود رستاخیز برای ایشان

أنظرنی إلی یوم یبعثون

ص: 530

1- پیدایش معادن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 9

9- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 21 - 2

2- رویش متناسب گیاهان و پدیده های معدنی و اعطای مواهب و وسایل معیشت ، از خزانه الهی است .

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون. و جعلنا لکم فیها معیش و من لستم له برزقین . و ا

2- تناسب مواد معدنی معادن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 7

7- تمامی پدیده های معدنی ، دارای اجزای متناسب و موزون است .

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

ص: 531

3- توزین مواد معدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 10

10- « عن أبي جعفر (ع) في قوله « و أنبتنا فيها من كلّ شيء موزون » فرمود: فإن الله تبارك و تعالی أنبت في الجبال الذهب و الفضة و الجواهر و الصفر و النحاس و الحديد و الرصاص و الكحل و الزرنيخ و أشباه هذه لا تباع إلاّ وزناً؛

از امام باقر(ع) در باره سخن خدا «و أنبتنا فيها من كلّ شيء موزون» روایت شده است که فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - در کوهها طلا، نقره، سنگهای قیمتی، فلز برنج، مس، آهن، سرب، زرنيخ و امثال اينها را رويانيد، و اين اشيا فقط با وزن فروخته می شوند».

4- مکان پیدایش معادن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 8

8- کوه ها ، محل پیدایش معادن

و أنبتنا فيها من كلّ شيء موزون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر «فيها»، «رواسی» باشد. در این صورت مراد آیه، پیدایش معدنها خواهد بود.

ص: 532

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

